



**دانشگاه آزاد اسلامی واحد** **خرمشهر-خليج فارس**

**دانشکده علوم انسانی**

**گروه علوم سیاسی**

**پایان‌نامه برای دریافت درجه دکترای تخصصی در رشته علوم سیاسی گرایش: مسایل ایران**

عنوان پایان نامه

**نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان**

**استاد راهنما**

**دکتر فریدون اکبرزاده**

**دکتر حسین کریمی فرد**

**استاد مشاور**

**دکتر لنا عبدالخانی**

**نگارنده**

**عزیز حیدری کیا**

**آبان ماه 1399**

|  |  |
| --- | --- |
| یَرفَعُ اللهَ الذیِنَ آمَنوُا مِنکُم وَ الذیِنَ اوُتوالعِلم دَرَجَات**« قرآن کریم »** | C:\Users\Ebrahimi\Pictures\untitled.bmp |
| **تصـویب نامــه** | |

پايان نامه آقاي/خانم **عزیز حیدری کیا** دانشجوي مقطع دکتری رشته **علوم سیاسی** گرايش **مسائل ایران**

باعنوان **نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان** در جلسه مـورخ....................................... تحت نظارت شـورای پایان نامـه متشکل از اسـتادان زیر با درجه ....................................... و نمره ............................. مورد تأیید قرار گرفت.

1- استاد ( استادان) راهنما : جناب آقاي/سركارخانم دکتر فریدون اکبر زاده امضاء

2- استاد ( استادان) راهنما: جناب آقاي/سركارخانم دکتر حسین کریمی فرد امضاء

3-استاد ( استادان) مشاور : جناب آقاي/سركارخانم دکتر فریدون اکبر زاده امضاء

4- استاد داور داخل گروه: جناب آقاي/سركارخانم امضاء

5- استاد داور خارج گروه: جناب آقاي/سركارخانم امضاء

6- استاد داور خارج گروه: جناب آقاي/سركارخانم امضاء

مدير گروه تحصيلات تكميلي معاون آموزشي و پژوهشي دانشكده

نام و نام خانوادگي نام و نام خانوادگي

تاريخ و امضاءتاريخ و امضاء

**واگذاري حقوق**

**كليه حقوق مادي و معنوي برگرفته از مطالعات،**

**ابتكارات و نوآوري هاي اين پايان نامه متعلق به**

**دانشگاه آزاد اسلامي واحد خرمشهر-خليج فارس است.**

به نام خدا

**منشور اخلاق پژوهش**

با یاری از خداوند سبحان و اعتقاد به اینکه عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظر به اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری ما دانشجویان و اعضاء هیأت علمی واحد های دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت‌های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

1. **اصل حقیقت جویی:** تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی حقیقت.
2. **اصل رعایت حقوق:** التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهیدگان (انسان، حیوان و نبات) وسایر صاحبان حق.
3. **اصل مالکیت مادی و معنوی:** تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه همکاران پژوهش.
4. **اصل منافع ملی**: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.
5. **اصل رعایت انصاف و امانت:** تعهد به اجتناب از هرگونه جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
6. **اصل رازداری:** تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهاد های مرتبط با تحقیق.
7. **اصل احترام:** تعهد به رعایت حریم‌ها و حرمت‌ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب نقد و خود داری از هرگونه حرمت شکنی.
8. **اصل ترویج:** تعهد به رواج دانش و ارائه نتایج تحقیقات و انتقال آن به همکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
9. **اصل برائت:** التزام به برائت جویی از هرگونه رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به مثابه های غیر علمی می آلایند.

**امضاء** پژوهشگر: امضاء استاد/استادان راهنما: امضاء استاد/استادان مشاور



**تعهد نامه اصالت پایان نامه كارشناسی ارشد یا رساله دکترای تخصصي**

اینجانب **عزیز حیدری کیا** دانش آموخته مقطع دکتری رشته **علوم سیاسی** که در تاریخ .......................................................... از پایان نامه/ رساله خود تحت عنوان: **نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان** دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می­شوم:

1- این پایان نامه/ رساله حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و.....) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و قوانین موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست منابع درج نموده­ام.

2- این پایان نامه/ رساله قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی در مقاطع مختلف پایین­تر و یا بالاتر و همچنین در سایر دانشگاه­ها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

3- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و... را از این پایان نامه داشته باشم، حتماً با هماهنگی و کسب اجازه از معاونت پژوهش و فناوری واحد خود اقدام خواهم نمود.

4- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود عواقب ناشی از آن را می پذیرم و واحد دانشگاهی اینجانب مجاز است مطابق با ضوابط و مقررات با بنده رفتار نماید.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء

**تقديم به:**

**تقدیم به روح پاک برادر و خواهرم**

**به پاس عاطفه سرشار و گرمای امید بخش وجودشان که در سردترین روزگاران بهترین پشتیبان بود..**

**به: همسرم، اسطوره ی زندگیم،پناه خستگی ام و امید بودنم که با حضور و همراهی اش همیشه راه را به من نشان داده و مرا در این راه استوار و ثابت قدم نموده است..**

**سپاسگزاری**

**با تقدیر و تشکر شایسته از اساتید فرهیخته و فرزانه جناب آقای دکتر اکبرزاده و جناب آقای دکتر کریمی فرد که با راهنمایی ها و همدلی و همراهی شان بسیاری از سختی ها را آسان نمودند.**

**و با سپاس بیکران از استاد گرامی سرکار خانم عبدالخانی که با نکته های دلاویز و گفته های بلند همواره راهنما و راه گشای اینجانب در اتمام و اکمال پایان نامه بوده‌اند.**

**و همچنین تشکر خالصانه از اساتید گرانمایه که زحمت داوری این پایان نامه را برعهده داشته‌اند.**

**فهرست مطالب**

**عنوان صفحه**

[چکیده **Error! Bookmark not defined.**](#_Toc55142668)

[فصل اول: کلیات 2](#_Toc55142669)

[1-1- بیان مساله 2](#_Toc55142671)

[1-2- اهمیت و ضرورت انجام تحقيق 3](#_Toc55142672)

[1-3- پیشینه پژوهش 4](#_Toc55142673)

[1-4- اهداف تحقیق 11](#_Toc55142674)

[1-4-1- هدف اصلی 11](#_Toc55142675)

[1-4-2- اهداف فرعی 11](#_Toc55142676)

[1-5- سؤالات تحقیق 12](#_Toc55142677)

[1-5-1- سوال اصلی 12](#_Toc55142678)

[1-5-2- سوال‌های فرعی 12](#_Toc55142679)

[1-6- فرضيه‏هاي تحقیق 12](#_Toc55142680)

[1-6-1- فرضیه‌ی اصلی 12](#_Toc55142681)

[1-6-2- فرضیه‌های فرعی 12](#_Toc55142682)

[1-7- روش شناسی تحقیق 12](#_Toc55142683)

[1-8- تعريف واژه‏ها و اصطلاحات فني و تخصصی (به صورت مفهومی و عملیاتی) 20](#_Toc55142684)

[1-8-1- تعریف مفهومی 20](#_Toc55142685)

[1-8-2- تعریف عملیاتی 21](#_Toc55142686)

[1-9- مدل مفهومی‌تحقیق 21](#_Toc55142687)

[فصل دوم: چهارچوب نظری 23](#_Toc55142688)

[2-1- مبانی نظری نقش نفت دراقتصاد 23](#_Toc55142690)

[2-2- اقتصاد نفتی و رشد اقتصادى در ایران 24](#_Toc55142691)

[2-3- توسعه نفت‌محور 25](#_Toc55142692)

[2-4- سهم نفت در بودجه عمومی 27](#_Toc55142693)

[2-5- سهم نفت در تولید ناخالص داخلی 27](#_Toc55142694)

[2-6- سهم نفت در رشد اقتصادی 28](#_Toc55142695)

[2-7- نقش نفت در بی‌ثباتی اقتصاد 29](#_Toc55142696)

[2-8- اقتصاد سیاسی نفت 29](#_Toc55142697)

[2-9- زمینه‌هاي تاریخی تحول در سیاستگذاري اقتصاد سیاسی نفت 31](#_Toc55142698)

[2-10- اقتصاد سیاسی نفت در نگرش راهبردي آمریکا 35](#_Toc55142699)

[2-11- تأثیر مؤلفه‌هاي راهبردي آمریکا در سیاستگذاري اقتصاد سیاسی نفت 39](#_Toc55142700)

[2-12- نفت و شاخص رفع فقر 44](#_Toc55142701)

[2-13- نفت و شاخص بیکاری 48](#_Toc55142702)

[2-14- نفت و شاخص نابرابری 52](#_Toc55142703)

[فصل سوم: نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران 74](#_Toc55142704)

[3-1- مبانی نظری نقش نفت در ساختار اجتماعی جامعه **Error! Bookmark not defined.**](#_Toc55142706)

[3-2- بررسی مفهوم سرمایه اجتماعی و ساختار اجتماعی 59](#_Toc55142707)

[3-3- کمبود ژنتیک سرمایه اجتماعی در ایران 61](#_Toc55142708)

[3-4- نقش نفت در ساختار اجتماعی 64](#_Toc55142709)

[3-5- بررسی نقش نفت در توسعه اقتصادی و اجتماعی 66](#_Toc55142710)

[3-6- تحلیل رابطه ی نفت و سرمایه ی اجتماعی 70](#_Toc55142711)

[فصل چهارم: تجزیه وتحلیل داده ها 84](#_Toc55142712)

[4-1- یافته‌های توصیفی 100](#_Toc55142714)

[4-1-1- موقعیت جغرافیایی 100](#_Toc55142715)

[4-1-1-1- توپوگرافی 100](#_Toc55142716)

[4-1-2- اجتماعی 101](#_Toc55142717)

[4-1-2-1- تعداد جمعیت 101](#_Toc55142718)

[4-1-2-2- نسبت جنسی 102](#_Toc55142719)

[4-1-2-3- میانه سنی 102](#_Toc55142720)

[4-1-2-4- تفکیک گروه‌های سنی 103](#_Toc55142721)

[4-1-2-5- میانگین سنی 104](#_Toc55142722)

[4-1-2-6- نرخ رشد جمعیت 105](#_Toc55142723)

[4-1-2-7- بعد خانوار 105](#_Toc55142724)

[4-1-2-8- امید به زندگی 106](#_Toc55142725)

[4-1-2-9- نسبت شهرنشینی 107](#_Toc55142726)

[4-1-2-10- مهاجرت 108](#_Toc55142727)

[4-1-2-11- مهاجرت‌های درونی استانی 108](#_Toc55142728)

[۴-2- اقتصادی 112](#_Toc55142729)

[4-2-1- تعداد کارگاه‌های 112](#_Toc55142730)

[4-2-2- توزيع شاغلين 112](#_Toc55142731)

[۴-2-3- شهرک‌های صنعتی 113](#_Toc55142732)

[4-2-3-1- سکونتگاه‌ها برحسب کارکردهای اقتصادی، اجتماعی 116](#_Toc55142733)

[4-3- کارکردهای استان در سه سطح ملی، منطقه‌ای و درون منطقه‌ای بر اساس در آمد 120](#_Toc55142734)

[4-3-1- کارکردهای سطح ملی 120](#_Toc55142735)

[4-3-1-1- مقایسه نرخ رشد سالانه استان و کشور 120](#_Toc55142736)

[4-4- تحلیل مصاحبه‌ها 142](#_Toc55142737)

[4-4-1- ویژگی‌های مشترک مصاحبه شوندگان 143](#_Toc55142738)

[4-4-2- وضعیت اقتصادی 143](#_Toc55142739)

[4-4-3- وضعیت اجتماعی 145](#_Toc55142740)

[4-4-4- کالبدی و فضایی 146](#_Toc55142741)

[4-5- مدل راهبردی 147](#_Toc55142742)

[4-5-1- ارزیابی عوامل داخلی (قوت و ضعف) 148](#_Toc55142743)

[4-5-2- فرصت و تهدید عوامل خارجی (فرصت و تهدید) 150](#_Toc55142744)

[4-5-3- راهبردهای پیشنهادی 153](#_Toc55142745)

[4-5-4- جمع بندی راهبردهای داخلی و خارجی 161](#_Toc55142746)

[فصل پنجم: نتیجه گیری وپیشنهادات 163](#_Toc55142747)

[5-1-مقدمه 163](#_Toc55142749)

[5-2- بحث و نتیجه گیری 164](#_Toc55142750)

[5-3- پیشنهادات 172](#_Toc55142751)

[5-4- پیشنهادات پژوهشی 173](#_Toc55142752)

[منابع فارسی 175](#_Toc55142753)

[منابع انگلیسی 180](#_Toc55142754)

**فهرست جدول ها**

**عنوان صفحه**

[جدول 2-1- درصد خانوارهای زیر خط فقر نسبی 45](#_Toc55143519)

[جدول 2-2- شاخص بهای کالاها و خدمات در مناطق شهری ایران در سال‌های منتخب 47](#_Toc55143520)

[جدول 2-3- درصد نرخ تورم در سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ 47](#_Toc55143521)

[جدول 2-4- نرخ تورم در سال‌های افزایش یا کاهش شدید درآمد نفت 48](#_Toc55143522)

[جدول ۴-1- تعداد جمعیت استان خوزستان بین سال ۱۳۵۵-۱۳۹۵ 101](#_Toc55143523)

[جدول ۴-2- نسبت جنسی جمعیت استان خوزستان به تفکیک شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ 102](#_Toc55143524)

[جدول ۴-3- میانه سنی جمعیت استان خوزستان، به تفکیک جنس و شهری و روستایی 102](#_Toc55143525)

[جدول ۴-4- جمعیت استان به تفکیک گروه‌های سنی در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۵ 103](#_Toc55143526)

[جدول ۴-5- پیش بینی جمعیت استان به تفکیک گروه‌های سنی در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۵ 103](#_Toc55143527)

[جدول ۴-6- درصد جمعیت استان به تفکیک گروه‌های سنی در سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۹۵ 104](#_Toc55143528)

[جدول ۴-7- میانگین سنی جمعیت استان خوزستان به تفکیک جنس در سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵ 104](#_Toc55143529)

[جدول ۴-8- نرخ رشد جمعیت استان خوزستان و نقاط شهری و روستایی (ارقام به درصد) 105](#_Toc55143530)

[جدول ۴-9- بعد خانوار جمعیت استان برحسب شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۵۵ - ۱۳۹۵ 105](#_Toc55143531)

[جدول ۴-۱0- امید به زندگی جمعیت‌های شهری و روستایی استان خوزستان به تفکیک جنس 106](#_Toc55143532)

[جدول ۴-11- پیش بینی امید به زندگی 106](#_Toc55143533)

[جدول ۴-12- نسبت شهرنشینی جمعیت استان خوزستان در مقایسه با کشور در بین سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵ 107](#_Toc55143534)

[جدول ۴-13- مهاجران وارد شده و خارج شده استان خوزستان برحسب جنس و به تفکیک شهری و روستایی 108](#_Toc55143535)

[جدول ۴-14- موازنه مهاجرتی شهرهای استان خوزستان 108](#_Toc55143536)

[جدول ۴-14- دلایل مهاجران وارد شده به نقاط شهری و روستایی استان خوزستان 111](#_Toc55143537)

[جدول 4-15- شاخص‌های کلیدی بازار کار استان خوزستان در سال 1395 115](#_Toc55143538)

[جدول ۴-16- تعداد شاغلین نقاط شهری شهرهای استان به تفکیک بخش‌های سه گانه در سال 1395 116](#_Toc55143539)

[جدول ۴-17 سهم اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی و سهم اشتغال به تفکیک خصوصی عمومی‌ 117](#_Toc55143540)

[جدول 4-18- سهم اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی و سهم اشتغال به تفکیک خصوصی – عمومی‌ 118](#_Toc55143541)

[جدول ۴-19- منابع درآمدی استان خوزستان در سال 1395 119](#_Toc55143542)

[جدول 4-20- سهم تولید ناخالص داخلی و بخش‌های کلیدی استان (با احتساب درآمدهای نفتی) 120](#_Toc55143543)

[جدول 4-21- تولید ناخالص داخلی و رتبه 15 استان برتر کشور در سال‌های 1385 و 1395 122](#_Toc55143544)

[جدول 4-22- تغییر سهم استان خوزستان از فعالیت معدن در کشور با احتساب درآمدهای نفتی 123](#_Toc55143545)

[جدول 4-23- تغییر رتبه فعالیت معدن و صنعت استان خوزستان در بین پنج استان نخست کشور 123](#_Toc55143546)

[جدول 4-24- تغییر سهم استان خوزستان از فعالیت‌های صنعتی برگزیده در کشور با احتساب درآمدهای نفتی 125](#_Toc55143547)

[جدول 4-25- تغییر سهم استان خوزستان از فعالیت‌های تسهیلات عمومی‌در کشور با احتساب درآمدهای نفتی 128](#_Toc55143548)

[جدول 4-26- تغییر رتبه فعالیت‌های تسهیلات عمومی استان خوزستان در بین پنج استان نخست کشور 129](#_Toc55143549)

[جدول ۴-27- تغییر سهم استان خوزستان از فعالیت‌های خدمات اقتصادی در کشور 130](#_Toc55143550)

[جدول ۴-28- تغییر رتبه فعالیت‌های خدمات اقتصادی استان خوزستان در بین پنج استان نخست کشور 131](#_Toc55143551)

[جدول ۴-29- تغییر سهم استان خوزستان از فعالیت‌های خدمات اقتصادی حمل ونقل و ارتباطات 131](#_Toc55143552)

[جدول 4-30- تغییر رتبه فعالیت‌های خدمات اقتصادی حمل و نقل و ارتباطات واسطه‌گری مالی مستغلات 133](#_Toc55143553)

[جدول ۴-31- تغییر سهم استان خوزستان از فعالیت‌های خدمات امور عمومی‌کشور 134](#_Toc55143554)

[جدول 4-32- تغییر رتبه فعالیت‌های خدمات امور عمومی استان خوزستان بین پنج استان نخست کشور 135](#_Toc55143555)

[جدول ۴-33- تغییر سهم استان خوزستان از خدمات امور اجتماعی کشور با احتساب درآمدهای نفتی 136](#_Toc55143556)

[جدول 4-34- تغییر رتبه خدمات امور اجتماعی استان خوزستان بین پنج استان نخست کشور 137](#_Toc55143557)

[جدول 4-35- سهم فعالیت‌های استان خوزستان با درآمدهای نفتی و بدون درآمدهای نفتی 138](#_Toc55143558)

[جدول 4-36- تولید ناخالص داخلی استان خوزستان و کشور با احتساب و بدون احتساب درآمدهای نفتی 139](#_Toc55143559)

[جدول 4-37- جمعیت و سرانه تولید ناخالص داخلی با احتساب و بدون احتساب با احتساب درآمدهای نفتی 140](#_Toc55143560)

[جدول ۴-38- کد، مفهوم و مقوله استخراج شده از متن مصاحبه شوندگان 143](#_Toc55143561)

[جدول ۴-39- کد، مفهوم و مقوله استخراج شده از متن مصاحبه شوندگان 145](#_Toc55143562)

[جدول ۴-40- کد، مفهوم و مقوله استخراج شده از متن مصاحبه شوندگان 146](#_Toc55143563)

[جدول ۴-41- ماتریس ارزیابی عوامل داخلی 148](#_Toc55143564)

[جدول 4-42- شدت‌های وزنی نهانی 152](#_Toc55143565)

[جدول 4-43- تعیین حوزه راهبردی 152](#_Toc55143566)

[جدول 4-44- ماتریس داخلی و خارجی (IE) 153](#_Toc55143567)

**فهرست اشکال**

**عنوان صفحه**

[شکل 1-1- مدل مفهومی ‌تحقیق 22](#_Toc55143848)

[شکل 4-1- معرفی بخش‌های مختلف فصل چهارم 84](#_Toc55143849)

[شکل 4-2- تعیین حوزه راهبردی 153](#_Toc55143850)

**فهرست نقشه**

**عنوان صفحه**

[نقشه ۴-۱- موقعیت استان خوزستان 100](#_Toc55144905)

**فهرست نمودار**

**عنوان صفحه**

[نمودار 2-1- نسبت درآمدهای نفتی به کل مخارج دولت - درصد 28](#_Toc55144338)

[نمودار 2-2- روند کاهش تولید نفت آمریکا در مقیاس جهانی 38](#_Toc55144339)

[نمودار 2-3- فرآیند تغییرات قیمت انرژي در مقیاس جهانی 39](#_Toc55144340)

[نمودار 2-4- فرآیند نزولی کشف منابع نفتی جدید در مقیاس بازار تقاضا و مصرف جهانی 40](#_Toc55144341)

[نمودار 2-5- مصرف بخش‌هاي مختلف انرژي در اقتصاد جهانی 42](#_Toc55144342)

[نمودار ۴-۱- توزیع فراوانی تعداد جمعیت استان خوزستان بین سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵ 102](#_Toc55144343)

[نمودار ۴-۲- درصد جمعیت شهرنشینی استان با کل کشور 107](#_Toc55144344)

[نمودار 4-3- موازنه مهاجرتی شهرستان‌های استان 110](#_Toc55144345)

[نمودار 4-4- موازنه مهاجرتی شهرستان‌های استان با ذر بین کل مهاجرت‌های داخلی 110](#_Toc55144346)

[نمودار ۴-5- توزیع تعداد کارگاه‌های بزرگ صنعتی استان خوزستان ۱۳۹۲ 112](#_Toc55144347)

[نمودار ۴-6- توزیع تعداد شاغلین کارگاه‌های بزرگ صنعتی استان خوزستان ۱۳۹۲ 113](#_Toc55144348)

[نمودار ۴-7- تغییرات سهم نفت خام و گاز طبیعی استان خوزستان در ارزش افزوده بخش نظیر در کشور 124](#_Toc55144349)

[نمودار ۴-8- تغییرات سهم ارزش افزوده استان خوزستان در فعالیت‌های صنعتی و سایر معادن کشور 125](#_Toc55144350)

[نمودار 4-9- تغییرات سهم ارزش افزوده استان خوزستان در فعالیت‌های صنعتی برگزیده کشور 127](#_Toc55144351)

[نمودار ۴-10- تغییرات سهم ارزش افزوده استان خوزستان در فعالیت‌های ساختمان و تسهیلات عمومی‌کشور 130](#_Toc55144352)

[نمودار ۴-11- فعالیت‌های خدمات اقتصادی استان خوزستان در ارزش افزوده بخش های نظیر در کشور 131](#_Toc55144353)

[نمودار ۴-12- تغییرات سهم ارزش افزوده استان خوزستان در فعالیت خدمات حمل و نقل و خدمات مالی 134](#_Toc55144354)

[نمودار ۴-13- تغییرات سهم ارزش افزوده استان خوزستان در فعالیت امور عمومی‌به قیمت جاری 135](#_Toc55144355)

[نمودار ۴-14- تغییرات سهم ارزش افزوده استان خوزستان در فعالیت امور اجتماعی 137](#_Toc55144356)

[نمودار ۴-15- مقایسه سهم ارزش افزوده گروه‌های عمده فعالیت اقتصادی در تولید ناخالص داخلی استان 139](#_Toc55144357)

[نمودار 4-16- سهم تولید ناخالص داخلی استان خوزستان و کشور با نفت و بدون نفت 140](#_Toc55144358)

**چکیده**

با توجه به اینکه خوزستان استانی است که در غرب ایران و بر کرانه خلیج فارس واقع شده است و مرکز تولید نفت و گاز ایران به‌شمار می‌آید، لذا پژوهش حاضر درصدد است به بررسی نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان بپردازد.

روش به کار برده شده در این تحقیق در قالب آمیخته ( کمی- کیفی ) بوده که در بخش کیفی با بهره گیری از روش گرندد تئوری و مصاحبه با 15 نفر که همگی از اساتید و اعضای هیات علمی و مدیران و فعالان در پالایشگاه با بیش از حداقل 5 سال سابقه کار مفید در این حیطه بودند را به خود اختصاص داده و در نهایت با کد گذاری نتایج ارائه و ( در 5 مبحث شرایط علی، عوامل زمینه ای، شرایط مداخله گر، رهبردها و پیامد ها) دسته بندیو مورد بررسی قرار گرفت در مبحث کمی نیز اطلاعات کسب شده با بهره گیری از مشارکت کلیه کارکنان و مدیران پالایشگاه خوزستان حاصل شده که با بهره گیری از جدول مورگان نمونه به دست آمده 300 نفر محاسبه شده که اطلاعات به دست آمده در این مبحث نیز با بهره گیری از 2 پرسشنامه محقق ساخته ( باز و بسته پاسخ ) به دست آمده است همچنین در ادامه تحقیق از تکنیکswot جهت شناسایی نقاط قوت، ضعف، توانمندی‌ها و تهدید های استان بهره گرفته شده است، ماحصل یافته‌ها نشان داد که نفت می‌تواند نقش بالفعل و بالقوه‌ای بر ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان داشته باشد.

نتایج محاسبه شده از آزمون فرضیات در این تحقیق گویای این امر است که تمامی فرضیات به دلیل اینکه کمتر از 05/0 محاسبه شده اند لذا فرض صفر رد شده و فرض مفابل تحقیق با اطمینان 95 درصد تایید می گرددو در نهایت نقش نفت در ساختار های اقتصادی و اجتمناعی به دلیل تغییراتی که در امور حاصل می نماید تایید می گردد

**کلمات کلیدی: نفت، ساختار اقتصادی، ساختار اجتماعی، استان خوزستان**

فصل اول

کلیات

* 1. مقدمه

این تحقیق با هدف نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان در دست انجام است، لذا در این فصل که به کلیات تحقیق اختصاص دارد، محقق در نظر دارد به مباحث کلی تحقیق، مانند مقدمه، بیان مساله، ، ضرورت و اهمیت تحقیق، پیشینه تحقیق، اهداف تحقیق، سوالات، فرضیات، روش شناسی ، قلمرو، داده ها و روش ها ، و تعاریف نظری و عملیاتی و سپس جمع بندی از فصل را در بر گرفته است .

* 1. بیان مساله

با توجه به اینکه ایران یکی از بزرگترین کشور های آسیای غربی با ذخایر غنی( سوخت های فسیلی ) علی الخصوص نفتی و گازی است، و با اینکه یکی از بزرگترین قطب های اقتصادی در مبحث انرژی در جهان محسوب می شود ولیکن در کنار بزرگترین مصرف کننده‌ گان عظیم انرژی( سوخت های فسیلی ) نیز قرار دارد. که همه و همه به دلیل جمعیت بالا، گستردگی مساحت و برنامه های صنعتی و توسعه ی شهری و... همگی از عوامل مهم بازار مصرف در کشور به شمار رفته و طبیعی است که مصارف متنوعی برای انرژی داشته باشد (ملکی، 1389). لذا از این بین درآمدهای نفتی به عنوان یک متغیر مستقل نقشی اساسی در اقتصاد سیاسی کشور ایفا می نمایدو این وابستگی دولت‌ها در ایران به نفت و درآمدهای نفتی سبب تک اقتصادی شدن کشور شده و تنوع عظیمی از انرژی و پتانسیل های اقتصادی که در کشور وجود دارند نا دیده و بی ارزش انگاشته شوند (خضری،1381). با توجه به اینکه منابع نفت ذخایر با ارزشی هستند که جزء ثروت ملّی محسوب می‌شوند، اما تجربه نشان داده است که در بسیاری کشورهای صاحب منابع انرژی، این ماده سبب اختلال در توسعه شده است. از سویی شاهد بوده‌ایم که کشورهایی که فاقد ذخایر ارزشمندی نظیر نفت هستند مانند مالزی، کره جنوبی و ...، به پیشرفت‌های بسیاری نائل آمده‌اند، اما بعضی از کشورهای صاحب نفت مانند ایران به دلیل تک وابستگی به ( نفت) از این کشورها عقب مانده‌اند. و این عقب ماندگی را نمی‌توان به حساب ذخایر باارزش آنها نهاد، بلکه باید آن را در چگونگی مصرف درآمد حاصل از آن ذخایر و نیز استراتژی توسعه‌ای صرفاً متکی بر نفت جستجو کرد (علیخانی،1380).

رابطه معکوس بین وفور منابع طبیعى و رشد اقتصادى، تضادی مفهومى ایجاد مى‌کند؛ زیرا منابع طبیعى، زمینه‌های توسعه کشور را فراهم می‌نمایند و قدرت خرید واردات را افزایش مى‌دهند، بنابراین انتظار مى‌رود که سرمایه‌‌گذارى و توسعه را تقویت کنند. در بسیارى از اقتصادهاى نفتى قصد بر آن بوده است که با به‌کارگیرى درآمدهاى وسیع نفتى، سرمایه‌گذارى‌هاى متنوع تأمین مالى شوند و توسعه صنعتى تسریع گردد (سلطانی،1391)، اما چرا این‌گونه نشده است؟ سؤال دیگر اینکه فرایند توسعة نسبی این قبیل کشورها با محوریت نفت چه پیامدهای احتمالی دارد؟

از حیث اجتماعی نفت سبب جدایی دولت از مردم و سلطه آن بر جامعه می‌گردد. در اقتصادهای غیرنفتی، درآمد دولت عمدتاً از محل جمع‌آوری مالیات است، اما در کشورهای نفت‌خیز توسعه‌نیافته و درحال‌رشد بخش زیادی از درآمد دولت از محل صادرات نفت است. در نظریه‌هاى مربوط به آثار سوء منابع، بحث افزایش تمرکز دولت از دو کانال ناکامى دولت در فرآیند توسعه اقتصادى و انجام دادن وظایف مورد نیاز براى آن، و نیز فقدان دموکراسى در کشورهاى صادرکننده منابع طبیعى تحلیل مى‌گردد (کردار زاده، 1390). در این نظریه‌ها چهار عامل ذیل در افزایش تمرکز دولت مهم تلقی می‌گردند: 1ـ مالیات: زمانى که دولت درآمد کافى از صادرات منابع طبیعى در اختیار دارد، مالیات کمترى وضع مى‌کند و در مقابل مردم نیز تقاضاى کمترى براى پاسخگویى دولت دارند؛ 2ـ مخارج: دولت از طریق مخارج خود براى کسب قیومیت بیشتر استفاده مى‌کند که مانع ایجاد فشار از سوى مردم براى ایجاد دموکراسى مى‌شود؛ 3ـ شکل‌نگرفتن گروه‌ها: دولت از رانت حاصل شده از منابع طبیعى براى جلوگیرى از شکل‌گیرى گروه‌هاى اجتماعى مستقل، که ممکن است خواهان حقوق سیاسى بیشتر باشند، استفاده مى‌کند؛ 4ـ توسعه پیدا نکردن آموزش: دولت در کشورهاى صادرکننده منابع طبیعى به توسعه کیفى آموزش توجهی ندارد (نصری، 1390).

از سال 1280 که اولین چاه‌های نفت ایران در خوزستان کشف شد بیش از یک قرن می‌گذرد. از آن روز تا کنون تحولات عمده‌ای در ایران و جهان اتفاق افتاده است و شاید یکی از مهم ترین این تحولات بحث نفت باشد. خوزستان در گذشته منطقه ای نسبتاً کوهستانی با تابستان‌های گرم و بادهای سوزان، که شرایط طاقت فرسایی را برای ساکنان خود تحمیل می‌کرد. اما از برکت چاه های نفت که در اوایل سده 20 محقق شد خواه و ناخواه به مرکز جمعیت و زندگی انبوهی از کارگران صنعت نفت و کارکنان خدمات دولتی و خانواده های آنها مبدل گردید. یکی از دلایل عمده افزایش جمعیت خوزستان را باید در ازدیاد مهاجرت افراد از مناطق عشایری و روستایی به پیرامون شهر جستجو کرد که این روند از برکت اکتشافات نفت بوجود آمد و به نوعی می‌توان اشاره کرد که نفت در خوزستان تاثیرات مثبت بسیاری داشته ولی نمی‌توان تاثیرات منفی آن را هم انکار کرد که بصورت مستقیم ساختار اجتماعی و اقتصادی مردم را تحت تاثیر قرارداد. با توجه به مطالب ذکرشده در این پژوهش در صددپاسخ به این پرسش هستیم که آیا نقش نفت بر روی ساختار اجتماعی و اقتصادی استان خوزستان اثر بخش خواهد بود؟

1-3- اهمیت و ضرورت انجام تحقيق

نقش‌آفرینی نفت در ایران، از زاویه اقتصاد سیاسی و اجتماعی قابل تحلیل است. طی 50 سال گذشته به طور میانگین 28 درصد از مخارج دولت از محل مالیات‌ها تامین شده است. مابقی مخارج دولت از محل درآمدهای نفتی،‌ واگذاری دارایی، درآمد حاصل از مالکیت، فروش کالا و خدمت و ایجاد بدهی تامین شده است. اگرچه نسبت درآمدهای مالیاتی به مخارج دولت در بیست سال گذشته به 34 درصد افزایش یافته است ولی کماکان درآمدهای مالیاتی سهم عمده‌ای در تامین مخارج دولت ندارد (خضری، 1381). البته باید در نظر گرفت که بخشی از همین درآمدهای مالیاتی نیز مستقیماً مربوط به عملکرد بخش نفت و فرآورده‌های نفتی است. لذا می‌توان گفت بخش عمده عواید و منابع مالی دولت‌ها، مستقل از درآمدهای مالیاتی است. عدم اتکای دولت‌ها به درآمدهای مالیاتی، انگیزه پاسخگویی دولت‌ها را نسبت به نحوه عملکرد کاهش داده است. دولت‌ها منابع مالی خود را مستقل از شهروندان کسب می‌کنند و لذا به همین میزان هم از پاسخگویی به شهروندان کاسته می‌شود (صحفی،1381).

از طرف دیگر، دولت‌ها سالانه منابع مالی عظیمی از محل عواید زیرزمینی به دست می‌آورند که نحوه هزینه کردن آن را در اختیار خود دارند. در واقع دولت‌ها متولی توزیع رانت حاصل از درآمدهای نفت در اقتصاد هستند. توزیع منابع عظیم حاصل از رانت منابع زیرزمینی و جریان مالی مستقل از کارکرد عادی اقتصاد، بر شکل‌گیری آرایش گروه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی ذی‌نفع اثر می‌گذارد. بخش عمده‌ای از علل ناکارایی سیاست‌های حمایتی، ناکارایی توزیع اعتبارات عمرانی، اتلاف منابع عمومی، انتصاب مدیران دولتی ناکارآمد، کیفیت پایین سیاستگذاری اقتصادی و نظایر آن، به نوعی محصول اتکای دولت‌ها به رانت منابع زیرزمینی و استقلال مالی و اجتماعی دولت از شهروندان است (اشنایدر[[1]](#footnote-1)، 1393). با توجه به اینکه استان خوزستان جزو عمده ترین توزیع کننده منابع نفتی در کشور میباشد وهمچنین می‌توان ذکر کرد که باتوجه به اینکه عظیم ترین چاه های نفتی در این استان قرار دارد، در این تحقیق سعی داریم که تاثیرات مثبت و منفی مسئله حاضر (نفت) را برروی ساختار اقتصادی – اجتماعی جامعه مورد مطالعه قرار دهیم و همچنین با توجه به تهدیدها و تحریم‌های اخیر کشورهای خارجی علیه ایران، موضوع مورد نظر می‌تواند جزو موضوعات جذاب و ضروری تلقی شود.

* 1. پیشینه پژوهش

پیشینه داخلی

**جرجرزاده و همکاران (1384)** در مطالعه خود به بررسی اثر درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد در ایران با استفاده از روش خودهمبستگی با وقفه‌های توزیعی (ARDL) برای سال‌های 81-1347 پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده توسط آنان نشان می‌دهد که درآمدهای نفتی به طور معنی‌داری سبب نابرابرتر شدن توزیع درآمد در کل کشور و در فضای شهری می‌گردد

**جرجزاده و همکاران (1392**) در پژوهش‌های خود تحت عنوان بررسی اثر درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد در ایران نشان داد که درآمدهای نفتی سبب نابرابرتر شدن توزیع درآمد در کل کشور می‌گردد.

**حاجیان پور و همکاران (1397**) در تحقیق خود باعنوان نقش شرکت نفت انگلیس و ایران درشکل‌گیری ساختار اجتماعی شرکت شهر مسجدسلیمان 1287 ـ 1330 به این اشاه داردکه ساختار اجتماعی مسجدسلیمان تا پیش از کشف نفت، از هر لحاظ یک ساختار سنّتی و عشیره‌ای بود. با کشف و استخراج نفت در سال 1287/1908م و در پی آن، مهاجرت نیروی کار به منطقه، یک ساختار اجتماعی نوینی به جای ساختار پیشین حاکم گردید. بر این اساس، پژوهش حاضر به دو روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسناد، تلاش دارد نقش شرکت نفت انگلیس و ایران را در شکل‌گیری ساختار اجتماعی مسجدسلیمان، در سه محور مورد مطالعه و پژوهش قرار دهد؛ در محور اوّل، جمعیت و ویژگی‌های آن، از جمله مهاجرت و احداث منازل شرکتی، در محور دوم، بهداشت و درمان، و در محور سوم، آموزش و پرورش که به دو بخش شرکتی و غیر شرکتی (شهری) تقسیم می‌گردد، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش، حاکی از آن است که به دنبال کشف نفت و مهاجرت نیروی کار به مسجدسلیمان، یک ساختار اجتماعی دو قطبی (شرکتی ـ غیر شرکتی) در این شهر حاکم گردید؛ ولی با گسترش حوزه جغرافیایی شهر و نیاز متقابل هر دو بخش از یکدیگر، به‌تدریج فاصله این دو بخش از یکدیگر کمتر شد و این شهر، هویت یک شهر متعارف ایرانی را پیدا کرد.

**رحمانی و همکاران (1388)** در مقاله خود به بررسی اثر مستقیم و غیرمستقیم وفور منابع طبیعی بر روی متغیرهای اقتصادی پرداختند تا با شناسایی مسیرهای مختلف تأثیرگذاری، راه‌حلی برای دستیابی به رشد بالاتر اقتصادی استخراج کنند. آنان با بررسی 16 کشور از میان کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه نفت‌خیز اثر درآمدهای بالای نفتی بر روی نابرابری توزیع درآمد را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیدند که در دهه اخیر درآمدهای نفتی در کشورهای توسعه یافته‌ای که دولت کارا دارند، سبب کاهش نابرابری توزیع درآمد و در بیشتر کشورهای دارای دولت‌های با کارایی کم‌تر سبب افزایش نابرابری شده است. علت این تفاوت را می‌توان در زیرساخت نهادی و قانونی کشورها و ایجاد فرصت‌های رانت‌جویی جستجو کرد، چنان که در رگرسیون تخمین زده شده، متغیر جانشین رانت‌جویی بیشترین تأثیر را بر نابرابری توزیع درآمد داراست.+

**شریف زادگان و همکاران (1396)** در تحقیق خود باعنوان تحلیل و مفهوم‌سازی نظری ﺗﺄثیرات دولت رانتی بر عاملیت و ساختار جامعه و اقتصاد شهری در ایران به این اشاره دارد که موضوع دولت رانتی و وابستگی اقتصاد به منابع طبیعی یکی از دغدغه‌های بزرگ کشورهایی است که با این پدیده مواجه‌اند. ایران نیز یکی از این کشورهاست و تاکنون مقالات بسیاری در زمینه ﺗﺄثیرات دولت رانتی نگاشته شده است؛ ولی کمتر تلاشی برای تلفیق آثار پراکنده و مفهوم‌سازی نظری دراین‌باره با تکیه ‌بر ﺗﺄثیرات آن بر اقتصاد شهری صورت گرفته است. نظریه زمینه‌ای در ابتدا منتج به سه نظریه در تبیین ﺗﺄثیرات دولت رانتی شد: 1. دولت رانتی شکل‌گیری (افزایش) ذهنیت کوتاه‌مدت و تابع منفعت شخصی در افراد را باعث می‌شود؛ 2. دولت رانتی تضعیف فرایند دولت‌ملت‌سازی را موجب می‌شود؛ 3. دولت رانتی افزایش نابازارسویی اقتصادی را موجب می‌شود. سپس از تلفیق سه نظریه مذکور، نظریه فراپوش نهایی حاصل شد: «دولت رانتی موجب شکل‌گیری/ افزایش نهادهای مخرب توسعه پایدار می‌شود». در پایان، براساس سه مفهوم نظری حاصل‌شده، دربارﮤ ﺗﺄثیرات دولت رانتی بر اقتصاد شهری مباحثی مطرح می‌شوند.

**صاحب هنر و همکاران (1392)** در تحقیق خود با عنوان تحلیل اقتصادی اثر افزایش درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد با رویکرد BVAR : مطالعه موردی ایران به این اشاره دارند که ؛ عملکرد اقتصاد کشور در بعد تحقق عدالت اجتماعی می‌تواند از طریق مطالعه تحولات توزیع درآمد، فقر و رفاه اجتماعی به صورت شاخص‌های کمی‌بررسی گردد. مطالعات زیادی در زمینه نقش درآمدهای نفتی بر توسعه اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت صورت گرفته است. اما به طور خاص و ویژه مسئله توزیع درآمد و نحوه اثرگذاری درآمدهای نفتی بر آن چندان مورد بررسی قرار نگرفته است. نظریات متعددی بین اقتصاددانان توسعه مطرح است که درآمدهای مربوط به صنایع معدنی همچون نفت و گاز باعث تشدید نابرابری در اقتصاد می‌گردد. در این مطالعه با استفاده از روش خودرگرسیون برداری بیزین (BVAR) و با در نظر گرفتن متغیرهای شاخص جینی، تورم، تولید سرانه داخلی بدون نفت، سهم مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی، نسبت مخارج مصرفی به مخارج عمرانی دولت و درآمدهای سرانه واقعی نفت به بررسی ارتباط میان درآمدهای نفتی و توزیع درآمد در ایران در بازه زمانی 1352- 1389 پرداخته‌ایم. برای تخمین ضرایب مدل از شش تابع پیشین مختلف همچون مینسوتا و SSVS استفاده نموده و توابع عکس‌العمل آنی و تجزیه واریانس محاسبه شده‌اند. نتایج مدل حاکی از آن است که افزایش درآمدهای نفتی باعث افزایش نابرابری در ایران شده است. همچنین افزایش تورم، مخارج دولت و نسبت مخارج مصرفی به مخارج عمرانی دولت نیز نابرابری را افزایش می‌دهد. اما افزایش تولید سرانه نابرابری را کاهش داده است.

**صفائی پور و همکاران.(1395).** در تحقیقی تحت عنوان ؛ مسجدسليمان، نخستين شهر نفت خاورميانه و تحولات جمعيتي و كالبدی - فضايي آن در گذر زمان، از شهر مسجدسليمان، به عنوان اولين شهر نفتي خاورميانه و نخستين شركت شهر معدني ايران نام برده و در طول حيات خود از دوران باستان تاكنون تحت تأثير عوامل مختلف و فراز و نشيبهايي بوده كه فضاي اقتصـادي و اجتمـاعي و همچنـين كالبـد آن را دسـتخـوش تغييـرات بســياري كــرده و امــروز درگيــر مشــكلات پيچيــدة كالبــدي، اقتصــادي، فرهنگی اجتمـاعي، و زيسـت محيطـي اسـت. و نتایج به دست آمده از آن گویای این امر است که تقابل فرايندهايي نظيـر انقطـاع برنامـه ريـزي شـهري و تكيـه بـر اهـداف تك بعدي اقتصادي با هويـت شـكل یافتـه و تعلـق خـاطر سـاكنان شـهر موجـب پيچيدگي و تشديد مشكلات شهري در اين سكونتگاه شده است.

**عصاری آرانی (1389)** به مقایسه کشورهای نفتی و کشورهای در حال توسعه غیر نفتی پرداخت. نتایج پژوهش او نشان داد که حجم دولت در کشورهای نفتی بزرگتر و اثر بخشی آن بر بهینه ساختن توسعه انسانی بسیار کمتر از دولت‌های در حال توسعه غیر نفتی است.

**علم و همکاران،( 1394)** در تحقیقی تحت عنوان؛ تأثیر اقدامات شرکت نفت ایران و انگلیس در ساختار اقتصادی، عمرانی، و فرهنگی اهواز، به حفاری و استخراج نفت توسط شرکت نفت ایران و انگلیس تأثیراتی در زمینه اقتصادی و عمرانی و فرهنگی در مناطق نفت خیز از جمله اهواز داشته که در ساختار زندگی شهری مناطق مذکور محسوس است. تحولاتی شامل کاهش فعالیت های کشاورزی و روی آوردن مردم به فعالیتهای تجاری، احداث منازل مجهز، صنایع برق، ساخت فرودگاه، باشگاه، سینام، درمانگاه، و رواج بعضی اصطلاحات انگلیسی در میان مردم از جمله تبعات مهم این امر است.

**فرهنگی وهمکاران (1387).** در تحقیقی با عنوان؛ بررسي اثر درآمدهاي نفتي بر فرآيند مديريت اقتصادي كشور (83-1353)، به بررسی اثر درآمدهاي نفتي بر حوزه هاي مختلف سياسي، اجتماعي، فرهنگي و اقتصادي پرداخته و به بررسی جدی مواردی همچون؛ دولت رانتير، اقتصاد رانت محور و مقوله رانت جويي در عصر كنوني پرداخته و نتایج به عمل آمده از این تحقیق گویای؛. باز تعريف درآمدهاي نفتي به عنوان ثروت بين نسلي، تخصيص درآمدهاي نفتي در بخش هاي مختلف كه موجب تقويت زيرساخت ها و افزايش ظرفيت اقتصادي كشور گردد و در نهایت كاهش وابستگي بودجه دولت به درآمدهاي نفت، كوششي جهت ارايه روش هاي مقابله با اين كارآمدي است.

**قالیباف و همکاران (1390)** نقش درآمدهای نفتی را بر ساخت سیاسی جامعه ایران مورد بررسی و تحلیل قرار دادند. مطالعه قالیباف گویای این مسئله است که درآمدهای نفتی در پیدایش دولت رانتیر به صورت کامل و بر مسئله تمرکز و عدم توزیع قدرت سیاسی در ایران به طور نسبی موثر است

**کارگرکوتیانی و همکاران (1397)** در تحقیق خود با عنوان بررسی نقش صنعت نفت بر ساختار اجتماعی (مورد مطالعه: آبادان 1312-1280ش) به این اشاره دارد، انعقاد قرارداد دارسی در سال 1901 میلادی اکتشاف و پیدایش صنعت نفت، باعث تأثیرات عمیقی در ساختار اجتماعی آبادان گردید. صنعت نفت در حیات مجدد این شهر و تحولات جمعیتی آن نقش اساسی داشته است، بطوریکه این شهر نفتی معروف به «شرکت شهر مدنیت یافته» گردید. قرار گرفتن در طبقه کارگر و کارمند شرکت نفت و بهره مندی از مظاهر تمدن غربی سبب تغییرات اساسی در زندگی سنتی مردم این منطقه نفت خیز گردید. به طوری که به ناگاه جامعه‌ای کاملاً سنتی که بخش عمده آن را عشایر عرب تشکیل می‌داد، به واسطه کشف نفت و حضور انگلیسی‌ها در این منطقه با آخرین دستاوردهای علمی و فنی غرب مواجه شد. یافته ها حاکی از آن است که فعالیت شرکت نفت انگلیس و ایران در جنوب غربی ایران موجب ایجاد تأسیسات و پالایشگاه‌های مدرن در آبادان شد. استخدام عشایر و روستائیان به عنوان کارگر در صنعت نفت و بهره مندی از امنیت نسبی، امکانات مالی ثابت و خدمات بهداشتی سبب مهاجرت افراد از نقاط مختلف به منطقه نفت خیز آبادان شد.

**مرادی (1389)** در مقاله خود بر اساس داده‌های دوره 85-1347 به بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر روی رشد اقتصادی و توزیع درآمد می‌پردازد. یافته‌های او حاکی از تأثیر مثبت نفت بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد در بلندمدت است لیکن این تأثیرات بسیار ناچیز است.

**مصلی نژاد و همکاران.(1392)**. در تحقیقی تحت عنوان؛ نقش نفت در توسعه اقتصادي ايران، از نفت و ساختار اقتصادي ناشي از آن در تحولات سياسي، اقتصادي و اجتماعي ايران نام برده و اقتصاد ايران را تا حد زيادي به صادرات نفت وابسته دانسته است و به این نتیجه رسیده است که؛ اگرچه افزايش قيمت نفت به صورت مقطعي در بهبود وضعيت برخي از شاخص هاي اقتصادي در كشور موثر بوده، اما به طور كلي نفت نتوانسته است شاخص هاي كيفي توسعه اقتصادي از قبيل رفع فقر، بيكاري و نابرابري را بهبود بخشد. و درآمد نفت در دهه هاي گوناگون باوجود جهت گيري برنامه ها به سوي اشتغال زايي و فقر زدايي، به رفع فقر، بيكاري و نابرابري نينجاميده و حتي به تشديد وخامت شاخص هاي نابرابري در كشور منجر شده است.

**مهرآرا و همکاران (1389)** نیز به بررسی نقش نهادها و ساختارهای حاکم در یک کشور در نوع و نحوه اثرگذاری درآمدهای نفتی بر رشد و توسعه اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت می‌پردازند. آنان بر اساس مدلهای اقتصاد سنجی پانل بر مبنای اطلاعات دوره 1980 تا 2007 برای 23 کشور مهم صادر کننده نفت به این نتیجه می‌رسند که متغیر کلیدی و تعیین کننده در تبدیل رانت حاصل از منابع نفتی به مصیبت یا موهبت، کیفیت نهادی حاکم در کشورهای صادرکننده نفت است. به علاوه شاخص کیفیت نهادی ایران کمتر از حد آستانه لازم بوده و احتمالا در ایران منابع نفتی مصیبت بوده است.

پیشینه خارجی

**تری لین کارل[[2]](#footnote-2) (2011)** در پژوهش خود تحت عنوان معمای فراوانی به بررسی تاثیر درآمدهای نفتی بر ایجاد دولت رانتیر و سیاست‌های و اقدامات دولت در کشورهای مختلف نفتی پرداخته است. یافته های این پژوهش نشان می‌دهد در صورتی که نفت به درآمدهای اصلی دولت تبدیل شود تاثیرات منفی بر رشد و ساخت اقتصادی و سیاسی بر جای می‌گذارد.

**ساراف و جیوانجی[[3]](#footnote-3) (2001)** در مطالعه‌ای به بررسی اثر افزایش درآمدهای ناشی از فروش منابع طبیعی بر نابرابری درآمدی در کشور بوتسوانا پرداخته‌اند. براساس نتایج این تحقیق، دولتمردان در این کشور با مدیریت و تخصیص مناسب این درآمدها توانسته‌اند از یک نرخ رشد اقتصادی مناسب و پایدار برخوردار شوند و نابرابری درآمدی را کاهش دهند. لیکن بیش‌تر مطالعات صورت گرفته در این زمینه بر این نکته تأکید داشته‌اند که وفور منابع باعث بدتر شدن نابرابری درآمد شده است. (اوتی[[4]](#footnote-4)، 1994؛ فیلدز[[5]](#footnote-5)، 1989 ؛ ساراف و جیوانجی[[6]](#footnote-6)، 2001 و بوکلاتو[[7]](#footnote-7)، 2009)

بعضی از مقالات از جنبه اقتصاد نهادی به این موضوع نگاه کرده و بیان می‌دارند منابع طبیعی همچون نفت تأثیر نامطلوبی بر نهادهای کشورهای صادرکننده نفت دارند و از این طریق عملکرد اقتصادی این کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

**مارتین و سابرامانیان[[8]](#footnote-8) (2013)** در مقاله‌ای این موضوع را در مورد کشور نیجریه بررسی کرده و نشان‌ می‌دهند کیفیت نهادهای اقتصادی این کشور به شدت تحت تأثیر منفی درآمدهای نفتی قرار گرفته‌اند. آنها توزیع مستقیم درآمدهای نفتی در میان مردم را به عنوان راه حل این معضل پیشنهاد می‌کنند.

در رابطه با بحث تاثیر نفت بر ساختار اجتماعی واقتصادی بخصوص بعد از اولین شوک مهم نفتی در دهه 70 میلادی پژوهش‌ها و مطالعات بسیار زیادی چه در داخل و چه در خارج ایران صورت پذیرفته است که بررسی تمام آنها از عهده این نوشتار خارج است. اما برای آشنایی با پیشینه تحقیق در رابطه با تاثیر نفت به معرفی برخی از آثار اقدام می نماییم. اصولا اکثریت این تحقیقات اقدام به بررسی تاثیر نفت بر کلیت ساختار اجتماعی و اقتصادی ننموده بلکه این تاثیر را بر یکی از سه ساخت اجتماعی بخصوص ساخت سیاسی و اقتصادی و یا یکی از شاخص‌های مهم ساخت‌های اجتماعی در هر یک از حوزه سنجیده است.

جدول (2-1) پیشینه تحقیق

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ردیف | محقق/ سال | عنوان |
| پیشینه داخلی | | |
| 1 | جرجزاده و همکاران (1392) | بررسی اثر درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد در ایران |
| 2 | جرجرزاده و همکاران (1384) | بررسی اثر درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد در ایران با استفاده از روش خودهمبستگی با وقفه‌های توزیعی (ARDL) برای سال‌های 81-1347 |
| 3 | حاجیان پور و همکاران (1397) | نقش شرکت نفت انگلیس و ایران درشکل‌گیری ساختار اجتماعی شرکت شهر مسجدسلیمان 1287 ـ 1330 |
| 4 | رحمانی و همکاران (1388) | بررسی اثر مستقیم و غیرمستقیم وفور منابع طبیعی بر روی متغیرهای اقتصادی |
| 5 | **شریف زادگان و همکاران (1396)** | تحلیل و مفهوم‌سازی نظری ﺗﺄثیرات دولت رانتی بر عاملیت و ساختار جامعه و اقتصاد شهری در ایران |
| 6 | صفائی پور و همکاران.(1395). | مسجدسليمان، نخستين شهر نفت خاورميانه و تحولات جمعيتي و كالبدی - فضايي آن در گذر زمان |
| 7 | صاحب هنر و همکاران(1392) | تحلیل اقتصادی اثر افزایش درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد با رویکرد BVAR: مطالعه موردی ایران |
| 8 | عصاری آرانی (1389) | مقایسه کشورهای نفتی و کشورهای در حال توسعه غیر نفتی |
| 9 | علم و همکاران(1394) | تأثیر اقدامات رشکت نفت ایران و انگلیس در ساخت  اقتصادی، عمرانی، و فرهنگی اهواز |
| 10 | فرهنگی و همکاران(1387) | بررسي اثر درآمدهاي نفتي بر فرآيند مديريت اقتصادي كشور (83-1353) |
| 11 | قالیباف و همکاران (1390) | درآمد‌های نفتی و توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران |
| 12 | کارگرکوتیانی و همکاران (1397) | بررسی نقش صنعت نفت بر ساختار اجتماعی (مورد مطالعه: آبادان 1312-1280ش) |
| 13 | مرادی (1389) | بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر روی رشد اقتصادی و توزیع درآمد |
| 14 | مصلی نژاد و همکاران.(1392). ؛ | نقش نفت در توسعه اقتصادي ايران |
| 15 | مهرآرا و همکاران (1389) | بررسی نقش نهادها و ساختارهای حاکم در یک کشور در نوع و نحوه اثرگذاری درآمدهای نفتی بر رشد و توسعه اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت |
| پیشینه خارجی | | |
| 16 | تری لین کارل (2011) | معمای فراوانی به بررسی تاثیر درآمدهای نفتی بر ایجاد دولت رانتیر و سیاست‌های و اقدامات دولت در کشورهای مختلف نفتی |
| 17 | ساراف و جیوانجی (2001) | بررسی اثر افزایش درآمدهای ناشی از فروش منابع طبیعی بر نابرابری درآمدی در کشور بوتسوانا |
| 18 | جیوانجی ،( 2001 ) | تأثیر منابع طبیعی از جنبه اقتصادی |
| 19 | بوکلاتو(2009) | تأثیر منابع طبیعی(نفت) بر جنبه های اقتصادی |
| 20 | مارتین و سابرامانیان (2013) | در امد های نفتی در کشور نیجریه |

* 1. اهداف تحقیق

1-4-1- هدف اصلی

شناسایی نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان

**1**-4-2- اهداف فرعی

تعیین نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد عدالت اجتماعی استان خوزستان

تعیین نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد سرمایه اجتماعی استان خوزستان

تعیین نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد رفاه اجتماعی استان خوزستان

تعیین نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد فرصت های شغلی استان خوزستان

تعیین نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد افزایش درآمد و قدرت خرید استان خوزستان

تعیین نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد تورم استان خوزستان

تعیین نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد تورم استان خوزستان

تعیین نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد تولید ناخالص استان خوزستان

تعیین نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد بهره وری استان خوزستان

تعیین نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد آموزش استان خوزستان

1-5- سؤالات تحقیق

1-5-1- سوال اصلی

آیا نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان تأثیر گذار است؟

1-5-2- سوال‌های فرعی

تأثیر نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد عدالت اجتماعی استان خوزستان به چه صورت است؟

تأثیر نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد سرمایه اجتماعی استان خوزستان چگونه است ؟

تأثیر نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد رفاه اجتماعی استان خوزستان تا چه حدی است؟

تأثیر نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد فرصت های شغلی استان خوزستان به چه صورت است؟

تأثیر نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد افزایش درآمد و قدرت خرید استان خوزستان به چه میزان است؟

تأثیر نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد تورم استان خوزستان تا چه حدی است؟

تأثیر نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد تورم استان خوزستان چگونه است؟

تأثیر نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد تولید ناخالص استان خوزستان به چه صورت است؟

تأثیر نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد بهره وری استان خوزستان تا چه حدی است؟

تأثیر نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد آموزش استان خوزستان چگونه است؟

1-6- فرضيه‏هاي تحقیق

1-6-1- فرضیه‌ی اصلی

بین نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان رابطه وجود دارد

1-6-2- فرضیه‌های فرعی

بین نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد عدالت اجتماعی استان خوزستان مرابطه وجود دارد

بین نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد سرمایه اجتماعی استان خوزستان رابطه وجود دارد.

بین نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد رفاه اجتماعی استان خوزستان رابطه وجود دارد.

بین نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد فرصت های شغلی استان خوزستان رابطه وجود دارد.

بین نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد افزایش درآمد و قدرت خرید استان خوزستان رابطه وجود دارد

بین نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد تورم استان خوزستان رابطه وجود دارد.

بین نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد تورم استان خوزستان رابطه وجود دارد

بین نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد تولید ناخالص استان خوزستان رابطه وجود دارد.

بین نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد بهره وری استان خوزستان رابطه وجود دارد

بین نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد آموزش استان خوزستان رابطه وجود دارد

1-7- روش شناسی تحقیق

همانگونه که سابقه پژوهش‌های انجام شده در زمینه ی موضوع مذکور نشان می‌دهد، و با توجه به اینکه در زمینه‌ها و سطوح تحليل متفاوت، تنوع زیادی دارند. از این رو انتخاب رویکرد کمی‌به این پژوهش ممکن است باعث کاهش عوامل تحت جستجو و یا حتی نادیده ماندن آن‌ها شود، چرا که ساخت چارچوب‌های نظری در این رویکرد که مقدمه طرح فرضيه ها و سوالات است، پژوهش را در قالب‌هایی قرار می‌دهد که انعطاف لازم را برای برخورد با وضعیت جدید ندارد .علاوه بر آن با توجه به اهمیت اساسی بافت یا زمینه در موفقیت و شکست هر سیستم با فرمت سازمانی، لازم است موضوع پژوهش کاملا بر مبنای وضعیت و داده‌های مربوط به ایران و مرتبط با حوزه نفتی بررسی شود، در این تحقیق سعی می‌شود که بررسی های لازم با رویکرد کیفی انجام می‌شود و در این مسیر تلاش می‌شود که از یافته‌ها و دسته بندی‌های تئوری‌های مرتبط با نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان بهره برده شود.

یکی از فنون تحلیلی مناسب در تحقیقات کیفی، روش نظریه عقلایی از نوع داده بنیاد است که به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این روش می‌توان به خوبی برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی استفاده نمود.

نظریه داده بنیاد (که با نام‌های نظریه برخاسته از داده­ها، نظریه زمینه‌ای و نظریه بنیادی نیز شناخته می‌شود) یک راهبرد پژوهشی عام، استقرایی و تفسیری است که در سال ۱۹۹۷ توسط استراوس[[9]](#footnote-9) و گلاسر[[10]](#footnote-10) بوجود آمد. این روش یکی از راهبردهای پژوهش محسوب می‌شود که از طریق آن نظریه بر مبنای مفاهیم اصلی حاصل از داده‌ها شکل می‌گیرد. یعنی روند شکل گیری نظریه در این راهبرد حرکت از جز به کل است (دانایی­فرد و دیگران، ۱۳۸۹) این گونه خلق نظریه «قفسه‌ای و کتابخانه ای» نیست بلکه بر اساس داده‌های مشارکت کنندگان که فرآیندی را تجربه کرده‌اند، ایجاد می‌شود.

در فرایند تحلیل نظریه داده‌های مصاحبه‌ای و متنی کدبندی می‌شوند. کدبندی اطلاعات شامل سه مرحله است: کدگذاری باز[[11]](#footnote-11)، کدگذاری محوری[[12]](#footnote-12) و کدگذاری گزینشی یا انتخابی[[13]](#footnote-13). کدبندی باز در دو مرحله کدبندی اولیه و کدبندی ثانویه صورت می‌گیرد. کدبندی اولیه می‌تواند با کدگذاری سطر به سطر، عبارت به عبارت یا پاراگراف به پاراگراف داده‌ها انجام شود. به هر کدام از آن‌ها یک مفهوم یا کد الصاق می‌شود. در کدگذاری ثانویه با مقایسه مفاهیم، موارد مشابه و مشترک در قالب مقوله‌ای واحد قرار می‌گیرد؛ بنابراین انبوه داده‌ها (کدها - مفاهیم) به تعداد مشخص و محدودی از مقوله‌های عمده کاهش می‌یابد. سپس این مقوله‌ها در کنار یکدیگر قرار گرفته و به هم ارتباط می‌یابند (محمدپور، 1392: ۱۰۱).

در این مرحله از تحقیق که مربوط به سوالات پژوهش است، ضمن بررسی ادبیات موضوع با استفاده از مصاحبه‌های اکتشافی با خبرگان و متخصصان، شناسایی شده و با استفاده از تکنیک نظریه داده بنیاد تفسیر و جمع بندی می‌گردد. مایکل پاتون[[14]](#footnote-14)، معتقد است شیوه ایده­آل نمونه­گیری کیفی، این است که تا رسیدن به موارد زائد، موردی که پس از آن اطلاعات جدیدی به دست نمی آید، ادامه یابد ( گال[[15]](#footnote-15) و همکاران، ۲۰۰6). در این پژوهش، گردآوری اطلاعات با ابزار مصاحبه ژرف نگر به صورت هدایت کلیات، به شکل نیمه ساختار یافته انجام می­گردد.

در مطالعه کیفی، ابزار گردآوری داده‌ها علاوه بر استفاده از مطالعات اسنادی یا کتابخانه‌ای بطور عمده مصاحبه خواهد بود که یکی از ارکان اصلی در روش تحقيق اکتشافی محسوب می‌شود. در تحقیق حاضر جهت شناسایی نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استاد خوزستان استفاده می‌شود و سپس داده‌ها با استفاده از نظریه داده بنیاد تحلیل می­گردد. جامعه آماری تحقیق مورد نظر کارمندان بومی پالایشگاه صنعت نفت استان خوزستان می‌باشد که با استفاده از روش خوشه ای چند مرحله‌ای 300 نفر به عنوان حجم نمونه آماری انتخاب گردید.

پژوهش حاضر با روش توصیفی از نوع کیفی و مراجعه به کتابخانه و جمع آوری اسناد و منابع و تحلیل آنها بررسی شده است. همچنین با بررسی پیشینه‌ی تحقیق و اسنادهای مرتبط جهت هر چه دقیق تر بودن و روایی و پایایی آن به موضوع پرداخته شده است.

1) متن خوانی و استفاده از فیش که شامل استفاده از منابع کتابخانه‌ای مرتبط با موضوع تحقیق می‌باشد که پس از مطالعه و فیش برداری مطالب لازم در تحقیق مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

2) آمار خوانی و استفاده از جداول مورد بعدی می‌باشد و بخش مهمی از تحقیقات را تشکیل می‌دهند که در این تحقیق نیز از آمارهای و تحقيقات ساير پژوهشگران كه قبلا در اين حيطه كار كردند استفاده مي‌كنيم.

1-8- قلمرو پژوهش

الف( قلمرو زمانی تحقیق

مطالعات اولیه جهت تهیه طرح تحقیق اواسط سال 1398 آغاز گردید، موضوع در اواخر سال 1398

تصویب شد و شواهد و روند پیشبرد تحقیق حاکی بر این است که، تحقیقات در دست تا اواخر سال 1399 به پایان خواهد رسید

ب( قلمرو مکانی تحقیق

تحقیق حاضر در شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب استان خوزستان صورت خواهد گرفت، که سعی بر این خواهد شد ، نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان را مورد بررسی قرار داده و در این بین لازم است از تحقیقات حقیقی که به مفهوم کار نزدیک است، استفاده کرد و . و از طرفی نیز منابع موجود در کتابخانه ها و اسناد الکترونیکی و کتب در دست نیز به گونه ای بخش مهمی از قلمرو مکانی تحقیق به حساب می آید.

ج) قلمرو موضوعی تحقیق

در این پژوهش، اهمیت نفت در ساختار اقتصادی اجتماعی خوزستان بررسی گردیده است. که موارد و موضوعات این تحقیق شامل ساختار اقتصادی، ساختار اجتماعی، نفت در استان خوزستان خواهد بود که بدون هیچ تعصبی باید روی آن تحقیق و بررسی نمود

1-9- داده‌ها و روش جمع آوری

برخی داده‌ها در این تحقیق داده‌ها کتب و اسناد موجود در ارتباط با موضوع وجود دارند که عمدتا کیفی هستند که برای محقق این امکان را فراهم می‌کند که بتواند واقعیت‌های منتجه ی چون شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و نظایر این‌ها مورداستفاده قرار گیرند و مورد تحلیل قرار دهد که به این نوع اطلاعات دسته دوم می‌توان یاد نمود. از این رو بخشی از روش جمع آوری اطلاعات در تحقیق را می‌توان مراجعه به کتب و آثار دیگر محققان اشاره کرد که تحقیقاتی در این زمینه که برای استان صورت گرفت است استفاده کرد. علاوه بر آن دادها مصاحبه شده که از سوی کارشناسان و مسئولین استان در ارتباط با چگونگی استفاده از نقش نفت برساختار اجتماعی و اقتصادی سؤال شده است که این داده‌ها و گزارش‌ها به صورت متن تایپ شده‌اند و با انتخاب کدهای مصاحبه به تحلیل مصاحبه ها پرداخته می‌شود. علاوه بر داده‌های کیفی دارای داده‌های کمی‌بسیاری در مورد تحلیل ساختار اقتصادی و اجتماعی از طریق شاخص سازی صورت گرفته است، از جمله این شاخص‌ها اقتصادی شامل (تعداد کارگاه‌های، توزیع شاغلین، ارزش افزوده، معادن نفت و گاز، معادن غیرنفتی، صنعت، کشاورزی، بازرگانی، صنعت غذایی، حمل ونقل و ...) و شاخص‌های اجتماعی شامل (جمعیت، نسبت جنسی، میزان باوری، میانه سنی، تفکیک گروه‌های سنی، میانگین سنی، نرخ رشد جمعیت، بعد خانوار، نسبت ازدواج و طلاق، امید به زندگی، نسبت شهرنشینی، تراکم جمعیت شهری و روستایی، مهاجرت، قومیت، آموزش، بهداشت درمان، فرهنگ و گردشگری) می‌توان اشاره کرد و بسیاری از اطلاعات دیگر همگی از جمله داده‌های موردنیاز ما در این تحقیق می‌باشند. به این منظور از آمارها و جداول و نمودارهای مختلفی از آن بخش از ویژگی اقتصادی و اجتماعی که می‌توان به صورت کمی مطرح ساخت. نیز استفاده می‌کنیم. به عبارتی می‌توان گفت که بخش از تحلیل کیفی این تحقیق برخاسته از داده‌های کمی و برخی از تحلیل کمی‌برخاسته از داده‌های کیفی است.

برای تجزیه تحلیل اطلاعات به دست آمده با استفاده از روش‌های گردآوری نیازمند استفاده کردن از روش‌های هستیم که بتواند پاسخگوی اهداف و سؤالات پژوهش باشد؛ که در زیر هریک از روش‌های تجزیه و تحلیل به صورت اختصاری توضیح داده شده است:

**- تجزیه و تحلیل توصیفی**

در این روش به تجزیه و تحلیل اطلاعات توصیفی استان، شامل سیمای کلی استان، جمعیت استان و تحولات آن، وضعیت تولید و بخش‌های اقتصادی استان، وضعیت حمل و نقلی استان، وضعیت بهداشتی، آموزشی و گردشگری استان، وضعیت شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی شهرستان‌های استان، موقعیت جغرافیایی، پتانسیل‌ها و امکاناتی که در استان وجود دارد می‌پردازد. در واقعه در تحلیل توصیفی به بیان هر آنچه هست و وجود دارد پرداخته می‌شود.

**- تجزیه و تحلیل فراترکیب**

در این روش تحلیل بعد از جمع آوری مصاحبه‌ها و پیاده سازی متن مصاحبه را به صورت مقوله و کدگذاری کرده و به تحلیل آن می‌پردازد.

**- مراحل فرایند فراترکیب**

* 1. پیاده کردن متن مصاحبه و استخراج کردن کدهای کلیدی متن مصاحبه؛ در این مرحله با پیاده کردن متن مصاحبه‌های موجود عبارت‌های کلیدی استخراج می‌گردیدند.
  2. تبدیل مواد استخراج شده به کد؛ در مرحله دوم عبارت‌های استخراج شده در مرحله اول به صورت کد در آمده‌اند و هر یک از عبارت‌های استخراج شده به یک یا چند کد تبدیل می‌شود.
  3. دسته بندی و تبدیل کدهای مشابه به مفهوم؛ در این مرحله با مطالعه مجدد کدهای موجود و کدهای مشابه و کنار هم قرار دادن آنها مفاهیم ایجاد می‌شوند.
  4. دسته بندی مفاهیم و ایجاد مقوله‌ها در مرحله چهارم با مطالعه مجدد مفاهیم، مقولات ساخته می‌شوند تا بر اساس آنها بتوان مدل مفهومی‌را شکل داد.
  5. تبدیل مقولات به مدل مفهومی؛ بر اساس مقولات حاصل از فرایند فراترکیب مدل مفهومی‌ترسیم می‌شود.

**- تجزیه و تحلیل با استفاده از نرم‌افزارها**

تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس نرم افزارهای GIS در بخش نقشه‌ها، Excel، در بخش نمودارها Spss در بخش تجزیه و تحلیل آمارها و شاخص سازی‌های صورت گرفته استفاده شده است.

- مدل تجزیه و تحلیل SWOT[[16]](#footnote-16) و پیشنهاد راهبردهای خرد و کلان

رویکردها و فنون بسیاری در فرآیند مدیریت استراتژیک مورداستفاده قرار می‌گیرند. در میان آنها تجزیه و تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها (SWOT) متداول ترین است (هيل و ستبروک[[17]](#footnote-17)،۱۹۹۷: ۴۸). تجزیه و تحلیل (SWOT) یک ابزار مهم برای تصمیم گیری می‌باشد و معمولا به عنوان ابزاری برای تجزیه و تحلیل نظامند محیط‌های درونی و بیرونی سازمان به کار میرود (کاتلر[[18]](#footnote-18)، ۱۹۸۸: ۸۷) سازمان از طریق شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها با تدوین استراتژی هایی از نقاط قوت خود استفاده نموده، نقاط ضعفش را از پیش رو برداشته و از فرصت‌ها بهره برداری می‌کند و همچنین به مواجهه با تهدیدها می‌پردازد. تجزیه تحلیل (SWOT) مهم‌ترین عوامل درونی و بیرونی سازمان را خلاصه می‌کند. این عوامل تحت عنوان عوامل استراتژیک تأثیرگذارند برآیند سازمان شناخته می‌شوند (کانگاس[[19]](#footnote-19) و همکاران، ۲۰۰۳: ۳۵۲) محیط درونی و بیرونی شامل تمام متغیرهای درونی و بیرونی سازمان می‌شود. تجزیه و تحلیل جامع محیطی در شناخت انواع نیروهای درونی و بیرونی تأثیرگذار بر روی سازمان مهم می‌باشد. این نیروها ممکن است محرک بالقوه‌ای برای موفقیت سازمان باشند و یا ممکن است، محدودیت بالقوه‌ای را برای عملکرد و موفقیت سازمان ایجاد کنند (هوبن و همکاران ۱۹۹۹: ۱۲۷). بر مبنای اطلاعاتی که به طور منظم جمع آوری شده‌اند یک ماتریس تشکیل می‌شود، ترکیبات متفاوت چهار عامل در این ماتریس برای تعیین استراتژی یک سازمان در بلندمدت به کار می‌روند (دینسر[[20]](#footnote-20)، ۲۰۰۴: ۱۲۷)

اگرچه به کار گیری مناسب و منطقی SWOT مبنای خوبی را برای تنظیم استراتژی‌های مؤثر ایجاد می‌کند ولی تجزیه و تحلیل SWOT در مراحل اندازه گیری و ارزیابی بدون نقطه ضعیف است (هيل و وستبروک، ۱۹۹۷: ۴۸) در تجزیه و تحليل SWOT سنتی، اهمیت عوامل برای تعیین اثر هر عامل بر روی برنامه یا استراتژی پیشنهادی کمی نمیشد به عبارت دیگر تجزیه و تحليل SWOT در این حالت ابزار مناسبی را برای تعیین اهمیت نسبی هر یک از عوامل (به صورت مجزا و جداگانه) به طور خلاصه و خیلی کلی توصیف می‌شود در بیشتر مواقع نتیجه تجزیه وتحلیل SWOT صرفا فهرستی ناقص از عوامل کیفی درونی و بیرونی می‌باشد (کانگاس و همکاران، ۲۰۰۳: ۳۵۲) به همین خاطر، تجزیه و تحليل SWOT به صورت جامع قادر به ارزیابی فرآیند تصمیم گیری استراتژیک سازمان نیست. این پژوهش که برگرفته داده ها از تکنیک کمی و کیفی است برای تدوین و ارزیابی استراتژی‌های توسعه منطقه‌ای استفاده می‌کند.

مدل SWOT، مدلی از سری مدل‌های تصمیم گیری است که در جهت تعیین استراتژی و راهبرد بلندمدت یا کوتاه مدت و ایجاد تصمیمات بزرگ و کلیدی در باب مسائل و موضوعات مختلف، طراحی شده است. این مدل می‌تواند برای یک سازمان یا شرکتی یا برای یک منطقه جغرافیایی خاصی و یا موضوع و مسئله‌ای که در واقع به نوعی با آن درگیر هستیم، طراحی شود و در واقع کار اصلی آن تعیین راهبرد برای بهبود کارایی یا وضعیت می‌باشد.

این مدل، ابتدا در جهت تعیین پتانسیل و ظرفیت یک موضوع و یا یک مکان، عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر آن را بررسی کرده و سپس با استفاده از این نتایج، راهبردهای مختلف در جهت ایجاد تصمیمات و پیش بینی‌ها و راهکارهایی برای بهبود آن مکان یا موضوع تعیین می‌گردد.

برای هر موضوع یا هر مکان، عوامل مختلفی در نحوه کیفیت عملکرد آن تأثیر می‌گذارد. این عوامل عموما در دو دسته از عوامل جای می‌گیرند:

عوامل درونی: این عوامل، عواملی هستند که در درون خود سیستم یا منطقه وجود دارند و در تعیین وضعیت منطقه مؤثر می‌باشند. در مدل SWOT، عوامل درونی شامل نقاط قوت[[21]](#footnote-21) و نقاط ضعف[[22]](#footnote-22) یک سیستم یا سازمان یا منطقه می‌باشند. شناسایی نقاط قوت موجب، راه تقویت سیستم را آشکار کرده و در کنار آن، شناسایی نقاط ضعف، باعث می‌شود که از این نقاط ضعف به نفع نقاط قوت استفاده کرد.

عوامل بیرونی: آنهایی هستند که از کنترل منطقه خارج بوده و از بیرون بر سیستم اثر می‌گذارند. به نوعی مرتبط به فرایندهایی است که در خارج از محدوده آن منطقه به وقوع می‌پیوندد. عوامل بیرونی شامل فرصت‌ها[[23]](#footnote-23) و تهدیدها[[24]](#footnote-24) می‌باشند؛ یعنی چه عواملی از بیرون به عنوان یک فرصت تلقی می‌شوند که می‌توانند در جهت پیشرفت یک منطقه مؤثر باشند و از طرفی چه عواملی یک تهدید محسوب شده که برای منطقه خطرساز است که باید از آن دوری کرد و آن را به فرصت تبدیل کرد.

کار این مدل به این صورت است که این نقاط ضعف و قوت و فرصت‌ها و تهدیدها محاسبه و تعیین شده و سپس با استفاده از این عوامل، در چهار بخش، راهبردهای مختلف و متنوع تعیین می‌شود و در نهایت تعیین می‌شود که روند راهبردها باید به چه سمتی پیش برود و چه نوع استراتژی مهم تر و کاراتر می‌باشد. راهبردهای تعیین شده برای یک سیستم می‌تواند چهار جهت مختلف داشته باشد:

* 1. راهبردهای تهاجمی‌باشد
  2. راهبردها، تدافعی باشد
  3. راهبردها، رقابتی باشد
  4. راهبردها، محافظه کارانه باشد.

در مرحله آخر تعیین می‌شود که راهبردهای تعیین شده، باید در قالب کدام یک از راهبردهای چهارگانه باشد تا روند بهبود سیستم یا منطقه در جهت این نوع راهبردها حرکت کند.

**روش کار:**

* با استفاده از فرایند مصاحبه و پرس و جو از مسئولین، کارشناسان و صاحب نظران سازمان یا منطقه‌ای که می‌خواهید برنامه راهبردی تعیین کنید (با استفاده از اشراف خودتان بر موضوع)، نقاط ضعف و قوت و فرصت‌ها و تهدیدها را تعیین کنید.
* از طریق یک پرسشنامه از کارشناسان، به هر یک از عوامل درونی و بیرونی که تعیین کردید، ارزش و یا ضریب می‌دهیم.
* سپس از طریق پرسشنامه، این شاخص‌ها و عوامل را از ۱ تا ۴ بر اساس میزان ارزش آنها رتبه بندی و در نهایت با ضرب رتبه در ضریب، ارزش نهایی هر عامل را تعیین می‌شود. جمع ارزش‌ها و نمرات، ارزش نهایی هر یک از عوامل چهارگانه (نقاط ضعف و قوت، تهدیدها، فرصت‌ها) محاسبه می‌شود.
* حال بر اساس این عوامل و البته ارزش‌ها، چهار نوع راهبرد مختلف برای موضوع یا سازمان یا منطقه مورد مطالعه تعیین می‌کنیم. این راهبردها باید ترکیبی از عوامل مختلف باشد.
* درنهایت با استفاده از ارزش نهایی هر یک از عوامل چهارگانه، در یک محور تعیین می‌کنیم که راهبردهای تعیین شده عموما از چه نوعی و در چه مسیری باید تعیین شوند.

جامعه آماری ۱۸ نفر کارشناس برنامه ریز که با شناخت و آگاهی کامل نسبت به مسائل سطح توسعه استان خوزستان انتخاب شدند و با ارسال پرسشنامه به صورت الکترونیکی (از طریق ساخت پرسشنامه ۴۰ سؤالی) به صاحب نظران ارسال شد؛ و بعد از پیگیری و اطلاع رسانی پرسشنامه پس از تکمیل بازگردانده شده‎اند.

در تجزیه و تحليل SWOT هدف این است که از لحاظ استراتژیک برای استان خوزستان چه سیاست‌های وضع شود و هم چنین اولویت‌ها توسعه در استان تعیین شود تا بتوان با سیاست‌های مشخص و استراتژیک معین در آن بخش اقدام به برنامه ریزی کرده که برای رسیدن به این اهداف از روش SWOT استفاده شده است؛ و در انتها با ارائه پیشنهاداتی در جهت سیاست گذاری برای توسعه استان استفاده شده است.

1-10- تعريف واژه‏ها و اصطلاحات فني و تخصصی (به صورت مفهومی و عملیاتی)

1-10-1- تعریف مفهومی

**ساختار اجتماعی:**

از مفاهیم اساسی در علوم اجتماعی مفهوم ساختار اجتماعی می‌باشد، به نحوی که همه اندیشمندان چه کنش گرا و چه ساختارگرا به آن پرداخته اند و از آن سخن گفته‌اند. در تقسیمی‌که برای ساختار اجتماعی می‌تواند انجام گیرد ساختارها یا نهادی‌اند، یا رابطه‌ای و یا جسمیت یافته، نمونه روشن ساختار های نهادی را می‌توان در اندیشه پاسونز[[25]](#footnote-25) یافت. پارسونز که نظریه خود را با کنش بنیادین آغاز می‌کند در نهایت به نظامها ختم می‌شود. ساختار اجتماعی نزد پارسونز نظام الگومندی از روابط اجتماعی کنش گران است. این الگوها همان نهادهای اجتماعی هستند. در واقع می‌توان گفت ستون فقرات ساختارها نزد او نهادهای اجتماعی اند. ساختارهای رابطه ای در اندیشه زیمل و رادکلیف براون[[26]](#footnote-26) بررسی می‌شود. زیمل وجود مادی برای جامعه را منکر بود و حقیقت جامعه را همان روابط پویای بین افراد می‌دانست و در نظریه ی اش از آن با صورت‌های اجتماعی یاد می‌کند. رادکیلف براون هم ساختار را نوعی نظم در اجزاء و عناصر جامعه می‌داند. برخی نیز ساختار رابطه ای را دارای لایه های زیرینی می‌دانند. آلتوسر و هابرماس[[27]](#footnote-27) از این دسته اند. آن ها وقتی از ساختار سخن می‌گویند بیش تر به لایه‌ی زیرین جامعه که لایه های رویی را تحت تاثیر قرار می‌دهد سخن می‌گویند. و در نهایت نوبت به ساختار جسمیت یافته می‌رسد که نماینده ی این گروه گیدنز[[28]](#footnote-28) می‌باشد. او بر قالب خصلت‌های جسمانی کنش، که موجب کنش‌های اجتماعی می‌شود و به نحوی هنجارین سازمان یافته‌اند تاکید دارد (محمدپور، 1392)..

**ساختار اقتصاد:**

مطالعه‌ی نحوه‌ی استفاده‌ی جامعه از منابع محدودش است. ساختار اقتصاد علمی اجتماعی است که با تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات پیوند خورده است. ساختاراقتصاد تمرکز بسیار زیادی بر روی چهار عامل تولید یعنی: زمین، نیروی کار، سرمایه و کسب و کار دارد. اینها چهار عنصری هستند که فعالیت اقتصادی را در جهان ما می‌سازند و هر یک می‌توانند به صورت مجزا مطالعه شوند (کاتوزیان، 1374).

1-10-2- تعریف عملیاتی

**ساختار اجتماعی:**

در این تحقیق منظور ساختار اجتماعی تحت تاثیر پدیده نفت در استان خوزستان می‌باشد.

**ساختار اقتصادی:**

در این تحقیق منظور ساختار اقتصادی تحت تاثیر پدیده نفت در استان خوزستان می‌باشد.

1-11- مدل مفهومی‌تحقیق

مدل مفهومی ذیل با توجه به مبانی نظری و اهداف و سوالات تحقیق تنظیم شده است و همانطور که مدل مورد نظر نشان می‌دهد تحقیق حاضر در تلاش است به بررسی نقش نفت و اثرگذاری آن بر ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان بپردازد، که همانطور که جهت‌دهی‌ها نشان می‌دهد این رابطه تک سویه بوده و همواره نفت تاثیر گذاری مثبت ومنفی خودرا بر ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان ایفا می‌کند.

ساختار اجتماعی

ساختار اقتصادی

استان خوزستان

شکل 1-1- مدل مفهومی‌تحقیق

فصل دوم

چهارچوب نظری

2-1- مبانی نظری نقش نفت در ساختار اقتصاد

* **نظریات با رویکرد اثر مثبت درآمدهای نفتی بر ساختار اقتصادی**

پیروان مکتب بنیادگرایی سرمایه همانند لوئیس[[29]](#footnote-29) (۱۹۸۰) بر این باورند که عمده ترین عامل محدود کننده رشد و رفاه اقتصادی، کمبود سرمایه است و درآمدهای حاصل از منابع طبیعی می‌تواند این کمبود را به خوبی جبران کند (سیدنورانی و خوشکلام خسروشاهی، ۱۳۹۲).

جشی[[30]](#footnote-30) (۱۹۷۰) در کتابی تحت عنوان «پس انداز و محدودیتهای ارز» و تیرلوال[[31]](#footnote-31) (۱۹۸۱) در مقاله ای تحت عنوان «تحلیل شكاف دوگانه در کشور سودان» نظریه ای تحت عنوان «تحلیل شكاف دو گانه» را مطرح نمودند که براساس آن افزایش پس انداز داخلی لزوما به سرمایه گذاری بیشتر (به ویژه ورود کالاهای سرمایه ای بیشتر) نمی انجامد. در واقع، بخشی از سرمایه گذاری لازم برای پیشرفت و رسیدن به رفاه اقتصادی متکی بر درآمدهای ارزی خارجی مانند درآمدهای حاصل از منابع طبیعی است (تیروال، ۱۹۸۱).

گالبرایت[[32]](#footnote-32) از جمله اقتصاددانان نهادگرا نیز در کتابی تحت عنوان «جامعه ثروتمند» می نویسد هیچ ثروتی بدون مزابا نیست و سایر نظریات مخالفی که در این خصوص مطرح شده‎اند هیچگاه نتوانسته اند به طور کامل متقاعد کننده باشند. در واقع، از دیدگاه گالبرایت و سایر اقتصاددانانی که با وی در این خصوص هم عقیده اند، درآمد فراوان حاصل از منابع طبیعی به طور قطع به خلق ثروت رشد اقتصادی و کاهش فقر و افزایش رفاه می انجامد (مهرآرا و کیخا، ۱۳۸۷).

پس براساس نظریه‌های مختلف، تجمع سرمایه از جمله عوامل مهم پیشرفت و گسترش رفاه اقتصادی بین کشورهای مختلف بوده است. با توجه به تنش غیر قابل انکار در آمدهای حاصل از منابع طبیعی در فرایند سرمایه گذاری و تشكيل سرمایه، می‌توان گفت که بسیاری از نشریات مرسوم توسعه‌ای بر نقش مثبت منابع طبیعی در فرایند پیشرفت و افزایش رفاه تأکید داشته اند (سیدنورانی و خوشکلام خسروشاهی، ۱۳۹۲).

* **نظریات با رویکرد اثر منفی در آمدهای نفتی بر ساختار اقتصادی**

پدیده نفرین منابع، در اصطلاح به اثر چندجانبه مخربی که از محل افزایش قیمت نفت و سایر منابع طبیعی بر حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع صادر کننده اعمال می‌شود، اطلاق می‌گردد. برای این پدیده که عمدتا در مورد کشورهای بزرگ صادر کننده مواد معدنی مشاهده می‌شود، دلائل مختلفی مطرح شده است. اقتصاددانان ابتدا مسئله بیماری هلندی[[33]](#footnote-33) را مطرح کردند. این توضیح گرچه بسیار گویا است لکن تمام اجزاء آثار اجتماعی و سیاسی که ایجاد می‌شود را پوشش می‌دهد. به همین دلیل نیز بسیاری از محققين نظريه هائی را توسعه دادند که وجوه مزبور را به صورت جامع تر توضیح دهد. این نظریه ها در مطالعات آماری مختلف مورد آزمون قرار گرفت. در بخش از پژوهش این نظریه‌ها به اجمال توضیح داده می‌شود (سیدنورانی و خوشکلام خسروشاهی، ۱۳۹۲).

2-2- اقتصاد نفتی و رشد اقتصادى در ایران

افزایش قیمت نفت در دوره جدید رونق نفتى (1380 ــ 1386) فرصت‌هاى بى‌بدیلى را پیش روى اقتصاد ایران قرار داده است، بااین‌حال مهم‌ترین نگرانى، تأثیر سازوکارهایى است که در بلندمدت موهبت منابع را به شومى منابع تبدیل مى‌کند. بررسى تحولات سیر رشد اقتصادى در این دوره نشان مى‌دهد که به رغم دو برابر شدن منابع نفتى، رشد اقتصادى بالا و مستمر حاصل نشده، به‌طورى‌که رشد اقتصاد ایران پس از تجربه رشدهاى ۶/۷ و ۸/۶ درصدى سال‌هاى ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳، مجدداً به رشد متوسط ۵ درصد در دو سال اخیر کاهش یافته است. بنابراین واقعیت فوق نشان مى‌دهد که مشکل توسعه اقتصادى ایران منابع نیست، بلکه مدیریت منابع است. حتى اگر منابع نفتى به انباشت سرمایه‌هاى فیزیکى منجر شود ولى سایر تعیین‌کننده‌هاى رشد اقتصادى مغفول بماند، تحقق رشد بالا و مستمر ممکن نیست.

همچنان‌که در نظریه دولت رانتى آمد، وجود رانت منابع طبیعى در اقتصادهاى متکى به نفت، تأثیر متفاوتى در ساختار سیاسى و اقتصادى دارد. در این کشورها، دولت رانت را به طور نسبى، به سادگى به‌دست آورده است، در نتیجه بار کمترى را به دیگر عوامل تحمیل مى‌کند (براى مثال در این کشورها نرخ‌هاى مالیات مستقیم و غیرمستقیم پایین است). بدین جهت در این کشورها مرحله بازتوزیع رانت اهمیت پیدا مى‌کند. درحالى‌که در کشورهاى با سرمایه فیزیکى و انسانى غنى، مرحله ایجاد و دسترسى به رانت در بازارهاى داخلى مهم‌ترین مسئله است (علیخانی، 1390).

یکى از ویژگى‌هاى بارز اقتصاد ایران وجود منابع نفت و گاز طبیعى است. به جهت مالکیت عمومى این منابع و رانت حاصل شده از آنها، طى سال‌ها نیاز به مالیات کاهش یافته است، در نتیجه در مقایسه با سایر کشورهاى درحال‌توسعه، اقتصاد سیاسى ایران به طور عمده بر تخصیص رانت عمومى، به جاى تحصیل رانت از تولیدکنندگان، متمرکز است. ویژگى دیگر زیاد بودن نوسانات رابطه مبادله تجارى ایران است. بااینکه قرار است با ذخیره مازاد درآمدهاى ارزى در دوره‌هاى رونق بازار نفت، بودجه دولت در دوره‌هاى رکود بازار، ثبات داشته باشد، مشکلات ساختارى بودجه دولت و شواهد عملکرد حساب ذخیره ارزى نشان مى‌دهد که کسرى بودجه همچنان تداوم خواهد داشت و به‌هیچ‌وجه وجود حساب ذخیره ارزى راه‌حلی براى اصلاحات بودجه‌اى دولت نخواهد بود، به‌طورى‌که با کاهش قیمت نفت، برای حفظ حداقل مخارج، دولت مجدداً مجبور خواهد شد منابع مالى را از طریق مالیات تورمى تأمین کند. طبیعى است که چنین وضعیتى، بى‌ثباتى اقتصاد کلان را به همراه دارد و سیاست‌هاى حمایتى دولت را، به‌ویژه از بنگاه‌هاى دولتى، مى‌افزاید. این در حالى است که پرداخت یارانه به منظور اطمینان از دسترسى گروه کم‌درآمد جامعه به حداقل امکانات، به طور فراگیر، عمومى و بى‌هدف به تمامى گروه‌هاى درآمدى با هزینه زیاد اختصاص می‌یابد. این بحث نشان مى‌دهد که مطالعه کارکرد اقتصاد سیاسى دولت ابتدا به ارزیابى ماهیت منابع کشور نیازمند است؛ اگرچه این نکته اهمیت نهادها را نادیده نمى‌گیرد. همچنان‌که بحث شد، چهارچوب نهادى اقتصاد باید به گونه‌اى ایجاد شود که شرایط تجهیز منابع براى سرمایه‌گذارى و نظام انگیزشى براى انباشت سرمایه و مهارت پربازده را فراهم نماید و در این زمینه داراى کمترین آثار اختلال باشد (کارل، 1390: 14).

2-3- توسعه نفت‌محور

گسترش جامعه مدنی زمینه‌ساز توسعه و پیشرفت در هر جامعه‌ای است، اما با توجه به اینکه جامعه ایرانی جامعه‌ای است با اقتصاد رانتی، اقتصاد رانتی برآمده از نفت نمی‌تواند بستری برای شکل‌گیری جامعه مدنی باشد؛ چون اقتصاد رانتی نفتی اساساً در اختیار دولت است.

برخلاف بیشتر دولت‌ها، که مجبورند از جامعه و صنایع خود مالیات بگیرند، دولت رانتیر به علت بهره‌گیری از درآمدهای ناشی از رانت، نیاز چندانی را به مالیات‌ها و در نتیجه به جامعه مدنی احساس نمی‌کند. در نتیجه چنین سیری، افزون‌بر‌آنکه توانمندی توزیع عادلانه ثروت و قدرت در جامعه به‌تدریج تحلیل می‌رود، دولت نسبت به استخراج بهینه سایر توانمندی‌ها در جامعه نیز کم‌توجه و حتی بی‌تفاوت می‌شود؛ در نتیجه جامعه به توسعه‌یافتگی لازم نمی‌رسد.

بنابراین اقتصادهای رانتی، که اساس رانت در آنها در اختیار دولت باشد، مانع شکل‌گیری جامعه مدنی است و هر اقدامی، به استفاده از این رانت‌ها بازمی‌گردد و وقتی تشکلی مردمی‌بخواهد آن را بگیرد، تبدیل می‌شود به تشکل دولتی.

ازآنجاکه درآمدهای دولت تحصیلدار (رانتیر) به تولید داخلی وابسته نیست، تصمیم‌گیرندگان آن ممکن است به منافع و خواسته‌های جامعه مدنی توجهی نداشته باشند و بتوانند منافع خود را حتی با فرض تعارض با منافع دیگر گروه‌های اجتماعی برآورده سازند.

در شرایط فقدان جامعه مطلوب، بستر مناسبی به منظور ارائه برنامه مؤثری برای بهره‌برداری از امکانات منابع طبیعی در جهت توسعه فراهم می‌شود. در کنار شرایط نامطلوب ناشی از ساختار دولت رانتیر، یکی از عوامل توسعه‌نیافتگی کشورهای دارای منابع و ذخایر نفتی تأکید بر توسعه نفت‌محور است. در سال‌های 1333 تا 1357 دولت ایران با اتکا به رانت نفت برنامه وسیعی برای نوسازی و صنعتی کردن کشور طراحی کرد. در نیمه دوم دهه 1340 مشکلات اقتصادی و سیاسی، الگوی توسعه نفت‌محور را با مشکل مواجه ساخت که در دهه 1350 این مشکل بسیار جدی نمایان شد. در ذیل ابعاد مختلف این مشکل، که از موانع توسعه‌یافتگی ایران محسوب می‌شود، بررسی شده است (میرترابی، 1379).

مرحله توسعه نفت‌‌محور بادوام و پایدار نیست؛ زیرا ساختار و فرهنگ رانتخواری، با سرعت، نهاد دولت را از درون پوسیده می‌کند و آن را در اجرای وظایفش ناتوان می‌سازد. در کشورهای نفت‌خیز توسعه‌نیافته و درحال‌رشد، توسعه نفت‌محور سبب بروز ناهنجاری‌ها و مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی گوناگونی می‌گردد که نهایتاً به صورت موانعی در برابر توسعه سیاسی و اقتصادی این جوامع درمی‌آیند. در سطح سیاسی، رانت نفت سبب جدایی نهاد دولت از بدنه جامعه و پیدایش ساختارهای استبدادی می‌گردد. ماهیت و کارکرد دیکتاتوری دولت شکاف بین دولت و جامعه را تقویت و نهادهای جامعه مدنی را تضعیف می‌کند. از سوی دیگر، مشکلات اقتصادی و سیاسی توسعه نفت‌محور با سرعت در بدنه جامعه گسترده می‌شوند و سیاست نوسازی آمرانه را با موانع سیاسی و اجتماعی روبه‌رو می‌سازند. مجموعه این عوامل، بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را تشدید می‌کنند و حکومت کردن را برای دولت دشوار و پرهزینه می‌سازند. در جوامعی که دولت عمدتاً بر جمع‌آوری مالیات متکی است، وابستگی دولت به ساختار اقتصادی و اجتماعی قوی است. این امر انگیزه‌های نیرومندی برای دموکراتیزه شدن نظام سیاسی کشور به‌وجود می‌آورد. برعکس در نظام‌هایی که تحت سلطه‌ مالکیت و مدیریت دولت‌اند این انگیزه بسیار ضعیف است. به همین ترتیب، در اقتصادهای رانتی، که بخش بزرگی از درآمد دولت از محل صادرات کالاهایی مانند نفت و الماس است، درجه وابستگی دولت به طبقات اجتماعی کم است. این امر سبب استقلال مالی دولت می‌گردد و انگیزه دموکراتیزه شدن نظام را تضعیف می‌کند (کارل، 1390).

چگونگی جمع‌آوری رانت و سهمی‌که ارگان‌های مختلف دولت در این امر دارند نیز بر ماهیت دولت و ساختار قدرت تأثیرگذار است. برای مثال، واقع شدن چا‌ه‌های نفت در مناطق بی‌ثبات و پرآشوب سبب می‌شود ارتش دست بالا را در تحصیل و توزیع رانت نفت پیدا کند. برعکس، واقع شدن چاه‌های نفت در مناطق آرام، سبب پررنگ شدن سهم نهادهای اقتصادی مانند شرکت نفت و وزارت دارایی در توزیع رانت نفت می‌گردد.

اتکا به درآمد نفت، اقتصاد کشورهای نفت‌خیز توسعه‌نیافته و درحال‌رشد را دستخوش دوره‌‌های تورمی و رکود بسیار شدید می‌کند که مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هنگفتی برای این کشورها به‌وجود می‌آورند. این امر از آنجا ناشی می‌شود که قیمت نفت، به‌رغم رانت اقتصادی سرشار آن، همواره با افت‌وخیزهای بسیار شدیدی همراه است.

تورم یکی از معضل‌های پایه‌ای اقتصادهای متکی به رانت نفت است. همان‌طورکه در بالا اشاره شد، درآمد حاصل از رانت نفت، از ظرفیت تولید اقتصادی ملّی ناشی نمی‌شود و توانایی جذب آن را منعکس نمی‌سازد. وقتی که قیمت نفت بالا و درآمد حاصل از صادرات نفت بخش بزرگی از درآمد ملّی را تشکیل می‌دهد، تزریق کل این درآمد به اقتصاد سبب پیدایش موج‌های تورمی‌شدید می‌گردد؛ زیرا اقتصاد کشور ظرفیت جذب این درآمد را، که عمدتاً از افزایش قیمت نفت ناشی می‌شود، ندارد. درواقع، تزریق درآمد نفت به اقتصاد مانند چاپ اسکناس عمل می‌کند که شدیداً تورم‌زاست. در کشورهای نفت‌خیز توسعه‌نیافته و درحال‌رشد، وقتی‌که فشار تورم شدید می‌شود، دولت‌ها اغلب به سیاست‌های وارداتی متوسل می‌شوند؛ یعنی می‌کوشند با افزایش واردات، فشار تورم را خنثی و کنترل کنند. اما اجرای این کار در مورد بخش‌هایی مانند مسکن و حمل و نقل میسر نیست. دولت می‌تواند با وارد کردن کالاهای کشاورزی و مصنوعات صنعتی، فشار تورم را در این بخش‌ها کاهش دهد، اما نمی‌تواند با وارد کردن زمین و مسکن از فشار تورم در بخش مسکن بکاهد؛ لذا، این سیاست سبب می‌شود که قیمت و سودآوری در بخش‌هایی مانند مسکن به‌طور نسبی، یعنی در مقایسه با بخش‌های کشاورزی و صنایع، افزایش یابد. این سیر به تورم شدیدتر در بخش مسکن و رکود نسبی بخش‌های کشاورزی و صنایع داخلی می‌انجامد (سلطانی، 1391).

2-4- سهم نفت در بودجه عمومی

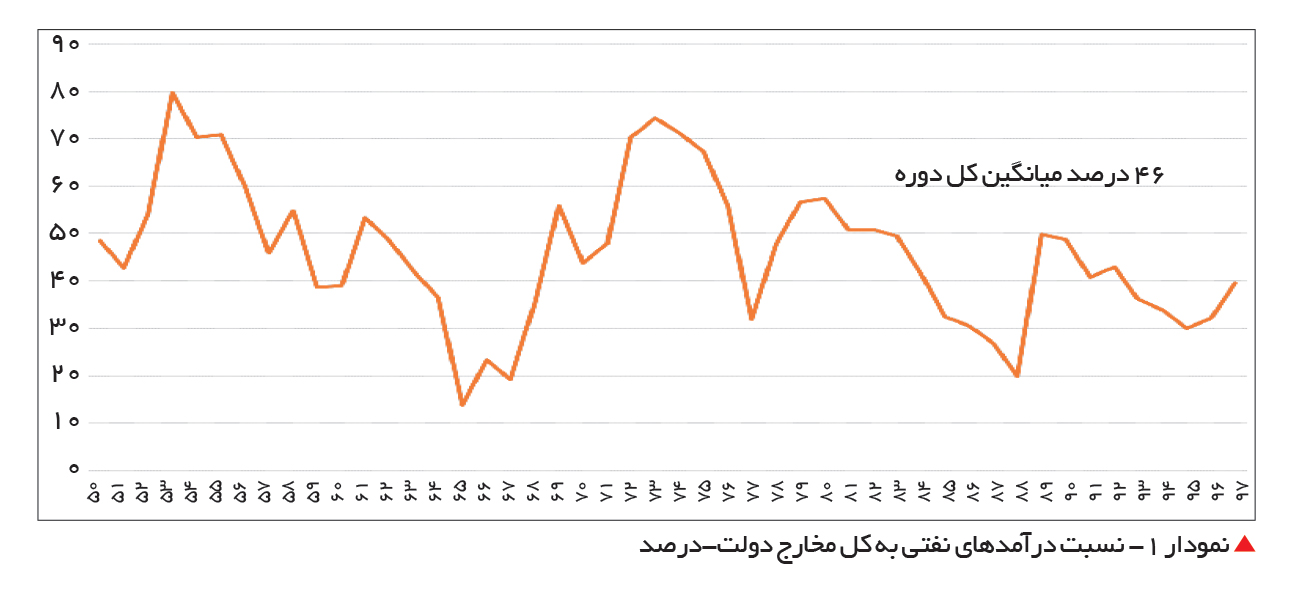
درآمدهای نفتی به ویژه در نیم‌قرن گذشته، سهم عمده‌ای در بودجه عمومی و تامین مالی مخارج دولت داشته است. نسبت درآمدهای نفتی دولت به کل مخارج جاری و عمرانی، به طور میانگین از سال 1350 تا 1397 برابر با 46 درصد بوده است. سهم بالای نفت در بودجه عمومی‌تا دوره‌های اخیر نیز ادامه یافته است به طوری که این سهم طی بیست سال گذشته بیش از 41 درصد بوده است. نمودار زیر نوسان نسبت درآمدهای نفتی را به کل مخارج جاری و عمرانی دولت نشان می‌دهد. سهم درآمدهای نفتی در تامین مخارج دولت، تحت تاثیر عوامل مختلف، در میانه دهه 60 و میانه دهه 80 کمتر از سایر دوره‌ها و در میانه دهه 50 و اوایل دهه 80 بیش از سایر دوره‌ها بوده است. از زمانی که صادرات نفت و به‌تبع آن درآمدهای نفتی ابعاد معنی‌داری یافته است، در تمامی‌دوره‌ها نه‌تنها مخارج عمرانی دولت که حتی هزینه‌های جاری نیز وابسته به درآمدهای نفتی بوده است. درآمدهای نفتی، همواره نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتار مالی دولت‌ها و ساختار بودجه عمومی‌داشته است (عسگری، 1389).

2-5- سهم نفت در تولید ناخالص داخلی

یکی از معیارهای سنجش سهم نفت در اقتصاد، اندازه‌گیری سهم مستقیم ارزش افزوده فعالیت استخراج و تولید نفت خام، گاز و فرآورده‌های نفتی از کل تولید ناخالص داخلی است.

سهم مستقیم فعالیت استخراج نفت و گاز در تولید ناخالص داخلی طی زمان نوسان بسیاری داشته است. بیشترین سهم ارزش افزوده بخش نفت از تولید ناخالص داخلی مربوط به دوره 1352 تا 1355 است که در آن دوره میانگین سهم نفت در تولید ناخالص داخلی برابر با 39 درصد بود. کمترین سهم نیز مربوط به دوره 1365 تا 1368 است که سهم مذکور به پنج درصد کاهش یافت.

فارغ از نوسانات بسیار زیاد، سهم ارزش افزوده بخش نفت از کل تولید ناخالص داخلی کشور به طور میانگین طی شصت سال گذشته در حدود 18 درصد و طی 10 سال گذشته در حدود 16 درصد بوده است (کردزاده، 1390).

[](http://static2.tejaratefarda.com/servev2/ilkVrVtWpL86/ysuwOPNkvLE,/6-1.jpg)

**(همان منبع )**

نمودار 2-1- نسبت درآمدهای نفتی به کل مخارج دولت - درصد

2-6- سهم نفت در رشد اقتصادی

تولید نفت خام، به دلیل تاثیرپذیری از متغیرهای برون‌زا و تحولات خارجی، متغیر بسیار پرنوسانی است؛ به طوری که تولید نفت کشور طی 50 سال گذشته از کمتر از 5 /1 میلیون بشکه در روز تا بیش از شش میلیون بشکه در روز در نوسان بوده است. بنابراین بخش نفت، پرنوسان‌ترین فعالیت اقتصادی بین بخش‌های اصلی اقتصاد ایران محسوب می‌شود.

نوسان شدید تقاضای نفت طی سال‌های مختلف و همچنین استهلاک تدریجی ظرفیت‌های استخراج و تولید نفت کشور از سوی دیگر باعث شده است رشد ارزش افزوده بخش نفت در اقتصاد ایران بسیار ناپایدار و پرنوسان باشد. نوسانات شدید بخش نفت، همواره موجب ناپایداری رشد اقتصادی نیز بوده است.

بنابراین صرف‌نظر از اثر مالی و بودجه‌ای تعیین‌کننده و مهم نفت در اقتصاد، اثر مستقیم فعالیت استخراج نفت و گاز در رشد تولید ناخالص داخلی در بلندمدت بسیار ناچیز است. محاسبه سهم مستقیم بخش ارزش افزوده بخش نفت در رشد اقتصادی نشان می‌دهد که در بلندمدت سهم نفت در رشد اقتصادی نزدیک به صفر بوده است (همان منبع : 44).

2-7- نقش نفت در بی‌ثباتی اقتصاد

در اقتصاد ایران وابستگی شدید بودجه عمومی و حتی مخارج جاری دولت به درآمدهای نفتی و ماهیت پرنوسان درآمدهای مذکور و فقدان یک قاعده مالی مناسب برای نحوه مصرف درآمدهای نفتی، زمینه معضلاتی مانند بیماری هلندی، کسری بودجه ساختاری و بی‌ثباتی اقتصاد کلان را به دنبال داشته است.

در برخی دوره‌ها، در اثر افزایش میزان صادرات یا افزایش قیمت‌های جهانی نفت، درآمدهای نفتی با افزایش قابل توجه مواجه شده است. با افزایش درآمدهای نفتی و در اثر اجبار بانک مرکزی به خرید ارز نفت، خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی و پایه پولی نیز افزایش یافته و به صورت افزایش نرخ تورم در ادوار بعدی ظاهر شده است. از طرف دیگر، با افزایش جریان ورود ارز به اقتصاد و کاهش نرخ ارز حقیقی، قیمت نسبی کالاهای وارداتی کاهش یافته و فرآیند صنعت‌زدایی و رکود صنعت اتفاق افتاده است. در دوره‌های وفور درآمدهای نفتی، دولت‌ها متناسب با افزایش درآمدهای نفتی، بر مخارج خود افزوده و تعهدات اجتماعی جدیدی را پذیرفته‌اند (ناظمی اردکانی، 1384).

در مقابل، با کاهش درآمدهای نفتی و ایجاد شکاف میان درآمدهای فعلی و ساختار هزینه‌ای برجای مانده از قبل، کسری بودجه ایجاد شده و آثار آن از طریق افزایش بدهی بخش دولتی به شبکه بانکی و انباشت بدهی دولت، با وقفه‌ای به متغیرهای پولی منتقل شده است؛ که آن نیز به طریقی دیگر منجر به افزایش تورم و بی‌ثباتی اقتصاد شده است. در کل عللی مانند وابستگی بودجه به نفت، وابستگی درآمدهای نفتی به متغیرهای برون‌زا،‌ فقدان قاعده مالی و ناکارایی سیاست‌های پولی، موجب شده است عنصر نفت و درآمدهای نفتی به اصلی‌ترین عامل بی‌ثباتی اقتصاد ایران تبدیل شود (عسگری، 1389).

2-8- اقتصاد سیاسی نفت

اقتصاد جهانی تابعی از ضرورت‌هاي امنیت ملی قدرت‌هاي بزرگ و نیازهاي سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود. بسیاري از نظریه پردازان روابط و امنیت بین‌الملل تلاش می‌کنند تا موضوع مربوط به راهبرد امنیت انرژي را براساس ضرورت‌هاي سیاست بین الملل تنظیم نمایند. در این مقاله از رهیافت « سیاستگذاري اقتصاد سیاسی نفت» تريلین کارل استفاده شده است. کارل در زمره نظریه‌پردازان اقتصاد سیاسی نفت بوده و هرگونه بحران، تروریسم، شورشگري و منازعات منطقه‌اي را ناشی از ناکارآمدي دولت نفتی و نیاز نظام جهانی به اقتصاد نفتی می‌داند. تريلین کارل تلاش دارد تا رابطه‌اي ساختارمند بین اقتصاد، سیاست و امنیت جهانی ایجاد کند. روندهاي موجود اقتصاد جهانی معطوف به فرآیندي است که براساس آن هر بحران منطقه‌اي می‌تواند بر معادله بازارهاي جهانی تأثیرگذار باشد (کارل، 1390: 14).

تسلط نقش نفت و به تبع آن دولت بر اقتصاد و تحمیل شرایط بودجه بر سایر اجزاي سیاست‌هاي اقتصادي مانند سیاست‌هاي پولی، بازارهاي بین‌المللی، تحریم و فشارهاي بیرونی، روند رشد مشکلات اقتصادي را تسریع می‌نماید. با توجه به میزان درآمدهاي نفتی و برخورداري نامطلوب از این درآمدها، تسلط و نقش نفت و دولت در اقتصاد، بسیار چشمگیرتر می‌شود. در عصر حاضر اقتصاد، پایه تولید ثروت و قدرت کشورها محسوب می‌شود. حتی کشورهایی که از نظر قدرت سیاسی و نظامی ضعیف‌تر هستند، به‌دنبال قدرت‌یابی در عرصه اقتصاد می‌باشند. این امر مورد توجه جمهوري اسلامی ایران نیز بوده و براي دستیابی به توسعه اقتصادي برنامه ریزي هاي فراوانی نموده است، اما همواره تحریم‌هاي اقتصادي مانعی سخت در برابر دستیابی به این هدف بودهاند. همچنین تحریم‌هایی که از سوي آمریکا و اتحادیه اروپا علیه جمهوري اسلامی ایران اعمال شد، بخش وسیعی از اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار داد؛ به‌گونه‌اي که علاوه بر محدودیت‌هاي گذشته که در قالب روابط تجاري و محدودیت بر سرمایه‌گذاري خارجی اعمال میشد،

ایران، ممنوعیت‌هایی در روابط مالی- بانکی و صادرات نفت درنظر گرفته شد و تحریم‌هاي اقتصادي با ایجاد مانع بر سر راه صادرات نفت و ارتباطات پولی و مالی ایران و ناکارآمدي داخلی، منجر به کندي روند توسعه اقتصادي شد.

بی‌شک نفت مهمترین و درعین‌حال سیاسی‌ترین کالاي اقتصادي جهان است که همواره در تحولات سیاسی و اجتماعی دولتهاي نفتی نقش قابل توجهی را ایفا کرده است (عسکری، 1389: 181). به‌طورکلی نفت علت بسیاري از نوسانات سیاسی و اقتصادي ایران و یکی از مهمترین مؤلفه‌هاي توسعه ناموزون و نامتعادل بوده است. در چند سال اخیر نیز شاهدیم که کشورهاي تحریم کننده ایران، از نفت و درآمدهاي نفتی به‌عنوان اهرمی مؤثر براي اعمال فشار بر اقتصاد ایران استفاده کرده‌اند.

از سوي دیگر طی سالیان گذشته هنگامی‌که کشور از درآمدهاي نفتی بادآورده و فراوان و طولانی برخوردار بوده است، اقدامی‌براي ایجاد مدیریت منظم اقتصادي انجام نداده و حتی برنامه‌اي جامع براي استفاده مناسب از این منبع پایان پذیر تدوین نکرده بود. هرچند مقادیري از این درآمد، به‌صورت مثبت براي سرمایه‌گذاري در زیرساخت‌هاي اقتصادي مصرف شده است، ولی مقداري از آن به‌جاي سرمایه گذاري در راه‌هاي ایجاد درآمد و یا از بین بردن تنگناها، در پروژه‌هایی صرف شده که موجب افزایش هزینه‌ها و مصرف شده‌اند (کردزاده کرمانی، 1380: 59) و درنتیجه ورود این سرمایه به کشور، توسعه واقعی به‌همراه نیاورده است. بخش انرژي در اقتصاد ایران از موقعیت راهبردي و منحصربه‌فردي برخوردار است، اما خام فروشی و کم توجهی به تولید و صادرات فرآورده‌هاي نفت، گاز و پتروشیمی، تولید و صادرات غیرنفتی، مهمترین نقطه آسیب‌پذیري اقتصاد ایران به‌شمار می‌رود (ملکی، 1382: 174).

فرآیند توسعه اقتصادي نفت‌محور، داراي عواقبی است که درنهایت از ایجاد توسعه اقتصادي متوازن در ایران جلوگیري کرده است. جمهوري اسلامی ایران همواره مشکلات روزمره و موانع اقتصادي خود را با تزریق درآمدهاي نفتی برطرف می سازد (ناظمی اردکانی، 1384: 3-2) این وابستگی موجب شده است که برنامه‌هاي بلندمدت از مطلوبیت برخوردار نبوده و کاهش قیمت نفت تعادل این برنامه‌ها را به‌هم بزند؛ به همین دلیل اغلب برنامه‌هاي درازمدت، دستخوش تعدیل و تخفیف می‌شوند.

ایالات متحده می‌داند که ساختار اقتصادي ایران براساس اقتصاد نفت پایه می‌چرخد و با ارز به‌دست آمده از فروش نفت، ارز موردنیاز خود را به اقتصاد کشور تزریق می‌کند؛ ازاین‌رو تلاش می‌کند تا با کمک اتحادیه اروپا براي تغییر رفتار ایران در برنامه هسته‌اي، منبع درآمد ایران را قطع کرده و شریان اقتصادي کشور را مختل نماید و با تحریم نفتی عملاً ایران را از بخش اعظم درآمد خود محروم کرده و از ورود دلار به ایران جلوگیري کند (دلفروز، 1381) .

در ایران با کاهش درآمدهاي ناشی از تحریم نفت و مشکلات ناشی از تأمین ارز براي منابع و کالاهاي سرمایه اي، تأسیسات تولیدي و زیربنایی مانند صنایع خودروسازي، در معرض ورشکستگی قرار گرفتند (غلامی، 1390). باید اذعان داشت که اگر نفت را از اقتصاد ملی حذف کنیم، تمام ارکان حیات اقتصادي، اجتماعی و حتی سیاسی ما به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرند. تزریق سرمایه به بخش صنعت، واردات کالاهاي اساسی، تأمین و دستیابی به فناوري هاي نوین صنعتی و نظامی و تأمین انرژي داخلی به درآمدهاي نفتی وابسته است. به عبارت صریح‌تر، امنیت اقتصادي، امنیت اجتماعی و حتی از دیدگاهی فراتر، امنیت و ثبات سیاسی کشور تحت تأثیر درآمدهاي نفتی است و هرگونه نقصان و اختلالی ناشی از ناکارآمدي دولت نفتی می‌باشد؛ سرانجام اینکه شالوده و زیرساخت ساختار اقتصاد ایران، یعنی نفت، چالش‌هاي مهمی فراروي کشور قرار داده و خواهد داد. نفتی که در حال حاضر با همه عقب‌ماندگی‌ها، ضعف‌ها و کاستی‌هاي مالی، فنی و مدیریتی، بخشی از اقتصاد کشور را تغذیه و اداره کرده است، درصورتی که به سطح بلوغ واقعی و پیشرفت برسد، نه‌تنها عامل آسیب‌پذیري اقتصاد کشور نیست، بلکه به عامل قدرت و توسعه و توانمندي کشور تبدیل می‌شود. البته زمانی این امر محقق می‌شود که از قید و بند سیاسی و نهاد دولت آزاد شود و در یک چارچوب اقتصادي و منطقی گام در مسیر استقلال مالی و شکوفایی فنی و مدیریتی بگذارد. تحقق این شرایط است که اقتصاد کشور و صنعت نفت را از آسیب‌پذیري دور می‌کند (بشیریه، 1382).

2-9- زمینه‌هاي تاریخی تحول در سیاستگذاري اقتصاد سیاسی نفت

سیاستگذاري اقتصاد سیاسی به‌عنوان موضوعی راهبردي مورد توجه قرار می‌گیرد. ایران در روند اقتصاد جهانی در برابر سیاست‌هاي عمومی ایالات متحده در برنامه هسته‌اي، موشکی، سیاست‌هاي منطقه‌اي و اجتماعی مقاومت کرده و شکل متفاوتی از الگوهاي سیاسی را منعکس می‌سازد. در چنین فرایندي، رابطه ساختارمند بین مؤلفه‌هاي اقتصاد سیاسی و الگوهاي امنیتی آمریکا در حوزه‌هاي مختلف جغرافیایی مشاهده می‌شود. اقتصاد سیاسی و ضرورت‌هاي راهبردي ایالات متحده به عنوان محوریت اقتصاد و امنیت جهانی تحت تأثیر نیروهاي اجتماعی، منابع تولیدي و الگوي مدیریت بحران‌هاي منطقه‌اي قرار گرفته است (شافریتز و بریک، 1390: 155).

هرگونه تحول در قیمت گذاري و سیاست گذاري نفت در اقتصاد جهانی می‌تواند بر موضوعات راهبردي اثرگذار باشد. این مقاله تأثیر و پیامدهاي قیمت نفت، بازار جهانی کالاهاي مصرفی و همچنین موضوعات دیگري ازجمله بحران مالی اقتصاد آمریکا را بر نتایج حاصل از تحریم راهبردي آمریکا تحلیل و بررسی میکند. امروزه اقتصادهاي ملی به میزان زیادي به‌هم‌ وابسته و درهم تنیده شده‎اند و موضوعات اقتصادي با ضرورت‌هاي راهبردي کشورهاي مختلف ازجمله قدرت‌هاي بزرگ، رابطه ارگانیک پیدا کرده است (مصلی‌نژاد، 1390: 245).

سیاست‌گذاري اقتصادي نفت را باید از عوامل و نشانه‌هایی دانست که اقتصاد جهانی، منطقه‌اي و اقتصاد سیاسی کشورها را تحت تأثیر قرار داده است. هرچه درهم‌تنیدگی و وابستگی اقتصادها به یکدیگر بیشتر باشد، به همان نسبت نیز تأثیرپذیري‌شان از یکدیگر بیشتر خواهد شد؛ به‌عبارت دیگر، تنیدگی اقتصادها در یکدیگر با تأثیرپذیري‌شان رابطۀ مستقیم دارد. در چنین شرایطی، اگر تأثیرگذاري اقتصادي در حوزه کالاهایی مانند نفت باشد، نشانه‌هایی از اثربخشی اقتصاد جهانی در موضوعات راهبردي را منعکس می سازد. بنابراین کاربرد الگوهاي امنیتی قدرت‌هاي بزرگ و بازیگران مؤثر در سیاست جهانی را باید براساس تأثیر هر اقدام نظامی و جایگاه آن در سیاست‌گذاري اقتصاد سیاسی نفت در نظام جهانی تحلیل نمود (Amuzegar، 1983: 33).

نفت یکی از کالاهاي مؤثر در فرایند سیاستگذاري اقتصاد سیاسی محسوب می‌شود. هرگاه یکی از موضوعات بنیادین در اقتصاد جهانی ارتباط مستقیم و مؤثري با نیازهاي راهبردي کشورهاي منطقه‌اي پیدا کند، سیاست گذاري اقتصاد سیاسی تحت تأثیر مؤلفه‌هاي اقتصاد جهانی قرار می‌گیرد. بروز بحران مالی در اقتصاد آمریکا در سال‌های 2009 -2007 سبب شد که آثار بحران مالی اقتصاد آمریکا به سایر حوزه‌هاي جغرافیایی منتقل شود و سیاست‌گذاري اقتصاد سیاسی آمریکا در این دوران معطوف به مدیریت بحران شد.

از سال 2009 به ‌بعد تهدیدهاي نظامی آمریکا علیه ایران کاهش یافت، تحریم اقتصادي ایالات متحده به کشورهاي اروپایی علیه ایران گسترش یافت و روند سیاست تغییر در آمریکا مورد توجه گروه‌هاي اجتماعی و کارگزاران راهبردي قرار گرفت. آثار چنین فر ایندي را می‌توان در اقتصاد سیاسی نفت مشاهده کرد. کشورهاي اروپایی متناسب با میزان پیوند خود با اقتصاد آمریکا تحت تأثیر بحران مالی قرار گرفتند و بازتاب بحران مالی در سیاست‌گذاري امنیتی و راهبردي آمریکا قابل مشاهده است (شافریتز و بریک، 1390: 178).

ضرورت‌هاي سیاست‌گذاري اقتصاد سیاسی نفت در الگوهاي راهبردي ایالات متحده ایجاب می‌کرد که قراردادهاي نظامی و امنیتی آمریکا با عراق تصویب شود. نیروهاي نظامی ایالات متحده به‌صورت تدریجی خاك عراق را ترك کردند. اگرچه باراك اوباما در سال 2010 تلاش کرد تا طیف گسترده‌تري از نیروهاي نظامی جدید را براي مدیریت بحران به افغانستان اعزام کند، اما چنین اقدامی آثار خود را بر اقتصاد کشورهاي اروپایی به‌جا گذاشت. بازگشت نفت عراق به اقتصاد سیاسی بین‌المللی در سال 2009 زمینه‌هاي افزایش تحریم هاي اقتصادي علیه ایران را به‌وجود آورد.

نشانه‌هایی از کنترل نظام مالی جهانی، موازنه صادرات نفت منطقه‌اي خلیج فارس و توازن در میزان تولید، صادرات، واردات و مصرف نفت، شاخص‌هاي اقتصاد سیاسی آمریکا را شکل می‌دهند. یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که بر سیاست‌گذاري اقتصاد سیاسی نفت مؤثر بود را باید بحران مالی ایالات متحده در سال 2007 دانست. چنین نشانه‌هایی منجر به تعدیل الگوهاي مداخله گرایی در سیاست‌گذاري اقتصاد نفتی شده است.

واقعیت‌هاي اقتصاد جهانی در روند سیاست‌گذاري اقتصاد سیاسی نفت بیانگر آن است که هرگونه بحران امنیتی و یا رکود در بازارهاي جهانی می‌تواند به سایر حوزه‌هاي اقتصاد ملی، اقتصاد جهانی و الگوهاي کنش راهبردي قدرتهاي بزرگ انتقال یابد. واقعیت‌هاي اقتصاد سیاسی نفت بیانگر آن است که هر بازیگري می‌تواند در سازوکارهاي کنش بین‌المللی نقش‌آفرین باشد. روندهاي تاریخی 2007 به‌بعد که تحت تأثیر رکود اقتصاد آمریکا و اقتصاد جهانی قرار گرفته، زمینه هاي تغییر در سیاست‌گذاري اقتصاد سیاسی نفت را به‌وجود آورده است (Attiga، 1981: 15).

افزایش نقش کشورهایی که داراي اقتصاد سیاسی نفتی هستند مشروط به موازنه‌هاي اقتصاد سیاسی در سطح بین‌المللی است. سیاست‌گذاري اقتصاد سیاسی نفت در سه سطح ملی، منطقه‌اي و بین‌المللی انجام می‌گیرد که هریک از سطوح یاد شده با یکدیگر ارتباط ارگانیک داشته و بر شکل بندي اقتصاد سیاسی دیگري تأثیرگذار است. مدل تريلین کارل، درباره سیاست‌گذاري اقتصاد نفتی در این قالب تنظیم شده است که:

«اقتصاد کشورهاي صادرکننده نفت و دولت‌هاي نفتی بیانگر شکل افراطی اقتصادهاي وابسته به منابع طبیعی است. این افراطی‌گري به‌ویژه در وابستگی بسیار بالاي اقتصاد به یک منبع واحد به‌نام درآمد نفت بازتاب پیدا می‌کند. معماي فراوانی، پدیده‌اي است که نشان می‌دهد ثروت منابع طبیعی در مرحله نخست باعث رشد اقتصادي می‌شود؛ ولی این فرایند در درازمدت کاهش می‌یابد. کشورهاي نفتی معدودي پیدا می‌شوند که رشد اقتصادي آنها بالاتر از میانگین کشورهاي فاقد منابع طبیعی در اقتصاد جهانی است» (کارل، 1390: 12).

سیاست‌گذاري اقتصاد سیاسی نفت تابعی از ضرورت‌هاي نظام سرمایه داري و اقتصاد جهانی است. چنین واقعیتی در کشورهاي تولیدکننده نفت نیز به گونه اي سازماندهی شده است که ساختار اقتصادي و اجتماعی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

اقتصاد نفتی، ساختار فرهنگی، اجتماعی و راهبردي کشورهاي مختلف را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سیاستگذاري اقتصاد سیاسی در کشورهاي تولیدکننده نفت تابعی از درآمد ناشی از فروش منابع طبیعی است؛ به همین دلیل است که ساختار اجتماعی و اقتصادي چنین کشورهایی با دگرگونی روبه‌رو می‌شود (وحید، 1383: 172).

سیاست‌گذاري اقتصاد نفتی در شرایطی قابل درك است که واقعیت‌هاي دولت نفتی شناخته شود. کارل بر این اعتقاد است که نهادهاي ضعیف و بخش عمومی ناکارآمد، اصلی‌ترین ویژگی‌هاي چنین کشورهایی است. واقعیت‌هاي سیاسی و راهبردي کشورهاي خاورمیانه نشان می‌دهد که اقتصاد نفتی با ورود سیل آساي درآمدهاي نفتی به اقتصاد کشورهاي صادرکننده نفت انجام گرفته است. در این فرایند، اقتدار نهادهاي قانونی در دولت‌هاي نفتی کاهش می‌یابد. وابستگی به نفت، دولت‌هاي نفتی را به سمت تمرکزگرایی شدید به قدرت سیاسی، نظام اداري آشفته و نامنسجم هدایت می‌کند (کارل، 1390: 13).

تحریم ایران از سوي نهادهاي سیاسی و اقتصادي بین‌المللی با هدف زمینه‌سازي براي کاهش درآمدهاي اقتصاد نفتی انجام پذیرفت. چنین شاخص هایی آثار خود را بر جهت‌گیري سیاسی، ثبات و امنیت راهبردي به جا می‌گذارد. در سال‌های 1391- 1389 برخی از کارگزاران اجرایی و مسائل سیاسی و اقتصادي ایران بر این باور بودند که اقتصاد ایران، به‌دلیل تعامل اندك آن با دیگر اقتصادها به‌ویژه اقتصاد کشورهاي صنعتی غرب در شرایط بحران اقتصادي با آسیب پذیري کمتري روبه‌رو می‌شود. براساس چنین رویکردي ضریب اثربخشی موضوعات امنیتی بر اقتصاد ایران در شرایط بحرانی نیز محدود خواهد بود (Attiga، 1981: 34).

گروه دیگري از تحلیلگران، اقتصاددانان و کارگزاران اجرایی کشور نظر کاملا متفاوتی داشتند. این گروه از کارگزاران اجرایی و مقامات حکومتی بر این اعتقاد بودند که تحریم‌هاي اقتصادي اعمال شده علیه ایران آثار فراگیري بر مؤلفه‌هاي راهبردي و اقتصادي جمهوري اسلامی‌خواهد داشت. براساس چنین نگرشی، هرگونه سیاست‌گذاري اقتصاد نفتی در قالب تحریم‌هاي اقتصادي می‌تواند پیامدهاي بسیار شدید و شکننده‌اي بر اقتصاد ایران داشته باشد. آمریکا و اتحادیه اروپا در دوران بحران شبه‌جزیره کریمه در قالب منازعات روسیه و اوکراین از راهبرد تحریم اقتصادي بهره گرفتند؛ راهبردي که مشابه الگوي رفتاري آنان در برخورد با ایران بوده است.

واقعیت‌هاي سیاست‌گذاري اقتصاد سیاسی نفتی بیانگر آن است که نه‌تنها بحران اقتصاد جهانی داراي آثار و پیامدهایی بر اقتصاد سیاسی ایران است، بلکه این موضوع می‌تواند بر شاخص‌هاي امنیتی ایران نیز تأثیرگذار باشد. در فرایند سیاست‌گذاري اقتصاد سیاسی نفت، موضوعات اقتصادي از قانون ظروف مرتبطه پیروي می‌کند. به‌گونه اي که در این رویکرد هرگونه تغییر در معادلۀ قدرت، بر حوزه هاي جغرافیایی و شکل بندي‌هاي اقتصاد سیاسی سایر کشورها تأثیر خواهد داشت (Joffe، 2007: 9).

براساس چنین نگرشی، هرگونه تحول در اقتصاد جهانی، بر شکل‌بندي‌هاي سیاسی کشورهایی که داراي اقتصاد نفتی هستند، اثرگذار خواهد بود. در چنین فرایندي با افزایش فشارهاي اقتصادي علیه جمهوري اسلامی ایران در حوزه‌هاي سیاست جهانی، آسیب‌پذیري‌هاي اقتصاد ایران نیز افزایش خواهد یافت. اعمال تحریم‌هاي اقتصادي نه‌تنها در ارتباط با موضوعات راهبردي و امنیتی مؤثر است، بلکه در مورد موضوعات مرتبط با صادرات غیرنفتی، تولیدات پتروشیمی، صادرات معدنی و خشکبار نیز اثربخش خواهد بود (دین، 1388: 125).

اگر راهبرد امنیتی کشورهاي صنعتی جهان غرب مبتنی بر شاخص هاي سیاست‌گذاري اقتصاد سیاسی نفتی باشد، در آن شرایط هرگونه محدودیت راهبردي ازجمله تحریم‌هاي اقتصادي و تحریم نفتی به‌موازات پدیده هاي دیگري از جمله بحران مالی جهانی، درآمدهاي مالیاتی دولت کشورهاي صنعتی و همچنین درآمدهاي عمومی‌دولت‌هاي نفتی مانند ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آثار چنین فرایندي بر اقتصاد سیاسی کشورهاي خاورمیانه از محل فروش نفت خام و نیز سود سهام شرکت ملی نفت، هریک به میزان 4 درصد سالیانه کاهش می‌یابد که این نیز به کاهش کل درآمدهاي دولت می‌انجامد (کارل، 1390: 24).

2-10- اقتصاد سیاسی نفت در نگرش راهبردي آمریکا

سیاست‌گذاري اقتصاد سیاسی نفت در تفکر راهبردي آمریکا براساس رویکرد تحلیل سیستمیک انجام می‌گیرد. تحلیل سیستم‌ها براي تشریح توسعه و استفاده از مدل‌هاي ریاضی به‌مثابه کمکی براي تصمیم‌سازي استفاده می‌شود. نخستین پرسشی که در تحلیل سیستم‌ها و در قالب سیاست‌گذاري اقتصاد سیاسی نفت مطرح می‌شود این است که هر موضوعی در چه سطحی مورد بررسی قرار می‌گیرد؟ سیستم ها به‌شکلی پویا و دائمی‌درحال تغییر هستند و بازیگران مختلفی در هر سیستم به ایفاي نقش می‌پردازند. بنابراین، سیاستگذاري اقتصاد سیاسی نفت نیز تابعی از شاخص‌هاي نگرش سیستمیک تلقی می‌شود (شافریتز و بریک، 1390: 129).

شاخص‌هاي تشکیل‌دهنده اقتصاد سیاسی انرژي بیانگر آن است که همواره موضوع نفت و انرژي از عوامل تأثیرگذار بر اقتصاد جهانی، منطقه اي و ملی تلقی می‌شود. امنیت انرژي یکی از شاخص‌هاي اصلی اقتصاد و سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود. فرایند برنامه‌ریزي بازیگران مسلط در نظام جهانی به‌گونه‌اي شکل گرفته است که به‌موجب آن، امنیت انرژي از قابلیت لازم براي اثربخشی بر نحوه رفتار سیاسی و اقتصادي کشورها به‌ویژه قدرت‌هاي بزرگ برخوردار است. آنچه در قالب تحریم اقتصادي ایران مطرح می‌شود را می‌توان به‌عنوان بخشی از نگرش سیستمیک به اقتصاد سیاسی نفت دانست. ضرورت کنترل منابع ایجاب می‌کند که چنین بازیگرانی بتوانند از ابزار انرژي براي کنترل سیاست و امنیت بین‌الملل استفاده کنند (Ebinger، 2007: 2).

سیاست‌گذاري اقتصاد سیاسی نفت در نگرش سیستمیک منجر به ارتقاء نقش قدرت‌هاي بزرگ می‌شود. به‌طورکلی می‌توان اذعان کرد که انرژي، زیرساخت تحرك اقتصادي و راهبردي کشورها و قدرت‌هاي بزرگ است. به عبارت دیگر، تغییر در شکل‌بندي‌هاي اقتصاد سیاسی تابعی از موضوع انرژي خواهد بود و آثار هرگونه تغییر در قیمت انرژي را می‌توان بر الگوي رفتاري قدرت‌هاي بزرگ مشاهده کرد. یکی از ویژگی‌هاي آمریکا را باید اثرگذاري بر اقتصاد و سیاست جهانی از طریق کنترل منابع انرژي به‌ویژه انرژي فسیلی دانست (Pennrose، 1988: 45).

چالش تأمین انرژي براي تأمین نیازهاي اقتصادي و راهبردي کشورها از این نظر اهمیت دارد که این موضوع می‌تواند تضمین لازم براي تحویل مطمئن نفت وارداتی را براي بسیاري از دولت‌ها فراهم سازد. در این فر ایند نیاز کشورهایی همانند ایالات متحده براي تأمین انرژي به‌گونه‌اي فزاینده افزایش می‌یابد. افزایش انتظارات راهبردي شرکت‌هاي چندملیتی در هرگونه تصمیم‌گیري اقتصادي دربارة نفت نقش مؤثري ایفا می‌کند. در شرایط موجود مراکز صنعتی و خدماتی آمریکا، هر روز تقریبا یک چهارم عرضه کل انرژي موجود جهان، معادل 4/6 میلیون تن نفت را مصرف می‌کنند. این روند به‌گونۀ مرحله‌اي افزایش پیدا کرده و به رشد خود ادامه می‌دهد (BP، 2006: 40).

ایران در اقتصاد سیاسی بین‌المللی به‌ویژه در فرایند سیاست‌گذاري اقتصادي نفت، نقش مؤثري در نظام جهانی ایفا می‌کند. جایگاه‌یابی ایران در نظام جهانی تابعی از موقعیت‌هاي ژئوپلیتیکی و اقتصاد سیاسی نفت است. اگر کشورهاي خاورمیانه از قابلیت راهبردي مؤثري برخوردار باشند، آنگاه سیاست انرژي بدون ضرورت‌هاي راهبردي شکل نمی‌گیرد. امنیت انرژي در اقتصاد سیاسی بین‌المللی به مفهوم شرایطی است که اولاً، هیچگونه محدودیتی براي تولید، انتقال و مبادلۀ انرژي در اقتصاد سیاسی بین‌المللی ایجاد نشود. ثانیاً هرگونه فرآیند معطوف به قدرت در ادبیات راهبردي کشورهاي صنعتی رابطۀ مستقیمی‌با اقتصاد و سیاست بین‌الملل ایجاد می‌کند.

در این فرآیند، تأثیر افزایش قیمت نفت از سال 1999 بر اقتصاد سیاسی خاورمیانه قابل مشاهده است. افزایش قیمت نفت با تهدیدهاي امنیتی، بی ثباتی سیاسی و نوسان در سرنوشت کشورهاي منطقه خلیج فارس و خاورمیانه رابطۀ مستقیمی‌دارد. اگرچه افزایش قیمت نفت، بخشی از سیاست‌هاي مدیریت عرضه اوپک محسوب می‌شود، اما تأثیر چنین موضوعی را باید در مقیاس اقتصاد جهانی مشاهده کرد. اقتصاد جهانی از طریق کنترل منابع انرژي، ارتباط تنگاتنگی با موضوع سیاست بین‌الملل پیدا می‌کند (Moghtader، 1980: 62).

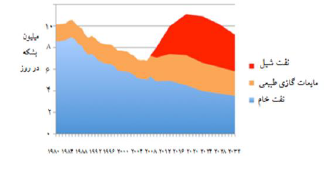
اقتصاد جهانی در سال‌هاي2001- 2000 با بحران مرحله اي روبه رو شده است. چنین بحرانی را باید در زمرة بحران‌هاي سیکلی در اقتصاد و سیاست جهانی دانست. نظریه‌پردازان اقتصادي بر این اعتقادند که تحول دائمی‌در فناوري تولید کالاهاي خدماتی و مصرفی، منجر به ایجاد سیکل‌هاي مرحله‌اي بحران، رونق و عادي سازي فرایندهاي اقتصادي می‌شود. کشوري که بتواند سیکل‌هاي بحران را کنترل کند، نیازمند متعادل‌سازي تولید و مصرف انرژي در مقیاس جهانی خواهد بود.

براساس چنین نگرشی، اگر قیمت نفت در مقیاس زمانی اواسط سال 2001 ثابت باقی می‌ماند، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی جهان، 5 درصد بالاتر از قیمت نفت خام در مارس 2004 می‌شد. این امر به مفهوم آن است که هرگونه بحران منطقه‌اي می‌تواند آثار خود را در حوزه‌هاي اقتصادي و راهبردي به‌جا گذارد. بنابراین افزایش 5 درصدي، قیمت نفت را به میزان 10 دلار در هر بشکه افزایش می‌دهد. براساس چنین رویکردي می‌توان موضوعات مربوط به بحران اقتصادي آمریکا در سال 2007 را نیز مورد توجه قرار داد (رئیس طوسی و موسوي، 1384: 56).

بسیاري از سایت‌هاي آمریکایی به این موضوع پرداختند که اشغال نظامی عراق صرفاً پیامدهاي امنیتی نداشته است، بلکه باید آثار آن را در ارتباط با قیمت نفت نیز مورد توجه قرار داد. یکی از دلایل افزایش قیمت نفت از سال 2004 به بعد را باید جنگ آمریکا در عراق دانست. این جنگ در کوتاه‌مدت تأثیر محدودي بر اقتصاد جهانی داشت. به‌عبارت دیگر، هرگونه تحول در شکل‌بندي‌هاي سیاسی و امنیتی می‌تواند آثار خود را در اقتصاد جهانی نفت به‌جا گذارد. برخی از نظریه‌پردازان اعتقاد دارند که اشغال نظامی عراق، ضربه سختی بر ایالات متحده آمریکا و به‌تبع آن اقتصاد جهانی وارد کرده و بیش از پیش نرخ برابري دلار را با نوسان مواجه ساخته است (Bivens، 2006: 1).

تحریم اقتصادي ایران بخشی از سیاست‌گذاري اقتصاد سیاسی نفت در سیاست جهانی و الگوهاي رفتاري آمریکا است. رابطۀ متقابل اقتصاد جهانی و سیاست جهانی را باید به‌عنوان بخشی از نیازهاي راهبردي نخبگان و نهادهایی دانست که تلاش دارند تا زمینه‌هاي لازم براي مهندسی قیمت نفت و یا مهندسی سیاست جهانی و منطقه‌اي را ایجاد کنند. پیوند مؤلفههاي اقتصادي با سیاست جهانی بیانگر آن است که شرایط بازار بی‌ثبات‌تر از حدي است که تحولات سیاسی بدون توجه به آثار و عواقب اقتصادي آن انجام پذیرد (Elfeituri، 1987: 18).

در چنین شرایطی این پرسش مطرح می‌شود که موضوع قدرت و امنیت در سیاست جهانی با توجه به ضرورت‌هاي سیاست گذاري اقتصاد سیاسی نفت براساس چه معادله‌اي شکل می‌گیرد؟ تحلیل واقعی از چنین فرایندي را می‌توان در نمودار شماره (1) مشاهده کرد. در این نمودار مشخص می‌شود که میزان تولید انرژي آمریکا در اقتصاد جهانی کاهش یافته است؛ بنابراین هرگونه سیاست گذاري راهبردي در قالب موضوعات انرژي تنظیم می‌شود.



منبع : (ویلیامز، 1390: 325).

نمودار 2-2- روند کاهش تولید نفت آمریکا در مقیاس جهانی (پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژي از تولید نفت آمریکا)

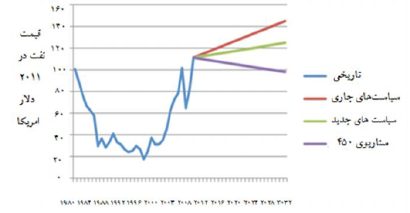
نمودار شماره (1) بیانگر فرآیندي است که با اقتصاد سیاسی نفت پیوند یافته است. نقش آمریکا در رهبري اقتصاد جهانی ایجاب می‌کند که این کشور بتواند نقش مؤثري در کنترل و موازنۀ تولید، مصرف، واردات و صادرات انرژي ایفا کند. عملکرد اقتصاد صنعتی آمریکا معطوف به فرآیندي است که نیازمند منابع خام بیشتري می‌باشد تا نیازهاي مربوط به صنایع خدماتی آن کشور را تأمین کند. ریچارد لوگار، سناتور ایالت ایندیانا در نوامبر 2005 گفت: «نفت صرفاً کالایی در کنار سایر کالاها نیست، بلکه در اقتصاد و سبک زندگی آمریکایی جایگاهی مهم و بی‌مانند دارد. چنین نگرشی در بین برخی دیگر از کارگزاران اجرایی و نمایندگان کنگرة آمریکا نیز وجود دارد» (ویلیامز، 1390: 325).

ارزیابی روندهاي اقتصادي در آمریکا نشان می‌دهد که نیاز ایالات متحده به منابع انرژي به‌ویژه نفت خام به‌گونه قابل توجهی درحال افزایش است. نمودار شماره (1) بیانگر آن است که تولید منابع انرژي آمریکا به گونه مشهودي درحال کاهش است. برخی از نظریه‌پردازان بر این اعتقادند که اگرچه تولید انرژي آمریکا در سالهاي دهه 1980 حدود 8 میلیون بشکه در روز بوده است، چنین روندي ماهیت نزولی داشته و در دهه سوم قرن 21 به حدود 4 میلیون بشکه در روز می‌رسد. در سالهاي آینده نیاز آمریکا به نفت خاورمیانه افزایش پیدا کرده و هرگونه سیاست راهبردي ایالات متحده در برخورد با جمهوري اسلامی ایران تابعی از ضرورت‌هاي اقتصاد جهانی تلقی می‌شود.

ازآنجاکه هرگونه سیاست‌گذاري در اقتصاد سیاسی نفت تابعی از ضرورت‌هاي راهبردي و بین‌المللی است، چنین نشانه هایی را باید زیربناي اقتصاد جهانی سرمایه‌داري دانست. به‌موازات کاهش تولیدات نفت ایالات متحده، زمینه براي افزایش قیمت نفت در مقیاس جهانی نیز به‌وجود آمده است. درآمد نفتی ایران از سال 2004 به ‌بعد رشد افزایشی داشته است. بسیاري از پژوهشگران در مطالعات خود به این جمع‌بندي رسیده‌اند که درآمد دولت ایران از صادرات نفت طی سال‌های 2012- 2005 بیشتر از درآمد اقتصادي ایران در طول تاریخ صادرات نفتی بوده است (BP، 2006: 9).

در چنین شرایطی، هزینه‌هاي اقتصادي دولت به‌گونهاي تدریجی افزایش یافت. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که هرگاه هزینه‌هاي امور عمومی‌دولتهاي صادرکننده نفت همانند ایران افزایش یابد، در مرحله بعدي با مخاطرات ناشی از رکود و افزایش وابستگی به فروش نفت روبه‌رو می‌شود. یکی از دلایل اثربخشی تحریم‌هاي اقتصادي را می‌توان افزایش هزینه هاي عمومی‌دولت در ایران دانست. چنین رویکردي نخستین بار از سوي تريلین کارل ارائه شده است. کارل معتقد است، بر سر راه تغییر در مسیرهاي توسعه، موانع بلندمدتی وجود دارد. وابستگی به منافع ناشی از اقتصاد سیاسی نفت از این نظر پرمخاطره است که ایجادکنندة اینرسی بوده و دولت‌ها را در وضعیت محافظه‌کاري قرار می‌دهد (کارل،1390: 40).

تغییر در قیمت جهانی انرژي را باید بخشی از سیاست‌گذاري ا قتصاد سیاسی نفت محسوب کرد. در نمودار شماره (2) می‌توان روند تاریخی نوسانات قیمت نفت را مشاهده کرد. در این روند، ساختار اقتصاد سیاسی کشورهایی همانند ایران براساس شکل‌بندي‌هاي اقتصاد جهانی تعریف می‌شود. بنابراین، نوسانات قیمت انرژي در سطح جهانی زمینۀ تصمیم‌گیري براي بازگرداندن ایران به بازار جهانی را فراهم می‌کند.



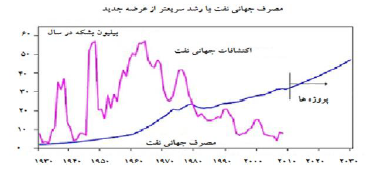
منبع : (فریدمن، 1388)

نمودار 2-3- فرآیند تغییرات قیمت انرژي در مقیاس جهانی (تخمین‌هاي آژانس بین‌المللی انرژي از قیمت‌هاي جهانی نفت)

2-11- تأثیر مؤلفه‌هاي راهبردي آمریکا در سیاستگذاري اقتصاد سیاسی نفت

در این بخش، موضوع تحریم هاي اقتصادي ایران و همچنین فرایند مربوط به مذاکرات هسته‌اي براساس نشانه‌هایی از سیاست‌گذاري اقتصاد سیاسی نفت بررسی می‌شود. مؤلفه‌هاي راهبردي در این فراآیند، نقش محوري و تعیین کننده‌اي دارند. جغرافیاي انرژي فرصت مناسب اقتصادي را پیش روي ایران قرار داده است. کشوري مانند ایران نه‌تنها به‌لحاظ جغرافیاي سیاسی از جایگاه ویژه‌اي براي توسعۀ ارتباطات بین قارهاي برخوردار است، بلکه از قابلیت‌هایی براي اکتشاف، استخراج و انتقال نفت نیز بهره می‌گیرد. ایران 3/10 درصد ذخایر اثبات شده نفت خام جهان و 8/15 درصد ذخایر اثبات شده گاز طبیعی جهان را دراختیار دارد. تهدید امنیتی علیه جمهوري اسلامی ایران را نمیتوان بدون توجه به معادلۀ انرژي در اقتصاد جهانی در نظر گرفت. به‌هم‌پیوستگی اقتصاد جهانی منجر به افزایش اهمیت منابع نفتی در فرایندهاي رشد و رکود اقتصادي می‌شود. هرگاه بحران در مناطق نفت خیز گسترش یابد بلافاصله بر قیمت جهانی انرژي تأثیر می‌گذارد و پیامدهایی را در محیط بین‌الملل ایجاد می‌کند. موضوع امنیت از این نظر در برنامه‌ریزي اقتصادي داراي اهمیت است که انرژي حد واسط معادلۀ امنیت و اقتصاد سیاسی بین‌المللی خواهد بود. این امر از یک سو ناشی از ابهامات ژئوپلیتیکی به‌ویژه در منطقه خاورمیانه است و از سوي دیگر به‌دلیل وجود بازارهاي پرتقاضا مورد توجه قرار می‌گیرد. نوسانات قیمت نفت تابعی از موضوع امنیت است (فریدمن، 1388: 215).

سیاست‌گذاري اقتصاد سیاسی نفت، چگونگی و فرایند اکتشاف و استخراج نفت را کنترل می‌کند. همانگونه که در نمودار شماره (4) مشاهده می‌شود، روند کشف منابع و ذخایر هیدروکربنیک جهان در سالهاي قرن 21 به‌گونه قابل توجهی کاهش یافته است. به‌عبارت دیگر، می‌توان فرایندي را مورد ملاحظه قرار داد که نیاز کشورهاي صنعتی غرب به منابع اقتصادي موجود جهان افزایش پیدا کند. صرفا در چنین شرایطی است که سازوکارهاي جدیدي از کنش راهبردي با اهداف اقتصادي سازماندهی خواهد شد.



Source: www.aspo-ireland.org. IMF.AMP Capital

نمودار 2-4- فرآیند نزولی کشف منابع نفتی جدید در مقیاس بازار تقاضا و مصرف جهانی

برنامه‌ریزان دفاعی و راهبردي آمریکا در مطالعات خود به این جمع‌بندي رسیده اند که باید براي انجام هرگونه تحول اقتصادي به موضوع امنیتی خلیج فارس توجه ویژه شود. این موضوع در اجلاسیه داووس فوریه 2013 نیز مطرح شد.

اگر قیمت نفت تحت تأثیر موضوعات و مؤلفه‌هاي امنیتی افزایش پیدا کند، در آن شرایط می‌توان زمینه‌هاي جدیدي از بحران در اقتصاد جهانی را نیز مشاهده کرد. قیمت بالاتر نفت به‌معنی سطوح بالاتر بیکاري و مشکل کسر بودجه در بسیاري از کشورهاي عضو [[34]](#footnote-34)OECD و سایر کشورهاي واردکننده نفت است.

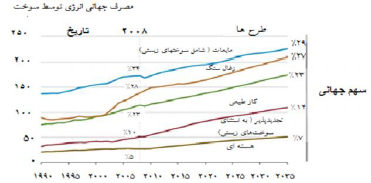
طبق نتایج بررسی‌هاي انجام شده توسط آژانس بین المللی انرژي[[35]](#footnote-35)، هرگونه تحول سیاسی و فرایندهاي پرمخاطرة امنیتی، نتایج اقتصادي و راهبردي متنوعی را ایجاد می‌کند. برخی از مطالعات آژانس بین‌المللی انرژي که با همکاري دپارتمان اقتصادي کشورهاي توسعهیافتۀ صنعتی موسوم به OECD انجام شده است، نشان می‌دهد که روندهاي تغییر در اقتصاد جهانی بدون توجه به مؤلفه‌هاي امنیتی تبیین نخواهد شد. در این مورد، دپارتمان پژوهشی صندوق بین‌المللی پول، در مطالعات راهبردي خود به این جمع‌بندي رسید که افزایش 10 دلاري قیمت هر بشکه نفت‌خام باعث کاهش 2 درصدي رشد تولید ناخالص داخلی کشورهاي عضو OECD خواهد شد.

آمارهاي ارائه شده از سوي نهادهاي اقتصاد بین‌الملل به مفهوم آن است که به هر میزان قیمت نفت با نوسانات بیشتري روبه رو شود، شاهد بروز نوساناتی در معادله اقتصاد و سیاست جهانی خواهیم بود. به همین دلیل است که کشورهاي اروپایی و همچنین بسیاري از واحدهاي سیاسی عضو کشورهاي توسعه یافته صنعتی موسوم به OECD مخالف حملۀ نظامی آمریکا به ایران می‌باشند. چنین نشانه‌هایی از پیوند اقتصاد سیاسی بین‌المللی با شاخص هاي امنیتی، زمینۀ ایجاد تهدیدهاي راهبردي علیه آمریکا براي انجام اقدامات نظامی‌در برخورد با جمهوري اسلامی ایران را به‌وجود می‌آورد (BP، 2010: 12).

تجربه نهادهاي اقتصادي، راهبردي و امنیتی آمریکا پس از اشغال عراق نشان می‌دهد که در سال اول و دوم پس از اشغال نظامی، میزان افزایش قیمت نفت نسبتاً محدود بوده است. چنین فرایندي، به این معنی است که هرگونه اقدام نظامی نه‌تنها داراي آثار مرحله‌اي سریع در مورد قیمت نفت در اقتصادي جهانی می‌باشد، بلکه پیامدهاي آن را می‌توان بر فضاي کلی اقتصاد سیاست جهانی نیز مشاهده کرد.

اشغال نظامی عراق در سال 2003 موجب افزایش تورم در اقتصاد ملی آمریکا و همچنین اقتصاد کشورهاي صنعتی غرب شده است. در سالهاي دهه 1990 به بعد شاهد افزایش مصرف انرژي هسته‌اي و سایر گزینه‌هاي انرژي در اقتصاد جهانی می‌باشیم (مهدیان و فخري، 1391: 54).

بخش دیگري از سیاست‌گذاري اقتصاد سیاسی نفت مربوط میزان مصرف سایر حامل‌هاي انرژي در اقتصاد جهانی است. به‌رغم چنین فرایندي بیش از 79 درصد از مصرف جهانی انرژي، مربوط به ذخایر هیدروکربنیک مانند نفت، گاز و زغال‌سنگ است. در نمودار شماره (5) می‌توان روندي را مشاهده کرد که نشان می‌دهد میزان مصرف نفت خام، زغال‌سنگ، گاز طبیعی و همچنین کالاهاي حاصل از پالایش نفت به‌گونۀ قابل‌توجهی افزایش یافته است. در چنین شرایطی است که سیاست‌گذاري اقتصاد سیاسی نفت باید معطوف به حفظ حداقلی بازارهاي نفتی باشد.



Source: EIA, International Energy Agency Outlook 2011

نمودار 2-5- مصرف بخش‌هاي مختلف انرژي در اقتصاد جهانی

سیاست نظامی و راهبردي آمریکا توسط بخش قابل توجهی از رسانه ها و مراکز مطالعاتی در ایالات متحده در دوران پس از اشغال عراق، مورد انتقادهاي گوناگونی قرار گرفتند. گروه‌هاي منتقد بر این اعتقاد بودند که اقدامات نظامی آثار خود را در فضاي اجتماعی و اقتصادي آمریکا به‌جا میگذارد. نتایج حاصل از جنگ آمریکا در عراق را می‌توان در بحران اقتصادي 2007 مشاهده کرد. روند ایجاد شده نشان میدهد که افزایش هزینه‌هاي راهبردي با نشانه‌هایی از انتقاد گسترده اجتماعی همراه بوده است. بحران در محیط اجتماعی آمریکا نیز در قالب جنبش اشغال والاستریت شکل گرفته است.

گروه‌هاي منتقد بر این اعتقاد بودند که اشغال نظامی عراق بدون توجه به ضرورت‌هاي اقتصاد جهانی ازجمله قیمت انرژي انجام گرفته است. در روند اشغال نظامی عراق، تورم ایالات متحده به میزان 5 درصد رشد کرده و به موازات آن بیکاري نیز افزایش یافته است. روند افزایش قیمت نفت از سال 2005 به‌بعد را باید تابعی از ضرورت‌هاي جدید اقتصاد و امنیت آمریکا دانست. در این مقطع زمانی کشورهاي عضو سازمان OECD مبلغی برابر با 260 میلیارد دلار به واردات نفت اختصاص داده‌اند. این مبلغ 20 درصد بیش از مقدار سال 2001، مصادف با دوران اشغال افغانستان است. تفاوت در هزینه‌هاي اقتصادي آمریکا را باید ناشی از تفاوت جایگاه عراق و افغانستان در بازار انرژي جهانی دانست (Joffe، 2007: 25).

چنین روندي را می‌توان در مورد اتحادیه اروپا نیز مشاهده کرد. کشورهاي حوزه پولی یورو که بسیار بیشتر به نفت وابسته هستند، در روند اشغال نظامی عراق ضرر بیشتري را در اثر افزایش قیمت نفت متحمل شده‌اند. آنان مخالفت خود را با اقدام نظامی آمریکا علیه عراق اعلام کردند، اما ایالات متحده از الگوي یک‌جانبه‌گرایی براي تحقق اهداف راهبردي خود بهره گرفته است. اشغال عراق براي اقتصاد اروپا مخاطرات بیشتري را در مقایسه با رکود تورمی آمریکا در سال 2007 در پی داشته است.

براساس گزارش آژانس اطلاعات انرژي، 27 کشور عضو اتحادیه اروپایی در حدود 17 درصد کل انرژي مصرفی جهان را مصرف می‌کنند که بخش عمده این انرژي مصرفی از راه واردات تأمین می‌شود. نیاز اتحادیه اروپایی به انرژي وارداتی در سال 2009، حدود 50 درصد از کل انرژي مصرفی این قاره بوده است و پیش‌بینی می‌شود به‌جز تغییرات بسیار محدود، این رقم براي کشورهاي عضو این اتحادیه به 65 درصد در سال 2030 برسد (Beklin، 2008: 2-1).

آسیب‌پذیري کشورهاي منطقه OECD در مقایسه با ایالات متحده به گونه ای تدریجی از رشد فزایندهاي برخوردار است. در این فرایند، کاهش تولید ناخالص داخلی کشورهاي اروپایی 3 درصد بوده است. اگر در بحران‌هاي آینده زمینه براي شکل‌گیري شرایط مشابهی از اقدامات نظامی علیه ایران ایجاد شود، در آن شرایط اقتصاد کشورهاي اروپایی بیش از سال 2007 با رکود تورمی‌روبه‌رو می‌شود. به‌عبارت دیگر، رکود تورمی انعکاس افزایش قیمت کالاهایی است که منجر به تغییر در موازنه اقتصادي بازار شده و امکان خرید برخی از کالاها را کاهش می‌دهد (Belkin، 2008: 10).

یکی از دلایل اصلی آسیب‌پذیري کشورهاي صنعتی جهان غرب را باید ناشی از محدودیت‌هاي تکنولوژیک آنان در استفاده از انرژي‌هاي جایگزین دانست. این کشورها عموماً برنامه مشخصی براي استفاده از انرژي هاي جایگزین نفت یا برنامه‌هاي خاصی براي صرفه‌جویی و یا ذخیره‌سازي انرژي براي مواقع بحرانی ندارند. به‌طور متوسط این کشورها براي تولید یک کالاي مشابه، دو برابر یک کشور عضو OECD انرژي مصرف می‌کنند. چنین کشورهایی کمتر قادرند بحران‌هاي مالی ناشی از افزایش قیمت نفت را مدیریت و تحمل کنند (رئیس طوسی و موسوي، 1384: 57).

علاوه‌بر کشورهاي صنعتی جهان غرب، بخش دیگري از کشورهاي درحال توسعه جهان نیز با اقدام نظامی آمریکا علیه ایران مخالفت می‌کنند که ازجمله می‌توان به کشورهایی چون هند و برزیل اشاره داشت. هریک از کشورهاي یاد شده در سال‌هاي بعد از اعمال تحریم‌هاي یک‌جانبه آمریکا علیه ایران، حجم مبادلات اقتصادي خود با جمهوري اسلامی‌را به میزان بسیار محدودي کاهش داده اند. در این مورد، هند در سال 2003 به میزان 15 میلیارد (برابر با 3 درصد تولید ناخالص داخلی این کشور) نفت وارد کرده است. این رقم 16 درصد بیشتر از قیمت واردات نفت سال 2001 بوده است.

روندهاي تغییرپذیري اقتصادي در شرایط شکل‌گیري بحران انرژي، مخاطراتی غیرقابل‌پیش‌بینی را براي کشورهاي فرودست در سیاست بین الملل نیز به وجود می‌آورد. پیش‌بینی می‌شود که افزایش 10 دلاري قیمت نفت، باعث کاهش 8 درصدي رشد تولید ناخالص داخلی در آسیا و 6/1 درصدي در کشورهاي فقیر می‌شود. چنین فرایندي میزان بدهی‌هاي اقتصادي کشورهاي حاشیه اي در اقتصاد جهانی را افزایش می‌دهد. روندهاي عمومی اقتصاد جهانی نشان می‌دهد که گسترش بحران در منطقه‌اي که از آن به «ژئوپلیتیک انرژي[[36]](#footnote-36)» یاد می‌شود، مخاطرات زیادي را ایجاد می‌کند (مهدیان و فخري، 1391: 56).

بحران امنیتی در منطقه آسیاي جنوب غربی مخاطراتی را براي اقتصاد و سیاست جهانی ایجاد می‌کند. امنیت را باید به‌عنوان بخشی از راهبرد ژئوپلیتیکی کشورهایی دانست که نیاز آنان به انرژي درحال افزایش است. روندهاي بحران‌ساز در اقتصاد جهانی از یک‌سو مربوط به بازار انرژي است و از سوي دیگر، باید آن را در ارتباط با رشد اقتصاد جهانی مورد ارزیابی قرار داد. براساس گزارش سال 2009 سازمان اطلاعات انرژي، کشورهاي صنعتی و درحالتوسعه نیاز بیشتري به مصرف گاز طبیعی پیدا کرده‌اند که سبب افزایش دو درصدي مصرف سالیانه گاز خواهد شد و هرگونه بحران امنیتی بر انرژي و محصولات هیدروکربنی تأثیر خواهد داشت (فریدمن، 1388: 34).

افزایش قیمت نفت، توازن تجاري میان کشورها و نرخ مبادله را تغییر می‌دهد. کشورهایی که تمام نیاز خود به نفت را از محل واردات تأمین می‌کنند، معمولاً دچار نوعی به‌هم‌ریختگی در تراز پرداخت‌هایشان می‌شوند که بر نرخ مبادله آنها فشار آورده و درنتیجه باعث گرانتر شدن واردات و ارزان‌تر شدن صادرات آنان می‌شود.

چنین روندي زمینه‌هاي کاهش درآمد ملی کشورهاي درحال توسعه را به‌وجود آورده و به‌گونه غیرمستقیم اقتصاد جهانی را متأثر خواهد کرد (رئیس طوسی و موسوي، 1384: 59).

2-12- نفت و شاخص رفع فقر

فقر منشأ بسیاری از ناهنجاری های اجتماعی است. بر اساس « تئوری تلاش»[[37]](#footnote-37) که مرتون[[38]](#footnote-38) آن را مطرح کرده است، افراد برای دستیابی به اهداف خود، اگر بتوانند از راه های قانونی استفاده می‌کنند و اگر لازم باشد مرتکب جرم می‌شوند. بر این اساس، در جوامع فقیر که دستیابی به اهداف از راه های قانون امکان پذیر نیست، شیوه های غیر قانونی استفاده می‌شود (مدنی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۶). افزون بر این، فقر مانع رشد علمی و بروز استعدادهای افراد می‌گردد، درگیری های اجتماعی را تشدید می‌کند، نارضایتی عمومی‌را افزایش داده، میزان مقبولیت حکومت‌ها را پایین می آورد که همه این پیامدها مانع توسعه محسوب می‌شوند. براساس نتایج برخی پژوهش‌ها، وابستگی به نفت با حرکت به سمت سطوح گوناگون فقر به ویژه زندگی در زیر خط فقر در کشورهای نفت خیز ارتباط داشته، پیامدهایی نظیر نرخ بالای مرگ و میر کودکان و سوء تغذیه، کاهش امید به زندگی و بی توجهی به نظام سلامت را به دنبال دارد (Terry و Lynn و Karl، 2009: 664).

استعدادهای افراد به ویژه سرپرستان خانوارها، جایگاه کار و تلاش در فرهنگ عمومی، سیاست‌های اقتصادی دولت و نحوه مدیریت منابع، درآمدهای عمومی‌کشور و ... همگی در کاهش یا افزایش فقر مؤثرند. با این حال نفت به عنوان یکی از متغیرهای اساسی اقتصاد ایران، پویش فقر در کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رابطه نفت و فقر در ایران را می‌توان به طور خلاصه در چند محور به بحث گذاشت:

الف) براساس برخی آمارها، در سال های نیمه اول دهه‌ی ۱۳۵۰ (دوره وقوع اولین شوک نفتی) فقر در کشور روند کاهشی داشته است. نتایج تحقیقات جنکین که با استفاده از شاخص های مورد نظر بانک جهانی و با ملاک قرار دادن هزینه‌های خانوار به بررسی خط فقر در ایران پرداخته است، نشان می‌دهد که فقر در میان سال های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴ کاهش یافته است. در سال ۱۳۵۴، ۳۹ درصد از خانوارهای روستایی و ۱۴ درصد از خانوارهای شهری فقیر برآورد شده‎اند (محمودی، ۱۳۸۶، ص ۴۸)؛ در حالی که در سال ۱۳۵۱ تعداد خانوارهایی که دچار فقر تغذیه ای بوده اند که (قطعا فقیر محسوب می‌شدند) ۴۷ درصد از جمعیت شهری و ۴۸ درصد از جمعیت روستایی را تشکیل می‌دادند (عظیمی، ۱۳۷۳، ص۲۰۳). همچنین براساس نتایج یک پژوهش، مصرف سرانه سالانه خصوصی کشور (که افزایش آن بیانگر کاهش فقر است) به قیمت‌های ثابت از ۲۸ هزار ریال در سال ۱۳۵۱ به حدود ۵۴ هزار ریال در سال ۱۳۵۶ افزایش یافته است (عظیمی، ۱۳۷۳، ص۲۰۵).

ب) در سال ۱۳۶۵، 7/22 میلیون نفر از جمعیت کشور از نظر شاخص تغذیه، آسیب پذیر بوده اند. به این معنی که 6/10 میلیون نفر از شهر نشینان و 1/12 میلیون نفر از روستانشینان دارای هزینه سرانه غذایی کمتر از ۱۷۰ریال در روز بوده اند. از نظر شاخص مسکن نیز 1/21 میلیون نفر آسیب پذیر بوده اند (عظمی، ۱۳۷۳، ص 92). با توجه به آمار، جمعیت کشور در سال ۱۳۶۵ (حدود 5/49 میلیون نفر) حدود ۴۳ درصد از جمعیت کشور جزء اقشار آسیب پذیر بوده اند. اگر چه عوامل مختلف از جمله جنگ تحمیلی بر وضعیت رفاه شهروندان ایرانی تأثیر داشته است، اما بررسی روند تحولات درآمدهای نفت نشان می‌دهد که پس از رونق نفتی ناشی از انقلاب اسلامی (شوک دوم جهانی در سال ۱۳۵۸)، درآمد نفت از سال ۱۳۶۳ نسبت به سال قبل کاهش یافته و این روند تا سال ۱۳۶۵ یعنی زمان بروز شوک منفی قیمت نفت، ادامه داشته است؛ به طوری که در آمد ایران از فروش نفت در این سال به حدود ۴۳۵ میلیارد ریال یعنی کمتر از یک چهارم درآمد نفتی در سال ۱۳۶۲ رسیده است.

ج) در دهه ۱۳۷۰، با وجود پایان یافتن جنگ تحمیلی که بخش عمده ای از درآمد نفت را جذب می‌کرد، جمعیت زیر فقر کاهش چندانی نداشته است. در فاصله سال های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۸ از یک سو در سال ۱۳۷۲ شاهد شوک درآمدی نفت در ایران بوده ایم (در این سال در آمد نفت به 2/14683 میلیارد ریال رسید و نسبت به سال پیش سه برابر شد) و از سوی دیگر درآمد سال پایانی این دوره (۱۳۷۸) نیز نسبت به سال ۱۳۶۸ سه برابر گردید. اما آهنگ کاهش فقر بسیار کند بوده است (جدول ۲).

جدول 2-1- درصد خانوارهای زیر خط فقر نسبی (مصلی‌نژاد، 1384: 192)

| سال | شهری | | روستایی | |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| خط اول | خط دوم | خط اول | خط دوم |
| 1368 | 7/21 | 0/7 | 1/21 | 6/9 |
| 1369 | 1/19 | 8/5 | 7/23 | 6/9 |
| 1370 | 8/20 | 5/6 | 7/24 | 7/9 |
| 1371 | 5/19 | 2/5 | 4/24 | 3/9 |
| 1372 | 7/18 | 2/5 | 0/23 | 3/9 |
| 1373 | 9/17 | 4/4 | 7/21 | 3/7 |
| 1374 | 8/18 | 5/4 | 4/23 | 4/8 |
| 1375 | 4/19 | 4/4 | 0/22 | 4/7 |
| 1376 | 7/17 | 3/7 | 3/21 | 7/6 |
| 1377 | 7/18 | 4/4 | 8/21 | 4/7 |
| 1378 | 3/18 | 1/4 | 7/22 | 0/7 |

د) اگر چه افزایش قیمت نفت به صورت مقطعی در بهبود وضعیت فقر در کشور مؤثر بوده، اما به طور کلی در دوره بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نفت نتوانسته است فقر را از بین برده یا لااقل به نحو چشمگیری کاهش دهد. چنانچه درآمد سرانه را به عنوان یکی از ملاک های اندازه گیری فقر در نظر بگیریم، میزان درآمد متوسط هر ایرانی در طول ۲۰ سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی‌کاهش یافته است. میانگین رشد اقتصادی سالانه ایران در دوره ۲۰ ساله پس از انقلاب 2/1 درصد بوده است؛ یعنی تولید ناخالص داخلی کشور از ۱۱۹۳۹ میلیارد ریال (1/115 میلیارد دلار) در سال ۱۳۵۶ به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱ به ۱۷۴۵۵ میلیارد ریال (8/31 میلیارد دلار) در سال ۱۳۷۸ رسیده است. جمعیت کشور در همین دوره از ۸/ ۳۶ میلیون نفر به 6/64 میلیون نفر افزایش یافته و در نتیجه درآمد سرانه هر ایرانی به طور متوسط حداقل ۳۰ درصد کمتر شده است (رشیدی، ۱۳۸۱، ص۱۷۳). این کاهش درآمد هنگامی‌که با افزایش قیمت‌ها همراه می‌گردد، عملا به معنای افزایش فقر است. چنانکه آمارها نشان می‌دهد، در نقاط عطف تحولات قیمت نفت (سال های افزایش یا کاهش در آمد) شاخص فقر نیز دچار تغییر شده است (مصلی‌نژاد، 1384: 198)

از آنجا که افزایش قیمت کالاها و خدمات در تشدید فقر نقش مؤثری دارد، یکی از شیوه های محاسبه فقر، بررسی میزان هزینه زندگی خانوارها و روند افزایش یا کاهش نرخ تورم است؛ بر همین اساس در ادامه مبحث فقر، رابطه نفت و تورم را بررسی خواهیم کرد.

تورم پدیده اقتصادی پیچیده ای است که در برخی شرایط رفع آن باعث بروز مشکل در دیگر شاخص های نظیر اشتغال می‌گردد. رئیس بانک فدرال رزرو آمریکا در فوریه ۱۹۸۳ (۱۳۶۲) در همین خصوص خطاب به کنگره گفته است: «من بر این امر واقف هستم که مبارزه با تورم نیازمند پرداخت بهای زیاد و تحمل سختی های شدیدی خواهد بود؛ در این دوران میلیون‌ها کارگر بیکار می‌شوند، گروه زیادی نیز دچار ورشکستگی خواهند شد» (Friedman، 1983: 25). از طرف دیگر نفت هم بر تورم و هم بر اشتغال و نداشتن تعادل بخش‌های مولد و غیر مولد اثر منفی دارد. براساس آمار بانک مرکزی، درصد رشد شاخص بهای کالاها و خدمات در مناطق شهری از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۹ به جز در سال ۱۳۳۳، زیر ۱۵ درصد بوده و در برخی سال ها حتی رشد منفی داشته است. در سال ۱۳۵۳ یعنی همزمان با ۴ برابر شدن درآمد نفت، برای اولین بار نرخ تورم به 7/15 درصد و در سال ۱۳۵۵ به 4/16 درصد رسید. میانگین تغییر سالانه شاخص بهای کالاها و خدمات از سال ۱۳۲۵ تا سال ۱۳۵۶ در جدول ۴ آمده است.

جدول 2-2- شاخص بهای کالاها و خدمات در مناطق شهری ایران در سال‌های منتخب (پایگاه اطلاعات بانک مرکزی)

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| سال | درصد تغییر سالانه شاخص بهای کالاها | سال | درصد تغییر سالانه شاخص بهای کالاها | سال | درصد تغییر سالانه شاخص بهای کالاها | سال | درصد تغییر سالانه شاخص بهای کالاها |
| 1325 | 6/11- | 1340 | 5/ | 1351 | 4/6 | 1354 | 10 |
| 1330 | 5/8 | 1345 | 8/0 | 1352 | 2/11 | 1355 | 4/16 |
| 1335 | 8/8 | 1350 | 6/5 | 1353 | 7/15 | 1356 | 25 |

مقایسه روند قیمت‌ها در دهه های ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ با قیمت‌های دهه ۱۳۵۰ شمسی، به خوبی تأثیر افزایش قیمت نفت بر تورم را نشان می‌دهد. در حالی که بین سال های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۹ اقتصاد شاهد تثبیت قیمت، هم از نظر ارزش کلی فروش و هم جزئی فروشی بوده است. از سال ۱۳۵۰ به بعد فشار تورم رو به فزونی نهاد و به سطح بالای 5/15 درصد برای قیمت‌های خرد و 9/15 برای قیمت‌های کلی رسید (معدل، ۱۳۸۲، ص ۱۱۰). افزایش شدید درآمد نفت در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ نیز در تورم قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید مردم خود را نشان داد و در اواخر این دهه نرخ تورم از ۲۰ درصد بالاتر رفت.

جدول 2-3- درصد نرخ تورم در سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ (سازمان مدیریت، ۱۳۸۳: ۵۸)

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| سال | 1380 | 1381 | 1382 | 1383 | 1384 | 1385 | 89 - 86 |
| نرخ تورم | 4/11 | 8/15 | 6/15 | 2/15 | 4/10 | 9/11 | بالای 20 |

در سال های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ اگرچه نرخ تورم به طور رسمی اعلام نشد، اما منابع مختلف رشد آن را از سال ۱۳۸۷ (یعنی زمان رشد بی رویه قیمت نفت) تا ۱۳۸۹ بالای ۲۰ درصد تخمین زده اند. براساس این آمارها هم زمان با افزایش درآمد نفت، تورم نیز افزایش یافت. (جدول ۶)

جدول 2-4- نرخ تورم در سال‌های افزایش یا کاهش شدید درآمد نفت (همان منبع)

| سال | درآمد نفت (میلیارد ریال) | نرخ تورم | سال | درآمد نفت (میلیارد ریال) | نرخ تورم |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| 1324 | 2 | 6/11- | 1364 | 1208 | 6/7 |
| 1339 | 25 | 5/1 | 1373 | 7/21479 | 35 |
| 1353 | 1205 | 7/15 | 1374 | 2/29431 | 4/49 |
| 1355 | 1421 | 4/16 | 1378 | 3/215650 | 5/25 |

افزایش تورم عمدتا ناشی از نحوه مصرف درآمدهای نفتی و به کارگیری این درآمدها به عنوان هزینه‌های جاری دولت می‌باشد. در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ بیش از ۹۰ درصد از کسری بودجه دولت از محل صندوق ذخیره درآمدهای نفتی برداشت شده است. با توجه به میزان هزینه‌های جاری دولت، هرگونه تغییر ناگهانی و شدید در قیمت نفت باعث وخیم تر شدن کسری بودجه و بالا رفتن تورم خواهد شد (Karshenas و Hakimian، 2005: 69- 70). افزایش بی رویه‌ی قیمت جهانی نفت در سال های پایانی دهه ۱۳۸۰، در کنار عواملی نظیر اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، باعث افزایش حجم نقدینگی و به تبع آن، افزایش تورم و کاهش قدرت خرید مردم گردید.

2-13- نفت و شاخص بیکاری

رفع بیکاری را به حق یکی از مهم‌ترین نشانه‌های توسعه اقتصادی دانسته اند، زیرا بیکاری آفت نظام اقتصادی و عامل اصلی بسیاری از مشکلات خانواده هاست. اشتغال کامل که به عنوان شاخص توسعه یافتگی قلمداد شده است؛ از یک سو سبب استفاده بهینه از نیروی انسانی یک کشور می‌گردد و از سوی دیگر به کاهش فقر و بهبود وضع اقتصادی خانواده ها کمک می‌کند. بیکاری عامل بسیاری از معضلات اقتصادی و اجتماعی از قبیل فقر و محرومیت، ارتکاب جرم و جنایت و بروز انحرافات اجتماعی است (خضری، 1381).

اگرچه بحران های اقتصادی مانند تورم شدید قیمت‌ها، همه اقشار اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما میزان شکنندگی افراد بیکار و خانواده های آنها به مراتب بیشتر است. یکی از معضلات ایران که دولت‌های گوناگون با آن روبه رو بوده اند، مسئله بیکاری، به ویژه بیکاری افراد تحصیل کرده است که بخش عمده‌ای از درآمد خانوار و همچنین بخشی از اعتبارات و امکانات عمومی صرف تحصیل آنها شده است.

همان گونه که در خصوص رابطه‌ی نفت و صنعتی شدن گفته شد، در زمینه اشتغال و رفع بیکاری نیز آثار نفت را می‌توان از دو زاویه بررسی کرد: اشتغال زایی صنایع نفت (تأثیر مستقیم نفت بر اشتغال)؛ نقش درآمد نفت در افزایش و یا کاهش میزان اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور

**الف) صنعت نفت و اشتغال.** صنعت نفت ایران از صنایع پیشتاز کشور بوده و سهم عمده‌ای در گسترش منابع و پیدایش طبقه کارگر داشته است. شرکت ملی نفت ایران از آغاز تأسیس به عنوان بزرگ‌ترین مؤسسه تولیدی کشور مطرح شده است و در دهه ۱۳۵۰ با افزایش قیمت نفت بر اهمیت آن افزوده شد. در سال ۱۹۷۵ (۱۳۵۴) مجله آمریکایی فورچون فهرستی از ۳۰۰ بنگاه صنعتی بسیار بزرگ را منتشر کرد که در سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) در خارج از ایالات متحده آمریکا کار می‌کرده اند. در این فهرست، شرکت ملی نفت ایران، سومین جایگاه را (پس از رویال داچ شل و بریتیش پترولیوم) با ۵۰ هزار کارگر و دارایی های بالغ بر 935/6 میلیارد دلار به خود اختصاص داده بود (وزیری، ۱۳۸۰: ۴۳۳).

براساس سالنامه آماری سال ۱۳۸۷، در این سال پرسنل وزارت نفت ۸۴۳۰۱ نفر بوده که نسبت به کل کارکنان دولت (۲۱۶۳۸۳۸ نفر) رقم قابل توجهی را تشکیل می‌داد و وزارت نفت در میان وزارتخانه ها و سازمان های دولتی مقام پنجم را از آن خود کرد (سالنامه آماری، ۱۳۸۷: ص ۱۸۵). اما با وجود ایجاد اشتغال از سوی صنعت نفت و سازمان های مدیریتی مرتبط با نفت، تعداد کارکنان این صنعت روند نزولی داشته است. بر اساس آمارهای موجود، تعداد کارگران شاغل در کنسرسیوم نفتی در سال ۱۳۳۳، ۴۲۹۰۰ نفر بوده اما در سال ۱۳۴۸ به ۲۰۹۰۰ نفر کاهش یافته است (وزیری، ۱۳۸۰: ۴۳۰).

افزون بر اینکه تعداد کارکنان کنسرسیوم نفتی سیر نزولی داشته، در کل صنعت نفت اعم از اكتشاف، استخراج، پالایش و توزیع مواد نفتی نیز تعداد کارکنان در برخی سال ها کاهش یافته و در بعضی سالها رشد ناچیزی داشته که متناسب با نرخ رشد جمعیت و افزایش تولید نفت نبوده است. تعداد کارکنان صنعت نفت از سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۶ پیوسته در حال کاهش بوده است. براساس داده های سالنامه آماری سال ۱۳۴۶، درست هم زمان با نفتی شدن اقتصاد ایران (آغاز دهه ۱۳۴۰) تعداد کارگران و کارمندان ایرانی شرکت نفت کاهش یافته است (سالنامه آماری ۱۳۴۶، ص ۴۲۱) در این دوره اقتصاد کشور به یک اقتصاد رانتیر تبدیل شد و همه زیان های ناشی از این پدیده، دامنگیر نظام اقتصادی و سیاسی کشور گردید، اما با وجود گسترش فعالیت‌های نفتی و افزایش میزان تولید، اشتغال‌زایی صنعت نفت کاهش یافت. در دهه ۱۳۵۰ نیز این روند در سال های ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ ادامه داشته و از سال ۱۳۵۲ تحت تأثیر شوک نفتی اول، روند صعودی با آهنگی آرام آغاز شده است (سالنامه آماری، ۱۳۵۵: ۳۵۲).

در طول سال های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۱ درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت، ۷۶ درصد کل درآمدهای صادراتی را تشکیل می‌داد که این رقم در طی برنامه پنجم عمرانی افزایش چشمگیری یافت و در سال ۱۳۵۵ به میزان 5/97 درصد کل درآمد صادراتی و ۳۵ درصد تولید ناخالص داخلی رسید. اما اشتغال زایی بخش نفت هرگز از ۶ درصد کل نیروی کار بیشتر نشد. در سال ۱۳۵۷ یعنی سال اوج اشتغال صنعت نفت، تنها ۶۰ هزار نفر در این بخش اشتغال داشته اند (اسدی، ۱۳۶۵: 91).

صنعت نفت ماهیتی سرمایه بر و مدرن دارد و کمتر به کار نیروی انسانی نیاز دارد؛ از سوی دیگر تخصصی بودن امور صنعت نفت باعث می‌شد تا بخشی از نیروی انسانی مورد نیاز این صنعت از خارج از کشور تأمین گردد.

**ب) نقش درآمد نفت در اشتغال زایی.** مهم ترین تأثیر نفت در اشتغال و کاهش بیکاری از طریق مکانیزم تأمین سرمایه برای ایجاد صنایع جدید و گسترش بوروکراسی، ایجاد و گسترش اصناف جديد و... است. با توجه به سهم بالایی که نفت در تأمین بودجه عمومی‌کشور دارد، برنامه های اشتغال زایی دولت اعم از ایجاد صنایع جدید، گسترش ادارات و سازمان های دولتی و ... عمدتا مرهون درآمد نفت است. از سوی دیگر شرکت‌ها و مؤسسات خصوصی نیز به شیوه های گوناگون از درآمد نفت بهره می‌برند. استفاده از تسهیلات بانک های دولتی، حمایت‌های مالی دولت، استفاده از شبکه حمل و نقل عمومی و ..، مؤسسات خصوصی را از درآمد نفت بهره مند می‌کند. بر همین اساس نفت هم در اشتغال زایی دولت و هم در ایجاد اشتغال از سوی بخش خصوصی مؤثر است.

آثار نفت بر اشتغال و بیکاری از ابعاد مختلف قابل بررسی است. تعدادی از این موارد عبارت اند از:

1. نفت یکی از عوامل اصلی گسترش صنایع دولتی و حتی خصوصی بوده است؛ بنابراین اشتغال زایی این بخش از اقتصاد تحت تأثير نفت و درآمدهای آن قرار داشته است. آمار نیروی انسانی شاغل در بخش صنعت نیز نوعی هماهنگی میان رشد نیروی کار صنایع با افزایش درآمد نفت را نشان می‌دهد؛ برای مثال در فاصله سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ شاغلان بخش صنعت از ۱۱۹۰۰۰۰ نفر به ۱۸۷۵۰۰۰ نفر افزایش یافته اند، یعنی سهم بخش صنعت از کل نیروی انسانی شاغل از 1/20 درصد به 1/27 درصد رسیده است (ترازنامه بانک مرکزی، ۱۳۴۶:۱۷۷).

در سال های بعد نیز این روند ادامه داشته است؛ تعداد شاغلان بخش صنعت در سال های ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ به ترتیب عبارت بود از ۲۵۵۰۰۰۰ و ۳۳۰۰۰۰۰ نفر و سهم این بخش در نیروی انسانی شاغل در کشور در همین سال ها به ترتیب 7/24، ۲۹ و 2/33 درصد می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص۳۰۵). این سال ها، دوره حرکت اقتصاد کشور به سمت نفتی شدن بوده و از ابتدای دهه ۱۳۳۰ به تدریج درآمدهای نفتی افزایش یافته است. در دهه ۱۳۵۰ که قیمت نفت به صورت غیر منتظره بالا رفت، بر تعداد صنایع و به تبع آن شاغلان این بخش نیز افزوده شد؛ به طوری که نیروی کار شاغل در ۲۱ رشته صنعت مدرن از قبیل اتومبیل سازی، وسایل خانگی، رادیو، تلویزیون و ... از ۱۲۹ هزار نفر در سال ۱۳۵۰ به ۱۷۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۴ رسید (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۲۹).

به طور کلی رشد صنعت و افزایش تعداد شاغلین این بخش همزمان با نفتی شدن اقتصاد کشور و افزایش درآمد ناشی از صادرات نفت بوده است. تعداد شاغلان بخش صنعت از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ مجموعا به 5/2 برابر افزایش یافته و از حدود 8/1 میلیون نفر به حدود 5/4 میلیون نفر رسیده (مهاجرانی، 187:1377) که این دوره درست مصادف با افزایش درآمد نفت بوده است.

2. اشتغال در بخش خدمات نیز تا حد زیادی ناشی از درآمدهای نفت است. این بخش که شامل فعالیت‌هایی مانند حمل و نقل، هتلداری، ارتباطات، خدمات اداری و ... است، تا قبل از رونق نفتی و گسترش شهر نشینی از رونق چندانی برخوردار نبود. شاغلان بخش خدمات از ۱۳۹۰۰۰۰ نفر در سال ۱۳۳۵، به ۱۸۳۳۰۰۰ نفر در سال ۱۳۴۵ رسیدند (تراز نامه بانک مرکزی، ۱۳۴۶، ص ۱7۷). در سال ۱۳۵۱ این بخش با جذب 6/2 میلیون نفر، 5/29 درصد از اشتغال را به خود اختصاص داد و در سال ۱۳۵۶ پس از شوک نفتی با جذب 4/3 میلیون نفر، ۳۴ درصد از اشتغال کشور را در انحصار خود در آورد (کاتوزیان، 305:1383).

اگر چه نفت در تأمین اعتبارات لازم برای اشتغال‌زایی نقش عمده ای داشته، اما در برخی دوره ها مانند نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ به دلایل مختلف هم زمان با افزایش درآمد نفت، میزان بیکاری کاهش نیافته است. در سال ۱۳۸۷ درآمد ایران از محل فروش نفت به رقم بی سابقه ۳/ ۲۱۵۶۵۰ میلیارد ریال رسید. میزان بیکاری نیز 4/10 بود که نسبت به سه سال ماقبل آن حدود یک درصد کاهش یافت. در این دوره (نیمه دوم دهه ۱۳۸۰) میان قیمت نفت و نرخ بیکاری هماهنگی وجود نداشت. در حالی که درآمد نفت نسبت به سال ۱۳۸۳ بیش از ۴۲ درصد افزایش داشت، نرخ بیکاری تغییر نکرد (سالنامه آماری، ۱۳۴۹، ص ۹۰). براساس نتایج تحقیقات و آمارها، در برخی مقاطع افزایش درآمد نفت با کاهش نرخ بیکاری همراه بوده (مانند سال ۱۳۷۵) و کاهش درآمد آن نیز موجب افزایش بیکاری شده است (مانند سال ۱۳۶۵)؛ بنابراین رابطه تفت و بیکاری معکوس بوده است.

در مجموع می‌توان ادعا کرد که در بسیاری از سال ها و دوره های تاریخی، کاهش نرخ بیکاری و افزایش فرصت‎‌های شغلی در پی افزایش قیمت نفت و با با فاصله اندکی از این افزایش صورت گرفته است و در برخی موارد (مانند نیمه‌ی دوم دهه ۱۳۸۰) نیز این هماهنگی وجود ندارد. اما با وجود تأثیر گذاری درآمد نفت در ایجاد کارگاه های تولیدی، گسترش مشاغل خدماتی، ایجاد اصناف جدید و گسترش بوروکراسی و به تبع آن افزایش فرصت‌های شغلی، معضل بیکاری همچنان پابرجاست.

در پاسخ به این پرسش که چرا با وجود در آمدهای هنگفت نفت معضل بیکاری بر طرف نشده است، عوامل مختلفی مطرح می‌شود. مهم ترین مسئله ای که در این مورد به آن استناد می‌شود، این است که در کشورهای نفت خیز به دلیل برخورداری از سرمایه عظیم نفت، از صنایع سرمایه‌بر به جای صنایع کاربر استفاده می‌شود. این صنایع به دلیل استفاده از فناوری پیشرفته و دستگاه های اتوماتیک، اشتغال زایی کمی‌دارند. از سوی دیگر برخلاف صنایع کوچک و زودبازده، زمان احداث آنها طولانی است و سرمایه گذاری در این صنایع در کوتاه مدت به اشتغال نمی انجامد. از نظر بنیامین اسمیت، محقق مسائل جهانی نفت، رژیم شاه در زمینه سرمایه گذاری صنعتی، عمدتا به طرح های سرمایه‌بری توجه کرد که به شدت به فناوری وارداتی، مواد خام، قطعات یدکی و تجهیزات وابسته بود؛ در نتیجه به سبب توجه نکردن به بخش‌های کاربر، ایجاد اشتغال از اولویت خارج شد (اسمیت، ۱۳۸۹: ۲۴۵).

اسکاچيول نیز در راستای تحلیل عوامل انقلاب اسلامی‌به آسیب شناسی اقتصاد در عصر پهلوی دوم پرداخته است و می‌گوید: پس از دهه‌ی ۱۳۴۰ دولت نیازی به کسب درآمد مالیاتی از مردم نداشت و مبنای اقتصادی درآمدهایش یک صنعت جهت گیری شده به سمت صادرات بود که تنها در صد کوچکی از نیروی کار داخلی را به کار می‌گرفت (اسکاچول، ۱۳۸۲: ۱۲۴). البته پدیده بیکاری از عوامل گوناگون تأثیر می‌پذیرد؛ عواملی از قبیل ورود زنان به عرصه اجتماعی و مشارکت آنان در نیروی کار (و به تبع آن افزایش تعداد نیروی فعال)، ورود تعداد زیادی از اتباع افغانستان به کشور (بعد از پیروزی انقلاب اسلامی) و سوق دادن درآمدهای نفت به سمت هزینه‌های جاری و کمک‌های مبتنی بر حامی‌پروری نیز از جمله موانع کاهش نرخ بیکاری بوده اند.

2-14- نفت و شاخص نابرابری

برابری افراد در استفاده از فرصت‌های اجتماعی، یکی از آرمان‌های همه جوامع بشری است و همه مصلحان اجتماعی عدالت را به عنوان هدف خود مطرح کرده اند. انقلاب های بزرگ سیاسی نیز در پی برقراری عدالت بوده اند؛ بویژه در انقلاب کبیر فرانسه برابری یکی از اهداف اساسی بود. در انقلاب اسلامی ایران نیز شعار برابری در میان شعارهای اصلی انقلاب که مردم آن را مطرح می‌کردند، سهم عمده ای داشت. اما از سوی دیگر در بیشتر کشورها گرایش به سمت نابرابری زیاد است و تأمین برابری نیازمند تلاش مضاعف شهروندان و حکومت‌هاست. در ایران نیز مانند دیگر کشورها، نابرابری سابقه ای دیرینه دارد. از جامعه طبقاتی دوره ساسانی که در آن برخي طبقات اجتماعی از امتیازاتی نظیر تحصیل دانش محروم بودند تا شرایط کنونی که میان سطح زندگی دهک بالا و دهک پایین جامعه فاصله زیادی وجود دارد.

یکی از پیامدهای نامطلوب اجتماعی و اقتصادی که هم پیش از پیدایش نفت و هم پس از آن در ایران دیده می‌شود، نابرابری میان طبقات ثروتمند و طبقات فقیر است. بر اساس گزارش‌های بانک مرکزی در فاصله سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۲، نابرابری توزیع درآمد براساس شاخص ضریب جینی روند افزایشی داشت. ضریب تمرکز در آمد از 4552/0 در سال ۱۳۴۸ به 4946/0 در سال ۱۳۵۲ رسید. در این افزایش، سهم طبقات مختلف اجتماعی یکسان نبود. در حالی که سهم ۲۰ درصد لایه های بالای جامعه در این فاصله از 79/51 درصد به 56/55 درصد افزایش پیدا کرد، سهم ۲۰ درصد میانی از 54/27 درصد به 6/26 درصد و سهم 20 درصد پایین از 90/13 درصد به 96/12 درصد کاهش یافت. ضریب تمرکز در آمد (ضریب جینی) از ۴۷۰ درصد در ۱۳۴۷ به ۵۱۴۴ درصد در سال ۱۳۵۶ افزایش پیدا کرد (شيراوند، ۱۳۸۷، ص ۱۱۱). بر پایه نتایج یک ارزیابی که در سال ۱۳۴۸ صورت گرفت، مشخص شد که ده درصد جمعیت کشور که جزء بالاترین اقشار جامعه هستند، 5/32 درصد از مصرف کشور را به خود اختصاص دادند و ۱۰ درصد بعدی نیز 5/15 درصد از مصرف کشور را در اختیار داشتند. افزایش قیمت نفت نیز این شکاف را عمیق تر کرد و ثروتمندان ثروتمندتر شدند (شیراوند، 103:1387).

افزایش قیمت نفت در دهه‌ی ۱۳۵۰ اگر چه وضع فقیر ترین اقشار جامعه را اندکی بهتر کرد، اما فاصله طبقاتی را افزایش داد. افزایش قیمت نفت در سال های پایانی دوره پهلوی که به رونق اقتصادی انجامید، از طریق ساز و کارهایی مانند تورم، نابرابری را تشدید کرد. براساس آمارهای موجود، ضریب جینی در دهه ۱۳۵۰ نسبت به دهه ۱۳۴۰ بیشتر شده و فاصله میان فقیر و غنی افزایش یافته است.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی‌ با اجرای برنامه های عدالت محور (مانند خدمات رسانی به روستاها، پرداخت یارانه به کالاهای مورد نیاز مردم از محل فروش نفت و اقداماتی از این قبیل) فاصله‌ی طبقاتی اندکی کاهش یافت، اما تحولات بعدی تغییر محسوسی در میزان نابرابری نشان نمی‌دهد. در این دوره در خصوص ضریب جینی آمارهای متفاوت ارائه شده است. خوش بینانه ترین آمار متعلق به بانک مرکزی است (جدول ۶). برخی آمارها نیز میزان نابرابری را بیشتر از ارقام بانک مرکزی اعلام کرده اند، اما تغییر نامحسوس در میزان نابرابری در دوره پس از انقلاب، ویژگی مشترک این آمارها می‌باشد.

تطبيق ارقام ضریب جینی اعلام شده از سوی بانک مرکزی با میزان درآمد نفت، بیانگر این واقعیت است که نفت در کاهش نابرابری مؤثر نبوده و حتی در برخی موارد افزایش درآمد نفت و افزایش ضریب جینی هم زمان صورت گرفته است. برای مثال در سال ۱۳۵۸ که تحت تأثیر دومین شوک جهانی، درآمد نفت ایران افزایش یافت، ضریب جینی به بالاترین رقم در دوره جمهوری اسلامی‌یعنی 4618/0 رسید. اما در سال بعد هم درآمد نفت و هم ضریب جینی کاهش یافت، چنان که در جدول مشاهده می‌شود، دومین دوره کاهش ضریب جینی مربوط به سال های ۶۵-۱۳۶۴ است که مصادف بود با سومین شوک جهانی (کاهشی) نفت. در سال ۱۳۶۵ درآمد نفت ایران به 7/434 میلیارد ریال یعنی معادل یک سوم سال قبل از آن کاهش یافت.

مقایسه سهم دهک های مختلف از کل هزینه ها در برنامه سوم توسعه نشان می‌دهد که در طول این برنامه (که درآمد نفت روند کاهشی نداشته است) فاصله طبقاتی افزایش یافته است. در فاصله سال های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ سهم ۴۰ درصد فقیر ترین مردم در جامعه شهری از هزینه كل، از 09/13 درصد به 1/12 درصد رسیده است. در همین دوره سهم ۲۰ درصد پردرآمدتر جامعه نیز از 02/51 درصد به 20/51 درصد افزایش یافته است (مدنی، ۱۳۸۶، ص۱۱۷). درآمد نفت از 4/44170 میلیارد ریال در سال ۱۳۷۸ به ۵/59448 میلیارد ریال در سال ۱۳۷۹ افزایش یافت و تا سال ۱۳۸۲ این روند ادامه داشته است؛ به طوری که در این سال ها در آمد نفت کاهش نیافته و در سال ۱۳۸۲ به 9/128153 میلیارد ریال رسیده است (سایت بانک مرکزی، سری های زمانی).

بنابراین افزایش درآمد نفت نه تنها نابرابری میان طبقات اجتماعی را از بین نبرده، بلکه به تشدید آن دامن زده است و حتی در دوره های کاهش درآمد نفت نیز نابرابری ها (اگرچه با شدت کمتر) ادامه داشته است؛ برای مثال در سال ۱۳۷۷ که درآمد نفت نسبت به سال های پیش از آن به شدت پایین آمده است، باز هم نابرابری استمرار یافت. بر اساس گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۱۹۹۸ (۱۳۷۷)، ۱۰ درصد فقیر ترین مردم ایران فقط ۲ درصد از درآمد با مصرف را به خود اختصاص داده بودند. این رقم برای ۲۰ درصد فقیر ترین مردم، 1/5 و برای ۲۰ درصد ثروتمندترین مردم، 9/49 درصد بوده است. ضریب جینی نیز در این گزارش 42/0 اعلام شده است (مجمع تشخیص مصلحت، ۱۳۸۲، ص ۳۵۱). در برنامه چهارم توسعه، ضریب جینی می‌بایست در سال پایانی برنامه به 38/0 می‌رسید. طبق آخرین آمارهای انتشار یافته بانک مرکزی، این ضریب در سال ۸۶ به 404/0 رسید. در سال ۸۷ ضریب جینی به نقل از مسئولان اجرایی کشور 389/0 عنوان شد که این رقم هنوز در آمارهای رسمی منتشر نشده است. بانک جهانی در گزارش سال ۲۰۰۸ (۱۳۸۷) خود ضریب جینی در ایران را 33/0 و ایران را هشتاد و هشتمین کشور جهان از نظر نابرابری در توزیع درآمد معرفی کرده است. بررسی تطبیقی تغییرات درآمد نفت و شاخص نابرابری بیانگر این واقعیت است که درآمد نفت در برخی مقاطع به افزایش نابرابری منجر گردید و در برخی موارد نیز قادر نبود این پدیده نامطلوب اقتصادی را کاهش دهد (شیراوند، 111:1387).

-1- مبانی نظری نقش نفت در ساختار اجتماعی جامعه

* **بیماری هلندی**

اقتصاددانان مدتها است که به آثار افزایش قیمت نسبی منابع طبیعی صادراتی بر ساختار کشور صادرکننده توجه کرده اند. لكن عبارت بیماری هلندی ابتدا توسط مجله اکونومیست در سال ۱۹۷۷ برای توضیح شرایط اقتصادی هلند در دهه ۱۹۶۰ مطرح، در زمانی که منابع گاز در این کشور کشف شد و صادرات گاز و واردات ارزان‌تر کالاهای خارجی منجر به ضربه زدن به بخش صنعت کشور مزبور گردید. به دلیل افزایش قیمت منابع صادراتی در آمد ارزی کشور صادر کننده افزایش می‌یابد. این امر ارزش پول داخلی کشور را افزایش می‌دهد، در نتیجه قیمت کالاهای وارداتی که با ارز حاصل از فروش منابع طبیعی وارد می‌شود کاهش می‌یابد (دلفروز، 1381).

این امر سبب می‌شود که تولید کنندگان کالاهای داخلی با زبان روبرو شوند. کاهش نسبی قیمت کالاهای قابل مبادله در بازارهای بین المللی انگیزه سرمایه گذاری و توسعه این بخشها را کاهش می‌دهد. اثر دیگر این امر نیز افزایش قیمت نسبی کالاهای غیر قابل تجارت خارجی است. مانند زمین مستغلات و خدمات داخلی که امکان صادرات و واردات آنها وجود ندارد. این عوامل ساختار اقتصاد را دچار تغییر نامطلوب می نماید، چه اینکه بخشهای تولید کننده کالا و خدمات قابل مبادله در تجارت بین الملل به ویژه بخش صنعت دچار رکود و عقب ماندگی می‌شود. به طور خلاصه بیماری هلندی به امر صنعت زدائی ناشی از فراوانی درآمد ارزی، ارزانی ارز خارجی و وفور واردات اشاره دارد. در واقع می‌توان چنین گفت، بر اساس نظرية مذكور، با افزایش ارزش پول داخلی در دوره‎ی رونق درآمدهای نفتی، بخش کالاهای قابل مبادله[[39]](#footnote-39) (شامل صنعت و کشاورزی) منقبض شده و بخش کالاهای غیر قابل مبادله[[40]](#footnote-40) (بیشتر شامل خدمات و مسکن) گسترش می‌یابد؛ لذا افزایش درآمدهای نفتی می‌تواند با ورود کالاهای مصرفی و افزایش بازدهی نسبی بخش غیر قابل مبادله در مقابل بخش قابل مبادله و تضعیف آن، موجب کاهش رشد اقتصادی شود. (کارنیرو[[41]](#footnote-41)، 2007؛ کلیر و گودریز[[42]](#footnote-42)، 2007).

* **اثر مالیات گیری**[[43]](#footnote-43)

طی دهه های اخیر اقتصاددانان متوجه این امر شده‎اند که مالیات بسیار فراتر از یک ابزار کسب درآمد برای دولتها عمل می‌کند هنگامی‌که دولتها مخارج خود را از محل درآمد مالیاتی کسب می‌کند بایستی به نیازهای مردم نیز مسئولانه توجه کند. مالیات دهنده انتظار دارد بر چگونگی هزینه کردن مالیات نظارت داشته باشد. انتظار دارد که منابع مالیاتی با کارآئی هزینه شود و ساختار دولت به صورت کارآمد فعالیت نماید. میر و روزنبام[[44]](#footnote-44) (۲۰۰۰) اثر تغییر ساختار مالیاتی بر رفاه خانوارهای امریکایی در سالهای ۱۹۸4 تا ۱۹۹6 را بررسی کرده اند. نتایج بررسی نشان داد در دوره ای که مالیات بر درآمد افزایش یافت. رفاه خانوارها کاهش یافته و در نتیجه، مادران تشویق به کار شدند و نرخ اشتغال آنها نیز افزایش یافت، ولی با وجود افزایش اشتغال، رفاه همچنان کاهش یافت (کاتوزیان، 1386).

مالیات دهنده انتظار دارد در تصمیم گیری های دولتی مشارکت داشته باشد و به دنبال آن است که نمایندگان انتخاب کند که در امر تصویب مالیات و تعیین چگونگی هزینه کردن آن از جانب وی نمایندگی مؤثر داشته باشند و نظارت کنند. به همین دلایل نیز در جامه ای که متکی بر مالیات است به تدریج نهادهای مختلف سیاسی و اجتماعی شکل می‌گیرد و روالها و رویه های شفافيت هزينه، پاسخگوئی دولت به مردم و مسئولیت پذیری شکل گرفته و پایدار می‌شود. همراه با اینگونه ترتیبها نهادهای سیاسی مشارکت مردم و تنبیه و تشویق دولتها پایدار می‌شود هنگامی‌که دولت یک کشور از محل درآمد نفت منابع بودجه ای کافی به دست می آورد با عدم پیگیری درآمدهای مالیاتی پاسخگوئی و مسئولیت پذیری در مقابل مردم را منتفی می‌کند. در چنین شرایطی، تمام نهادهای مدنی که از آنها نامبرده شد ضرورت وجودی خود را از دست می‌دهند (یوسفی، 1384).

* **اثر هزینه‌ای**

هنگامی‌که در آمد دولت از محل صادرات نفت حاصل می‌شود و نهادهای دموکراتیک برای نظارت بر آن موجود نیست این منابع براساس اولویت‌های دولت هزینه می‌شود. در این شرایط دولتها این درآمدها را در جهت تقویت گروههای اجتماعی مدافع خود هزینه می‌کند و نیروهای اجتماعی منتقد و معارض را در ضعف نگه می‌دارند. اثر هزینه‌ای[[45]](#footnote-45) ابعاد دیگری نیز دارد، برای مثال هزینه‌های دولتی در مراکز شهری انجام می‌شود، چون ذی نفعان حکومت در شهرها هستند. برداشت و صدور منابع معمولا توسط تکنولوژی خارجی و ماشين آلات وارداتی و نیروی کار متخصص معدود انجام می‌شود بنابراین اثر توسعه بالادستی و پائین دستی فراهم نمی‌کند. معمولا در کشورهای صادر کننده نفت مناطق نفت‌خیز دارای جمعیت فقیر بوده و مناطق روستائی عقب مانده باقی می ماند، اما چند شهر حکومتی به طور غیر متناسب رشد کرده و حل تمرکز ثروت می‌شود. هشام و وانگ نیز عوامل مؤثر بر رفاه اجتماعی جوامع شهری را بررسی کردند. نتایج مطالعه آن ها نشان داد رفاه اجتماعی رابطه‌ی مثبت با بهره‌وری کارگران و رابطه‌ی منفی با هزینه ها دارد (هشام و وانگ[[46]](#footnote-46)، ۱۹۹۷).

* **اثر مدرن سازی**[[47]](#footnote-47)

حکومت‌های دارای درآمد قابل ملاحظه از محل منابع، نیازی به استفاده از تخصص نمی‌بینند. چه اینکه نیازهای خود را از طریق مصرف درآمدهای حاصل از صادرات منابع بر طرف می‌کنند. مروری برای بهبود کارآئی نمی‌بینند چه اینکه ناکارآئی را با مصرف درآمدهای سهل الوصول می‌پوشانند. مدیریت سازمانها و شرکت‌ها و ادارات را به افراد مورد اعتماد و بی لیاقت می سپارند چون این دولتها نسبت به افراد شایسته بی اعتماد هستند. زیرا افراد دارای شایستگی تخصصی دارای توان چانه زنی و سازمان‌دهی و ارتباط قوی نیز هستند و می‌توانند مراکز قدرت خاص خود را ایجاد کنند. با حذف این گونه افراد، حكومت‌ها کشور را از نیروهای کارآمد بی بهره کرده و دامنه و غنای توسعه کشور را محدود می‌کنند (طبیبیان، ۱۳۸۷)

* **بی ثباتی درآمدی**

بی ثباتی در آمد[[48]](#footnote-48) ناشی از نوسانات قیمت نفت، امکان برنامه ریزی مستمر و پایدار را برای دولتها منتفی می‌کند و سبب می‌شود که در زمان رونق درآمدی پروژه‌های نسنجيده شروع شود و در زمان رود درآمدی پروژه های غیر سیاسی رها شود. این امر خود در مسابح شدن منابع تأثیر به سزایی دارد (البیان، ۱۳۸۷). السينا و رودریک معتقدند که افزایش نابرابری درآمده و در پی آن بی ثباتی درآمدی و شروت، سبب می‌شود نرخ مالیات بیش از نرخ بهینه‌اش تعیین شود و این موضوع کاهش سرمایه گذاری و به دنبال آن، کاهش نرخ رشد اقتصادی و کاهش رفاه را در پی داشته باشد (الستا و رودریک[[49]](#footnote-49). ۱۹۹۴)

* **اثر نهادی**

یک رویکرد در ادبیات نفرین منابع، رویکرد اقتصاد سیاسی است؛ این رویکرد به طور کلی به این موضوع می‌پردازد که ثروت منابع طبیعی منجر به تضمین کیفیت نهادها و ساختارهای اقتصادی و سیاسی و در نتیجه آن موجب اختلال در تخصیص منابع، کاهش فعالیتهای مولد، کاهش کارایی اقتصادی، افزایش نابرابری‌های اجتماعی و در نهایت کاهش رشد اقتصادی می‌شود. این طور مطرح می‌شود که انگیزه فعالیتهای رانت جویانه زمانی گسترش می‌یابد که منافع خالص مورد انتظار از پرداختن به فعالیت‌های غیر مولد، نسبت به منافع خالص مورد انتظار از پرداختن به فعالیتهای مولد که ایجاد ثروت می‌کنند، بیشتر باشد؛ رانت بزرگی که از منابع طبیعی به دست می‌آید، همراه با تضعیف نهادها و ساختارهای اقتصادی و سیاسی، انگیزه های گسترده ای در بخش دولتی و خصوصی ایجاد می‌کند تا به فعالیتهای رانت جویانه پرداخته شود، که در نتیجه‌ی آن فعالیتهای کارآفرینانه و دیگر فعالیت‌هایی که موجب رشد اقتصادی می‌شوند. در محاق قرار می‌گیرند (مهرآرا و همکاران، 1390). سالا مارتین و سابرامانیان[[50]](#footnote-50) (۲۰۰۳) با ارائه شواهد تجربی نشان دادند که دسته ای از منابع طبیعی (به خصوص نفت و مواد معدنی) از طریق تأثیر مخرب بر کیفیت نهادی، بر رشد اقتصادی اثر منفی (به صورت غیر خطی) دارند. آنها این اثر را به عنوان اثر نهادی[[51]](#footnote-51) منابع طبیعی معرفی کردند (دلفروز،1381).

* **رانت پرنوسان**

تفسیر دیگر از نفرین منابع طبیعی، این است که رانت منابع طبیعی بسیار پُر نوسان است. نوسانات رانت منابع طبیعی از این واقعیت ناشی می‌شود که عرضه منابع طبیعی به طور ذاتی دارای کشش قیمتی پایین می‌باشد، بنابراین با نوسانات تابع تقاضا قيمتها دچار نوسان می‌شود. با توجه به وابستگی اقتصاد کشورهای صادر کننده‌‌ی نفت به درآمدهای نفتی به ویژه وابستگی بودجه‌ای دولت به آن، نوسانات و عدم اطمینان در درآمدهای نفتی، موجب اختلال در نظام اقتصادی و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی می‌شود (مهر آرا و همکاران، ۱۳9۰). برخی مطالعات نشان داده اند که نوسانات رانت منابع طبیعی دارای ارتباط منفی با رشد اقتصادی (به طور مثال، رامی و رامی[[52]](#footnote-52)، ۱۹۵۵) و سرمایه گذاری (برای مثال، آیزمن و ماریون[[53]](#footnote-53)، 1444) می‌باشد و هر دو مورد به کاهش رفاه منجر می‌شود (کاتوزیان، 1386).

* **توجیه غیر خطی بودن اثر درآمد نفت بر رفاه**

متعاقب افزایش قیمت نفت در دو موج، یعنی ۱۹۷4- ۱۹۷۰ و بعد از آن ۱۹۸۰، کشورهای صادر کننده نفت با مشکلات داخلی و خارجی زیادی روبرو شدند. چنان که آثار آن از سال ۱۹۸۳ به بعد با کاهش قیمت نفت به صورت بارزی تجلی کرد. برخی کشورها مانند مکزیک، ونزوئلا و اندونزی با بحران‌های سیاسی داخلی مواجه شدند. برخی نیز مانند نیجریه با کودتا و حکومت نظامی، بعضی با انقلاب و جنگ خارجی و برخی مانند الجزایر با جنگ‌های داخلی پر خشونت و خونباری روبرو شدند. در همه این کشورها اقداماتی پیگیری شد که ضایع شدن منابع را در پی داشت. از آنجا که بیشتر کشورهای عضو اوپک به عنوان کشورهای صادر کننده‌ی نفت در بخش صادرات خود تقریبا تک محصولی هستند، به عبارت دیگر در این کشورها درآمد حاصل از فروش نفت با به عنوان مهم ترین منبع درآمد صادراتی با حداقل به عنوان یکی از مهم ترین منابع درآمد صادراتی محسوب می‌شود، تکانه های افزایشی درآمدهای نفتی می‌تواند بر رشد اقتصادی اثرات مثبت یا منفی در پی داشته باشد؛ در حقیقت برآیند این دو اثر، تأثیر خالص تکانه های مثبت درآمد نفت را بر رشد اقتصادی ظاهر می‌کند. در این بخش به بررسی کانالهای اثرگذاری تکانه های مثبت درآمدهای نفتی و اینکه چرا پس از عبور از یک سطح آستانه ای، اثرات منفی تکانه های افزایش درآمدهای نفت بر اثرات مثبت آن غلبه می‌کند، توجه خواهیم کرد. در واقع ما به دو بخش درآمد دولت و سرمایه گذاری توجه می‌کنیم (مهر آرا و همکاران، ۱390).

بودجه دولت در کشورهای عضو اپک در حد بالایی از درآمد نفتی تأمین می‌شود که در مورد کشور ما نیز این امر صادق است. به بیان اقتصادی باید گفت بودجه‌ی دولت در ترکیب تقاضای کل اقتصاد دارای سهم به سزایی است، پس بودجه‌ی دولت و مخارج آن یکی از مهم ترین بخش‌های اثرگذاری تکانه های نفتی بر تقاضای کل است و در صورت عدم طراحی مکانیزم‌هایی جهت باثیات سازی و استحکام بخشی بودجه‌ی دولت، تکانه های نفتی بودجه‌ی دولت را به شدت تحت تأثیر خود قرار خواهد داد (عسگری، 1389).

دولین و لوین[[54]](#footnote-54) (۲۰۰۵) بیان می‌کند که بسیاری از اختلال‌های اقتصادی در کشورهای صادر کننده نفت، مربوط به افزایش بیش از حد مخارج دولت در دوره های رونق درآمدهای نفتی است که این به نوعی مصرف بی رویه، در دوران رکود باعث مشکلات و معضلانی می‌شود. تحت رویکرد کینزی، انتظار بر این است که با افزایش ملایم بودجه دولت در دوره رونق محدود درآمدهای نفتی، اقتصاد ظرفیت و توانایی لازم برای جذب درآمدهای اضافی را داشته باشد و در نتیجه تولید ملی افزایش یابد؛ در حالی که با افزایش بیش از حد درآمدهای نفتی و در پی آن بودجه‌ی دولت، با توجه به اشتغال كامل عوامل تولید در طرف عرضه، نه تنها دیگر کمکی به رشد اقتصادی نمی‌کند، بلکه با گسترش فعالیت‌های رانت جویانه، اثرات برون‌رانی افزایش بودجه دولت، موجب در تنگنا قرار گرفتن فعالیتهای بخش خصوصی و افزایش سهم دولت در اقتصاد و عدم کارایی آن خواهد شد. بنابراین هرچه افزایش درآمدهای نفتی بیشتر باشد و از سوی دیگر این درآمدهای اضافی به نحو مطلوب مدیریت شود، اثرات منفی آن بر رشد اقتصادی و در پی آن رفاه اجتماعی گسترش می‌یابد. از طرفی بک تكانة مثبت درآمدهای نفتی می‌تواند از طریق اثرگذاری مثبت بر سرمایه گذاری، به ویژه سرمایه گذاری بخش دولتی در بخش زیرساختهای اقتصادی و نیز واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه ای و ورود تکنولوژی‌های جدید از خارج، اثرات مثبتی بر رشد اقتصادی داشته باشد. افزایش ارزش پول ملی که می‌تواند از یک تکانه‌ی مثبت نفتی حاصل شود، در حقیقت هزینه کالاهای سرمایه ای و واسطه ای وارداتی را کاهش می‌دهد، اما باید توجه داشت دامنه اثرات مثبت سرمایه گذاری‌های اضافی با افزایش شدت تکانه‌های مثبت نفتی محدود می‌شود؛ از یک سوی اقتصاد ظرفیت‌های نهادی و ساختاری لازم جهت جذب سرمایه گذاری‌های اضافی را نخواهد نداشت و از سوی دیگر همراه با افزایش‌های بزرگ در درآمدهای نفتی، تخصیص منابع مالی در بخش دولتی دچار اختلال بیشتری شده و سرمایه‌گذاری‌های کم بازده و پروژه های نیمه تمام گسترش خواهد یافت، که در نتیجه آن آثار مثبت سرمایه گذاری‌های انجام شده بر رشد اقتصادی، به دلیل ناکارایی آن به نحو چشم گیری کاهش می‌یابد. هم چنین با افزایش واردات کالاهای مصرفی در دوره های رونق بیش از حد درآمدهای نفتی، قدرت رقابت پذیری تولیدات داخلی و بازدهی نسبی سرمایه‌گذاری های بخش خصوصی کاهش یافته و در نتیجه آن فعالان بخش خصوصی انگیزه تری برای سرمایه گذاری در بخش تولیدات قابل مبادله خواهند داشت، که این امر می‌تواند اثرات منفی بر رشد اقتصادی داشته باشد (مهر آرا و همکاران، ۱۳۹۰).

3-2- بررسی مفهوم سرمایه اجتماعی و ساختار اجتماعی

خیلی خلاصه، از نظر اقتصاددانان برای آنکه هر جامعه ای در فرآیند رشد و توسعه پایدار و درون زا قرار گیرد، نیاز به سه دسته سرمایه دارد: سرمایه اقتصادی، سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی. بگذارید از یک مثال کمک بگیریم. کارخانه ای را در نظر بگیریم که در یک سالن بزرگ یک خط تولید بسیار مدرن و مجهز را مستقر کرده است. اکنون این تجهیزات «سرمایه اقتصادی» این کارخانه محسوب می‌شوند. اکنون هرچه مدیر کارخانه خطاب به خط تولید فرمان دهد و فریاد بزند که تولید کنید، هیچ تولیدی رخ نخواهد. این کارخانه برای تولید نیازمند انواع نیروی کار ساده، ماهر و متخصص است (علیخانی، 1390).

وقتی مدیر کارخانه همه نوع نیروی کار لازم برای استقرار در اطراف خط تولید را استخدام کرد، این کارخانه «سرمایه انسانی» لازم برای تولید را نیز در اختیار دارد. اکنون فرض کنید مدیر کارخانه نیروهای استخدام شده جمع کند و آنان را روانه سالن تولید کند و به آنان فرمان دهد که تولید را شروع کنند؟ اما باز تولیدی انجام نمی‌شود. چرا؟ چون هیچکس نمی‌داند وظیفه او چیست، کجا باید مستقر شود، چه کاری باید انجام دهد، از چه کسی دستور بگیرد، با چه کسانی همکاری کند، به چه کسانی فرمان دهد، به چه کسی اعتماد کند، از چه کسی حقوق بگیرد، چه کسی کارش را تایید کند و چه مقدار کار کند؟ تولید تنها زمانی آغاز خواهد شد که همه اینها مشخص شده باشد (کردزاده، 1390).

بنابراین وقتی روابط بین افراد (نیروی کار) تعریف شد، وقتی افراد همدیگر را شناختند، وقتی مسوولیت‌ها روشن شد، وقتی همکاری آغاز شد، وقتی اعتماد شکل گرفت، وقتی افراد با هم صمیمی‌شدند و در انجام فعالیت‌ها همدیگر را یاری کردند، وقتی برای رفع مشکلات یکدیگر، به صورت جمعی اقدام کردند، وقتی در تحویل گرفتن مواد اولیه و تحویل دادن لوازم تولید شده به یکدیگر اعتماد کردند، وقتی استانداردها را رعایت کردند، وقتی سلسله مراتب سازمانی را پذیرفتند و از مسوولان ارشد اطاعت کردند و وقتی صدها اقدام دیگر از این دست انجام شد، آنگاه تولید رخ می‌دهد. به مجموعه این ویژگی ها که فضای عمومی محیط کار را شکل می‌دهد، «سرمایه اجتماعی» می‌گوییم. اگر هر دو نوع دیگر سرمایه وجود داشته باشد ولی سرمایه اجتماعی وجود نداشته باشد، تولید شکل نمی‌گیرد اما برعکس آن چرا. یعنی اگر سرمایه اجتماعی وجود داشته باشد اما سایر سرمایه‌ها مفقود باشد یا اندک باشد، باز افراد می‌توانند با همکاری با یکدیگر، خط تولید را به راه بیندازند (خضری، 1381).

بنابراین سرمایه اجتماعی شرط لازم برای تحقق تولید است. همین وضعیت در جامعه نیز برقرار است. سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های تولیدی و زاینده در جامعه وقتی شکل می‌گیرد که سرمایه اجتماعی در جامعه در حد مناسبی برقرار باشد. اگر افراد به هم اعتماد نکنند، مبادله که بنیادی ترین نوع ارتباط اجتماعی است کند یا پرهزینه می‌شود. هرچه در جامعه ای اعتماد، همیاری، مشارکت، قانونگرایی، هنجارهای اخلاقی و سایر ویژگی‌های مثبت از این دست فراوان تر باشد، سطح سرمایه اجتماعی بالاتر است و فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی کم هزینه تر انجام می‌شود (کردزاده، 1390).

چراکه مبادله‌ها راحت تر صورت می‌گیرد. در واقع سرمایه اجتماعی را به یک ماده اجتماعی تشبیه می‌کنند که همزمان نقش چسب و روغن اجتماعی را بازی می‌کند یعنی همچون یک چسب افراد را در کنار هم نگه می‌دارد و به همکاری وا می‌دارد و هم مثل روغن، اصطکاک اجتماعی را کاهش می‌دهد یعنی ارتباط ها مبادله ها و تعاملات افراد را تسهیل و کم هزینه می‌کند بنابراین همچون مثال تولید در کارخانه، در جامعه نیز وجود سطح قابل قبولی از سرمایه اجتماعی برای شکل گیری فرآیندهای خلاق تولیدی و سرمایه گذاری‌های پرخطر، لازم است (بشیریه،1382).

هرچه سطح سرمایه اجتماعی در جامعه‌ای بالاتر رود، فعالیت‌ها و سرمایه گذاری‌ها بیشتر به سوی فعالیت‌های بلند مدت و پر خطر سوق می‌یابد و برعکس، در جامعه ای که سطح سرمایه اجتماعی آن پایین است، همه می‌کوشند تا سود خود را در کوتاه مدت و به سرعت کسب کنند و از درگیر شدن در فعالیت‌های زمان بر و پرخطر اقتصادی، پرهیز کنند. در شرایطی که سرمایه اجتماعی پایین است، هرکس به اصطلاح کلاه خویش را می‌گیرد تا باد نبرد و در این شرایط دیگر کسی به فکر فعالیت‌های جدی، بلند مدت، ماندگار، پرخطر و مفید برای خود و جامعه، نخواهد بود. (سلطانی، 1391).

3-3- کمبود ژنتیک سرمایه اجتماعی در ایران

ایران کشوری است کهن و با فرهنگی تاریخی. این ویژگی گرچه جامعه ایران را واجد قابلیت‌ها و توانایی های ویژه ای می سازد اما در عین حال تحقق برخی تحولات لازم برای ورود ایران به دنیای جدید و سازگاری آن با اقتضائات جهان نو را نیز دشوار می سازد. اندیشه ها، باورها و عادات کهن فرهنگی، معمولاً به سادگی کنار نهاده نمی‌شوند. همانگونه که احتمال رخ دادن تحولات رفتاری در پیران کاهش می‌یابد، تغییرات نهادی در جوامع کهن نیز به سادگی میسر نمی‌شود. در واقع ویژگی ها و عادات رفتاری دیرپای، همانگونه که شکل گیری شان به زمان زیادی نیاز دارد، زایل شدن شان نیز زمان بر است. به دیگر سخن، هرچه ملتی دیرپاتر و کهن‌تر باشد، تحول در ویژگی‌ها و عادات رفتاری‌اش نیز کندتر و پرهزینه تر خواهد بود (علیخانی، 1390).

اصولاً قدرت حیات بخش و زایندگی سیستم‌های اجتماعی و انسانی در طول دوره عمر سیستم، تغییر می‌کند. قدرت حیات بخش هر سیستم را می‌توان بر اساس دو شاخص «انعطاف پذیری» و «کنترل پذیری» هر سیستم اندازه گرفت. برای نشان دادن وضعیت این دو شاخص در طول حیات هر نظام اجتماعی می‌توان از مثال ساده‌ای کمک گرفت. تحولات بدن انسان به عنوان یک سیستم طبیعی، تغییرات این دو شاخص را در طول عمر خود به خوبی نمایان می سازد. بدن انسان در دوران کودکی، انعطاف پذیری بالایی دارد در حالی که کنترل پذیری آن بسیار پایین است. به تدریج که کودک رشد می‌کند، انعطاف پذیری بدنش کاهش می‌یابد اما در مقابل، کنترل پذیری آن افزایش می‌یابد البته روند کاهشی انعطاف پذیری بدن تا پایان عمر ادامه می‌یابد اما روند افزایشی کنترل پذیری تنها تا دوره ای ادامه می‌یابد که سیستم در حال رشد است و مراحل رشد، بلوغ و تکامل را طی می‌کند. همین که سیستم به پایان دوره تکاملی خود رسید، کنترل پذیری آن نیز به اوج خود می‌رسد و از آن پس شاهد کاهش تدریجی کنترل پذیری آن خواهیم بود (دلفروز،1381).

بنابراین انعطاف پذیری بدن به صورت یک منحنی نزولی تا پایان عمر ادامه می‌یابد، در حالی که کنترل پذیری آن همانند یک منحنی زنگوله ای است که نخست افزایش و سپس کاهش می‌یابد. سیستم‌های انسانی و اجتماعی نیز همانند بدن انسان در دوران کودکی خود انعطاف پذیری بالایی دارند اما کنترل پذیری آنها بسیار اندک است. به تدریج که نظام اجتماعی رشد می‌کند، از انعطاف آن کاسته و بر کنترل پذیری آنها افزوده می‌شود. نکته مهم اینجاست که انعطاف پذیری همواره روندی نزولی خواهد داشت، مگر آنکه سیستم اصولاً و به طور بنیادین متحول شود یا به منحنی عمر بالاتری منتقل شود. فرهنگ ها نیز به عنوان سیستمی از نمودها و نمادهای غیر مادی تمدن ها، به موازات آنکه در درازای تاریخ رشد می‌کنند و تکامل می‌یابند، از انعطاف پذیری آنها نیز کاسته می‌شود (کاتوزیان، 1386).

مگر آنکه ملتی به علتی خودساخته یا از بیرون پرداخته به تحولی بنیادین در فرهنگ خویش دست یازد. فرهنگ ایرانی به علت سابقه کهن تاریخی اش واجد ویژگی‌هایی است که به زودی و به سادگی قابل زدودن و تحول نیستند. مثلاً اگر آبروداری یا مخفی کاری، اگر رودربایستی یا ریاکاری، اگر تعارف مداری یا مردمداری، اگر اسطوره سازی یا قدرت پرستی و نظایر اینها به صورت تاریخی به عنوان ویژگی های برجسته رفتار ایرانی درآمده اند، آنها را نمی‌توان به سرعت و با وضع قانون یا موعظه تغییر داد. یک فرهنگ کهن واجد ویژگی‌های کهنی است که به سادگی نمی‌توان آنها را با تیشه تجدد از ریشه برکند یا با ضرب توصیه‌های اخلاقی، آنها را زدود (میرترابی، 1379).

اکنون با نگاهی به ویژگی‌های فرهنگ ایرانی، به مجموعه ای از عادات رفتاری و ساختارهای اندیشگی بر می‌خوریم که همگی آنها نوعی «دروغگویی» رفتاری محسوب می‌شود و حاصل آنها چیزی جز تولید بی اعتمادی در فرهنگ ایرانی نیست. در واقع گویی فرهنگ ایران واجد ویژگی هایی است که محصول ذاتی آن «بی اعتمادی» است. رودربایستی، حیا، آبروداری، ریا، تعارف مداری، خضوع در برابر قدرت (رعیت مزاجی)، عدم تحمل انتقاد و نظایر اینکه از ویژگی های بارز فرهنگ ایرانی محسوب می‌شود، همگی یک معنی دارد: دروغ. اگر دروغ را «به زبان آوردن چیزی که خلاف واقع است» تعریف کنیم، آنگاه انجام دادن یا بروز رفتارهایی که خلاف تمایلات یا پنداشته‌های درونی ماست نیز نوعی «دروغ رفتاری» محسوب می‌شود. وقتی من به اصرار کسی را به خانه خود دعوت می‌کنم (تعارف کردن) در حالی که در دل تمایلی به این کار ندارم، مرتکب نوعی دروغ رفتاری شده ام (حاج یوسفی، 1377).

وقتی من به علت رودربایستی و به رغم اینکه میلی به همراهی ندارم، دعوت کسی را می‌پذیرم، مرتکب دروغ رفتاری شده‌ام. وقتی من با وجود فشار مالی و ناتوانی، صرفاً برای حفظ آبرو، گران ترین جهیزیه را برای فرزندم تهیه می‌کنم، به معنی انعکاس اطلاعات غلط در مورد توانایی ام به سایرین است و این نوعی دروغ رفتاری است. وقتی به رغم اعتقاد قلبی، برخی سنت‌های اجتماعی یا دینی را رعایت می‌کنم، رفتاری دروغ آمیز را مرتکب شده ام. وقتی در برابر نظر صاحبان قدرت سکوت می‌کنم، یعنی به دروغ با آنها موافقت کرده‌ام. وقتی از انتقاد کردن و مورد انتقاد واقع شدن می‌پرهیزم، یعنی می‌خواهم خطاهای خود یا دیگران را مخفی کنم و در واقع مرتکب دروغ رفتاری شده ام. وقتی که برخلاف میل باطنی ام به چیزی، کسی یا کاری که ممکن است ابراز یا انجام آن خلاف هنجارهای رایج باشد، از ابراز یا انجام آن خودداری می‌کنم و نام آن را «حیا» می‌گذارم، در واقع نوعی رفتار خلاف واقع از خود بروز داده ام. وقتی که به جای سخن گفتن صریح، در گفت وگوهای مان از استعاره و کنایه بهره می جوییم نوعی بی صداقتی را به نمایش می‌گذاریم. وقتی که به رغم حسادت از پیشرفت دوست یا همکارمان، به او تبریک می‌گوییم و برایش هدیه می‌بریم، دروغی رفتاری مرتکب شده‌ایم (میرترابی، 1379).

وقتی که پشت سر دیگران سخن چینی یا غیبت می‌کنیم، درحالی که حاضر نیستیم آن سخن را در حضور او به زبان آوریم، در واقع رفتاری دروغ آمیز داشته ایم. وقتی به صراحت به همدیگر توصیه می‌کنیم «خواهی نشوی رسوا، همرنگ جماعت شو» حکایت از نهادینه شدن رفتار دروغین در خویش می‌کنیم. وقتی اشعار فارسی مملو از توصیه‌ها و نکاتی در باب «مخفی کردن امور خویش از جامعه» است و وقتی از سر شفقت به دوستان مان این بیت «عرفی» را توصیه می‌کنیم که «چنان با نیک و بد سر کن که بعد از مردنت عرفی مسلمانت به زمزم شوید و هندو بسوزاند»، حکایت از روحیه «دروغ محوری» ایرانی دارد.

عدم تحمل سخن مخالف، عدم مدارا، عدم پذیرش نحوه دیگری از اندیشه یا روش دیگری از زندگی، حتی عدم پذیرش نوع دیگری از پوشش یا گویش از سوی ما، خود عاملی برای گسترش رفتارهای دروغ آمیز در جامعه می‌شود. همواره عرف و سنت، منابع مهمی‌برای تولید رفتارهای دروغین در جامعه ایرانی بوده اند. اصولاً حضور تاریخی استبداد در ایران نمی‌تواند بدون پذیرش تاریخی استبداد از سوی ایرانیان رخ داده باشد و پذیرش تاریخی استبداد، نمی‌تواند بدون رفتارهای «دروغ محور» محقق شده باشد.

مثلاً وقتی مردمی‌که در دل از قدرت پادشاه متنفرند و هرگاه فرصتی دست دهد حاضرند به او یا به منافع او ضربه بزنند، در عمل برای دستبوسی پادشاه از دیگران سبقت می جویند، دست به نوعی کنش سیاسی دروغین زده اند. یعنی تداوم تاریخی استبداد در ایران حاصل نهادینه شدن رفتارهای دروغین در این جامعه بوده است. اصولاً استبداد منجر به یکدستی رفتاری و همسانی اندیشگی و همگونی زندگی مردمان می‌شود و این نه به میل آنها بلکه به ضرورت زیستی آنها رخ می‌دهد. اینکه برای بیان روحیه و رفتار ایرانیان از اصطلاح «روحیه سازگاری ایرانی» استفاده می‌شود، خود به معنی این است که ایرانی به راحتی با «دروغ» کنار می‌آید. کلمه «سازگاری» آشکارا به این اشاره دارد که فرد موافق آنچه پیرامونش می‌گذرد نیست اما به ناچار خود را به آن وفق می‌دهد و این چیزی نیست جز نوعی دروغ رفتاری. اما همه این روحیه‌ها و رفتارها و عادت‌های فرهنگی در یک جا به هم متصل می‌شود:

ـ بی اعتمادی. این ویژگی های ایرانی به یک محصول ویژه می انجامد و آن بی اعتمادی فراگیر است و اگر اصلی ترین شاخص سرمایه اجتماعی را «اعتماد» در نظر بگیریم و اگر اعتماد را حاصل «صداقت رفتاری» بدانیم، باید گفت بخش بزرگی از عادات رفتاری ایرانیان، فاقد «صداقت رفتاری» و بنابراین عامل کاهنده «سرمایه اجتماعی» است. این سخن به این معنی است که روحیات، عادات رفتاری و هنجارهای رایج اجتماعی در ایران اصولاً کاهند سرمایه اجتماعی‌اند. بنابراین به یک نتیجه کلی دست می‌یابیم: ساختار فرهنگی ایرانیان به گونه ای است که اصولاً تولید انبوه سرمایه اجتماعی از آن حاصل نمی‌شود. یعنی ما ایرانیان، با «کمبود ذاتی یا ژنتیک سرمایه اجتماعی» روبه رو هستیم. اینکه ایرانیان به طور فراگیر دچار «توهم توطئه» هستند، نشانه ای از بی اعتمادی تاریخی و ذاتی شده ایرانیان است. (البته این پرسش که «عوامل اصلی و تاریخی پیدایش ویژگی های «اعتماد شکن» در فرهنگ ایرانیان چیست؟»، پرسشی بسیار بنیادین است که باید در جای خود بررسی شود و این مقاله اکنون این هدف را دنبال نمی‌کند.) وقتی اعتماد از جامعه ای رخت بر بست، عقلانیت بلندمدت آن جامعه مختل می‌شود. چون هیچ اعتمادی به آینده ای که نمی‌دانیم در دست کیست نداریم. آنگاه است که ذهنیت جامعه به سوی راه حل های کوتاه مدت و میانبر سوق می‌یابد (کاتوزیان، 1386).

آنگاه است که برنامه ریزی بلند مدت بی وجهه می‌شود. آنگاه است که افق های اندیشگی ما کوتاه می‌شود. آنگاه است که ارتفاع سقف زندگی اجتماعی ما نیز پایین می‌رود. آنگاه است که همگی احساس خفگی می‌کنیم و باز با رفتاری دروغ آمیز عامل این خفگی را به بیرون از خود منتسب می‌کنیم (به دیگران به همسایه ها به دشمنان و...). خیلی خلاصه، جامعه اسطوره گرا و تقدیرگرا، جامعه دشمن کیش و دشمن تراش و جامعه دچار «توهم توطئه»، جامعه دروغزنی است که از مواجهه با خویش در هراس است و آنگاه برای جبران یا توجیه کاستی های خویش به جست وجوی تکیه گاهی در درون (اسطوره ها) یا دشمنی در بیرون از خویش روی می آورد. بنابراین صرف نظر از آثار درآمد نفت بر رفتار ایرانیان امروز، باید گفت، فرهنگ ایرانی به طور ذاتی یا ژنتیک، «اعتماد شکن» است. اما در عین حال در یک قرن اخیر، نفت نیز به عنوان یک عامل جدید، موجب کاهش ظرفیت تولید اعتماد و بنابراین کاهش ظرفیت رشد سرمایه اجتماعی در ایران شده است (نصری، 1390).

3-4- نقش نفت در ساختار اجتماعی

پیدایش نفت در ایران همزاد تولد «دولت مدرن» بوده است و این همزمانی موجب اختلال در روند طبیعی تکامل دولت مدرن در ایران شده است. در واقع درآمدهای نفت که می‌توانسته است به عنوان عامل پرقدرتی برای شکل گیری فرآیند توسعه در ایران عمل کند، از طریق تغییر ماهیت دولت در ایران، به مانعی برای توسعه تبدیل شده است. وجود منابع رایگان نفت در دستان دولت در ایران، به صورت شمشیری دو لب، از یک سو، جریان نوسازی (مدرنیزاسیون) را تسریع کرده است و از سوی دیگر، به دولت منبع اقتداری مستقل از جامعه مدنی بخشیده است و بنابراین دولت را که خود منادی نوسازی شده است همزمان به عاملی برای مقابله با رشد جامعه مدنی تبدیل کرده است. به همین علت، ماهیت دولت در ایران پس از مشروطیت همواره از نوع «دولت مردد» بوده است.

یعنی دولتی که در ظاهر، خواهان توسعه است اما در عمل، حاضر نیست که در فرآیند توسعه، کاهش اقتدار خود را به نفع اقتدار جامعه مدنی بپذیرد. وجود چنین دولتی در ایران، موجب شده است که اعتماد و تعامل مثبت میان دولت (به معنی عام حکومت) و جامعه چهره نبندد بنابراین دولت در ایران به عاملی تاریخی برای تخریب سرمایه اجتماعی تبدیل شود. از یک سو جامعه ایران به علت داشتن ویژگی های فرهنگی و تاریخی «اعتمادشکن» و در مقایسه با سایر ملل توسعه یابنده، از ظرفیت کمتری برای تشکیل و ارتقای سرمایه اجتماعی برخوردار است و از سوی دیگر حکومت‌های ایران نیز به طور متناوب و با شدت و ضعف های متفاوت به عاملی برای کاهش سرمایه اجتماعی در ایران تبدیل شده‎اند. بنابراین به نظر می‌رسد تا زمانی که نفت به عنوان عامل مسلط در تامین منابع مالی دولت‌ها در ایران حضور دارد، جامعه ایران در مرحله «امتناع توسعه» به سر خواهد برد. (یوسفی، 1384).

آنگاه که در خرداد ۱۲۸۷ نفت در چاه شماره یک مسجد سلیمان فوران کرد حکومت در ایران هنوز به «دولت مدرن» تحول نیافته بود. هنوز چند سالی از صدور فرمان مشروطیت نگذشته بود و هنوز تجار بزرگی که دولت‌های قاجار برای جبران کسری بودجه شان، آنان را فلک می‌کردند در قید حیات بودند. هنوز حکومت‌های ولایات، در اخذ خراج و مالیات خودمختار و خودسر عمل می‌کردند و هنوز حکومت در ازای دریافت عوارض سالانه مشخصی، حکومت‌های محلی را به متنفذان و اشراف زادگان واگذار می‌کرد. هنوز به رغم صدور فرمان مشروطیت، همه قوا در شخص پادشاه مجتمع بود.

حتی اگر از لحاظ قانونی پادشاه نیز حق مداخله در همه ارکان حکومت را نداشت اما هنوز عامه مردم پادشاه را با چنین مفهومی از قدرت می‌شناختند. هنوز مفهوم مشروطه ناشناخته بود و هنوز قانون اساسی حتی لفظ مناسب خویش را نیافته بود. هنوز مالکیت خصوصی خاندان شاهی از مالکیت عمومی‌دولتی تفکیک نشده بود و هنوز ضرب پول به دست صرافان بزرگ بود. هنوز منافع شخص پادشاه از منافع ملی تفکیک نشده بود. هنوز مفهوم شهروندی زاییده نشده بود و هنوز مردمان کشور، رعایای پادشاه یا دولت انگاشته می‌شدند و در یک کلام، هنوز دولت نه حافظ حقوق مالکیت خصوصی شهروندان بلکه مالک جان و مال رعایای خویش محسوب می‌شد. (نصری، 1390).

بنابراین اگر مبداء تولد دولت مدرن در ایران را صدور فرمان مشروطیت بدانیم، باید گفت دولت مدرن در ایران همزاد نفت است. به موازات رشد دولت مدرن در ایران، نقش نفت در صنایع جهانی نیز برجسته می‌شد و به تدریج نفت جایگزین زغال سنگ می‌شد و می‌رفت تا به عنوان سوخت پایه قرن بیستم، جای خود را باز کند. بنابراین رشد دولت مدرن در ایران همگام با رشد اهمیت نفت محقق می‌شد. گویی نفت آمده بود تا به تحقق دولت مدرن یاری رساند و چنین نیز شد.

بی گمان دولت مدرن در ایران، مراحل اولیه تکامل (تاسیس، کودکی و رشد) خود را مدیون درآمدهای نفت است. بدون وجود درآمدهای نفت به احتمال زیاد سرعت رشد دولت مدرن در ایران، در مراحل اولیه تکامل خود، کندتر از آن چیزی می‌بود که اتفاق افتاد اما همین نفت از جایی به بعد یعنی از مرحله ای که دولت مدرن باید وارد مرحله بلوغ و تکامل و سپس تعادل می‌شد به صورت مانعی برای آن درآمد. نفت در ایران همانند مادری بود که کودک خویش (دولت مدرن) را به خوبی و به سرعت تغذیه کرد اما در عین حال نوعی وابستگی و اعتیاد مفرط به مادر نیز در این کودک ایجاد کرد. بنابراین همین وابستگی و اعتیاد اجازه نداد که این کودک به موقع و به صورت طبیعی به مرحله بلوغ و سپس تکامل پای بگذارد. نفت، کودک «دولت مدرن» در ایران را همچنان در مرحله کودکی و پیش از بلوغ، نگه داشت (کردزاده، 1390).

خیلی ساده، در نیمه نخست قرن بیستم (تا پایان جنگ جهانی دوم)، درآمد نفت در ایران موجب تسریع شکل‌گیری دولت مدرن شد ولی در نیمه دوم آن قرن، وجود درآمد نفت نخست به مانعی برای تکامل دولت مدرن و شکل گیری جامعه مدنی تبدیل شد و از جایی به بعد نیز نفت به صورت عاملی مخرب، زمینه های شکل گیری مقدمات و پیش شرط های فرآیند توسعه را تخریب کرد. اکنون دولت مدرن در ایران به مرحله حساسی پای نهاده است، در واقع بیماری های ناشی از وابستگی «دولت مدرن» به نفت آنچنان مزمن شده است و آنچنان نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران را به بیماری های پرهزینه ای دچار کرده است که دولت در ایران یا باید تن به یک جراحی بزرگ برای قطع این وابستگی بدهد یا شاهد فروپاشی درونی جامعه و اقتصاد ایران باشد. در واقع، جامعه و اقتصاد ایران اکنون به معتادی می ماند که در عین اعتیاد شدید و ناتوانی در رهایی از این وابستگی، به نوعی مسمومیت خونی کشنده ناشی از اعتیاد نیز دچار شده است و زنده ماندش تنها در گرو بریدن از این اعتیاد است (دلفروز، 1381).

3-5- بررسی نقش نفت در توسعه اقتصادی و اجتماعی

گرچه نهایتاً ما در پی پاسخ به این پرسش هستیم که «نفت چگونه به عنوان عامل مخرب سرمایه اجتماعی و اقتصادی در ایران عمل می‌کند؟» اما پیش از آن لازم است به پرسش دیگری پاسخ دهیم: «آیا منابع طبیعی مانند نفت می‌تواند کشور را دچار بلای منابع کند؟» بنابراین در این بخش به طور مشخص به بررسی پاسخ این پرسش می‌پردازیم که: «چه تفاوتی میان دو دسته کشورهای دارای منابع طبیعی غنی وجود دارد که وجود منابع طبیعی در یکی می‌تواند به عنوان موتور رشد اقتصادی و عامل توسعه اجتماعی عمل کند و در دیگری به عنوان مانعی برای رشد اقتصادی و اجتماعی توسعه محور؟» در واقع پرسش این است که چرا وجود منابع طبیعی غنی، در برخی کشورها به عنوان عامل جهش و در برخی دیگر به عنوان بلایی مزمن عمل کرده است؟

با نگاهی اجمالی به این دو دسته کشورها در می‌یابیم که یک تفاوت عمومی‌در «کیفیت و ساختار نهادی» این کشورها قابل مشاهده است. به دیگر سخن، در کشورهایی که کیفیت نهادهای آن ضعیف است و ساختار نهادها افزونه محور (رانتی) است، ذخایر منابع طبیعی می‌تواند به مانعی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی تبدیل شود و در کشورهایی که نهادها دارای کیفیتی قوی و دارای استحکام هستند و ساختار نهادها به سوی فعالیت‌های تولیدی متمایل است، ذخایر منابع طبیعی می‌تواند به عنوان عامل جهش دهنده عمل کند. در واقع پدیداری «بیماری هلندی» در کشورهای دارای منابع طبیعی غنی، را می‌توان به همین کیفیت و ساختار نهادها نسبت داد (سلطانی، 1391).

به دیگر سخن، بیماری هلندی تنها در کشورهایی رخ می‌دهد که کیفیت و ساختار نهادی آنها ضعیف و مبتنی بر سهم بری از رانت‌ها است. مشاهدات تجربی نیز حاکی از این است که کشورهایی که وضعیت نهادی مطلوبی دارند، نرخ های رشد اقتصادی آنها نیز در بلند مدت، بهتر از سایرین بوده است. برای آنکه بحث روشن تر ادامه یابد، نخست لازم است منظورمان را از نهادها و کیفیت و ساختار آنها به روشنی بیان کنیم. منظور از نهاد، هر گونه ترتیبات رسمی‌یا غیررسمی، نوشته یا نانوشته، سازمان یافته یا سازمان نایافته ای است که بر رفتار بخشی از جامعه در یک زمینه خاص نظارت و تسلط دارد یا آن را شکل می‌دهد. مثلا بانک مرکزی، نهاد رسمی سازمان یافته ای است که بر رفتار پولی جامعه نظارت دارد. همچنین دین، نهاد غیررسمی غیر سازمان یافته ای است که بر رفتارهای اخلاقی و اعتقادی جامعه، حاکمیت و نظارت دارد. به همین ترتیب قانون اساسی، نهادی نوشته، رسمی و سازمان یافته است که بر رفتار سیاسی (توزیع و کاربرد قدرت سیاسی) در جامعه نظارت و حاکمیت دارد (نصری، 1390).

خانواده نیز نهادی است (گاه رسمی و گاه غیررسمی) که رفتارهای عاطفی و جنسی جامعه را تنظیم می‌کند و شکل می‌دهد. اما منظور از کیفیت نهادی، قدرت و استحکام نهادهای یک کشور است. صرف نظر از اینکه نهادهای یک کشور، با معیارهای امروزی جهان، تا چه حد توسعه یافته یا عادلانه و انسانی باشند، کیفیت نهادی یک کشور بیانگر قدرت، سازگاری و استحکام نهادهاست. ممکن است نهادهای یک کشور، بسیار سنتی و غیردموکراتیک اما در عین حال از استحکام و قدرت درونی برخوردار باشند. استحکام نهادی به معنی این است که نهادها در حوزه عمل خود، حاکمیت، نفوذ و قدرت واقعی دارند و این قدرت واقعی با سایر اجزای شبکه نهادی کل آن جامعه نیز سازگار است. بنابراین لازم است بین «تکامل نهادی» و «کیفیت نهادی» تفاوت قائل شویم. ممکن است در جامعه ای نهادها متناسب با اقتضائات دنیای نو تکامل نیافته باشند اما در عین حال دارای کیفیت، استحکام و سازگاری مناسبی باشند.

ساختار نهادی نیز به شکل مناسبات «درون نهادی» و «میان نهادی» یک جامعه اشاره دارد. صرف نظر از کیفیت نهادها، آنها ممکن است ساختاری تولیدی، مکمل و همکارانه یا ساختاری رانتی، جانشین و رقیب داشته باشند. ساختار دسته اول نهادها، به گونه ای است که فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی برآمده از آنها، فعالیت‌هایی تولیدی و همکارانه هستند که یکدیگر را در فرایند عمل اجتماعی، تکمیل می‌کنند. اما ساختار دسته دوم نهادها، به گونه ای است که فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی حاصل از آنها در جهت «سهم بری» بیشتر از منابع موجود عمل می‌کند. در نتیجه بیش از آنکه مکمل یکدیگر باشند، رقیب و جانشین یکدیگرند و به جای آنکه همکارانه باشند، رقابت آمیزند (توجه کنیم که رقابت در حوزه تولید به رشد و خلاقیت رقبا می انجامد اما رقابت در حوزه توزیع رانت‌ها، مستلزم تخریب و تحمیل زیان به رقیب است.) اکنون می‌توان با توجه به تقسیم بندی بالا، وضعیت کشورهای دارای منابع طبیعی غنی را، از نظر نقش منابع طبیعی در شکل گیری فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی در آنها، به چهار طیف تقسیم بندی کرد.

در آغاز باید این نکته را روشن کرد که از نظر ساختار نهادی، همه اقتصادها دارا و نیازمند دو دسته نهادهای تولیدی و «افزونه محور» (رانتی و سهم برانه) هستند. اما مساله مهم این است که کدام دسته از این نهادها دارای تسلط هستند. اگر نهادهای تولیدی بر نهادهای «افزونه محور» مسلط باشند و نهادهای افزونه محور، مکمل نهادهای تولیدی باشند نه جانشین یا رقیب آنها، در این صورت ساختار نهادی آن جامعه ساختاری تولیدمحور است. اما اگر نهادهای افزونه محور که ماموریت اصلی آنها کسب سهم بیشتری از رانت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای گروه های وابسته به خود است بر نهادهای تولیدی مسلط باشند و رقیب یا جانشین نهادهای تولید محور محسوب شوند، ساختار نهادی آن جامعه، ساختاری «افزونه محور» و سهم برانه تلقی می‌شود (سلطانی، 1391).

بنابراین می‌توان طیفی برای ساختارنهادی جوامع معرفی کرد که در یک سوی آن جوامعی با ساختارنهادی تولیدی قرار دارند و در سوی دیگر آن جوامعی با ساختار نهادی افزونه محور. به همین ترتیب، جوامع از نظر کیفیت نهادی، در طول یک طیف قرار می‌گیرند که در یک سوی آن جوامعی با کیفیت و استحکام نهادی قوی قرار دارند و در سوی دیگر آن جوامعی با کیفیت نهادی ضعیف. همانگونه که گفتیم منظور از استحکام نهادی نیز این است که نهادها در هر وضعیت تکاملی که هستند (سنتی یا مدرن، بومی‌یا وارداتی، دولت محور یا جامعه محور، و...) در حوزه عمل خود نقشی جدی، فراگیر و سازگار با سایر نهادها بازی کنند. ممکن است ساختار جامعه ای هنوز متکی بر نهادهای سنتی باشد اما اگر این نهادهای سنتی، هنوز با مشکلات و بیماری های دوران گذار درگیر نشده باشند و جایگاهی مستحکم و نقشی درخور داشته باشند، آن جامعه از استحکام نهادی و کیفیت نهادی قوی برخوردار است. مثلاً جامعه و نظام سیاسی عربستان سعودی، هنوز در چارچوب نهادهای سنتی عصر قبیله گرایی فعالیت می‌کند اما از آنجا که این نهادها حاکمیتی قدرتمند و سازگار را بر مناسبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این کشور اعمال می‌کنند، این کشور هنوز به مشکلات شدید اجتماعی سایر کشورهای دارای منابع طبیعی گرفتار نشده است (میرترابی، 1379).

بنابراین، می‌توان از برابر هم قراردادن دو ویژگی کیفیت نهادی و ساختار نهادی در یک نمودار، دسته بندی های مختلفی از کشورها با ویژگی های متفاوت از نظر ظرفیت توسعه اقتصادی و اجتماعی را شناسایی کرد. کشورهایی که هم کیفیت نهادی آنها قوی است و هم ساختار نهادی آنها تولید محور است (ناحیه شمال شرقی نمودار در شکل «۱»)، کشورهایی هستند که منابع طبیعی می‌تواند به عنوان عاملی برای جهش اقتصادی و توسعه اجتماعی آنها عمل کند. در این کشورها معمولاً منابع طبیعی کمتر عامل بی ثباتی سیاسی می‌شود به علت وجود استحکام نهادی (عسگری، 1389).

در سوی دیگر (ناحیه جنوب غربی) نیز کشورهایی قرار دارند که هم ساختار نهادی آنها «افزونه محور» است و هم کیفیت نهادی آنها ضعیف است بنابراین منابع طبیعی تنها به صورت تصادفی و ناپایدار می‌تواند به رشد اقتصادی بینجامد اما این رشد به توسعه اجتماعی نمی انجامد. بلکه بر عکس، بی‌ثباتی در رشد اقتصادی می‌تواند به مانعی برای توسعه اجتماعی تبدیل شود. در واقع به علت ضعف نهادی، مناسبات میان بخش‌های مختلف جامعه که قدرت‌های اقتصادی و سیاسی را در دست دارند، مناسبات نظام یافته‌ای نیستند.

از این گذشته، چون ساختار نهادی جامعه بر افزونه جویی استوار است، نهادها و بخش های مختلف جامعه به جای آنکه همکار و مکمل یکدیگر باشند، به صورت رقیب و جانشین یکدیگر عمل می‌کنند. در این صورت، فعالیت نهادهای جامعه در جهت عکس منافع یکدیگر و در واقع در جهت تخریب یکدیگر قرار می‌گیرد و به همین علت، توسعه اجتماعی به تاخیر می افتد. از سوی دیگر، رقابت بر سر کسب سهم بیشتری از منابع و منافع موجود، گروه‌های مختلف را به سوی تسخیر یا نزدیکی به سوی مراجع قدرت سیاسی سوق می‌دهد. همین عدم همکاری نهادها و تلاش آنها برای سهم بری بیشتر از منابع موجود، از طریق تلاش برای دسترسی یا نزدیکی به قدرت، در جای خود موجب رقابت مخرب گروه‌های سیاسی برای کسب قدرت می‌شود که گاهی نیز به جنگ‌های دامنه دار داخلی می انجامد.

بنابراین حاصل این رقابت مخرب چیزی نخواهد بود جز بی ثباتی سیاسی و تعویق در شکل گیری و نهادینه شدن دموکراسی. ناحیه دوم (شمال غرب) که نهادهای آنها از نظر کیفیت ضعیف هستند اما از نظر ساختار، تولید محور هستند. در این کشورها، وجود ذخایر منابع طبیعی می‌تواند به عنوان عاملی برای جهش در رشد اقتصادی عمل کند اما توسعه اجتماعی با سرعتی کمتر از سرعت رشد، محقق می‌شود. در واقع تولید محور بودن ساختار نهادها، موجب کارآمدی استفاده از درآمدهای حاصل از منابع طبیعی می‌شود اما در مقابل، ضعف نهادی موجب وقفه در شکل گیری توسعه اجتماعی می‌شود.

ناحیه چهارم (جنوب شرق) نمودار نیز وضعیتی را نشان می‌دهد که کشورها با وجود استحکام نهادی، ساختار نهادی آنها افزونه محور است. در این صورت به علت وجود استحکام نهادی، افزونه های حاصل از منابع طبیعی به گونه ای منسجم در جهت رشد اقتصادی عمل می‌کند. در واقع استحکام نهادی مانع آن می‌شود که رقابت بر سر کسب سهم بیشتر از افزونه ها، موجب هزینه ها و خسارت‌های جدیدی شود. در عین حال، افزونه محور بودن نهادها، راه را برای تحول اجتماعی مناسب در مسیر توسعه اجتماعی می‌بندد. چراکه توسعه اجتماعی بر ارزش هایی متکی است و به رواج ارزش هایی می انجامد که مانع تداوم افزونه جویی گروه های قدرت و نهادهای مستقر می‌شود.

بنابراین همین نهادها و گروه ها به عنوان مانعی برای شکل گیری و تعمیق توسعه اجتماعی عمل می‌کنند. بنابراین پاسخ این پرسش که «چه تفاوتی میان کشورهای دارای منابع طبیعی غنی وجود دارد که در برخی فرآیند توسعه شکل می‌گیرد و در برخی نه؟»، از طریق ساختار و کیفیت نهادهای آن کشورها قابل توضیح است. به طور خلاصه هرچه ساختار نهادی کشورها به افزونه محوری نزدیک تر باشد و هرچه این نهادها از نظر کیفیت و استحکام، ضعیف تر باشند، وجود ذخایر منابع طبیعی بیشتر می‌تواند به مانعی برای توسعه تبدیل شود.

اکنون با این مقدمات می‌توان به بررسی رابطه نفت و سرمایه اجتماعی در ایران پرداخت. در واقع می‌خواهیم بگوییم که با وجود آنکه فرهنگ ایرانی ذاتاً فرهنگی است که تولیدکننده «مناسبات غیر اعتماد آمیز» است و این منجر به پایین ماندن تاریخی سطح سرمایه اجتماعی در ایران شده است، حضور نفت در سده اخیر نیز به نوبه خود موجب پایین ماندن نرخ رشد و در شرایط خاصی تخریب سطح سرمایه اجتماعی شده است (دلفروز، 1381).

3-6- تحلیل رابطه ی نفت و سرمایه ی اجتماعی

ـ آیا اصولاً نفت یا هر منبع طبیعی دیگری که دولت‌ها برای تامین منابع مالی خود به آن تکیه می‌کنند به عنوان مانعی برای شکل گیری و افزایش سطح سرمایه اجتماعی عمل می‌کند؟ شاید این پرسش در ادبیات اقتصادی، پرسشی تازه باشد. پیش از این در ادبیات علوم اجتماعی (اقتصاد، جامعه شناسی و علوم سیاسی) با پرسش هایی نظیر «آیا نفت مانع دموکراسی است؟»، «آیا نفت مانع توسعه است؟»، «آیا نفت مانع عدالت است؟»، «آیا نفت مانع مدرنیته است؟» و نظایر آنها به فراوانی برخورد کرده ایم اما به نظر می‌رسد این پرسش که «آیا نفت مانع رشد سرمایه اجتماعی است؟»

پرسش تازه ای است. به همین علت شاید هنوز چارچوب نظری شسته و رفته‌ای برای تبیین رابطه نفت و سرمایه اجتماعی تدوین نشده باشد. این بخش از مقاله در واقع کوششی است برای ارائه خطوط کلی نظریه ای که احتمالاً می‌تواند این رابطه را تبیین کند. در بخش پیشین به این نتیجه رسیدیم که در غیاب نهادهای قوی و تولید محور، وجود منابع طبیعی غنی می‌تواند به مانعی برای توسعه تبدیل شود. اکنون پرسش این است که در چنین شرایطی، وجود منابع طبیعی چه تاثیری بر سطح سرمایه اجتماعی می‌گذارد؟ در واقع با توجه به نتیجه‌گیری بخش قبلی، با این پیش فرض آغاز می‌کنیم که اگر منابع طبیعی، اثر مخربی بر سطح سرمایه اجتماعی جامعه داشته باشد، این اثر تنها در کشورهای دارای نهادهای ضعیف و افزونه محور، پدیدار می‌شود به دیگر سخن، انتظار داریم در کشورهای دارای نهادهای مستحکم و تولید محور، منابع طبیعی اثر نامطلوبی بر سطح سرمایه اجتماعی نداشته باشند (علیخانی، 1390).

با نگاهی به کشورهای دارای منابع طبیعی و به طور خاص دارای نفت درمی‌یابیم که نه از نظر رشد اقتصادی، نه از نظر بلوغ جامعه مدنی و نه از نظر سطح دموکراسی، یکسان نیستند. از آنجا که سرمایه اجتماعی هر جامعه، هم با سطح توسعه، هم با سطح بلوغ جامعه مدنی و هم با سطح دموکراسی مرتبط است به طور طبیعی می‌توان انتظار داشت که این کشورها از نظر سطح سرمایه اجتماعی نیز متمایز باشند. مثلاً کشورهایی مانند عربستان سعودی، ونزوئلا، آنگولا، سیرالئون، زامبیا، نیجریه، کنگو و نظایر آنها که دارای منابع طبیعی فراوان هستند، هم از نظر «رشد اقتصادی توسعه محور» و هم از نظر سطح دموکراسی، کشورهایی با عملکرد نامطلوب محسوب می‌شوند (بشیریه، 1382)

در مقابل، کشورهایی مانند کانادا، نروژ، استرالیا و کشور آفریقایی بوتسوانا کشورهایی هستندکه هم از نظر منابع طبیعی غنی محسوب می‌شوند و هم از نظر سطح دموکراسی و رشد اقتصادی همراه با توسعه، کشورهایی با عملکرد مطلوب محسوب می‌شوند. با توجه به شواهد کلی و نیز با عنایت به اینکه این کشورها هم از نظر رشد اقتصادی و هم از نظر توسعه جامعه مدنی و دموکراسی روند مناسبی را طی کرده اند، انتظار می‌رود از نظر سطح سرمایه اجتماعی نیز از وضعیت مطلوبی برخوردار باشند. بنابراین اکنون مساله ما این است که ببینیم اگر داشتن منابع طبیعی مانند نفت در کشورهای دارای ساختار و کیفیت نهادی نامطلوب، موجب کاهش سطح سرمایه اجتماعی می‌شود، این کاهش از طریق چه فرآیندی رخ می‌دهد؟ به طور خلاصه باید گفت، در کشوری نظیر ایران (که ساختار نهادی آن ضعیف و افزونه محور است)، نفت از طریق سازوکارهای سه گانه «تخریب»، به کاهش سرمایه اجتماعی می انجامد. این سازوکارهای سه گانه عبارتند از: «تخریب دولت»، «تخریب نهادها» و «تخریب دموکراسی». هر کدام از این سازوکارهای سه گانه تخریب، طی چند مرحله نهایتاً به تخریب سرمایه اجتماعی منجر می‌شود (کردزاده، 1390).

**الف) تخریب دولت**

دولت در اینجا معادل State است و اشاره به مجموع قوای یک حکومت دارد. دولت به لحاظ تاریخی نخست برای تامین امنیت (درونی و بیرونی) جامعه پدید آمده است اما به تدریج وظایف دیگری نیز بر عهده آن نهاده شده است. اکنون وظایف کلاسیک و سنتی دولت‌ها را عمدتاً پنج وظیفه تامین امنیت، تامین نظم عمومی، انتشار پول، تعریف استانداردها و حفاظت از حقوق مالکیت می‌دانند. حفاظت از حقوق مالکیت نیز به نوبه خود مستلزم تعریف و تصویب حقوق (نظام قانونگذاری) و تضمین حقوق (نظام دادگستری) است. البته در قرن بیستم وظایف مدرن‌تری مانند مدیریت اقتصاد کلان (کنترل تورم و رکود و نظایر اینها) یا وظایف رفاهی پایه ای اقتصاد (مانند تاسیس نظام‌های بیمه‌ای و تامین اجتماعی) نیز برای دولت‌ها در نظر گرفته شده است و البته شرط اولیه همه این انواع مدیریت و دخالت دولتی این بوده است موجب ثبات، بهبود تخصیص و نهایتاً افزایش رفاه جامعه شود. به رغم همه احتیاط هایی که در تصویب قوانین و در هنگام سیاستگذاری و اجرای قوانین توسط دولت می‌شود، در عمل، دولت‌ها حتی در اجرای وظایف کلاسیک خود نیز دچار انحراف و گاهی فساد می‌شوند (عسگری، 1389).

اکنون وقتی کشوری دارای منابع طبیعی سرشار باشد، به طور طبیعی دولت تنها نهادی است که می‌تواند مدیریت این منابع را بر عهده بگیرد. در این صورت یک وظیفه دیگر (مدیریت منابع طبیعی و توزیع منافع آنها) بر سایر وظایف دولت افزوده می‌شود اما نکته اینجاست که ماهیت این وظیفه با ماهیت سایر وظایف دولت‌ها متفاوت است. انجام سایر وظایف، برای دولت هزینه افزاست و دولت برای انجام آنها باید از جای دیگری (مانند دریافت مالیات) منابع مالی لازم را فراهم آورد. اما در مساله مدیریت منابع طبیعی و توزیع منافع آنها، نفس عمل موجب پیدایش منابع و امکانات مالی تازه ای برای دولت می‌شود و این همان نقطه آغاز تخریب دولت است. در کشورهای دارای منابع طبیعی به تدریج دولت‌ها نقش تاریخی و اولویت وظایف کلاسیک (وظایف حاکمیتی) خود را فراموش می‌کنند. در واقع دولت‌ها وظایف کلاسیک خود را همواره انجام می‌دهند اما به علت تمرکز توجه آنها به سوی توزیع منافع حاصل از منابع طبیعی، ارتقای کیفیت انجام وظایف کلاسیک از اولویت آنها خارج می‌شود و بنابراین کیفیت انجام این وظایف متناسب با رشد اقتصادی بهبود نمی‌یابد (دلفروز، 1381).

به این ترتیب وجود منابع طبیعی غنی در کشورهای فاقد استحکام نهادی و دارای ساختار نهادی افزونه محور، دولت این کشورها را از یک دولت حاکمیتی که وظیفه اصلی آن اعمال حاکمیت، تامین امنیت و اجرای قانون و ایجاد شرایط با ثبات برای فعالیت شهروندان است، به یک دولت توزیع کننده رانت‌ها و منافع حاصل از منابع طبیعی تبدیل می‌کند. در این صورت دولت به منبعی از منافع تبدیل می‌شود که گروه های اجتماعی و شهروندان می‌کوشند با نزدیک شدن به آن، سهم بیشتری از منافع را ببرند. شهروندان در رقابت برای تصاحب سهم بیشتری از منافع می‌کوشند تا به مقامات دولتی نزدیک شوند و همین زمینه فساد مقامات و آلودگی نظام بوروکراتیک دولت را فراهم می آورد. نهایتاً نظام بوروکراتیک آلوده به فساد، زمینه ساز بی اعتمادی شهروندان به دولت را فراهم می آورد و نیز این به کاهش سطح اعتماد عمومی و کاهش سطح سرمایه اجتماعی می انجامد (خضری، 1381).

**ب) تخریب نهادها**

همانگونه که پیش‌تر آمد، نهادها ترتیباتی هستند که مناسبات اجتماعی را در حوزه‌های مختلف ساماندهی می‌کنند. در واقع کارکرد اصلی نهادها، سازگار، قاعده مند و قابل پیش بینی کردن رفتارهاست. بنابراین در حضور نهادهای کارآمد، هزینه‌های ناشی از رفتارهای بی قاعده و غیرقابل پیش بینی افراد در جامعه کاهش می‌یابد. در یک کلام، کارکرد اصلی نهادها، کاهش انواع هزینه‌های اجتماعی یا حداقل پیش بینی پذیر و قانونمند کردن این هزینه‌هاست. بنابراین تخریب نهادها به معنی افزایش هزینه‌های اجتماعی است. وجود منابع طبیعی مولد رانت، مانند نفت، در جامعه ای که نهادها استحکام لازم را ندارند و فعالیت‌ها افزونه محورند، به نوبه خود موجب تخریب نهادها می‌شود. تخریب نهادها نخست از سوی دولت آغاز می‌شود و سپس به جامعه تسری می‌یابد. وقتی دولتی بر درآمدهای رایگان نفتی یا هر منبع طبیعی دیگری تکیه می‌کند، دیگر ضرورتی برای کمک به تکامل و عملکرد موفق نهادهای اجتماعی بیرون از خود احساس نمی‌کند چون به علت داشتن منابع درآمدی کافی، فشاری برای کاهش هزینه‌های اجتماعی احساس نمی‌کند. اگر هزینه ای هم به وجود آمد به راحتی از همان منبع رایگان حاصل از فروش منابع طبیعی تامین می‌کند. دقت کنیم که برخی از نهادهای اجتماعی در طول تاریخ و به تدریج و به ضرورت کاهش هزینه‌های اجتماعی شکل گرفته اند (نصری، 1390).

**جمع بندی فصل**

در پایان این نکته را نیز باید افزود که در اغلب دوره‌های گذشته، اقتصاد سیاسی بسیار پیچیده نفت و طمع دولت‌ها نسبت به هزینه کردن حداکثری منابع نفتی، باعث شده است که برخلاف پیشرفت‌های شایان در سایر کشورهای دارنده ذخایر زیرزمینی، در ایران بهبودی در سیاست‌های مالی و ایجاد یک قاعده مالی مناسب رخ ندهد. در شرایط فعلی که به طور قهری درآمدهای نفتی کاهش یافته است، فرصتی فراهم است که بتوان قاعده مالی مناسبی طراحی کرد و ساختار بودجه و رابطه نفت و دولت را برای همیشه اصلاح کرد. شاید این‌گونه توفیقی حاصل شود که ثروت‌های سرشار زیرزمینی از این پس در خدمت رشد و رفاه جامعه قرار گیرد. وابستگی به نفت نه تنها بر روی جنبه های اقتصادی ایران تاثیر گذار بوده بلکه سبک زندگی ایرانیان، نظم اجتماعی، عملکرد اجتماعی و ساختار اجتماعی آنها را نیز تحت‌الشعاع قرار داده است، از همین رو، علی رغم دستورات و برنامه‌هایی که برای کاهش وابستگی اقتصاد به نفت تدوین شده، اما در سال‌های اخیر توفیق مطلوبی برای کاهش وابستگی به نفت به دست نیامده است زیرا این کاهش وابستگی تنها از سوی دولت قابل اجرا نیست بلکه همدلی مردم را نیز می طلبد. جامعه ایران برای رهایی از وابستگی به نفت باید به این دیدگاه مشترک برسد که اثر درآمدهای نفتی بیش از آنکه برایش سودمند باشد، مخرب بوده است. بنابراین تا زمانی که تفکر دولتی، در بین افراد جامعه در جریان است، مقاومتی نامرئی برای فاصله گرفتن از اقتصاد نفتی وجود خواهد داشت و تنها با تغییر نگاه جامعه می‌توان امیدوار بود ایران در مسیر کاهش وابستگی به نفت گام بر دارد در غیر این صورت با اتمام منابع نفت و گاز و یا در صورت فشارهای بین‌المللی، ایران در شرایطی نا مساعد، مجبور خواهد بود که درآمدهای پایدارتر را جایگزین درآمدهای نفتی کند.

فصل سوم

روش تحقیق

3-1- **مقدمه**

با توجه به روش پژوهش در انجام هر پژوهشی، بسیار مهم است و این هدف پژوهش است که تعیین‌کننده روش مورد استفاده می باشد. با توجه به اینکه هدف این پژوهش شناسایی ابعاد و مولفه های سرمایه انسانی در نظام آموزش و پرورش ایران به منظور ارائه مدل مناسب می باشد، محقق از روش پژوهش آمیخته ( کمی و کیفی) استفاده کرده است و با استفاده از روش کیفی به درک لایه های عمیق موضوع پرداخته و جنبه های اصلی پدیده مورد نظر را مشخص نموده است. سپس در روش کمی این جنبه ها به عنوان ابعاد (مؤلفه ها) برای تدوین ابزار گردآوری داده ها منظور شده و با استفاده از این ابزار، داده های کمی جمع آوری گردیده و سپس به تحلیل یافته های کمی پرداخته شده است. لذا در این فصل پژوهشگر با ذکر جامعه آماری پژوهش، در دو بخش کیفی و کمی به تفکیک به معرفی روش نمونه گیری، حجم نمونه، ابزار گردآوری اطلاعات، طراحی و اجرای فرآیند پرداخته است. سپس پایایی و روایی ابزار اندازه گیری را توضیح داده است. در مرحله بعد شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات را به تفصیل معرفی کرده است.

3-2- روش تحقیق

همانگونه که سابقه پژوهش‌های انجام شده در زمینه ی موضوع مذکور نشان می‌دهد، و با توجه به اینکه در زمینه‌ها و سطوح تحليل متفاوت، تنوع زیادی دارند. از این رو انتخاب رویکرد کمی ‌به این پژوهش ممکن است باعث کاهش عوامل تحت جستجو و یا حتی نادیده ماندن آن‌ها شود، لذا با توجه به اینکه موضوع پژوهش کاملا بر مبنای وضعیت و داده‌های مربوط به ایران و مرتبط با حوزه نفتی بررسی شود، در این تحقیق سعی می‌شود که بررسی های لازم است از رویکرد کیفی در دستیابی به اطلاعات مفید در راستای دستیابی به تئوری‌های مرتبط با نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان بهره گرفته شد. که در این فصل به تفکیک مراحل مرتبط با هر کدذام به تفصیل ارائه و بررسی خواهد شد

* بخش کیفی

روش این پژوهش ، به عنوان رویکردي از روش های کمی و کیفـی مـوقعیتی را بـراي پژوهشگربه وجود آورده که بر اساس آن می تواند؛ متدولوژي، روش ها، مدل ها، طرح هـا کـار گرفته شده در یک مطالعه واحد را در کنار هم قرار دهندو به نتیجه دست یابند (دهکردی در1390) و با توجه به اینکه روش‌های تحقیق کمی و کیفی به تنهایی نمی‌توانند پیچیدگی‌های مسایل و عناصر تشکیل‌دهنده حوزه نفتی را بدون اریبی مورد مطالعه قرار دهند،ترکیب این روش‌ها مورد استفاده قرار گرفته و از آن تحت عنوان روش تحقیق آمیخته( کمی کیفی) یاد شده است.در دهه گذشته استفاده از روش‌های تحقیق‌ آمیخته ( تحقیق به روش آمیخته و طرح های تحقیق به روش آمیخته ) گسترش یافته است. که در این تحقیق بررسی ها و شواهد امر گویای این است که از طرح‌ تحقیق آمیخته اکتشافی استفاده شود . که در شکل (3-2) ارائه شده است.



**شکل(3-2) نمایی از پژوهش آمیخته ( خنیفر و همکاران، 1396)**

در این بخش از پژوهش محقق به منظور دسترسی به نوعی تبیین کلی(یا نظریه)و کمک در دستیابی به اهداف و پاسخدهی به سوالات از روش تحقیق داده بنیاد استفاده شده که مشخصه بارزش (کیفی بودن و استقرایی بودنش) است که محقق در روش استقرایی از طریق جزئیاتی که از تحقیق حاصل می شود می تواند به مفهوم کلی برسد و و با استفاده از توالی که وجود دارد که هر گام از گام قبلی پیچیده تر است می شود و در راستای این پیچیدگی ها مفاهیم گسترش بیشتری یافته و در نهایت محقق قادر خواهد بود به مؤلفه ها و مقولات تحقیق دست یابد و با توجه به اینکه در این پژوهش قصد داشته به شناسایی نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان پرداخته که در این بخش از پژوهش بهترین روش برای این منظور روش تحقیق داده بنیاد است زیرا تنها با بهره گیری از این روش است که مؤلفه هایی شناسایی می شوند و بعد از گسترش مرحله به مرحله این مؤلفه هاست که به تئوری می رسند و بر این اساس محققان در میدان تحقیق به جمع آوری داده ها و ظهور نظریه می رسند( کلاکی، 1388). مهرابی و همکاران در 1390 به نقل از پاول در این خصوص اظهار نموده اند که؛ این تقریبا تنها روشی است که از طریق آن، مفاهیم و فرضیه ها و قضایا به جای بهره وری و استناج از پیشفرض های قبلی در تحقیقات و مفروضات پیشین از برقراری تعامل با مشارکت کنندگان که در اینجا (جمعی از نخبگان، اعضای هیأت علمی متخصصان و مدیران پالایشگاه اساتید، و فعالان موفق ) حاصل می شود(استراوس و کوربین ذکر شده در دانایی فرد ۱۳۹۴). و در حقیقت به دلیل اینکه نظريه ها و تحقیقات زیادی با این مضمون ( نقش نفت در توسعه ساختار های اقتصادی و اجتماعی )در کشور حاصل نشده و در رساله ها و مقالات خارجی هم مطالب زیادی در دست نیست. بنابراین لازم است با استفاده از مصاحبه با بزرگان در خصوص موضوع مورد تحقیق بتوان اطلاعات لازم را کسب کرد و از آن در تحقیق کمی نیز استفاده نمود که با توجه به حساسیت در این امر لازم است مراحل مشخص شده در این روش را به مانند شکل (3-3) که در زیر آورده شده است ادامه دهیم تا بتوان به نتایج درست دست یافت.

خلاقیت و ابداع

کدگزاری انتخابی

کدگزاری محوری

کدگذاری باز

مدل مفهومی

ابعاد

مولفه ها

تعیین موضوع

**جمع آوری داده ها تا رسیدن به اشباع**

مفاهیم

شکل (3-3 ) مراحل روش کیفی تحقیق ( گرندد تئوری)

پس از تعیین موضوع متحقیق؛ ( نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان)، در وهله نخست باید به مطالعه و تحقیق و تفحص در خصوص مطالب ارائه شده ( کتب( داخلی و خارجی)، رساله( داخلی و خارجی)، پایان نامه ( داخلی و خارجی) و مقالات( داخلی و خارجی) پرداخت و مطالعه و بررسی ها را تا جایی ادامه داده تا به اشباع دست یافت ( رسیدن به جایی که دیگر به مطالب جدیدی بر نخوریم)و پس از انجام این مراحل با بهره گیری از ابزار مصاحبه ( نهایتا 60 تا 90 دقیقه) از طریق انجام مصاحبه نیمه ساختار یافته با افراد مشارکت کننده (صاحبنظران حوزه تعلیم و تربیت كشور و اساتید شاخص دانشگاه ها ) در این خصوص به مطالب مورد نیاز در این خصوص دست یافت مطالب جمع آوری شده مفاهیمی را به ما ارائه داد که لازم است از طریق فرآیند کد گذاری آن ها را غربال نمود و این امر به ما کمک می کند تا به تحلیلی درست از ابعاد و مفاهیم تحقیق پرداخته و بتوانیم با درکی که از قضیه به دست آورده ایم به ارائه مدل مفهومی با توجه به ابعاد و مفاهیم و مقولات حاصل شده از دل مصاحبه ها بپردازیم.

* ابزار تحقیق در بخش کیفی
* مصاحبه نیمه ساختار یافته بااساتید و صاحبنطران مشغول و فعال در بخش پالایش نفت و گاز به منظور استخراج مفاهیم مرتبط با شناسایی هر چه بیشتر نقش نفت در ساختار های اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان است. به این ترتیب که مقوله محوری را به شکل نظام مند به دیگر مقوله ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و مقوله هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، اصلاح می کند.

از مصاحبه در این بخش به منظور دست یابی پاسخ به سوالات زیر استفاده می کنیم

1. شرایط علی در شناسایی نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان کدامند؟
2. عوامل زمینه ای در در شناسایی نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان کدامند؟
3. شرایط مداخله گر در شناسایی نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان کدامند؟
4. استراتژی ها در در شناسایی نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان کدامند؟
5. پیامدها در در شناسایی نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان کدامند؟

* **ابزار پژوهش در بخش کیفی**

**مصاحبه نیمه ساختار یافته**

مصاحبه نیمه ساختار یافته یکی از معمول ترین انواع مصاحبه است که در این تحقیق تمایل بر استفاده از این شیوه ازمصاحبه است. چرا که در این روند از مصاحبه علاوه بر اینکه ما به سوالات مد نظر خود میرسییم به مصاحیه شونده نیز اجازه می دهیم در روال توضیحات به تجربه های زیسته خود نیز اشاره کند که این حالت قابل قبول تر و جو مساعد تری را در کار ارائه می دهد.

* **جامعه­ مورد مطالعه و نمونه گیری در بخش کیفی**

جامعه مورد مطالعه در بخش كیفی شامل کلیه آ اساتید تعضای هیات علمی و صاحبنظران حوزه نفت داخل كشور( دمشغول در پالایشگاه نفت خوزستان) بود.؛. از این رو؛ در بخش كیفی تحقیق، جهت شناسایی نقش نفت در ساختار های اقتصادی و اجتماعی ، از صاحبنظران حوزه تعلیم و تربیت كشور و اساتید شاخص دانشگاه ها استفاده خواهد شد ، كه به جهت تفاوت نسبی مدیران در مدرک تحصیلی، تجارب فردی و برداشت های آنان نسبت بهنقش نفت در ابعاد اقتصادی و اجتماعی بر استان ، با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند، به شیوه گلوله برفی ( نفر اول مصاحبه شونده توسط اساتید زبده فعال در این حیطه انتخاب و از انجام مصاحبه اول مصاحبه شونده نفر بعدی را معرفی کرد و فرایند مصاحبه تا جایی ادامه یافت كه به حد ا شباع رسید که مشخصات مصاحبه شوندگان به تفکیک در جدول (3-1) ارائه شده است

**جدول(3-1) نمونه های کیفی**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **ردیف** | **سن** | **تحصیلات** | **جنسیت** | **مرتبه علمی** |
| 1 | 36 | دکترای جامعه شناسی | مرد | استادتمام |
| 2 | 41 | کارشناس ارشد و مدیر پروژه | مرد | مدیر پؤوژه |
| 3 | 45 | کارشناس ارشد نفت | مرد | دستیار مدیر پروژه |
| 4 | 38 | کارشناس ارشد مدیریت منابع انسانی | زن | کارشناس بخش اداری |
| 5 | 44 | دکترای اقتصاد | مرد | استادیار |
| 6 | 51 | دکترای علوم سیاسی | مرد | دانشیار |
| 7 | 39 | دکترای مدیریت و برنامه ریزی | زن | استاد مدعو |
| 8 | 48 | مهندس نفت | مرد | کارمند پالایشگاه |
| 9 | 53 | د کترای استراتزیک | مرد | استاد تمام |
| 10 | 37 | دکترای خط مشی گذاری عمومی | زن | استادیار |
| 11 | 45 | دکترای علوم سیاسی حوزه خلیج فارس | زن | استاد تمام |
| 12 | 56 | مدیریت دولتی و رفتار سازمانی | زن | دانشیار |
| 13 | 35 | دکترای مدیریت انسانی و فناوری | مرد | دانشیار |
| 14 | 49 | دکترای علوم سیاسی گرایش برنامه ریزی اجتماعی | مرد | استادیار |
| 15 | 48 | دکترای جامنعه شناسی سیاسی | مرد | استادیار |

**پایایی پژوهش های کیفی**

برای اطمینان از پایایی در پژوهش های کیفی موارد زیر رعایت گردید:

1. انتخاب نمونه های مناسب: انتخاب دقیق مشارکت کنندگان مبتنی بر اهداف پژوهش
2. جمع آوری و تحلیل همزمان داده: تعامل مداوم بین آنچه شناخته شده و آنچه باید شناخت.
3. اندیشیدن مبتنی بر نظریه: در نظر گرفتن مبانی نظری تحقیق
4. انسجام در روش شناسی پژوهش: اطمینان از انسجام بین سئوالات و روش پژوهش

در پایان این بخش باید به این نکته متذکر شد که به دلیل ماهیت آمیخته روش تحقیق باید در ادامه امر با توجه به مواردی که ار این بخش حاصل شده باید بر اساس تحلیل موارد حاصل شده از تحلیل کمی بهره گرفت

**تدوین نهایی چارچوب**

پس از انجام مصاحبه با خبرگان و به دست آوردن مولفه ها و مقولات و ارائه تئوری پس از کد گذاری ها، وقت آن رسیده،با در نظر گرفتن مدل پارادایمی و مشخص نمودن شرایط علی، زمینه ها، راهبردها و استراتژی ها و پیامدها، چارچوب نهایی تدوین گردید. چرا که نتیجه تمام تلاش ها برای گردآوری و تحلیل داده ها، در چارچوب نظری یا تئوری خلاصه می شود که از دل داده ها استخراج می گردد. در حقیقت مجموعه منظمی از تکنیک های کیفی کهبر استفاده از داده های واقعی تأکید دارند، در تکاپوی ارائه یکچارچوب و مدل هستند. در این مرحله تصویرپژوهش برای محقق از همیشه روشن تر است و باید این دیدگاه برای سایر افراد به تصویر کشیده شود. با اینکهچارچوب توسعه حرفه ای بدست آمده کلی و همه جانبه است اما ریزترین جزئیات این تصویر به روشنی برایپژوهشگر مشخص خواهد بود و شناسایی نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان نه تنها میتواند به سؤالات پژوهش پاسخ دهد بلکه منشأیی برای تدوین فرضیه هایی برای پژوهش های بعدی باشد . که کلیت امر در این بخش به شرح زیر می باشد :

مصاحبه با خبرگان

مؤلفه ها

مقولات

ارائه تئوری

**شرایط مداخله گر**

**شرایط علی**

**استراتژی ها**

**عوامل زمینه ای**

پیامد ها

**تحلیل نظری داده ها**

شکل (3-4) نمای کلی بخش کیفی

.

**2-2-3بخش دوم :روش تحقیق کمی**

بعد از انجام بخش کیفی لازم است به منظور تکمیل ان از بخش کمس استفاده کرده و در بهره گیری از امار توصیفی که خصوصیات جمعیت شناختی را ( فراوانی، میانگین و...) را تا آمار استنباطی را در این بخش انجام داده و برای این منظور از شیوه های درست و نرم افزار های SPSS و EXCELو G I S بهره گیری کرده و در حقیقت می توان گفت از این بخش از پژوهش به منظورمحاسبه اعتبارسنجی داده ها و اعتبار عاملی متغیرها و ابعاد آن استفاده شده است.

ابزار تحقیق در بخش کمی

ابزار به کار گرفته شده در بخش کمی 2 پرسشنامه محقق ساخته به صورت های بسته پاسخ و باز پاسخ بوده (بسته پاسخ: 30 گویه ای بر مبنای طیف لیکرت ) ( بازپاسخ: 11 گویه ای) بود که سئوالات آن برگرفته از چارچوب استخراج شده، ( مقوله ها و مفاهیم ) خواهد بود. به نحوی که در هر مقوله و از هر مفهوم زیر مجموعه آن چند سؤال در پرسشنامه طرح شد.

جامعه و نمونه آماری در بخش کمی

جامعه آماری محاسبه شده در این بخش شامل كلیه مدیران و معاونین و کارکنان با تجربه و با سابقه فعال در پالایشگاه نفت استان خوزستان بود که تعداد آنها1360 نفر بود که با استفاده از فرمول نمونه گیری کوکران حجم نمونه 300 نفر محاسبه شد .

- تجزیه و تحلیل داده های کمی

این بخش از پژوهش به تجزیه و تحلیل داده های حاصل از بخش کمی اختصاص یافته است، تحلیل داده ها در دو قسمت مجزا و مرتبط به هم به انجام پذیرفته است.

* قسمت اول به آمار توصیفی پژوهش اختصاص دارد؛ که در ابتدا به محاسبه و توصیف متغیرهای جمعیت شناختی با استفاده از مهمترین شاخص های آمار توصیفی )گرایش مرکزی و توزیع پراکندگی) پرداخته شد.
* در قسمت دوم به محاسبه آمار استنباطی پرداخته شد (با استفاده از تی تک و روش همبستگی چندمتغیری می باشد، استفاده خواهد شد. بدین منظور در ابتدا با استفاده از تکنیک های تحلیل مسیر، تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم را در الگوی مفروض شده موردبررسی قرار خواهد گرفت تا روابط میان این مجموعه از متغیرها را تعیین و اثر علی متغیرها را بر یکدیگر و همچنین برازندگی الگوی مفروض، موردبررسی قرار گیرد
* . پس از جمع آوری اطلاعات، محاسبات داده ها، با استفاده از نرم افزار اس پی اس اس نسخه 24 و جی آی اس نسخه 10.7 و اکسل انجام حاصل می شود.
* اعتبار و روایی بخش کمی

برای بدست آوردن روایی پرسشنامه از نظرات استاد راهنما و مشاور و چندین تن از دیگر اساتید و متخصصین و کارشناسان استفاده شده است و از آنها در مورد مربوط بودن سؤالات ، واضح بودن و قابل فهم بودن سؤالات و اینکه آیا این سؤالات برای پرسش های تحقیقاتی مناسب است و آنها را مورد سنجش قرار می دهد ، نظر خواهی شد و اصطلاحات مورد نظر در پرسشنامه اعمال گردید.

طيف مورد استفاده در پرسشنامه بسته پاسخ بر اساس طيف پنج گزينه اي ليکرت می باشد )شامل: بسيار کم تا بسيار زياد(

در جدول زير نشان داده شده است.

جدول(2-2) مقياس درجه‌بندي سوالهاي پرسشنامه های پژوهش بر اساس مقياس پنج درجه‌اي ليكرت

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| گزينه انتخابي | بسیار زیاد | زیاد | متوسط | کم | بسیار کم |
| امتياز | 5 | 4 | 3 | 2 | 1 |

* **پایایی بخش کمی:**

برای اندازه گیری و محاسبه پایایی ابزار پژوهش در بخش كمی پژوهش (پرسشنامه 30 گویه ای بسته پاسخ و 11 گویه ای باز پاسخ، محقق ساخته ) از روش آلفای كرونباخ[[55]](#footnote-55)، ضرایب تحلیل بارهای عاملی1 و پایایی تركیبی با استفاده از نرم افزار –اسمارت پی ال اس استفاده خواهد شد. در این بخش پرسشنامه بر روی یک نمونه 30 نفره به اجرا درآمده و نتایج حاصله از آن برای محاسبه ضريب پايايي پرسشنامه‌ از طريق فرمول زير به وسيله نرم‌افزار اس پی اس اس محاسبه شد.



ra= ضريب آلفاي کرونباخ

J= تعداد سوالات آزمون

2Sj= واريانس سوالات آزمون

2s= واريانس کل آزمون

همانطور که از جدول بالا بر می آید تمامی متغیر های به دست آمده که در طراحی پرسشنامه برای محاسبات کمی مورد استفاده قرار گرفته شده بالای 7/0 بوده و روی همین اصل می توان اعلام نمود که تمامی متغیر های پرسشنامه از پایایی کافی برخوردار می باشند و متخصصان و اساتید حمایت گر در این امر نیز با مشاهده نتایج، آن را تأیید نمودند .

**جمع بندی فصل**

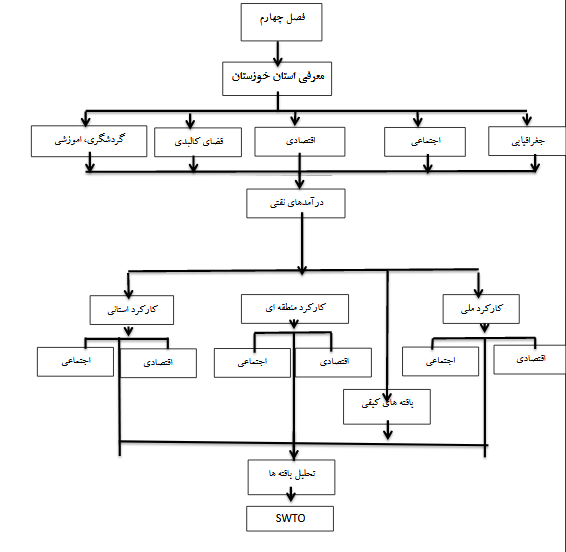
در این فصل به معرفی روش ها و مراحل انجام تحقیق پرداخته می شود و تمامی اطلاعات اولیه در فصل چهارم در این بخش به صورت کلی مطرح گردیده است .

فصل چهارم

تجزیه وتحلیل داده ها

**4-1- مقدمه**

همان گونه که در قسمت روش شناسی تحقیق ذکر شد، به منظور بررسی نقش درآمدهای نفتی بر توسعه اجتماعی و اقتصادی استان خوزستان از روش تلفیقی (کمی و کیفی) استفاده شده است. در این فصل در ابتدابه ارائه یافته های کیفی پرداخته و سپس به ارائه یافته های کمی و توصیف و تشریح قلمرو تحقیق به یافته‌های توصیفی از موقعیت جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی، حمل ونقلی و فضا و کالبدی استان خوزستان پرداخته خواهد شد. پس از آن به تحلیل نقش استان در سه سطح ملی، منطقه‌ای و ناحیه‌ای می‌پردازیم. در ادامه به تحلیل مصاحبه‌ها با روش فرا ترکیب می‌پردازیم و در انتها نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید برای توسعه استان خوزستان مبتنی بر راهکارهایی بر مبنای یک تحليل SWOT ارائه خواهیم نمود.



شکل 4-1- معرفی بخش‌های مختلف فصل چهارم

4-2- بخش کیفی

درفاز کیفی تحقیق، با استفاده از رویکرد مبتنی بر نظریه‌پردازی داده بنیاد، از بین صاحبنظران و نخبگان حوزه نفت؛ 15 نفر از خبرگان و اساتید و هیأت علمی و فعالان در این حیطه از اساتید دانشگاهی و اعضای هیات علمی و میدیران و معاونان و کارکنان با سابقه در پالایشگاه با بهره گیری از روش نمنونه گیری، هدفمند و گلوله برفی) به عنوان نمونه و مصاحبه شوندگان و مشارکت کننده در نظر گرفته شدند که نفر اول با معرفی اساتید محترم معرفی شده و به همین نسبت فرد مصاحبه شونده نفر بعدی را انتخاب و این رویه تا رسیدن به ا شباع نظری ادامه داشت و نتایج ، بررسی شده گویای این امر بود که از 16 مصاحبه حاصل شده بعد از مصاحبه پانزدهم دیگر مورد جدیدی مطرح نشد، لازم به ذکر است که به دلیل پاندمی کرونا مجاب کردن این افراد بسیار سخت بوده و با مماسرت زیاد و با تعیین وقت قبلی و در مدت زمان حداقل 60-40 دقیقه، مصاحبه انجام شده و در جریان مصاحبه ها تلاش بر آن شده، در ابتدا با طرح سؤال باز دیدگاه های متفاوت مصاحبه شوندگان درباره موضوع ارزیابی و نکته برداری شود، در حقیقت، بسیار سخت بود چون بارها نزدیک بود که مصاحبه به سمت دیگری سوق یابد که با توانسته شد مجدد با بهره گیری از برخی سوالات کمکی ، پاسخ های مصاحبه شوندگان را به سمت شناسایی هر چه بیشتر نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در استان خوزستان سوق داده و تمام زمان مصاحبه، به بحث در همین راستا پرداخته شد . مصاحبه های به عمل آمده در 15 مصاحبه حاصل شده و به اشباع رسیده است و سعی بر آن شده تا از افرادی که در این راستا می توانستند کمک کنند بهره گرفت .

**4-2-1. تجزیه و تحلیل داده ها – کدگذاری[[56]](#footnote-56) یافته های حاصل از مصاحبه**

با توجه به اینکه این پژوهش به دنبال اکتشاف در باب موضوع تحقیق می باشد بر این مبنا در تحقیق کیفی[[57]](#footnote-57) برای تحلیل سوالات مصاحبه از روش تئوری زمینه ای[[58]](#footnote-58) استفاده می شود در این پژوهش از کدگذاری باز برای تحلیل داده های حاصل از مصاحبه استفاده می نماییم.

**4-2-2. فرآیند کد گذاری باز[[59]](#footnote-59)**

در این بخش که شامل سه مرحله ( به دست آوردن مفاهیم، مقوله ها و طبقه بندی) است، در بر گیرنده داده های خام است که در مرحله حصول مفاهیم نخست باید آن را از متن مصاحبات جمع آوری شده، استخراج کرده .و پس از آن اقدام به تعیین کد های مفهومی نمایند و سپس لازم است که مقوله ها را پیدا کرده، در نهایت آن مواردی که به نظر، دارای اشتراکات مفهومی خاص هستند را تحت عنوان یک مقوله طبقه بندی کرد . که در ابتدا در خصوص مشارکت کنندگان و موارد استخراج شده توضیحات کافی ارائه خواهد شد.

**تذکر:** اطلاعات ارائه شده در ذیل تحلیلی از 15 مصاحبه به عمل آمده می باشد که کل پروسه تجزیه و تحلیل تحقیق را در بر گرفته است و احتمال دارد با مولفه های مطرح شده در تحقیقات پیشین نیز مطابقت داشته باشد که در این صورت در این تحقیق آن ها ستاره دار خواهد شد .

**4-2-3. شرایط علی**

مصاحبه شوندگان در پاسخ به سوالات مرتبط با هر یک از ابعاد مدل پارادایمی به تشریح "نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان " پرداختند. از تحلیل جملات و دیدگاههای این افراد، کدهای اولیه استخراج شد. در مرحله بعد، کدهای مشترک و مورد تأکید مصاحبه شوندگان به انضمام کدهای با اهمیت از دید محقق به عنوان کدهای نهایی به همراه منبع آنها مشخص شدند. توضیحات مصاحبه شوندگان در پاسخ به سوال مربوط به شرایط علی در شناسایی نقش نفت در ساختار اقتصادی- اجتماعی، منجر به شناسایی کدهای جدول (4-1) شد.

جدول (4-1) شرایط علی شناسایی نقش نفت در ساختار اقتصادی- اجتماعی

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| ردیف | مفاهیم استخراج شده از مصاحبه | مضامین | شرایط علی |
| 1 | استفاده از نفت برای رسیدن به اهداف | تحولات سیاسی |
| 2 | نوسان قیمتی |
| 3 | اهرم فشار |
| 4 | رقابت های منطقه ای |
| 5 | تأثیر تحریم ها |
| 6 | تأثیرگذاری تصمیمات قطب های اقتصادی در جهان |
| 7 | اقتصاد کشور | درآمد زایی نفت |
| 8 | دولــت به لحاظ مالی با شرکتها و پالایشگاه ها ارتباط دارد |
| 9 | اقتصاد کشور به سوی نفتی شدن |
| 10 | درآمد نفتی جایگزین سایر درآمد ها |
| 11 | درآمد از صادرات و فروش داخلی و خارجی |
| 12 | تورم | شاخص نابرابری |
| 13 | خدمات رسانی یکسان به مناطق که برای مناطق دور افتاده معمولا میسر نمی شود |
| 14 | بیکاری |
| 15 | فقر |
| 16 | درآمد زدایی ارزی | توسعه |
| 17 | پیشرفتهای اقتصادی وابسته به صادرات |
| 18 | رابطه مستقیم درآمد با تورم |
| 19 | رابطه مستقیم نقش نفت با صنعتی شدن |

در این بخش از تحقیق پس از مصاحبه با 15 نفر مشارکت کننده در مصاحبه در جدول (4-1) 19 مفهوم استخراج شد که حاصل آن 4مضمون بود و از تحولات سیاسی تا توسعه را در بر می گیرد که موارد استخراج شده از آن شامل 19 مفهوم از مهمترین شرایط علی در شناسایی نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی ز دیدگاه متخصصان و مشارکت کنندگان در این امر است که در مضمون تحولات سیاسی شامل 6 مفهوم( استفاده از نفت برای رسیدن به اهداف ، نوسان قیمتی، اهرم فشار، رقابت های منطقه ای، تأثیر تحریم ها، تأثیرگذاری تصمیمات قطب های اقتصادی در جهان ) درآمدزدایی نفت 5 مفهوم (دولــت به لحاظ مالی با شرکتها و پالایشگاه ها ارتباط دارد ، اقتصاد کشور به سوی نفتی شدن ، درآمد نفتی جایگزین سایر درآمد ها ، درآمد از صادرات و فروش داخلی و خارجی) در مضمون و شاخص نابرابری (تورم، خدمات رسانی یکسان به مناطق که برای مناطق دور افتاده معمولا میسر نمی شود، بیکاری، فقر) توسعه 4 مفهوم (درآمد زدایی ارزی، پیشرفتهای اقتصادی وابسته به صادرات، رابطه مستقیم درآمد با تورم ، رابطه مستقیم نقش نفت با صنعتی شدن) می شود.

رقابت های منطقه ای

اهرم فشار

نوسان قیمت

**نفت برای رسیدن به اهداف**

**تحولات سیاسی**

شرایط علی

تحریم ها

تأثیر تصمیمات قطب های اقتصادی در جهان

شکل (4-1) شرایط علی شناسایی نقش نفت در ساختار اقتصادی- اجتماعی

اقتصاد کشور

درآمدزدایی نفت

ارتباط دولت با پالایشگاه ها

اقتصاد کشور به سوی نفتی شدن

درآمد نفتی جایگزین سایر درآمد ها

درآمد از صادرات و فروش داخلی و خارجی

تورم

شاخص نابرابری

خدمات رسانی یکسان به مناطق که برای مناطق دور افتاده معمولا میسر نمی شود

بیکاری

فقر

درآمد زدایی ارزی

توسعه

پیشرفتهای اقتصادی وابسته به صادرات

رابطه مستقیم درآمد با تورم

رابطه مستقیم نقش نفت با صنعتی شدن

4-2-4. عوامل زمینه ای

مصاحبه شوندگان در پاسخ به سوالات مرتبط با هر یک از ابعاد مدل پارادایمی به تشریح " نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان " پرداختند. از تحلیل جملات و دیدگاههای این افراد، کدهای اولیه استخراج شد. در مرحله بعد، کدهای مشترک و مورد تأکید مصاحبه شوندگان به انضمام کدهای با اهمیت از دید محقق به عنوان کدهای نهایی به همراه منبع آنها مشخص شدند. توضیحات مصاحبه شوندگان در پاسخ به سوال مربوط به عوامل زمینه ای در نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان ، منجر به شناسایی کدهای جدول (4-2) شد.

جدول (4-2) عوامل زمینه ای نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| ردیف | مفاهیم استخراج شده از مصاحبه | مضامین |  |
| 1 | توسعه کشتیرانی و اسکله ها به منظور صادرات و واردات و رونق اقتصادی | عوامل اقتصادی | عوامل زمینه ای |
| 2 | تحول در راه آهن ها |
| 3 | استفاده بهینه از درآمد های نفتی جهت جلوگیری از تورم در کشور و علی الخصوص استان خوزستان |
| 4 | فرصت های شغلی | عوامل اجتماعی |
| 5 | تبعات مثبت و منفی به همراه داشته |
| 6 | علاوه بر فرصت شدن برای مشاغل آسیب به دیگر وجهه های اقتصادی وارد کردن |
| 7 | فزونی شغل و جذب کارمند از اقصی نقاط ایران |
| 8 | نفت هم فرصت است و هم تهدید | عوامل سیاسی |
| 9 | نفت آنقدر تاثیر گذار است که حتی می تواند کلید شناخت کشور در جهان محسوب شود |
| 10 | تاثیرمحوری نفت بر روابط بین کشور ها |
|  |

در این بخش از تحقیق پس از مصاحبه با 15 نفر مشارکت کننده در مصاحبه در جدول (4-2) 10 مفهوم استخراج شد که حاصل آن 3مضمون بود ( زمینه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی)که در زمینه اقتصادی نیز شامل ( توسعه کشتیرانی و اسکله ها به منظور صادرات و واردات و رونق اقتصادی، تحول در راه آهن ها استفاده بهینه از درآمد های نفتی جهت جلوگیری از تورم در کشور و علی الخصوص استان خوزستان) می باشد در بعد اجتماعی ( فرصت های شغلی، تبعات مثبت و منفی نفت در استان، علاوه بر فرصت شدن برای مشاغل آسیب به دیگر وجهه های اقتصادی وارد کردن، فزونی شغل و جذب کارمند از اقصی نقاط ایران) و در بعد سیاسی(نفت هم فرصت است و هم تهدید، نفت آنقدر تاثیر گذار است که حتی می تواند کلید شناخت کشور در جهان محسوب شود، تاثیرمحوری نفت بر روابط بین کشور ها ) نیز می تواند داشته باشد.

عوامل اجتماعی

فرصت های شغلی

عوامل زمینه ای

تبعات مثبت و منفی نفت

شکل (4-2) عوامل زمینه ای نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان

هم فرصت هم آسیب

استخدام منابع انسانی ارجح

جذب کارمند از اقصی نقاط و فزونی شغل و تهدید

توسعه کشتیرانی و...

عوامل اقتصادی

رشد راه آهن ها

جلوگیری از تورم در استان

عوامل سیاسی

نفت هم فرصت است و هم تهدید

کلید شناخت کشور در جهان

تاثیرمحوری نفت بر روابط بین کشور ها

جدول (4-3) عوامل مداخله گر نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| ردیف | مفاهیم استخراج شده از مصاحبه | مضامین | شرایط مداخله گر |
| 1 | سیاستگذاری در انرژی ها | سیا ستگذاری ها |
| 2 | سیاستگذاری اقتصادی |
| 3 | سهمیه ها |
| 4 | هدفمند سازی |
| 5 | تأثیر معکوس |
| 6 | آموزش | نوآوری ها |
| 7 | پژوهش |
| 8 | تشکیل پارک های علم و فناوری در حیطه نفت |

در خصوص عوامل مداخله گر دو عامل مهم در بین تمامی عوامل وجود داره که کمتر به آن پرداخته شده است که شامل سیاستگذاری ها و نوآوری هاست که در از بین 8 مفهومی که از 15 مصاحبه به عمل آمده استخراج شده حاصل می شود که این دو عامل موثر در نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان بوده چرا که در بعد سیاستگذاری ها ( سیاستگذاری در انرژی ها

سیاستگذاری اقتصادی، سهمیه ها ، هدفمند سازی ، تأثیر معکوس در نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان )نیز شامل می شود در بعد نوآوری ها در صنعت نفت شامل مواردی چون؛ ( آموزش، پژوهش، تشکیل پارک های علم و فناوری در حیطه نفت) را سبب می گردد.

شکل (4-3) شرایط مداخله گر در شناسایی نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان

شرایط مداخله گر

**سیاستگذاریها**

سهمیه ها

سیاستگذاری اقتصادی

**سیاستگذاری در انرژی ها**

هدفمند سازی ها

تأثیر معکوس

آموزش

نوآوری ها

پژوهش

پارک علم و فناوری

جد.ول(4-4) راهبرد ها در شناسایی نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| ردیف | مفاهیم استخراج شده از مصاحبه | مضامین | راهبرد ها |
| 1 | هدفمند کردن منابع انسانی | مزیت های رقابتی |
| 2 | تشکیل بخش های جدید در راستای تغییرات استانی و نیروی انسانی جدید برای عهده دار شدن مسئولیت ها |
| 3 | تعهد، مسووليت پذيري و پاسخگويي در قبال جامعه |
| 4 | پاي بندي افراد نسبت به حفظ منافع ملي، |
| 5 | فراهم آوردن شرایط جهت ترفیع و شکوفایی منابع انسانی درپالایشگاه ها |
| 6 | نیروی انسانی کارآمد | بهسازی منابع انسانی |
| 7 | انطباق با چشم اندازها |
| 8 | انطباق با استراتژی ها |

نتایج ناشی از 15 مصاحبه به عمل آمده 7 مفهوم در دو بخش بهسازی منابع انسانی و تأمین نیاز های جامعه می باشد که در نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان ، آن را با مقوله راهبردها در آموزش هماهنگ کرده و در راستای تأمین نیاز های جامعه باید به بهسازی منابع انسانی در این حیطه پرداخت و ابعاد خود را در جامعه به همین منظور رشد داده و کمی هدفمند تر با مد نظر قرار دادن نیاز جامعه به تلفیق علم و تجربه و ظرافت پرداخته است.

شکل (4-4) راهبرد ها در شناسایی نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان

راهبرد ها

**مزیت های رقابتی**

مسئولیت پذری و وجدان کاری

تشکیل بخش های جدید

**هدفمند کردن منابع**

پایبندی

نیروی کارآمد

بهسازی منابع انسانی

چشم اندازها

استراتژی ها

جد.ول(4-5) پیامدها در شناسایی نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| ردیف | مفاهیم استخراج شده از مصاحبه | مضامین | پیامد ها |
| 1 | شکوفا سازي نهاده هاي ذاتي انسان شکوفاسازي صحيح | هدایت منابع انسانی |
| 2 | در نظر گرفتن پاداش برای کارکنانی که زود تر به نتایج مورد انتظار سازمانی دست می یابند |
| 3 | مشخص بودن هدف ها و برنامه ریزی ها و نظارت بر عملکرد اعضا که به بیراهه نروند |
| 4 | هدایت کارکنان جهت پیاده سازی آموخته ها در انجام امور |
| 5 | هدایت کارکنان به سمت راستگویی در هر شرایطی |
| 6 | کمک به کارکنان در راستای شجاع شدن و پذیرش اشتباهات و جبران انها |
| 7 | هدایت کارکنان به صورت مستمر و غیر مستمر تا رسیدن به رشد و توسعه کاری |
| 8 | افزايش كنترل | ترکیب استراتژی ها |
| 9 | رشد چشمگير |
| 10 | افزایش دستمزد و حقوق |
| 11 | رفع محدودیت ها |
| 12 | رقابت های سالم |

در جدول (4-5) با هدایت منابع انسانی و ترکیب استراتژی ها مواجه شدیم که در بعد هدایت ( شکوفا سازی نهادهای ذاتی، تا هدایت مستمر و غیر مستمر) را در بر گرفته است و در بعد ترکیب استراتژی ها ( از افزایش کنترل تا رقابت های سالم ) را به خود اختصاص داده است که معرف شناسایی نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان بر اساس مصاحبات حاصل شده می باشد که 12 مفهوم را به خود اختصاص داد.

**شکوفایی نهاد های ذاتی**

شکل (4-5) پیامدها در شناسایی نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان

پیامد ها

در نظر گرفتن پاداش

**هدایت منابع انسانی**

نظارت بر عملکرد اعضا

پیاده سازی آموخته ها در انجام امور

هدایت به سمت راستگویی

هدایت در راستای پذیرش اشتباهات

هدایت مستمر و غیر مستمر

افزایش کنترل

رشد چشمگیر

ترکیب استراتژی

افزایش دستمزد

رفع محدودیت ها

رقابت سالم

**4-3. ارائه مدل استفهامی تحقیق**

تحولات سیاسی

درآند زدایی

شاخص نابرابری

توسعه

عوامل سیاسی

ترکیب استراتژی

عوامل زمینه ای

شرایط علی

عوامل اقتصادی

هدایت منابع انسانی

پیامدها

عوامل اجتماعی

**نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان**

شرایط مداخله گر

راهبردها

نوآوری

مزیت های رقابتی

سیاستگذاری

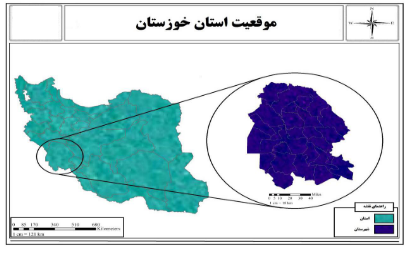
بهسازی منابع انسانی

- بخش کمی

4-1- یافته‌های توصیفی

4-1-1- موقعیت جغرافیایی

استان خوزستان با مساحتی حدود ۶۳۶۳۳ کیلومتر مربع و سهم مساحتی حدود 9/3 درصد از مساحت کل کشور است. که بین ۲۹ درجه و ۵۷ دقیقه تا ۳۳ درجه عرض شمالی از خط استوا و ۴۷ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۳ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ در جنوب غربی کشور ایران واقع شده است. استان خوزستان از شمال با استان لرستان، از شمال غربی با استان ایلام، از مشرق با استان‌های چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد، از جنوب شرقی با استان بوشهر، از مغرب با کشور عراق و از جنوب با خلیج فارس هم مرز است.



تلخیص نگارنده

نقشه ۴-۱- موقعیت استان خوزستان

از سال ۱۳۵۵ تا سال -1395 در ایران، تغییرات تقسیمات کشوری خوزستان در جهت افزایش واحدهای تقسیمات کشوری بوده که این تغییرات از ۱۱ شهرستان در سال ۱۳۵۵ به ۲۷ شهرستان در سال 1395 افزایش یافته است.

4-1-1-1- توپوگرافی

بر اساس آماری که معاونت آبخیزداری وزارت جهاد کشاورزی ارائه نموده، حدود ۸۵ درصد از وسعت استان دارای اقلیم فراخشک، خشک و نیمه خشک است. از ویژگی‌های مناطق خشک، بالا بودن درجه حرارت، بالا بودن میزان تبخیر سطحی، پایین بودن میزان نزولات جوی و شوری خاک است. به دلیل کمی‌بارندگی، پوشش گیاهی در این مناطق، فقیر و پراکنده است. در استان خوزستان، نزدیک به ۷ ماه از سال (از نیمه فروردین تا نیمه آبان) متوسط درجه حرارت هوا، ۳۰ درجه سانتی گراد یا بیشتر است و حداکثر آن در فصل تابستان به بالای ۵۰ درجه سانتی گراد می‌رسد. افزایش دما و رطوبت هوا که اصطلاح شرجی گفته می‌شود، سبب گرمای آزاردهنده می‌شود. این پدیده باعث اختلال در تعرق، فشار زیاد به دستگاه تنفسی، گرمازدگی و تأثیر منفی شدید روی اعصاب و روان افراد می‌گردد. گرمای زیاد و شرجی، همچنین سبب افزایش نیاز به وسایل خنک کننده، افزایش مصرف برق و افزایش هزینه های زندگی از یک طرف و کاهش بازدهی کارکنان در محل کار از طرف دیگر می‌شود که می‌توان گفت وضعیت آب و هوایی استان یکی از مهم ترین علل مهاجرت از استان خوزستان به استان‌هایی که وضعیت جوی مساعدتری دارند، شده است.

مساحت مراتع استان، بیش از 5/2 میلیون هکتار است که حدود ۲۳ درصد آن خوب بقیه در گروه مراتع متوسط و فقیر قرار می‌گیرند. وسعت بیابان‌های استان خوزستان، حدود 3/1 میلیون هکتار (معادل 2/20 درصد مساحت استان) است که در اقلیم فراخشک و خشک استان (جنوب و جنوب غربی استان) قرار دارند.

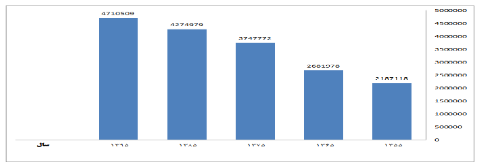
4-1-2- اجتماعی

4-1-2-1- تعداد جمعیت

جدول ۴-1- تعداد جمعیت استان خوزستان بین سال ۱۳۵۵-۱۳۹5/

|  |  |
| --- | --- |
| سال | جمعیت کل استان |
| 1355 | 2187118 |
| 1365 | 2681978 |
| 1375 | 3747772 |
| 1385 | 4274979 |
| 1395 | ۴٬۷۱۰٬۵۰9 |

مأخذ: داده‌های سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن



نمودار ۴-۱- توزیع فراوانی تعداد جمعیت استان خوزستان بین سال‌های ۱۳۵۵-۱۳95

جدول ۴-1- نشان می‌دهد که جمعیت استان خوزستان از ۲۱۸۷۱۱۸ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۴۷۱۰۵۰ نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است. که حدود ۶ درصد از جمعیت کل کشور است.

4-1-2-2- نسبت جنسی

جدول ۴-2- نسبت جنسی جمعیت استان خوزستان به تفکیک شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| سال سرشماری | 1355 | 1365 | 1375 | 1385 | 1395 |
| کل جمعیت | 107 | 105 | 104 | 105 | 102 |
| جمعیت شهری | 108 | 105 | 103 | 104 | 102 |
| جمعیت روستایی | 105 | 104 | 105 | 105 | 105 |

مأخذ: داده‌های سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، محاسبات نگارنده

نسبت جنسی جمعیت استان خوزستان (تعداد مردان به ازای ۱۰۰ نفر از زنان)، به هنگام سرشماری‌ها از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ در حد طبیعی قرار داشته و بین ۱۰۷ در سال ۱۳۵۵ و ۱۰۲ در سال ۱۳۹۵ نوسان داشته است و تغییرات آن در نقاط شهری و روستایی استان هم چندان به دور از اندازه طبیعی نبوده است.

4-1-2-3- میانه سنی

جدول ۴-3- میانه سنی جمعیت استان خوزستان، به تفکیک جنس و شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|  | کل استان | | | نقاط شهری | | نقاط روستایی | |
| مرد و زن | مرد | زن | مرد | زن | مرد | زن |
| 1355 | 8/16 | 6/16 | 1/17 | 4/17 | 6/17 | 2/15 | 3/16 |
| 1365 | 3/15 | 4/15 | 4/15 | 5/16 | 2/16 | 2/13 | 2/14 |
| 1375 | 4/17 | 4/17 | 5/17 | 8/18 | 4/18 | 6/16 | 5/16 |
| 1385 | 6/22 | 6/22 | 6/22 | 5/23 | 4/23 | 7/20 | 9/20 |
| 1395 | 25 | 23 | 25 | 27 | 25 | 20 | 20 |

مأخذ: داده های سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن، محاسبات نگارنده

بر پایه جدول ۴-3- میانه سنی جمعیت استان و نقاط شهری و روستایی از سال ۱۳۵۵ همواره رو به افزایش بوده و شدت افزایش آن به دوره ده ساله ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ مربوط است که طی آن، بیشترین کاهش در سطح باروری زنان حاصل آمده است. در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ افزایش سطح باروری زنان عامل مهمی‌در کاهش میانه سنی جمعیت این استان بوده است.

4-1-2-4- تفکیک گروه‌های سنی

جدول ۴-4- جمعیت استان به تفکیک گروه‌های سنی در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۵

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| عنوان | 1385 | 1390 | 1395 |
| کمتر از 15 سال | 1290189 | 1332936 | 1535832 |
| 15-64 سال | 2650385 | 2923724 | 3079285 |
| 65 ساله و بیشتر | 316937 | 408020 | 492085 |

مأخذ: داده های سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، محاسبات نگارنده

جدول ۴-5- پیش بینی جمعیت استان به تفکیک گروه‌های سنی در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۵

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| عنوان | 1400 | 1450 |
| کمتر از 15 ساله | 1723088 | 1717035 |
| 15-64 ساله | 3191104 | 3404714 |
| 65 ساله و بیشتر | 601099 | 729602 |

تلخيص نگارنده

طبق جدول ۴-5- جمعیت فعال استان (۱۵- ۶۴ سال) از ۲۶۵۰۳۸۵ نفر در سال ۱۳۸۵ به ۳۰۷۹۲۸۵ نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است که ۴۲۸۹۰۰ نفر افزایش یافته است و در جدول ۴-۸- پیش بینی تعداد جمعیت فعال ۳۴۰۴۷۱۴ نفر در سال ۱۴۰۵ که ۳۲۵۴۲۹ نفر به جمعیت فعال استان اضافه خواهند شد.

جدول ۴-6- درصد جمعیت استان به تفکیک گروه‌های سنی در سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۹۵

| عنوان | 1370 | 1375 | 1385 | 1390 | 1395 |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| کمتر از 15 ساله | 29/48 | 2/42 | 9/27 | 4/26 | 3/24 |
| 15-64 ساله | 05/49 | 47/52 | 4/68 | 45/69 | 3/70 |
| 65 ساله و بیشتر | 57/2 | 34/3 | 7/3 | 6/4 | 7/5 |

مأخذ: داده های سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، محاسبات نگارنده

همان گونه که از جدول ۴-6- ملاحظه می‌شود جمعیت فعال گروه سنی (۱۵ تا ۶۴ ساله) در دوره ۱۳۷۰ از

05/49 درصد به 3/70 درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است.

4-1-2-5- میانگین سنی

جدول ۴-7- میانگین سنی جمعیت استان خوزستان به تفکیک جنس در سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| سال | کل استان | | |
| مرد و زن | مرد | زن |
| 1355 | 6/21 | 7/21 | 5/21 |
| 1365 | 3/20 | 3/20 | 2/20 |
| 1375 | 9/21 | 1/22 | 8/21 |
| 1385 | 8/25 | 8/25 | 7/25 |
| 1395 | 9/27 | 3/27 | 2/26 |

تلخيص نگارنده

همان گونه که از جدول ۴-7- ملاحظه می‌شود، متوسط سن جمعیت استان در سال ۱۳۵۵ نسبت به سال ۱۳۶۵ کاهش داشته است که بیانگر جوان تر شدن جمعیت در آن دوره است ولی پس از اعمال سیاست‌های کنترل جمعیت و کاهش موالید، متوسط سن جمعیت استان با افزایش قابل توجه از 9/21 سال در سال ۱۳۷۵ به 9/27 سال در سال ۱۳۹۵ رسید که نمایانگر موفقیت نسبی سیاست‌های کنترل جمعیت است؛ و هم چنین بالا رفتن میانگین سن جامعه و افزایش نیروی فعال کار است.

4-1-2-6- نرخ رشد جمعیت

جدول ۴-8- نرخ رشد جمعیت استان خوزستان و نقاط شهری و روستایی (ارقام به درصد) در سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| فاصله زمانی | کل | شهری | روستایی |
| 1355-1365 | 04/2 | 53/1 | 42/2 |
| 1365-1375 | 34/3 | 56/4 | 64/1 |
| 1375-1385 | 33/1 | 04/2 | 12/0 |
| 1385-1395 | 18/1 | 99/1 | 0/11 |

تلخيص نگارنده

با توجه به جدول ۴-8- میزان نرخ رشد جمعیت استان خوزستان و جمعیت‌های شهری و روستایی آن در فاصله سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵ نشان از کاهش نرخ رشد جمعیت استان دارد به طوری که با نرخ رشد جمعیت ۳۰۳۴ در سال ۱۳۶۵ - ۱۳۷۵ به 18/1 درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ بازگشت مهاجران (بعد از جنگ) و سیاست‌های افزایش جمعیت میزان رشد جمعیت را از سطح طبیعی آن بالاتر برده است.

4-1-2-7- بعد خانوار

جدول ۴-9- بعد خانوار جمعیت استان برحسب شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۵۵ - ۱۳۹۵

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| عنوان | 1355 | 1365 | 1375 | 1385 | 1395 |
| کل استان | 8/5 | 6 | 8/5 | 9/4 | 3/4 |
| شهری | 7/5 | 7/5 | 5/5 | 7/4 | 2/4 |
| روستایی | 9/5 | 3/6 | 4/6 | 4/6 | 9/4 |

تلخيص نگارنده

با توجه به جدول ۴-9- تعداد بعد خانوار در کل استان و نقاط شهری و روستایی، در سطح کل استان از ۵۰۸ نفر در سال ۱۳۵۵ به 3/4 درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است؛ که نشان از تعداد کاهش میزان زاد ولد و تعداد اعضای خانواده است.

4-1-2-8- امید به زندگی

جدول ۴-۱0- امید به زندگی جمعیت‌های شهری و روستایی استان خوزستان به تفکیک جنس

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| دوره زمانی | سال | |
| 1385 تا 1390 | 1390 تا 1395 |
| جمعیت شهری | | |
| مرد | 86/69 | 08/71 |
| زن | 48/72 | 71/73 |
| جمعیت روستایی | | |
| مرد | 46/67 | 68/68 |
| زن | 51/68 | 73/69 |

تلخيص نگارنده

جدول ۴-11- پیش بینی امید به زندگی

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| دوره زمانی | سال | |
| 1395 تا 1400 | 1400 تا 1405 |
| جمعیت شهری | | |
| مرد | 33/72 | 61/73 |
| زن | 96/74 | 23/76 |
| جمعیت روستایی | | |
| مرد | 93/69 | 21/71 |
| زن | 98/70 | 26/72 |

تلخيص نگارنده

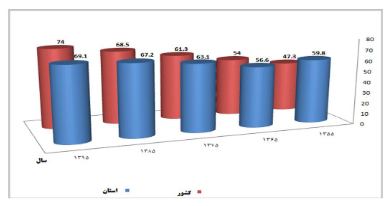
با توجه به جداول ۴-10- و ۴-11- میانگین میزان امید به زندگی در بین سال‌های ۱۳۸۵- ۱۳۹۵ بین جمعیت شهری 39/72 درصد و جمعیت روستایی برابر است با 25/69 درصد است و هم چنین میانگین پیش‌بینی امید به زندگی استان در بین سال‌های ۱۴۰۰ - ۱۴۰۵ در جمعیت شهری 92/74 درصد و جمعیت روستایی 74/71 درصد است.

4-1-2-9- نسبت شهرنشینی

جدول ۴-12- نسبت شهرنشینی جمعیت استان خوزستان در مقایسه با کشور در بین سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| سال | استان | کشور |
| 1355 | 8/59 | 3/47 |
| 1365 | 6/56 | 54 |
| 1375 | 1/63 | 3/61 |
| 1385 | 2/76 | 5/68 |
| 1395 | 1/69 | 74 |

تلخيص نگارنده



نمودار ۴-۲- درصد جمعیت شهرنشینی استان با کل کشور

با توجه به جدول ۴-12- تفاوت نسبت شهرنشینی استان خوزستان و کشور در آغاز این دوره ۴۰ ساله زیاد (3/9 درصدی) بوده و به تدریج کاسته شده است. این کاهش بیش هر چیز ناشی از تبعات جنگ تحمیلی بوده به طوری که تفاوت آن دو در سال ۱۳۶۵ که تعدادی از شهرهای استان به ویژه در شهر پرجمعیت آن یعنی آبادان و خرمشهر از سکنه خالی شده بود به 3/2 درصدی تقلیل یافته و در سال ۱۳۷۵ به 8/1 درصدی رسیده و در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ در سطح پایین تری نسبت به سطح کل کشور قرار گرفته است.

4-1-2-10- مهاجرت

جدول ۴-13- مهاجران وارد شده و خارج شده استان خوزستان برحسب جنس و به تفکیک شهری و روستایی

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| عنوان | مهاجران وارد شده | | | مهاجران خارج شده | | |
| جمع | مرد | زن | جمع | مرد | زن |
| استان | 588544 | 328159 | 260387 | 690252 | 389715 | 300538 |
| شهری | 433224 | 237205 | 196019 | 521139 | 284485 | 236654 |
| روستایی | 155320 | 90954 | 64367 | 169113 | 105203 | 63883 |

تلخيص نگارنده

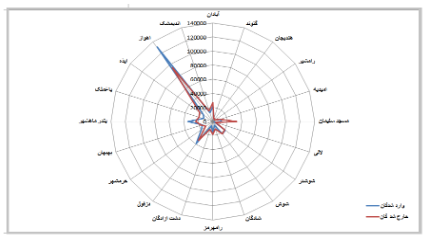
با توجه به جدول ۴-13- به فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ استان خوزستان با مهاجر فرستی شدیدی مواجه شده است در این دوره ۵۸۸۵۴۴ نفر به عنوان مهاجران واردشده و ۶۹۰۲۵۲ نفر به عنوان مهاجران خارج شده استان سرشماری شده‎اند. موازنه مهاجرتی این دوره بر حسب جنس و به تفکیک شهری و روستایی به شرح جدول ۴-13 که موازنه منفی ۱۰۱۷۰۸ نفر را برای استان، ۸۷۹۱۵ نفر را برای نقاط شهری و ۱۳۷۹۳ نفری را برای نقاط روستایی استان به تصویر می‌کشد. موازنه منفی مهاجرتی استان به ۱۰۸۲۲۱ نفر بالغ می‌گردید که معادل یک پنجم افزایش جمعیت استان در دوره ده ساله است.

4-1-2-11- مهاجرت‌های درونی استانی

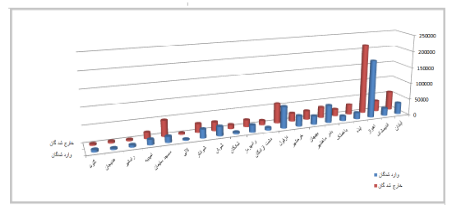
جدول ۴-14- موازنه مهاجرتی شهرهای استان خوزستان

| نام شهرستان | بین شهرستان‌های استان | | | در بین کل مهاجرت‌های داخلی کشور | | |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| واردشدگان | خارج‌شدگان | موازنه | واردشدگان | خارج‌شدگان | موازنه |
| آبادان | 21221 | 26567 | 5346- | 36055 | 57633 | 21578- |
| اندیمشک | 12853 | 15909 | 3056- | 22727 | 33775 | 11048- |
| اهواز | 130591 | 94610 | 35981 | 177279 | 215767 | 38488- |
| ایذه | 15892 | 22277 | 6385- | 19391 | 31051 | 11660- |
| باغملک | 13271 | 20105 | 6834- | 14425 | 20817 | 6392- |
| بندرماهشهر | 34271 | 23687 | 10584 | 52387 | 32284 | 20103 |
| بهبهان | 14854 | 16748 | 1894- | 25560 | 26436 | -87 |
| خرمشهر | 19472 | 11775 | 7697 | 31793 | 24481 | 7312 |
| دزفول | 39090 | 33535 | 5555 | 64638 | 59979 | 46659 |
| دشت‌آزادگان | 6124 | 11982 | 5840- | 7955 | 13110 | 5155- |
| رامهرمز | 18494 | 18608 | 114- | 21393 | 20607 | 786 |
| شادگان | 5967 | 11139 | 5172- | 6387 | 12033 | 5646- |
| شوش | 22073 | 22412 | 339- | 28849 | 25774 | 3075 |
| شوشتر | 21197 | 20379 | 818- | 27065 | 26606 | 459 |
| لالی | 2366 | 4034 | 1668- | 3100 | 4902 | 1802- |
| مسجدسلیمان | 11720 | 32525 | 20850- | 17436 | 47932 | 30496- |
| امیدیه | 10892 | 9893 | 999 | 15275 | 18957 | 3682- |
| رامشیر | 3319 | 3489 | 170- | 6374 | 3786 | 2588 |
| هندیجان | 2915 | 4281 | 1366- | 3859 | 5082 | 1223- |
| گتوند | 4887 | 4084 | 803 | 6596 | 4238 | 2358 |
| جمع | 411487 | 408039 | 3448 | 588544 | 685250 | 96706- |

مأخذ: داده‌های سرشماری، استان خوزستان



نمودار 4-3- موازنه مهاجرتی شهرستان‌های استان



نمودار 4-4- موازنه مهاجرتی شهرستان‌های استان با ذر بین کل مهاجرت‌های داخلی

تلخيص نگارنده

با توجه به نتایج فوق شهرهای اهواز، مسجدسلیمان، آبادان، ایذه، اندیمشک، باغملک، شادگان، دشت آزادگان، امیدیه، لالی و بهبهان به ترتیب از ۳۸۴۸۸ نفر تا ۸۷۶ نفر موازنه منفی مهاجرتی داشته و در مقابل شهرستان‌های خرمشهر، دزفول، رامشیر، گتوند، هندیجان، رامهرمز، شوشتر و بهبهان بین ۷۳۱۲ تا ۴۵۹ نفر موازنه مثبت مهاجرتی داشته اند. در این بین تغییر وضع شهرستان اهواز از ۳۵۹۸۱ نفر موازنه مثبت مهاجرتی به ۳۸۴۸۸ نفر موازنه منفی مهاجرتی بیش از همه چشمگیر است و نشان بارزی از مهاجر فرستی استان خوزستان در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ را دارد.

4-1-2-11-1- دلایل مهاجرت‌ها

داده‌های منتشر شده از سرشماری، تفکیکی بین علت مهاجرت مهاجران درون استانی با مهاجران برون استانی داده نشده است. دلایل ده‌گانه‌ای برای مهاجرت مطرح شده که می‌توان آنها را در پنج گروه عمده جای داد.

جدول ۴-14- دلایل مهاجران وارد شده به نقاط شهری و روستایی استان خوزستان

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| دلایل مهاجرت | کل مهاجرت | وارد شده به | وارد شده به آبادی |
| کار، کار بهتر و انتقال | 6/18 | 5/19 | 8/15 |
| تحصیل پایان آن | 8/8 | 8/10 | 3/3 |
| خدمت نظام و پایان | 4/11 | 9/8 | 3/18 |
| مهاجران تبعی | 46 | 8/45 | 3/46 |
| سایر و اظهار نشده | 3/15 | 15 | 3/16 |
| جمع | 100 | 100 | 100 |

مأخذ: جدول داده های سرشماری ۱۳۹۵ از نتایج تفصیلی استان خوزستان

با توجه به جدول ۴-14 که اگر بخواهیم برای هر یک از دلایل اصلی مهاجرت شهرستان‌های استان را با اولویت تعیین کنیم، شامل:

* بیشترین مهاجران واردشده به دلیل جستجوی کار
* بیشترین مهاجران واردشده به دلیل یافتن کار بهتر
* بیشترین مهاجران واردشده به دلیل انتقال شغلی
* بیشترین مهاجران وارد شده به دلیل تحصیل و پایان آن
* بیشترین مهاجران واردشده به دلیل خدمت نظام و پایان آن
* و سرانجام، بیشترین مهاجران تبعی

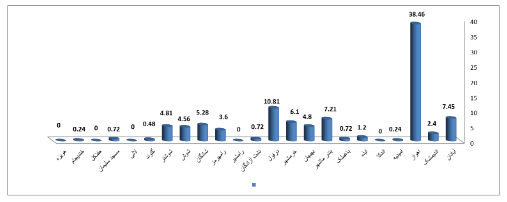
استان‌های آذربایجان شرقی، کرمانشاه و خوزستان به ترتیب مهاجر فرست ترین استان‌های کشور و بعد از آن همدان، سیستان و بلوچستان، لرستان، کردستان و اردبیل قرار دارند.

به این ترتیب استان خوزستان در رتبه سوم مهاجر فرستی هم چنین استان‌های تهران، اصفهان، یزد، مازندران و خراسان رضوی به ترتیب مهاجرپذیرترین استانهای کشور می‌باشند. با در نظر گرفتن نسبت جمعیت، استان خوزستان در ردیف نوزدهم کشور از نظر مهاجر فرستی و ردیف بیست و هفتم مهاجرپذیری کشور قرار دارد.

۴-2- اقتصادی

برای شناخت توزیع جغرافیایی فعالیتهای صنعتی استان، سه شاخص تعداد کارگاه، شاغلین و ارزش افزوده کارگاه های بزرگ صنعتی یعنی کارگاه‌هایی که ۱۰ کارکن و بیشتر دارند و عموما بیش از ۸۰ درصد ارزش افزوده کل کارگاه های صنعتی در آن تولید می‌شود، مبنای بررسی قرار گرفته است.

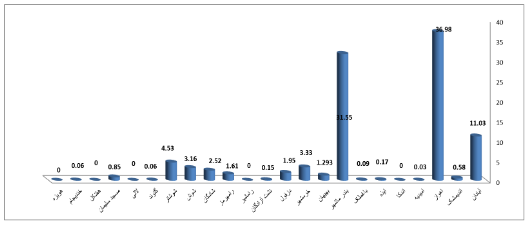
4-2-1- تعداد کارگاه‌های



نمودار ۴-5- توزیع تعداد کارگاه‌های بزرگ صنعتی استان خوزستان ۱۳۹۲

با توجه به نمودار ۴-5 بیشترین تعداد کارگاه بزرگ صنعتی به ترتیب در شهرهای اهواز (5/38) درصد، دزفول (8/10 درصد)، آبادان (4/7 درصد)، بندر ماهشهر (2/7 درصد) و شادگان با (3/5 درصد) در مراتب بعدی قرار می‌گیرند. این پنج شهر که مجموعا بیش از ۶۹ درصد کل تعداد کارگاه‌ها را در خود جای داده‌اند.

4-2-2- توزيع شاغلين



نمودار ۴-6- توزیع تعداد شاغلین کارگاه‌های بزرگ صنعتی استان خوزستان ۱۳۹۲

با توجه به نمودار ۴-6 توزيع شاغلین صنعتی در سطح شهر اهواز با 9/36 درصد، بندر ماهشهر با استقرار صنایع پتروشیمی‌در خود با بیش از ۳۱ درصد سهم شاغلین صنعتی استان در رتبه دوم قرار می‌گیرد. شهر آبادان نیز با ۱۱ درصد شاغلین در رتبه سوم واقع شده است به عبارت دیگر سه شهر اهواز، ماهشهر و آبادان مجموع بیش از 7/87 درصد کل شاغلین استان یعنی نزدیک به چهار پنجم کل شاغلین را در خود جای داده‌اند. شهر شوشتر نیز با 5/4 درصد در رتبه بعدی قرار دارد.

۴-2-3- شهرک‌های صنعتی

دیگر محدوده های انسان ساخت در سطح استان که اکنون تعداد و وسعت فعالیت آنها از اهمیت ویژه برخوردار شده، شهرکها و نواحی صنعتی است. شهرک صنعتی شهرکی است دارای محدوده و مساحت معین، برای استقرار مجموعه ای از واحدهای صنعتی و پژوهشی و فناوری و خدمات پشتیبانی از قبیل طراحی مهندسی، آموزشی، اطلاع رسانی، مشاوره های بازرگانی که تمام یا پاره ای از امکانات زیربنایی و خدمات ضروری با توجه به نوع و وسعت شهرک و ترکیب فعالیت ها در آن ایجاد می‌شود بر پایه تقسیم بندی مناطق شش‌گانه صنعتی در استان خوزستان شهرک‌ها و نواحی صنعتی مناطق شش‌گانه استان خوزستان و مزیت‌های هر منطقه با استناد به مطالعات اداره کل صنایع و معادن استان به شرح زیر است:

**منطقه یک**

بخش جنوب غربی شامل شهرهای آبادان - خرمشهر - شادگان، با داشتن امکانات و مزیت‌های زیر:

* بنادر بزرگ و اسکله های بارگیری و گمرکی با بندر
* اتصال به شبکه راه آهن سراسری (خرمشهر)، فرودگاه بین المللی آبادان
* آبراه بزرگ اروند (خرمشهر) و کارون و بهمن‌شیر
* همجواری با کشور عراق و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس
* منطقه آزاد اروند
* پالایشگاه و پتروشیمی آبادان
* نزدیکی به مجتمع های کشت و صنعت نیشکر
* بازارچه های مرزی خرمشهر و آبادان
* وجود مراکز آموزش عالی

**منطقه دو**

بخش جنوب شرقی شامل شهرهای ماهشهر، هندیجان، امیدیه و آغاجاری

* طرح های پتروشیمی‌بزرگ موجود بندر امام
* منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی - بندر و گمرک بزرگ امام خمینی
* دسترسی آسان به مرکز استان و شهرهای آبادان و هندیجان و اتصال به راه آهن سراسری
* امکان دسترسی به کشورهای عربی از طریق خلیج فارس
* وجود مراکز آموزش عالی

**منطقه سه**

بخش مرکزی شامل شهرهای اهواز، سوسنگرد و هویزه

* فاصله کوتاه تا مرکز استان
* وجود هورالعظیم (شهرهای سوسنگرد) جهت تأمین آب موردنیاز جهت کشاورزی
* همسایگی با کشور عراق (راه زمینی) و احداث بازارچه مرزی چزابه
* راه آهن سراسری و جاده ترانزیت تهران – اهواز
* وضعیت مطلوب کشاورزی و وجود نخیلات
* وجود کارخانجات توسعه نیشکر و صنایع جانبی
* وجود صنایع بزرگ و مادر در بخش فولادسازی و نورد
* فرودگاه بین المللی اهواز

**منطقه چهار**

بخش شمالی شامل شهرهای دزفول، اندیمشک، شوش، شوشتر و گتوند

* آب فراوان و شیرین (دز در شهرهای دزفول، شطیط و گرگر در شهرستان شوشتر و سد گتوند)
* اراضی مساعد و کشاورزی در همه منطقه و باغات مرکبات در دزفول
* وضعیت مناسب دام و طیور و پرورش ماهی
* ذخایر معدنی (گچ، خاک رس، ماسه و نمک در شهرهای دزفول و اندیمشک)
* آب وهوای مناسب در استان خوزستان
* راه آهن سراسری (شهرهای اندیمشک و شوش)

**منطقه پنج**

منطقه بخش شرقی شامل ایذه، باغملک، رامهرمز، بهبهان، رامشیر و هفتگل

* اقلیم مناسب در استان خوزستان
* اراضی مستعد کشاورزی، جنگلها و مراتع و بیشه
* ذخایر معدنی
* تالاب میانگیران و بندری (شهر ایذه)
* وجود حوزه های نفت و گاز (شهرهای رامهرمز و رامشير)
* در مسیر جاده اصلی ارتباطی استان خوزستان
* چهارمحال بختیاری و اصفهان
* همجواری با استان‌های چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد

**منطقه شش**

بخش شمال شرقی شامل شهرهای مسجدسلیمان، لالی و اندیکا

* وجود آب فراوان (آب شیرین کارون و آب شور تمبی و تلوک، سد شهید عباسپور و سد گدار)
* اراضی مستعد کشاورزی، جنگل و بیشه
* ذخایر معدنی
* مراکز آموزش عالی
* صنایع و تأسیسات نفت و گاز
* صنایع و تأسیسات نظامی
* در دست احداث بودن جاده مسجدسلیمان – اصفهان

جدول 4-15- شاخص‌های کلیدی بازار کار استان خوزستان در سال 1395

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| عنوان | جمعیت 10 ساله و بیشتر | جمعیت فعال | | | غیر فعال | نرخ مشارکت غیراقتصادی | نرخ اشتغال | نرخ بیکاری | نسبت اشتغال |
| کل | شاغل | بیکار |
| استان | 3950004 | 1480300 | 1318922 | 161378 | 2469703 | 5/37 | 1/89 | 9/10 | 4/33 |
| کشور | 64692469 | 2401177 | 21972084 | 2729092 | 39991292 | 2/38 | 89 | 11 | 34 |

مأخذ: نتایج آمارگیری نیروی کار سال‌های 1395

در سال 1395 نرخ مشارکت اقتصادی جمعیت 10 سال به بالا و بیشتر 5/37 بوده است. نرخ اشتغال در استان در سال 1395 حدودا 89 درصد بوده که با میانگین کشوری برابر می‌باشد. هم‌چنین نرخ بیکاری در استان در سال 1395 برابر 9/10 است که با میانگین کشور برابر است.

4-2-3-1- سکونتگاه‌ها برحسب کارکردهای اقتصادی، اجتماعی

برای تعیین نقش کارکردی شهرها، مدل بوژوگارنیه به شش بخش یعنی کشاورزی، بازرگانی، خدماتی صنعتی، صنعتی شدید و چند نقشی تقسیم شده است. به منظور تعیین کارکرد شهرهای استان خوزستان، آمار شاغلین نقاط شهری شهرستان‌های استان در جدول‌های نمایان شده‎اند.

جدول ۴-16- تعداد شاغلین نقاط شهری شهرهای استان به تفکیک بخش‌های سه گانه در سال 1395

| ردیف شهر | شهرستان | جمع | کشاورزی | صنعت | خدمات |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| 1 | آبادان | 074/53 | 328/3 | 366/17 | 389/32 |
| 2 | امیدیه | 531/14 | 119 | 392/95 | 343/6 |
| 3 | اندیمشک | 189/26 | 715/1 | 085/8 | 389/16 |
| 4 | اهواز | 434/262 | 801/4 | 392/95 | 241/162 |
| 5 | ایذه | 899/20 | 283 | 917/7 | 699/12 |
| 6 | باغملک | 394/7 | 722 | 864/1 | 808/4 |
| 7 | بندر ماهشهر | 856/52 | 856 | 346/22 | 656/29 |
| 8 | بهبهان | 009/31 | 516/1 | 567/9 | 926/19 |
| 9 | خرمشهر | 555/31 | 448 | 540/9 | 567/20 |
| 10 | دزفول | 294/72 | 636/5 | 047/20 | 611/46 |
| 11 | دشت آزادگان | 202/11 | 509/1 | 018/2 | 675/7 |
| 12 | رامشیر | 440/5 | 373 | 570/1 | 497/3 |
| 13 | رامهرمز | 656/15 | 578 | 868/4 | 210/1 |
| 14 | شادگان | 072/9 | 283 | 663/2 | 126/6 |
| 15 | شوش | 740/14 | 625/1 | 225/4 | 89/8 |
| 16 | شوشتر | 411/23 | 002/1 | 641/8 | 768/13 |
| 17 | گتوند | 185/5 | 417 | 974/1 | 794/2 |
| 18 | لالی | 024/4 | 92 | 724/1 | 208/2 |
| 19 | مسجد سلیمان | 099/23 | 470 | 536/7 | 093/15 |
| 20 | هندیجان | 066/7 | 017/3 | 020/1 | 029/3 |
| استان | | 130/690 | 780/28 | 427/236 | 914/424 |

مأخذ: نشریه نتایج تفضیلی سرشماری نفوس و مسکن استان خوزستان 1395

جدول ۴-17 سهم اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی و سهم اشتغال به تفکیک خصوصی عمومی‌در سال 1395

| ردیف شهر | شهرستان | کشاورزی | صنعت | خدمات |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| 1 | آبادان | 3/6 | 7/32 | 61 |
| 2 | امیدیه | 8/0 | 5/55 | 7/43 |
| 3 | اندیمشک | 5/6 | 9/30 | 6/62 |
| 4 | اهواز | 8/1 | 3/36 | 8/61 |
| 5 | ایذه | 4/1 | 9/37 | 8/60 |
| 6 | باغملک | 8/9 | 2/25 | 3/42 |
| 7 | بندرماهشهر | 6/1 | 3/42 | 1/56 |
| 8 | بهبهان | 9/4 | 9/30 | 3/64 |
| 9 | خرمشهر | 5/1 | 2/31 | 3/67 |
| 10 | دزفول | 8/7 | 7/27 | 5/64 |
| 11 | دشت آزادگان | 5/13 | 18 | 5/68 |
| 12 | رامشیر | 9/6 | 9/28 | 3/64 |
| 13 | رامهرمز | 7/3 | 1/31 | 2/65 |
| 14 | شادگان | 1/3 | 4/29 | 5/67 |
| 15 | شوش | 11 | 7/28 | 3/60 |
| 16 | شوشتر | 3/4 | 9/36 | 8/58 |
| 17 | گتوند | 8 | 1/38 | 9/53 |
| 18 | لالی | 3/2 | 8/42 | 9/54 |
| 19 | مسجد سلیمان | 2 | 6/32 | 4/65 |
| 20 | هندیجان | 7/42 | 4/14 | 9/42 |
| استان | | 100 | 100 | 100 |

مأخذ: سرشماری نفوس و مسکن 1395، مرکز آمار ایران

جدول 4-18- سهم اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی و سهم اشتغال به تفکیک خصوصی – عمومی‌در سال 1395

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| سهم اشتغال | سهم اشتغال در هر بخش | | | سهم اشتغال در هر بخش | |
| کشاورزی | صنعت | خدمات | خصوصی | عمومی |
| کشور | 18 | 5/32 | 4/49 | 3/83 | 7/16 |
| مرد | 1/17 | 2/34 | 7/48 | 1/85 | 9/14 |
| زن | 8/22 | 8/23 | 4/53 | 2/74 | 8/25 |
| استان | 5/17 | 2/31 | 4/51 | 3/82 | 7/17 |
| مرد | 9/14 | 9/33 | 2/51 | 6/83 | 4/16 |
| زن | 8/32 | 7/14 | 5/52 | 6/74 | 4/25 |

ماخذ: نتایج آمارگیری نیروی کار سال ۱۳۹۵

با توجه به جدول فوق توزيع شاغلین سه گانه نقاط شهری استان نشان می‌دهد که پنج شهر در بخش بازرگانی، ۱۴ شهر در بخش خدماتی و یک شهر یعنی هندیجان نیز در بخش چند نقشی قرار می‌گیرد به جز یک شهر یعنی امیدیه که با نزدیک شدن به بخش صنعتی در مدل تا حدودی به نقش صنعتی نزدیک می‌شود، هیچ نقطه شهری در درون شهرها در بخش صنعتی و صنعتی شدید قرار نمی‌گیرد. شهرهایی که کارکرد آنها در بخش خدماتی مدل قرار گرفته‌اند شامل امیدیه، بندر ماهشهر، شوشتر، گتوند و لالی می‌باشند. بقیه شهرهای استان در بخش خدماتی تعیین کارکرد شده‌اند.

با توجه به جداول چنانکه پیداست سهم شاغلین بخش خدمات نسبت به دو بخش کشاورزی و صنعت بسیار بالاتر است. از این رو می‌توان گفت که در درجه نخست شهرهای استان به مانند بسیاری از شهرهای ایران و جهان کار کرد خدماتی دارند؛ اما در همین جدول سهم بخش خدمات در تمام شهرها یکسان نیست. به عنوان مثال در شهر امیدیه که اساسا در ارتباط با استخراج صنعت نفت و گاز به وجود آمده و رشد کرده است، سهم شاغلين بخش صنعت ساکنان حتی از سهم بخش خدمات نیز بالاتر است. در نقاط شهری بندر ماهشهر نیز اگرچه سهم بخش صنعت کمتر از بخش خدمات است لیکن این بخش با بیش از ۴۲ درصد، سهم بزرگی از فعالیت را در نقاط شهری این شهرستان تشکیل می‌دهد . در شهر لالی نیز که در ارتباط با توسعه صنایع نفت و گاز به وجود آمده، سهم بخش صنعت بیش از ۴۲ درصد شاغلین را به خود اختصاص داده است. در هندیجان با توجه به اینکه شاغلین در بخش کشاورزی فعال هستند در سهم شاغلین بخش کشاورزی حتی با سهم بخش خدمات برابری می‌کند و هر دو بیش از ۴۲ درصد کل شاغلین نقاط شهری شهرستان را به خود اختصاص داده است. بنابراین به رغم آنکه نقش غالب بسیاری از شهرهای استان، نقش خدماتی است اما در برخی از شهرهای استان که با فعالیت‌های تخصصی ویژه ای نظیر استخراج نفت و گاز پیوند خورده است، نقش کارکردی معینی در این گونه شهرها ایجادشده است.

**یافته‌های تحلیلی**

**منابع درآمدی استان**

جدول ۴-19- منابع درآمدی استان خوزستان در سال 1395

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| عنوان | | |
| منابع | درآمدهای عمومی | استانی |
| دو درصد درآمد حاصل از صادرات نفت خام و گاز |
| ملی |
| درآمدهای اختصاصی | استانی |
| سایر منابع | سلیر منابه |

در جدول ۴-19 بخش منابع مشتمل بر درآمدهای استانی از محل درآمدهای عمومی، درآمدهای اختصاصی و سایر منابع (خودیاری و ...) است. درآمدهای عمومی‌خود مشتمل بر درآمد از محل منابع استانی و درآمد از محل منابع ملی می‌باشد. درآمدهای استانی شامل ردیف‌های درآمدی تعریف شده در بودجه‌های سنواتی از جمله درآمدهای مالیاتی، سایر درآمدها، درآمدهای متفرقه و فروش اموال منقول و غیرمنقول است. درآمدهای ملی که در بودجه استانی لحاظ شده است خود شامل دو درصد درآمد حاصل از صادرات نفت خام و گاز طبیعی و سایر می‌باشد. سایر منابع درآمدی شامل منابع داخلی، اوراق مشارکت و... که به عنوان سایر منابع توسط دستگاه‌های اجرایی، شهرداری‌ها و ... در موافقت نامه‌های استانی درج می‌گردد.

4-3- کارکردهای استان در سه سطح ملی، منطقه‌ای و درون منطقه‌ای بر اساس در آمد

4-3-1- کارکردهای سطح ملی

4-3-1-1- مقایسه نرخ رشد سالانه استان و کشور

برای بررسی نرخ رشد سالانه استان با کشور سهم تولید ناخالص داخلی حاصل از درآمدهای نفتی بخش‌های اقتصادی و اجتماعی کلیدی استان و کشور باهم مقایسه شده است.

جدول 4-20- سهم تولید ناخالص داخلی و بخش‌های کلیدی استان (با احتساب درآمدهای نفتی)

| 1385 | | | | 1395 | | | |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| رتبه | نام استان | تولید ناخالص داخلی (هزار میلیارد ریال) | سهم استان (درصد) | رتبه | نام استان | تولید ناخالص داخلی (هزار میلیارد ریال) | سهم استان (درصد) |
| 1 | تهران | 153728 | 4/24 | 1 | تهران | 1339969 | 2/28 |
| 2 | خوزستان | 90851 | 4/14 | 2 | خوزستان | 614725 | 9/12 |
| 3 | خراسان رضوی | 39130 | 2/6 | 3 | اصفهان | 295627 | 2/6 |
| 4 | اصفهان | 38821 | 2/6 | 4 | خراسان رضوی | 245243 | 2/5 |
| 5 | کهگیلویه و بویراحمد | 32660 | 2/5 | 5 | فارس | 191267 | 4 |
| 6 | فارس | 25939 | 1/4 | 6 | مازندران | 167506 | 5/3 |
| 7 | آذربایجان شرقی | 24921 | 4 | 7 | آذربایجان شرقی | 163864 | 5/2 |
| 8 | مازندران | 21984 | 5/3 | 8 | کرمان | 126691 | 7/2 |
| 9 | کرمان | 20140 | 2/3 | 9 | بوشهر | 119550 | 5/2 |
| 10 | گیلان | 15686 | 5/2 | 10 | کهگیلویه و بویراحمد | 111436 | 3/2 |
| 11 | آذربایجان غربی | 13818 | 2/2 | 11 | گیلان | 102744 | 2/2 |
| 12 | مرکزی | 13818 | 2/2 | 12 | آذربایجان غربی | 88842 | 9/1 |
| 13 | هرمزگان | 11967 | 9/1 | 13 | مرکزی | 87949 | 9/1 |
| 14 | قزوین | 10050 | 6/1 | 14 | هرمزگان | 83998 | 8/1 |
| 15 | گلستان | 9058 | 4/1 | 15 | کرمانشاه | 77813 | 6/1 |
| کل کشور | | 630039 | 83 | کل کشور | | 4752122 | 3/80 |

حساب‌های استانی مرکز آمار ایران

بر اساس جدول ۴-20 با احتساب ارزش افزوده درآمدهای نفتی، سهم استان خوزستان از تولید ناخالص داخلی سال 1395 کشور حدود ۱۳ درصد است و از این نظر در جایگاه دوم پس از استان تهران قرار دارد. در سال 1385 نیز استان خوزستان در همین جایگاه قرار داشته است.

جدول 4-21- تولید ناخالص داخلی و رتبه 15 استان برتر کشور در سال‌های 1385 و 1395 (بدون احتساب درآمدهای نفتی)

| 1385 | | | | 1395 | | | |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| رتبه | نام استان | تولید ناخالص داخلی (هزار میلیارد ریال) | سهم استان (درصد) | رتبه | نام استان | تولید ناخالص داخلی (هزار میلیارد ریال) | سهم استان (درصد) |
| 1 | تهران | 153570 | 6/29 | 1 | تهران | 1337755 | 5/33 |
| 2 | خراسان رضوی | 39078 | 5/7 | 2 | اصفهان | 295627 | 4/7 |
| 3 | اصفهان | 38821 | 5/7 | 3 | خراسان رضوی | 244806 | 1/6 |
| 4 | خوزستان | 36441 | 0/7 | 4 | خوزستان | 232486 | 8/5 |
| 5 | فارس | 25872 | 0/5 | 5 | فارس | 185282 | 6/4 |
| 6 | آذربایجان شرقی | 24921 | 8/4 | 6 | مازندران | 167506 | 2/4 |
| 7 | مازندران | 21984 | 2/4 | 7 | آذربایجان شرقی | 163684 | 1/4 |
| 8 | کرمان | 20140 | 9/3 | 8 | کرمان | 126691 | 2/3 |
| 9 | گیلان | 15686 | 0/3 | 9 | گیلان | 102774 | 6/2 |
| 10 | آذربایجان غربی | 13961 | 7/2 | 10 | آذربایجان غربی | 88842 | 2/2 |
| 11 | مرکزی | 13818 | 7/2 | 11 | مرکزی | 87949 | 2/2 |
| 12 | هرمزگان | 11928 | 3/2 | 12 | بوشهر | 86529 | 2/2 |
| 13 | قزوین | 10050 | 9/1 | 13 | هرمزگان | 83091 | 1/2 |
| 14 | گلستان | 9058 | 7/1 | 14 | کرمانشاه | 77723 | 9/1 |
| 15 | همدان | 9040 | 7/1 | 15 | یزد | 67716 | 7/1 |
| کل کشور | | 519250 | 100 | کل کشور | | 3990394 | 100 |

حساب‌های استانی مرکز آمار ایران

با توجه به جدول ۴-21 بدون احتساب ارزش افزوده درآمدهای نفتی، سهم استان خوزستان از تولید ناخالص داخلی در سال 1395 کشور حدود 8/5 درصد است و از این نظر در جایگاه چهارم پس از استان‌های تهران، اصفهان و خراسان رضوی قرار دارد در سال 1385 نیز بدون احتساب درآمدهای نفتی استان خوزستان در جایگاه چهارم بین استانهای کشور قرار داشته است.

* فعالیت معدن و صنعت

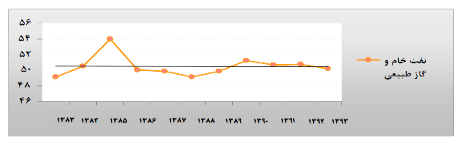
جدول 4-22- تغییر سهم استان خوزستان از فعالیت معدن در کشور با احتساب درآمدهای نفتی

| فعالیت معدن و صنعت | سهم استان خوزستان از فعالیت نظیر در کشور | | متوسط نرخ رشد سالانه | |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| 1385 | 1395 | استان | کشور |
| معدن | 8/47 | 8/47 | 5/21 | 5/21 |
| نفت و گاز | 1/49 | 2/50 | 5/21 | 3/21 |
| سایر معادن | 9/1 | 2/1 | 1/23 | 8/28 |
| صنعت | 3/12 | 9/9 | 2/18 | 8/20 |

جدول 4-23- تغییر رتبه فعالیت معدن و صنعت استان خوزستان در بین پنج استان نخست کشور

| رتبه | نفت و گاز | | سایر معادن | | صنعت | |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| 85 | 95 | 85 | 95 | 85 | 95 |
| 1 | خوزستان | خوزستان | کرمان | کرمان | تهران | تهران |
| 2 | کهگیلویه و بویراحمد | کهگیلویه و بویراحمد | یزد | یزد | اضفهان | اصفهان |
| 3 | ایلام | بوشهر | فارس | فارس | خوزستان | خوزستان |
| 4 | بوشهر | ایلام | خراسان رضوی | آذربایجان شرقی | مرکزی | آذربایجان شرقی |
| 5 | تهران | تهران | اصفهان | اصفهان | آذربایجان غربی | بوشهر |

با توجه به جدول 4-23 بخش نفت و گاز استان خوزستان 2/50 درصد از ارزش افزوده سال 1395 کشور در این بخش را ایجاد می‌کند و از این نظر در جایگاه اول در سطح کشور قرار دارد و نمودار (4-7) نشان‌دهنده ثبات نسبی متوسط این سهم در دوره ده ساله است.



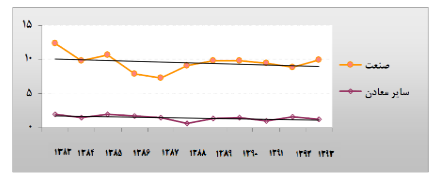
نمودار ۴-7- تغییرات سهم نفت خام و گاز طبیعی استان خوزستان در ارزش افزوده بخش نظیر در کشور

صنعت

بخش صنعت استان در سال 1385 حدود 3/12 درصد ارزش افزوده این بخش در کشور را تولید کرده و این سهم در طول این دوره به نحو قابل ملاحظه‌ای کاهشی بوده است به طوری که در سال 1395 به 9/9 درصد رسیده است، این تغییر نشان دهنده آن است که روند رشد این بخش در سایر استان‌ها به طور متوسط سریع تر از رشد این بخش در استان خوزستان بوده است. استان خوزستان از نظر رتبه ارزش افزوده در هر دو سال 1385 و 1395 در رتبه سوم، پس از تهران و اصفهان قرار دارد.

سایر معادن

ارزش افزوده سایر معادن استان خوزستان (به جز نفت و گاز) در سال 1395 تنها نزدیک به 2/1 درصد ارزش افزوده نظیر در سطح کشور را دارد و در همین حال از جایگاه قابل توجهی بین سایر استانها برخوردار نیست، رتبه ۱۲ بین استانهای کشور به علاوه نرخ رشد ارزش افزوده بخش سایر معدن، از نرخ نظیر در کشور اندکی کمتر است و سهم ارزش افزوده این فعالیت در کشور نیز نشان می‌دهد در دوره ده ساله مورد بررسی به طور متوسط حدود 6/0 درصد از سهم این بخش در کشور کاسته شده است.



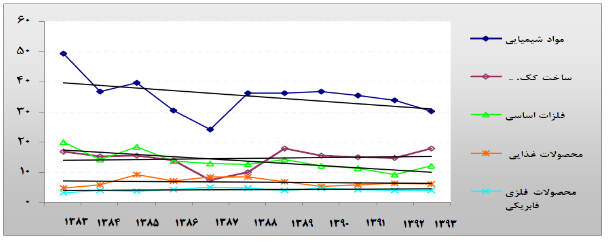
نمودار ۴-8- تغییرات سهم ارزش افزوده استان خوزستان در فعالیت‌های صنعتی و سایر معادن کشور

- فعالیت‌های صنعتی برگزیده

جدول 4-24- تغییر سهم استان خوزستان از فعالیت‌های صنعتی برگزیده در کشور با احتساب درآمدهای نفتی

| فعالیت‌های صنعتی برگزیده | سهم استان خوزستان از فعالیت نظیر در کشور | | متوسط نرخ رشد سالانه | |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| 1385 | 1395 | استان | کشور |
| غذایی | 6/4 | 0/6 | 4/21 | 3/18 |
| توتون و تنباکو | 0 | 0 | 0 | 0 |
| منسوجات | 6/0 | 6/0 | 6/8 | 1/10 |
| پوشاک | 02 | 6/2 | 9/11 | 2/9 |
| چرم | 9/0 | 5/0 | 0 | 1/12 |
| چوب | 8/3 | 5/3 | 1/23 | 9/23 |
| کاغذ | 1/8 | 3/4 | 4/5 | 4/12 |
| انتشار | 0/1 | 9/0 | 0/14 | 3/15 |
| فرآورده‌های نفتی | 7/16 | 9/17 | 9/28 | 0/28 |
| شیمیایی | 3/49 | 0/30 | 1/15 | 0/21 |
| لاستیک، پلاستیک | 0/2 | 3/2 | 5/21 | 0/20 |
| کانی غیرفلزی | 9/4 | 8/4 | 3/22 | 6/22 |
| فلزات اساسی | 9/19 | 0/12 | 3/14 | 2/20 |
| فلز فابریکی | 1/3 | 1/4 | 8/24 | 5/21 |
| سایر ماشین‌آلات | 7/0 | 2/1 | 0/24 | 1/18 |
| ماشین‌آلات برقی | 9/0 | 5/1 | 1/29 | 1/23 |
| ابزار پزشکی | 1/1 | 1/1 | 9/24 | 1/25 |
| نقلیه موتوری | 1/0 | 2/0 | 9/34 | 2/24 |
| سایر تجهیزات حمل و نقل | 3/3 | 9/1 | 2/15 | 8/21 |
| مبلمان | 1/2 | 5/2 | 3/29 | 4/27 |
| بازیافت | 9/3 | 1/4 | 0/52 | 2/51 |

| رتبه | غذایی | | فرآورده‌های نفتی | | شیمیایی | | فلزات | |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| 1385 | 1395 | 1385 | 1395 | 1385 | 1395 | 1385 | 1395 |
| 1 | تهران | تهران | اصفهان | اصفهان | خوزستان | خوزستان | اصفهان | اصفهان |
| 2 | آذربایجان شرقی | خراسان رضوی | مرکزی | تهران | اصفهان | تهران | کرمان | خوزستان |
| 3 | آذربایجان شرقی | خراسان رضوی | مرکزی | تهران | اصفهان | تهران | کرمان | خوزستان |
| 4 | آذربایجان غربی | مازندران | خوزستان | هرمزگان | مرکزی | کرمانشاه | مرکزی | یزد |
| 5 | مازندران | آذربایجان شرقی | هرمزگان | آذربایجان شرقی | آذربایجان شرقی | اصفهان | تهران | تهران |



نمودار 4-9- تغییرات سهم ارزش افزوده استان خوزستان در فعالیت‌های صنعتی برگزیده کشور

**- صنعت غذایی**

براساس جدول 4-24 صنعت غذایی استان خوزستان در سال 1395 تامین کننده 6 درصد ارزش افزوده این رشته در سطح ملی است، هرچند این سهم قابل توجه است، اما با توجه به منابع آب و خاک و کشاورزی گسترده، انتظار عقلایی سهم بیشتری را طلب می‌کند چند دلیل توسعه نیافتن صنعت غذایی در استان خوزستان عبارت‌اند از (1) غلبه کشت گندم، (2) موضوع تازه‌فروشی محصولات کشاورزی به دلیل ارزش نوبرانه آن، (3) سهم بالای سبزیجات و صیفی‌جات در تولید کشاورزی استان است که به فناوری صنعتی نیاز چندانی ندارد و (4) پایین بودن سطح باغ‌های میوه (به جز خرما).

**- صنعت شیمیایی**

زیر بخش صنعت شیمیایی - پتروشیمی‌یکی از مهم ترین رشته های صنعتی استان است که در سطح کشور نیز جایگاه بسیار مهمی‌دارد. ارزش افزوده این بخش صنعتی در سال‌های 1385 و 1395 با کاهش شدید از 3/49 به حدود ۳۰ درصد ارزش افزوده کشور در این بخش تنزل یافته است. با وجود این کاهش شدید، هنوز استان خوزستان در طول این دوره ده ساله در رتبه نخست کشور قرار دارد.

کاهش سهم استان از ارزش افزوده این فعالیت در سطح ملی به دلیل رشد سریع تر سرمایه گذاری و تولید در سایر استان‌ها است. با توجه به فراهم بودن منابع نفت و گاز هم به عنوان سوخت و هم به عنوان خوراک پتروشیمی و مواد اولیه صنایع شیمیایی در استان و بهره ناشی از وجود صنایع مرتبط و امکان ایجاد خوشه‌های صنعتی، سرمایه گذاری بیشتر در این زمینه در استان خوزستان موجه و مورد نیاز است.

-  **فلزات اساسی**

زیر بخش فلزات اساسی نیز یکی از مهم ترین رشته های صنعتی استان است که در سطح ملی نیز از جایگاه بسیار مهمی‌برخوردار است. این زیر بخش در سال 1395، حدود ۱۲ درصد ارزش افزوده این رشته در سطح کشور را ایجاد کرده و در جایگاه سوم در سطح ملی قرار دارد. روند تغییرات نشان دهنده کاهش شدید سهم ارزش افزوده این زیر بخش صنعتی استان خوزستان از حدود ۲۰ درصد به ۱۲ درصد ارزش افزوده در سطح ملی کاهش یافته است. به این ترتیب جایگاه استان خوزستان از رتبه دوم پس از اصفهان، با پیشی گرفتن استان کرمان در این زمینه به رتبه سوم پس از استان‌های اصفهان و کرمان کاهش یافته است.

**- فرآورده‌های حاصل از تصفیه نفت**

ارزش افزوده زیر بخش کک و فرآورده های حاصل از تصفیه نفت خام استان خوزستان نیز در سطح ملی بسیار اهمیت دارد. سهم این زیر بخش استان در ارزش افزوده نظیر در کشور در سال 1395 نزدیک به ۱۸ درصد و در مقام دوم کشور پس از اصفهان قرار دارد. روند تحولات این بخش نشان می‌دهد که جایگاه این زیر بخش در دوره ده ساله با سبقت گرفتن از استانهای تهران و مرکزی از رتبه ۴ به رتبه ۲ افزایش یافته است.

باوجود دسترسی استان به منابع اولیه صنعت تولید محصولات لاستیک و پلاستیک، سهم استان ارزش افزوده ملی این صنعت به طور غیرقابل انتظاری پایین و در حد 3/2 درصد قرار دارد. هرچند سهم ارزش افزوده زیر بخش های صنعت فلزی فابریکی و ماشین آلات برقی استان از کشور بالا نیست، اما رشد این دو در دوره مورد بررسی، روند افزایشی قابل توجهی داشته است: در صنعت فلزی فابریکی از 1/3 به 1/4 و در صنعت تولید ماشین آلات برقی از 9/0 به 5/1 درصد است.

**- تسهیلات عمومی**

جدول 4-25- تغییر سهم استان خوزستان از فعالیت‌های تسهیلات عمومی‌در کشور با احتساب درآمدهای نفتی

| فعالیت‌های تسهیلات عمومی | سهم استان خوزستان از فعالیت نظیر در کشور | | متوسط نرخ رشد سالانه | |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| 1385 | 1395 | استان | کشور |
| تامین آب، برق و گاز طبیعی | 3/12 | 1/11 | 6/25 | 8/26 |
| برق | 3/14 | 8/13 | 6/20 | 0/21 |
| توزیع گاز طبیعی | 0/8 | 6/9 | 3/41 | 8/38 |
| آب | 9/10 | 8/8 | 5/12 | 1/15 |
| ساختمان | 3/9 | 3/4 | 9/16 | 1/26 |
| ساختمان مسکونی | 8/3 | 9/3 | 5/28 | 2/28 |
| سایر ساختمان‌ها | 7/12 | 7/4 | 0/22 | 5/21 |

جدول 4-26- تغییر رتبه فعالیت‌های تسهیلات عمومی استان خوزستان در بین پنج استان نخست کشور

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| رتبه | برق | | توزیع گاز طبیعی | | آب | | ساختمان | |
| 1385 | 1395 | 1385 | 1395 | 1385 | 1395 | 1385 | 1395 |
| 1 | تهران | خوزستان | تهران | بوشهر | تهران | تهران | تهران | تهران |
| 2 | خوزستان | تهران | اصفهان | اصفهان | خوزستان | فارس | خوزستان | خراسان رضوی |
| 3 | اصفهان | کرمانشاه | خراسان رضوی | تهران | خراسان رضوی | کرمان | خراسان رضوی | اصفهان |
| 4 | مرکزی | اصفهان | بوشهر | خوزستان | فارس | خوزستان | اصفهان | فارس |
| 5 | مازندران | خراسان رضوی | خوزستان | فارس | اصفهان | اصفهان | فارس | خوزستان |

مطابق با جدول 4-26 سهم ارزش افزوده بخش تسهیلات عمومی (شامل آب، برق و توزیع گاز طبیعی) به طور سرجمع در کشور به‌طور خفیف کاهشی بوده است. تنها زیربخش برق یک روند افزایشی خفیف را نشان می‌دهد، سهم بخش ساختمان نیز کاهشی بوده است.

**- تسهیلات عمومی**

بخش تسهیلات عمومی (شامل آب، برق و توزیع گاز طبیعی)، سهم ارزش افزوده این بخش در سطح ملی در این دوره از 3/12 به 1/11 تنزل یافته است و در زیر بخش برق، در سال 1395 سهم ارزش افزوده استان در رتبه نخست و در زیر بخش توزیع گاز و آب در رتبه چهار کشور قرار دارد.

**- ساختمان**

در بخش ساختمان شاهد کاهش قابل توجه سهم ارزش افزوده استان از 3/9 به 3/4 درصد در این دوره ده‌ساله هستیم. جایگاه دوم کشور پس از تهران قرار داشته که در سال 1395 به رتبه پنجم تنزل پیدا کرده و پس از استانهای تهران، خراسان رضوی، اصفهان و فارس قرار گرفته است. این کاهش قابل توجه سهم ارزش افزوده استان در بخش ساختمان بیشتر ناشی از کاهش سهم ارزش افزوده استان در زیر بخش سایر ساختمان‌ها (غير از ساختمان‌های مسکونی و شامل ساختمان‌های دولتی و راهسازی) است که از 7/12 درصد در سال 1385 به 7/4 درصد در سال 1395 کاهش یافته است.



نمودار ۴-10- تغییرات سهم ارزش افزوده استان خوزستان در فعالیت‌های ساختمان و تسهیلات عمومی‌کشور

**- خدمات اقتصادی**

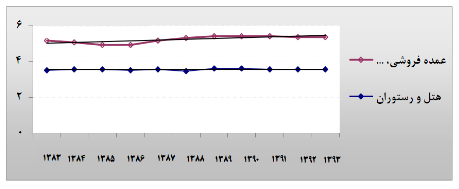
جدول ۴-27- تغییر سهم استان خوزستان از فعالیت‌های خدمات اقتصادی در کشور با احتساب در آمدهای نفتی

| فعالیت‌های خدمات اقتصادی عمده فروشی، خرده‌فروشی، ... و هتل و رستوران | سهم استان خوزستان از فعالیت نظیر در کشور | | متوسط نرخ رشد سالانه | |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| 1385 | 1395 | استان | کشور |
| عمده و خرده‌فروشی، تعمیر | 2/5 | 4/5 | 0/22 | 5/21 |
| هتل و رستوران | 5/3 | 6/3 | 6/22 | 5/22 |
| هتل | 6/1 | 8/2 | 9/33 | 4/26 |
| رستوران | 9/3 | 8/3 | 3/21 | 6/21 |

جدول ۴-28- تغییر رتبه فعالیت‌های خدمات اقتصادی استان خوزستان در بین پنج استان نخست کشور

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| رتبه | عمده و خرده‌فروشی، تعمیر | | هتل و رستوران | |
| 1385 | 1395 | 1385 | 1395 |
| 1 | تهران | تهران | تهران | تهران |
| 2 | خوزستان | اصفهان | خراسان رضوی | خراسان رضوی |
| 3 | خراسان رضوی | خراسان رضوی | اصفهان | اصفهان |
| 4 | اصفهان | خوزستان | مازندران | مازندران |
| 5 | فارس | آذربایجان شرقی | گیلان | گیلان |

با توجه به جدول ۴-28- ارزش افزوده خدمات اقتصادی در فعالیت نظیر در سطح کشور به صورت بسیار کم در استان افزایش داشته است از 2/5 درصد در سال ۱۳۸۳ به 4/5 در سال ۱۳۹۳ رسیده است.



نمودار ۴-11- فعالیت‌های خدمات اقتصادی استان خوزستان در ارزش افزوده بخش های نظیر در کشور

**- خدمات اقتصادی حمل ونقل و ارتباطات واسطه گری مالی مستغلات**

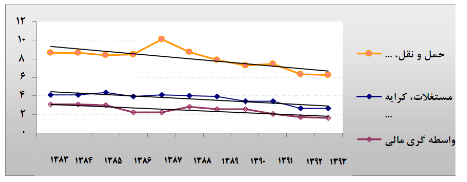
جدول ۴-29- تغییر سهم استان خوزستان از فعالیت‌های خدمات اقتصادی حمل ونقل و ارتباطات واسطه‌گری مالی مستغلات کشور با احتساب درآمدهای نفتی

| فعالیت‌های خدمات اقتصادی حمل ونقل و ارتباطات واسطه‌گری مالی مستغلات | سهم استان خوزستان از فعالیت نظیر در کشور | | متوسط نرخ رشد سالانه | |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| 1385 | 1395 | استان | کشور |
| حمل و نقل و ارتباطات | 6/8 | 3/6 | 1/19 | 0/23 |
| حمل و نقل | 6/8 | 3/6 | 1/19 | 7/21 |
| حمل و نقل زمینی | 4/8 | 3/6 | 5/18 | 1/22 |
| راه‌آهن | 7/10 | 5/7 | 4/15 | 6/19 |
| جاده‌ای | 3/8 | 1/6 | 3/18 | 0/22 |
| حمل و نقل لوله‌ای | 4/15 | 6/16 | 9/33 | 8/23 |
| آبی | 0/26 | 0/28 | 1/13 | 3/12 |
| هوایی | 7/4 | 0/6 | 8/20 | 8/17 |
| پشتیبانی انبارداری | 5/12 | 6/15 | 6/25 | 9/22 |
| پست مخابراتی | 0/3 | 3/1 | 4/18 | 3/29 |
| واسطه‌گری مالی | 1/3 | 7/1 | 3/21 | 9/28 |
| بانک | 7/3 | 9/1 | 0/20 | 8/27 |
| سایر واسطه‌گری مالی | 3/0 | 2/0 | 4/26 | 6/33 |
| بیمه | 6/2 | 7/2 | 3/29 | 9/28 |
| کل مستغلات | 1/4 | 7/2 | 6/18 | 8/23 |
| مستغلات | 4/4 | 7/2 | 9/17 | 8/23 |
| خدمات مسکونی | 9/3 | 7/2 | 3/19 | 8/23 |
| خدمات مسکونی شخصی | 0/4 | 6/2 | 9/17 | 9/22 |
| خدمات مسکونی اجاری | 8/3 | 1/3 | 1/25 | 3/27 |
| خدمات غیرمسکونی | 1/14 | 2/2 | 5/1 | 1/22 |
| خدمات دلالان مستغلات | 0/5 | 9/3 | 6/27 | 7/30 |
| کرایه و خدمات کسب و کار | 9/1 | 3/2 | 0/26 | 7/23 |

جدول 4-30- تغییر رتبه فعالیت‌های خدمات اقتصادی حمل و نقل و ارتباطات واسطه‌گری مالی مستغلات استان خوزستان در بین پنج استان نخست کشور

| رتبه | حمل و نقل و ارتباطات | | واسطه‌گری مالی | | مستغلات و کرایه | |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| 83 | 93 | 83 | 93 | 83 | 93 |
| 1 | تهران | تهران | تهران | تهران | تهران | تهران |
| 2 | خوزستان | خوزستان | اصفهان | اصفهان | خراسان رضوی | خراسان رضوی |
| 3 | هرمزگان | اصفهان | خراسان رضوی | مازندران | اصفهان | اصفهان |
| 4 | خراسان رضوی | هرمزگان | فارس | خراسان رضوی | فارس | فارس |
| 5 | اصفهان | خراسان رضوی | خوزستان | فارس | خوزستان | مازندران |

جدول 4-30 نشان می‌دهد سهم خدمات اقتصادی حمل و نقل و راتباطات، واسطه‌گری مالی و در بخش حمل و نقل و ارتباطات، استان در فاصله سال‌های 85-95 جایگاه خود را در رتبه دوم پس از استان تهران حفظ کرده، اما با این حال سهم ارزش افزوده استان در کشور از 6/8 به 3/6 کاهش پیدا کرده است، در هر دو زیر بخش حمل و نقل زمینی، جاده‌ای و ریلی، شاهد کاهش سهم ارزش افزوده استان در طول این دوره هستیم که ناشی از کاهش قابل توجه سهم ارزش افزوده زیر بخش راه آهن از 7/10 به 5/7 و زیر بخش حمل و نقل جاده‌ای از 3/8 به 1/6 است؛ اما در زیر بخش های حمل و نقل آبی و هوایی شاهد رشد سهم حدود دو واحد درصد هستیم.



نمودار ۴-12- تغییرات سهم ارزش افزوده استان خوزستان در فعالیت خدمات حمل و نقل و خدمات مالی

**- واسطه‌گری مالی**

در بخش واسطه گری مالی هرچند استان خوزستان سهم قابل توجهی در سطح کشور ندارد اما در همین حال کاهش سهم ارزش افزوده استان از 1/3 در سال 1385 به 7/1 در سال ۱۳۹۳ نیز روی داده است، به این ترتیب استان خوزستان در رتبه ششم کشور در سال 1395 پس از استانهای تهران، اصفهان، مازندران، خراسان رضوی و فارس قرار گرفته است.

**- مستغلات**

در بخش مستغلات نیز شاهد کاهش سهم ارزش افزوده استان از 1/4 به 7/2 در طول این دوره ده ساله هستیم در این بخش جایگاه استان از پنجم در سال 1385 به هفتم در سال 1395 تنزل پیدا کرده است و پس از استانهای تهران، خراسان رضوی، اصفهان، فارس، مازندران و آذربایجان شرقی قرار گرفته است.

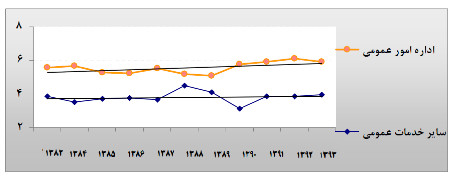
**- خدمات امور عمومی**

جدول ۴-31- تغییر سهم استان خوزستان از فعالیت‌های خدمات امور عمومی‌کشور با احتساب درآمدهای نفتی

| فعالیت‌های خدمات امور عمومی | سهم استان خوزستان از فعالیت نظیر در کشور | | متوسط نرخ رشد سالانه | |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| 1385 | 1395 | استان | کشور |
| اداره امور عمومی و شهری | 6/5 | 9/5 | 9/20 | 2/20 |
| امور عمومی و شهری | 1/4 | 8/4 | 6/22 | 8/20 |
| امور عمومی | 0/3 | 6/3 | 6/20 | 5/18 |
| خدمات شهری | 4/6 | 3/6 | 5/24 | 8/24 |
| امور دفاعی و انتظامی | 1/7 | 9/6 | 1/19 | 5/19 |
| امور دفاعی | 9/7 | 9/7 | 0/18 | 0/18 |
| امور نظامی | 6/4 | 7/4 | 8/23 | 5/23 |
| تامین اجتماعی اجباری | 3/1 | 4/8 | 1/46 | 3/21 |
| سایر خدما عمومی | 9/3 | 0/4 | 0/28 | 6/27 |
| تفریحی، فرهنگی | 0/4 | 4/3 | 2/28 | 3/30 |
| مذهبی، سیاسی | 6/2 | 3/3 | 0/22 | 4/19 |
| سایر خدمات | 3/4 | 3/5 | 2/29 | 4/26 |

جدول 4-32- تغییر رتبه فعالیت‌های خدمات امور عمومی استان خوزستان بین پنج استان نخست کشور

| رتبه | امور عمومی و شهری | |
| --- | --- | --- |
| 1385 | 1395 |
| 1 | تهران | تهران |
| 2 | خراسان رضوی | خراسان رضوی |
| 3 | اصفهان | خوزستان |
| 4 | خوزستان | اصفهان |
| 5 | فارس | فارس |



نمودار ۴-13- تغییرات سهم ارزش افزوده استان خوزستان در فعالیت امور عمومی‌به قیمت جاری

بر اساس جدول ۴-34 سهم ارزش افزوده خدمات عمومی‌شامل اداره امور عمومی و سایر خدمات عمومی‌در این دوره به ارزش افزوده این فعالیت ها در سطح کشور اندکی افزایش پیدا کرده است.

در امور عمومی و خدمات شهری سهم ارزش افزوده استان تقریبا متناسب با سهم جمعیتی است، اما سهم ارزش افزوده زیر بخش امور دفاعی به نسبت بیشتر است و در مقابل امور عمومی (خدمات بخش دولتی)، از سهم مناسبی برخوردار نیست.

**- خدمات امور اجتماعی**

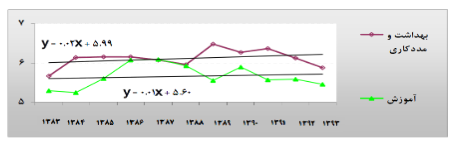
جدول ۴-33- تغییر سهم استان خوزستان از خدمات امور اجتماعی کشور با احتساب درآمدهای نفتی

| خدمات امور اجتماعی | سهم استان خوزستان از فعالیت نظیر در کشور | | متوسط نرخ رشد سالانه | |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| 1385 | 1395 | استان | کشور |
| آموزش | 3/5 | 5/5 | 2/23 | 9/22 |
| ابتدائی | 3/6 | 9/5 | 5/20 | 2/21 |
| ابتدائی دولتی | 2/6 | 0/6 | 6/20 | 1/21 |
| ابتدائی خصوصی | 2/6 | 5/3 | 5/14 | 0/24 |
| متوسطه | 8/7 | 9/5 | 1/24 | 6/22 |
| متوسطه عمومی‌دولتی | 2/5 | 9/5 | 4/24 | 7/22 |
| متوسطه عمومی‌خصوصی | 1/5 | 3/5 | 5/20 | 8/20 |
| عالی | 4/5 | 3/4 | 4/26 | 2/26 |
| عالی دولتی | 3/4 | 6/2 | 7/17 | 9/23 |
| عالی خصوصی | 3/4 | 0/7 | 1/38 | 0/31 |
| بزرگسالان | 1/4 | 2/6 | 1/24 | 8/19 |
| بزرگسالان دولتی | 3/4 | 0/7 | 8/19 | 3/16 |
| بزرگسالان خصوصی | 2/5 | 5/5 | 1/32 | 0/24 |
| بهداشت و مددکاری | 9/2 | 9/5 | 1/26 | 6/25 |
| بهداشت و درمان | 7/5 | 0/6 | 2/26 | 5/25 |
| بهداشت و درمان دولتی | 9/5 | 5/5 | 1/27 | 2/28 |
| بهداشت و درمان خصوصی | 6/5 | 6/6 | 5/25 | 4/23 |
| دامپزشکی | 3/4 | 0/5 | 1/21 | 4/19 |
| مددکاری | 4/5 | 3/4 | 7/25 | 6/28 |

مأخذ: حساب‌های استانی مرکز آمار ایران

جدول 4-34- تغییر رتبه خدمات امور اجتماعی استان خوزستان بین پنج استان نخست کشور

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| رتبه | حمل و نقل و ارتباطات | | واسطه‌گری مالی | |
| 1385 | 1395 | 1385 | 1395 |
| 1 | تهران | تهران | تهران | تهران |
| 2 | خراسان رضوی | خراسان رضوی | خراسان رضوی | فارس |
| 3 | اصفهان | فارس | اصفهان | خراسان رضوی |
| 4 | فارس | اصفهان | خوزستان | اصفهان |
| 5 | خوزستان | خوزستان | فارس | خوزستان |



نمودار ۴-14- تغییرات سهم ارزش افزوده استان خوزستان در فعالیت امور اجتماعی

مطابق با جدول ۴-34 در امور اجتماعی (شامل آموزش و بهداشت و مددکاری) سهم ارزش افزوده استان تقریبا متناسب با سهم جمعیتی است. در سایر خدمات عمومی ارزش افزوده استان در زیر بخش تفریحی۔ فرهنگی - ورزش و مذهبی، سیاسی، در مقایسه با جمعیت استان از سهم مناسبی برخوردار نیست.

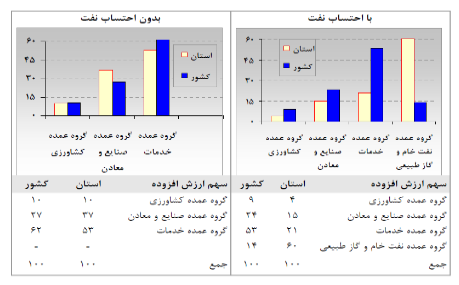
به طور کلی در این دوره سهم ارزش افزوده خدمات اجتماعی استان شامل بهداشت و مددکاری آموزش نیز در سطح کشور افزایش نامحسوسی داشته است نوسان‌ها این افزایش برای فعالیت‌های یادشده به ترتیب به طور متوسط 2/0 و 1/0 واحد درصد در کل دوره ده ساله بوده است.

جدول 4-35- سهم فعالیت‌های استان خوزستان با درآمدهای نفتی و بدون درآمدهای نفتی

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
|  | سهم استان خوزستان از فعالیت نظیر در کشور | | متوسط نرخ رشد سالانه | |
| 1385 | 1395 | استان | کشور |
| جمع (با احتساب درآمدهای نفتی) | 4/14 | 0/13 | 0/21 | 2/22 |
| جمع (بدون احتساب درآمدهای نفتی) | 0/7 | 8/5 | 1/20 | 4/22 |

**- ساختار اقتصادی استان خوزستان و مقایسه آن با کشور**

بر اساس نمودار ۴-15 سهم ارزش افزوده بخش نفت و گاز حدود ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی استان را تشکیل می‌دهد و بر این اساس سهم سایر گروه‌های عمده فعالیت در تولید ناخالص داخلی استان کمتر جلوه می‌یابند. به عنوان مثال ارزش افزوده گروه عمده فعالیت صنایع - معادن تنها ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی استان را تأمین می نماید، که این نسبت برای کشور حدود ۲۴ درصد است؛ اما بدون احتساب نفت و گاز (در تولید ناخالص داخلی کشور و استان)، ارزش افزوده گروه عمده فعالیت صنایع - معادن تأمین کننده ۳۷ درصد تولید ناخالص داخلی استان است که این نسبت در سطح کشور ۲۷ درصد است. به عبارت دیگر بدون احتساب رقم ارزش افزوده فعالیت نفت و گاز، استان خوزستان صنعتی‌تر از متوسط کشور است که به علت تسلط رقم ارزش افزوده فعالیت نفت و گاز این ویژگی نمایان نمی‌شود. در نمودار ۴-15 این تفاوت‌ها منعکس شده و ملاحظه می‌شود بدون احتساب فعالیت نفت و گاز، سهم ارزش افزوده گروه عمده کشاورزی استان تقریبا نزدیک به سهم نظیر در کشور، سهم گروه عمده خدمات کمتر از متوسط کشور و سهم گروه صنایع و معادن به نسبت قابل توجهی بیشتر از متوسط کشور است.



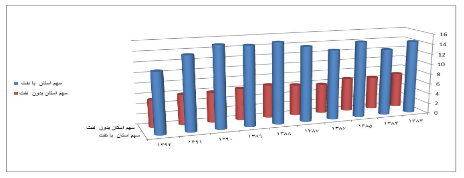
نمودار ۴-15- مقایسه سهم ارزش افزوده گروه‌های عمده فعالیت اقتصادی در تولید ناخالص داخلی استان

**- تغییرات سرانه تولید ناخالص داخلی استان**

مقدار و تغییرات سرانه تولید ناخالص داخلی استان خوزستان و کل کشور بدون احتساب ارزش افزوده در آمد‌های نفتی به یکدیگر بسیار نزدیک هستند؛ اما با احتساب ارزش افزوده درآمدهای نفتی مقدار این متغیر برای استان خوزستان بسیار بالاتر از متوسط سطح کشور است.

جدول 4-36- تولید ناخالص داخلی استان خوزستان و کشور با احتساب و بدون احتساب درآمدهای نفتی

|  | 1386 | 1387 | 1388 | 1389 | 1390 | 1391 | 1392 | 1393 | 1394 | 1395 |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| کل کشور یا درآمدهای نفتی | 630 | 734 | 954 | 1189 | 1555 | 1941 | 2383 | 3073 | 3649 | 3940 |
| خوزستان با درآمدهای نفتی | 91 | 98 | 142 | 162 | 227 | 305 | 368 | 484 | 520 | 462 |
| کل کشور بدون درآمدهای نفتی | 512 | 614 | 779 | 966 | 1232 | 1501 | 1859 | 2371 | 2925 | 3343 |
| خوزستان بدون درآمدهای نفتی | 35 | 40 | 52 | 56 | 75 | 97 | 116 | 141 | 171 | 177 |
| سهم استان با درآمدهای نفتی | 4/14 | 1/13 | 9/14 | 6/13 | 6/14 | 7/15 | 4/15 | 8/15 | 3/14 | 7/11 |
| سهم استان بدون درآمدهای نفتی | 9/6 | 5/6 | 6/6 | 8/5 | 1/6 | 5/6 | 2/6 | 9/5 | 9/5 | 3/5 |



نمودار 4-16- سهم تولید ناخالص داخلی استان خوزستان و کشور با نفت و بدون نفت

جدول 4-37- جمعیت و سرانه تولید ناخالص داخلی با احتساب و بدون احتساب با احتساب درآمدهای نفتی

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|  | 1386 | 1387 | 1388 | 1389 | 1390 | 1391 | 1392 | 1393 | 1394 | 1395 |
| جمعیت کل کشور | 2/64 | 3/65 | 3/66 | 3/67 | 3/68 | 4/69 | 5/70 | 5/71 | 6/72 | 7/74 |
| جمعیت خوزستان | 957/3 | 012/4 | 62/4 | 113/4 | 165/4 | 218/4 | 275/4 | 323/4 | 371/4 | 471/4 |
| سرانه کل کشور با نفت | 8/9 | 2/11 | 4/14 | 7/17 | 7/22 | 28 | 8/33 | 43 | 3/50 | 7/52 |
| سرانه خوزستان با نفت | 23 | 3/24 | 35 | 4/39 | 6/54 | 3/72 | 86 | 112 | 119 | 3/103 |
| سرانه کل کشور بدون | 8 | 4/9 | 7/11 | 3/14 | 18 | 6/21 | 4/26 | 1/33 | 3/40 | 7/44 |
| سرانه خوزستان بدون نفت | 9/8 | 10 | 7/12 | 7/13 | 9/17 | 23 | 2/27 | 6/32 | 2/39 | 6/39 |

استان خوزستان در بخش کشاورزی، ماهیگیری، استخراج نفت خام و گاز، تولید فرآورده‌های نفتی، صنایع شیمیایی و پتروشیمی، صنایع فلزات اساسی، آب و برق، حمل ونقل و تجارت خارجی دارای سهم و جایگاه ممتاز بسیار بالا و دارای مزیت مکانی است. این بخش ها در حال حاضر ارکان اقتصاد استان و وظایف استان در سطح ملی را تشکیل می‌دهند و به دلیل پابرجایی نسبی شرایطی که موجب رونق این فعالیت‌ها در استان خوزستان شده است، حفظ این جایگاه و توسعه ضروری آنها به دلیل منطق اقتصادی چه از جهت منافع اقتصادی - اجتماعی برای استان و چه از نظر منافع ملی برای توسعه استان بسیار ضروری است.

همچنین از بررسی روند تغییرات فعالیتهای اقتصادی مشاهده شد هرچند سهم استان در بخش های صنعت، تأمین آب و برق، ساختمان و حمل ونقل و ارتباطات نسبتا بالا و در بعضی موارد ممتاز است، اما در همین حال سهم استان در سطح ملی در همین بخش ها در دوره 1385-1395 کاهش یافته است. پایین بودن نسبی سهم و رتبه همه خدمات اقتصادی (به جز عمده و خرده فروشی و حمل ونقل و ارتباطات)، شامل هتل و رستوران، واسطه گری‌های مالی و مستغلات نسبت به سهم و جایگاه بخش های تولیدی استان است. در حالی که در بخش کشاورزی و صنایع اساسی شیمیایی، پتروشیمی و فلزات اساسی جایگاه استان خوزستان در کشور ممتاز یا بسیار بالا است، صنایع تولید ماشین آلات، ابزار و قطعات خودروسازی، صنایع فلزی فابریکی، لاستیک و پلاستیک، تولید وسایل برقی و صنایع فرآوری محصولات غذایی در این استان با وجود ندارد یا سهم آن در مقیاس ملی بسیار اندک است. بنابراین حمایت از توسعه این صنایع در استان خوزستان از نظر منطق اقتصادی موجه و قابل توصیه است. از آنجاکه صنایع اساسی با سرمایه گذاری ملی احداث و توسعه می‌یابند، روند بالا نشان دهنده آن است که روند سرمایه گذاری ملی در بخش های یادشده در استان خوزستان کندتر از روند سرمایه گذاری در استانهای رقیب بوده است که در اینجا نقش مدیریت توسعه استان در تلاش برای اصلاح این روند با استدلال منطقی بارزتر می‌شود.

سایر بخش های صنعتی، که به طور معمول با سرمایه گذاری بخش خصوصی ایجاد و توسعه می‌یابند ضعف سرمایه گذاری (که در پایین بودن ارزش افزوده این صنایع منعکس است) را باید در عوامل مختلف اقتصادی - اجتماعی جست وجو کرد.

کاهش سهم ارزش افزوده استان خوزستان در سطح ملی، در بخش هایی رخ داده است که از بخش‌های بسیار مهم و پیشرو هستند که استان در آنها دارای سهم و با تمرکز مکانی بالا است، مانند صنایع شیمیایی و پتروشیمی و فلزی و آب و برق، حمل و نقل زمینی و ریلی و یا رشته‌هایی که توسعه آنها از ضرورت‌های توسعه استان است مانند ساختمان، واسطه گری مالی و مستغلات. دلیل اصلی کاهش یا افزایش سهم ارزش افزوده هریک از فعالیت‌های استان نسبت به فعالیت نظیر در کشور است، تفاوت نرخ رشد این دو در طول دهه موردبررسی است. بدیهی است هرگاه نرخ رشد ارزش افزوده یک فعالیت در سطح استان از نرخ رشد فعالیت نظیر در سطح کشور کمتر باشد سهم ارزش افزوده این فعالیت در کشور کاهش می‌یابد و این دقیقا همان است که در تعدادی از بخش‌ها و از جمله مهم ترین آنها در بخش‌های صنعت، تسهیلات عمومی، واسطه گری مالی و مستغلات رخ داده است. نرخ رشد پایین این بخش‌ها در سطح استان به معنی عدم استفاده مناسب از مزیت‌های نسبی استان است و موجب می‌شود مزیت نسبی استان خوزستان در این زمینه ها در سطح ملی کاهش یابد. به بیان ساده تر توسعه سرمایه گذاری و افزایش ارزش افزوده رشته هایی مانند صنعت شیمیایی و پتروشیمی، صنایع فلزی، آب و برق در استان خوزستان با توجه به دسترسی به منابع نفت و گاز و با توجه به زیربناهای حمل و نقل، سهولت دسترسی به بازارهای ملی و فراملی و توسعه حمل و نقل زمینی و ریلی با توجه به وجود بندر امام و وجود زیرساخت‌های فعلی آن که تنها نیاز به گسترش دارد، به طور طبیعی موجه‌تر از سرمایه گذاری در این زمینه ها در هر استان دیگری است. اگر راه اندازی صنایع شیمیایی و پتروشیمی‌با انتقال خوراک از استان خوزستان و یا بوشهر به هر استان دیگری موجه و اقتصادی باشد، بهره برداری از این منابع در استان خوزستان به طریق اولی از دیدگاه اقتصادی موجه‌تر است، زیرا حداقل به سرمایه گذاری اضافی در خط لوله برای انتقال خوراک پتروشیمی نیاز ندارند.

عدم توجه به این مزیتها موجب رشد سریع تر صنایع فولاد در استان‌های کرمان و اصفهان شده است و سهم استان خوزستان در ارزش افزوده این بخش در کشور از 9/19 درصد به ۱۲ درصد کاهش و رتبه آن نیز از دوم به سوم تنزل یافته است. در همین دوره جایگاه نخست ارزش افزوده صنایع شیمیایی و پتروشیمی‌سهم استان خوزستان حفظ شده است، اما سهم آن از ارزش افزوده این بخش در کشور از 3/49 درصد به ۳۰ درصد کاهش یافته است. در صورت ادامه این روند، جایگاه استان خوزستان در زمینه در صنعت مهم یادشده به رتبه های پایین تر تنزل خواهد یافت. رتبه پنجم استان خوزستان در تولید محصولات کشاورزی با توجه به منابع عظیم آب وخاک و امکان تولید محصولات نوبرانه و امکان دو بار کشت در سال به هیچ وجه مناسب نیست و رشد کند توسعه شبکه های آب در پشتیبانی از بخش کشاورزی نیز مزید بر علت است، همچنان که رشد کند ارزش افزوده دامداری استان موجب کاهش سهم آن در کشور و تنزل رتبه آن شده است.

4-4- تحلیل مصاحبه‌ها

در ادامه فصل چهارم بعد از تحلیل اطلاعات داده ها و آمارهای موجود به بررسی نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان پرداخته و برای بالا بردن کیفیت اطلاعات از بخش کمی‌به کیفی به مصاحبه کارشناسان در راستای موضوع مذکور پرداخته شده. در این مصاحبه از ۲۱ نفر کارشناس جهت مصاحبه صورت گرفته است.

4-4-1- ویژگی‌های مشترک مصاحبه شوندگان

بر مبنای روش شناسی تشریح شده در فصل سوم، تمامی مصاحبه‌ها ی استخراج شده جامعه آماری انتخاب شده برای مصاحبه نیمه ساختار و بدون ساختار یافته شامل کارشناسان و فعالین مربوط به بحث های توسعه‌ای استان که در زمینه های توسعه اقتصادی و اجتماعی نقش فعالی دارند؛ که محقق فرایند مصاحبه را تا جایی ادامه دهد که به اشباع نظری و داده های مورد نظر خود برسد و همچنین بعد از پیاده سازی مصاحبه‌ها به کدها تبدیل شدند که در ابتدا کدگذاری باز، سپس، کدگذاری محوری و در نهایت کدگذاری گزینشی انتخاب گردید و پس از دسته بندی کدهای مشابه و تبدیل آنها به مفاهیم، مقوله ها از آنها مشتق شدند.

4-4-2- وضعیت اقتصادی

جدول ۴-38- کد، مفهوم و مقوله استخراج شده از متن مصاحبه شوندگان

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| کد (از متن مصاحبه شده) | مفاهیم | مقوله |
| * ضعف بخش خصوصی * نامتوازنی مناطق ویژه اقتصادی * ضعف بخش گمرک * محدود بودن سرمایه‌گذاری خارجی * بیشترین سرمایه گذاری بر عهده دولت * رشد سرمایه گذاری دولتی در خصوص نفت و گاز * نادیده گرفتن درآمدهای بدون نفت * تسلط درآمدهای واحدهای پتروشیمی‌بر کشاورزی و خدمات * خروج سرمایه ها از استان | سرمایه مالی | اقتصادی |
| * نگرش صرفأ نفتی و صنعتی * هدف از توسعه گسترش پالایشگاه‌ها * ضعف و قدیمی‌بودن تکنولوژی * محدودیت زیربنایی برای مبادلات تجاری با کشورهای همسایه به ویژه عراق و کشورهای حوزه خلیج‌فارس * فراموشی طرح‌های کشاورزی * ضعف در جذب توریسم و گردشگری * بیکاری و اشتغال * مشکلات سرمایه گذاری در مناطق آزاد | امکانات زیربنایی |

با توجه به اطلاعات مصاحبه شوندگان در جدول ۴-38 به دست آمده است بیشتر مصاحبه شوندگان تأكید به مشکلات سرمایه گذاری و زیر بنایی به توسعه اقتصادی استان تأکید دارند. از دید مصاحبه شوندگان توسعه اقتصادی استان توسعه صنعتی و نفتی است. با توجه به اینکه استان خوزستان حدود ۷۰ درصد از درآمدهای ملی کشور را تأمین می‌کند این نگرش حاکم است که توسعه در استان بیشتر در بخش صنایع و بخش نفتی است. به همین «دلیل کمتر به زمینه توسعه پایدار، رونق گردشگری، توسعه روستایی، توسعه کشاورزی و توجه شده است و نگاه‌های بیشتر صنعتی بوده است». «بخش کشاورزی و زیرساختی رها شده و بیشتر به صنایعی مانند نفت پرداخته شده است». در بخش صنعت نیز تک بعدی عمل شده است و تنها به تولید و خام فروشی نفت مواد پتروشیمی عمل شده است. شاید بتوان گفت که نگاه تک بعدی به توسعه دلیل اصلی مشکلات خوزستان است و هم چنین سرمایه گذاری بخش خصوصی در خوزستان جهت اشتغال زایی خیلی کم است؛ زیرا بخش دولتی سرمایه گذاری جدیدی در زمینه اشتغال زایی ندارد؛ و بخش خصوصی توان رقابت با بخش دولتی را ندارد.

بیشترین بخش درآمدهای استان صرف ساخت مراکز صنعتی از جمله پتروشیمی‌ها و صنایع نفتی و گازی می‌شود که این امر باعث نادیده گرفتن توسعه در دیگر بخش‌ها از جمله کشاورزی و خدمات شده است؛ و این امر باعث می‌شود که استان در بخش های زیربنابی برای مناطق مختلف استان با مشکلات نابرابری نامتوازن در بین شهرهای استان از نظر امکانات و اشتغال مواجه شود؛ زیرا شهرهای که دارای پتروشیمی، شرکت نفت و صنایع در آنها تجمیع شده‎اند بیشترین خدمات به آنها ارائه می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت که مهم ترین مشکلات استان خوزستان از بعد اقتصادی شامل بیکاری، نامتوازنی امکانات در سطح شهرهای استان، عدم جذب سرمایه گذاری خصوصی، ضعف و قدیمی‌بودن بسیاری از تکنولوژیهای در سطح استان، عدم یک برنامه دقیق برای روابط و گسترش تجارت اقتصادی با کشورهای حوزه خلیج فارس و... مهم ترین مشکلات استان خوزستان از لحاظ اقتصادی است که از دید مصاحبه شوندگان بیشترین فراوانی را در بین آنها داشتند. استان خوزستان با دارا بودن سهم 3/5 درصدی از جمعیت فعال ۱۰ ساله و بیشتر کشور، در رتبه پنجم بعد از استان‌های تهران، آذربایجان شرقی، اصفهان و فارس قرار گرفته است. استان با ۳۳۰۰۴۹ نفر جمعیت بیکار و با نرخ بیکاری 7/25 درصدی رتبه دوم در این شاخص را بعد از سیستان و بلوچستان قرار دارد (سرشماری سال 1395). هم چنین استان خوزستان با سهم 67/4 درصدی از شاغلین بخش صنعت و معدن کشور و با سهم 82/4 درصدی از شاغلین بخش خدمات کشور در رتبه پنجم قرار دارد.

4-4-3- وضعیت اجتماعی

جدول ۴-39- کد، مفهوم و مقوله استخراج شده از متن مصاحبه شوندگان

|  |  |
| --- | --- |
| کد (از متن مصاحبه) | مقوله |
| * حاشیه نشینی در اطراف شهرها بزرگ * مهاجرت بیش از حد روستایان به شهرها * فقر و محرومیت در نواحی روستایی * کمبود درمانگاه برای روستاها * مشکلات بهداشت و درمان عشایر * خالی شدن روستاها * بیکاری جوانان * مهاجرت و ترک استان * ناهنجاری‌ها اجتماعی * شهرستان‌های فاقد بیمارستان * متخصصان و کارشناسان اقدام به خروج از استان * بروز بیماری‌های متعدد تنفسی و ریوی * افزایش اشتغال غیربومی (۶۰ الی ۷۰ درصد کارگران معمول شرکت‌ها و صنایع غیربومی استانی) * ۵ هزار سکونت غیر رسمی‌در بندر امام خمینی | اجتماعی |

با توجه به اطلاعات مصاحبه شوندگان در جدول ۴-39 به دست آمده است در ارتباط با مشکلات اجتماعی استان با مصاحبه شوندگان تأکید بر این شده است که استان خوزستان از جمله مشکلات حاشیه نشینی زیادی در اطراف شهرهای بزرگ همچون اهواز، آبادان، ماهشهر، بندر امام که در حال مهاجرت از روستا به شهر هستند و نبود امکانات و خدمات رسانی در مناطق روستایی زمینه را برای مهاجرت به شهرها را به جود آورده است. از جمله مشکلات دیگری که مصاحبه شوندگان بیان کردند مسائل مربوط به خدمات و امکانات برای بخش عشایر استان هستند زیرا که استان با توجه به این از لحاظ موقعیت جغرافیایی زمینهای را برای کوچ عشایر فراهم کرده است عشایری که از استان‌های اصفهان، چهار محال بختیاری و لرستان در فواصل سردسیر وارد استان خوزستان می‌شود، اما به دلیل نبود امکانات و ضعف در خدمات رسانی و نادیده گرفتن بخش صنعت و تولید عشایر باعث شده است که نیم بزرگی از عشایر استان دست از زندگی عشایری بردارند و در اطراف شهرها سکونت گزینند. از جمله مشکل دیگر خالی شدن بخش های زیادی از روستاهای استان، مهاجرت، روستا به شهر، مهاجرت از استان که به دلیل عوامل و مشکلات زیست محیطی و شرایط جوی ناپایدار در چند سال اخیر زمینه بیشتری را برای مهاجرت از استان فراهم کرده. تا جایی که استان خوزستان به عنوان سومین استان مهاجر فرصت در سطح کشور قرار گرفته است. کمبود امکانات و خدمات بهداشتی و آموزشی پایین بودن سطح کیفت آن امکان زمینه را برای روند مهاجرت بیشتر فراهم کرده است.

4-4-4- کالبدی و فضایی

جدول ۴-40- کد، مفهوم و مقوله استخراج شده از متن مصاحبه شوندگان

|  |  |
| --- | --- |
| کد (از متن مصاحبه) | مقوله |
| * انتقال آب سرشاخه های رودخانه کارون * کمبود آب آشامیدنی شهرهای جنوبی استان * آسیب های ناشی از زمان جنگ تحمیلی در شهرهای غربی استان * طرح فاضلاب در بسیاری از شهرها * طرح آبرسانی غدیر شمال استان به جنوب استان * بهره برداری و انتقال آب از پشت سدهای برای مصارف کشاورزی * تأمین حق آب تالاب های استان به خصوص تالاب هورالعظیم و شادگان * مهاجرت اجباری روستاییان و زیر آب رفتن راه‌های ارتباطی آنها | کالبدی و فضایی |

با توجه به متن مصاحبه شوندگان در جدول ۴-40 به دست آمده است در ارتباط با مسئله کالبدی فضای شهرهای استان خوزستان بیشتر به مشکلات دسترسی به آب آشامیدنی و فاضلآب‌های شهری تأکید کردند زیرا که بسیاری از شهرهای جنوب استان دارای مسائل مهمی از جمله آب رسانی شهری و حل مسئله فاضلاب با چالش‌های اساسی روبرو هستند. در برنامه های توسعه استان برا حل مشکل آب طرح کلان غدیر برای حل آب آشامیدنی استان ارائه شده است که از مناطق شمالی استان به مناطق جنوب استان طرح انتقال آب طرح ریزی شده است و این طرح هم به دلیل مشکلات مالی همچنین امکانات مناسب چندان در پیش روی طرح موفقیتی حاصل نشده است. با این شرایط نبود امکانات و خدمات شهری در کنار دیگر مسائل اجتماعی و زیست محیطی زمینه های را برای مهاجرت را در استان فراهم می‌کند. از جمله مشکلات دیگر کالبدی فضایی استان بافت فرسوده بسیاری از مناطق شهری در شهرهای استان خوزستان از جمله شهرهای دزفول، شوشتر، آبادان، بهبهان، اهواز اشاره کرد به دلیل داشتن بافت‌های تاریخی و فرسوده‌ای که دارند در معرض بسیاری از مشکلات قرار دارند زیرا که اکثر شهرهای شمالی استان بر روی گسل های زلزله قرار دارند و هم چنین در کنار آن وجود بسیاری از آسیب های اجتماعی که در بافت‌های فرسوده استان وجود دارد زمینه ای برای ناهنجاری اجتماعی، تردد عبور مرور را به جود آورده است. هم چنین شهرهای غربی استان هنوز اثرات جنگ ۸ ساله و آسیب های ناشی از آن از جمله بازسازی نشدن بسیاری از واحدها، زیباسازی شهری، فضای شهری و ... مواجه هستند.

4-5- مدل راهبردی

در ادامه فصل چهارم برای تعیین راهبردها توسعه استان با استفاده از مدل راهبردی SWOT استفاده شده است. در این مدل ابتدا اقدام به تشکیل ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی، سپس ماتریس توز و در نهایت ماتریس داخلی و خارجی گردید. مراحل تهیه ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی به شرح زیر است:

1. پس از بررسی عوامل داخلی، مهم ترین عوامل فهرست می‌شوند. مجموع این عوامل باید بین ۱۰ تا ۲۰ مورد باشد. این عوامل باید در برگیرنده نقاط قوت و ضعف سازمان باشند. ابتدا نقاط قوت و سپس نقاط ضعف نوشته می‌شود.
2. به این عوامل از صفر (اهمیت ندارد) تا ۱ (بسیار مهم) ضریب داده می‌شود. باید به عاملی که دارای بیشترین اثر است، بالاترین ضریب را داد. مجموع این ضریب ها باید برابر با عدد یک شود.
3. به هر یک از عامل ها نمره ۱ تا ۴ داده می‌شود. نمره ۱ بیانگر ضعف اساسی، نمره ۲ ضعف کم، نمره ۳ بیانگر قوت و نمره ۴ نشان دهنده قوت بالای عوامل است (رضوانی، ۱۳۸۹: ۱۵۲). اگر یک عامل داخلی به صورت همزمان دارای اثر قوت و ضعف است این عامل را باید دوباره در ماتریس گنجانید و برای هر نوبت به آن ضریب و نمره داد (طبیبی و ملکی، ۱۳۸۴: ۱۴۴).
4. برای تعیین امتیاز هر عامل، ضریب هر عامل را در رتبه آن ضرب کنید (رضوانی، ۱۳۸۹: ۱۵۳). نمره نهایی حاصل ضرب دو ستون پیشین، یعنی ضریب در عدد رتبه است (طبیبی و ملکی، ۱۳۸۴: ۱۴۴).
5. مجموع امتیاز نهایی هر عامل محاسبه شده تا نمره نهایی مشخص شود. صرف نظر از تعداد عامل هایی که در ماتریس ارزیابی عوامل داخلی گنجانیده می‌شود، جمع نمره نهایی بین ۱ تا ۴ خواهد بود و میانگین آنها 5/2 است. اگر نمره به دست آمده کمتر از 5/2 باشد بیانگر ضعف و اگر بیشتر از 5/2 باشد، بیانگر قوت در عوامل داخلی است (رضوانی، ۱۳۸۹: ۱۵۳).

برای تهیه ماتریس ارزیابی عوامل خارجی نیز باید پنج مرحله، به شرح زیر طی شود:

1. پس از بررسی عوامل خارجی، عوامل شناخته شده فهرست می‌شود. نخست عواملی که موجب فرصت می‌شوند و سپس تهدیدها نوشته می‌شوند. مجموع این عوامل باید بین ۱۰ تا ۲۰ مورد باشد (رضوانی، 1389: 113).
2. به عوامل وزن یا ضریب داده می‌شود. ضریب ها از صفر (بی اهمیت) تا ۱ (بسیار مهم) می‌باشند. ضریب نشان دهنده اهمیت نسبی یک عامل است. اغلب به عواملی که موجب فرصت یا موقعیت می‌شوند ضریب بیشتری (در مقایسه با عوامل تهدید کننده) داده می‌شود (ولی اگر عوامل تهدید کننده هم شدید باشند، باید به آنها ضریب بالایی داد).
3. اگر بخواهیم استراتژی آتی را تعیین کنیم به هر عاملی که فرصت عالی باشد نمره ۴، فرصت خوب نمره 3، تهدید اساسی نمره ۲ و تهدید بسیار اساسی نمره 1 داده می‌شود.
4. ضریب هر عامل در رتبه مربوطه ضرب می‌شود تا امتیاز هر عامل به دست آید.
5. مجموع امتیازهای متعلق به متغیر تعیین می‌شود. در ماتریس ارزیابی عوامل خارجی هیچ گاه مجموع نمره نهایی به بیش از ۴ و هیچ گاه به کمتر از ۱ نمی‌رسد. میانگین این جمع 5/2 می‌شود. اگر نمره نهایی EFE از 5/2 بیشتر باشد نشان دهنده ی این موضوع است که محیط فرصت زا است و اگر این نمره از 5/2 کمتر باشد برعکس. درک عوامل استفاده شده در ماتریس ارزیابی عوامل خارجی، بسیار مهم تر از ضریب یا نمره ای است که به این عوامل میدهند (رضوانی، ۱۳۸۹: ۱۱۴). در این پژوهش ۱۸ پرسشنامه ۴۰ سؤالی ساخته شده و به کارشناسان و صاحب نظران داد شد و بعد از جمع آوری پرسشنامه ها در ادامه به تجزیه تحلیل اطلاعات پرداخته می‌شود.

4-5-1- ارزیابی عوامل داخلی (قوت و ضعف)

جدول ۴-41- ماتریس ارزیابی عوامل داخلی

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| ارزیابی عوامل داخلی IFE | ضریب | رتبه | امتیاز |
| نقاط قوت | | | |
| 1- آب و خاک کافی برای کشاورزی پربازده آبی و اقلیم برای تولید کشاورزی غیر فصلی، جلگه هموار با وسعت بیش از ۶۰ درصد استان برای هرگونه فعالیت کشاورزی | 084/0 | 4 | 336/0 |
| ٢- وجود بندر صادراتی و وارداتی امام خمینی که نزدیک ترین بندر تجاری بزرگ به پایتخت کشور و همچنین سهم مهمی‌در صدور و ورود کالاها صادراتی و وارداتی در کشور را دارد. | 082/0 | 3 | 246/0 |
| ٣- وجود رودخانه‌های بزرگ و پرآب و دائمی، هورها و تالاب های متعدد و وسیع در سطح استان | 077/0 | 4 | 308/0 |
| ۴- دسترسی به آب‌های آزاد و بریدگی‌های مناسب ساحلی برای ایجاد بنادر بازرگانی و صیادی مناسب | 072/0 | 3 | 201/0 |
| ۵- منابع نفت و گاز عظیم با ذخایر قطعی فراوان | 067/0 | 3 | 201/0 |
| ۶- انسجام فرهنگی و مذهبی (شیعه) و دوری از مناقشات دینی | 086/0 | 3 | 256/0 |
| ۷- تولید و استخراج و صدور نفت و گاز به خارج برای دستیابی به ارزهای خارجی و تولید فرآورده های نفتی و گازی برای مصرف داخلی | 074/0 | 4 | 296/0 |
| ۸- همجواری استان خوزستان با نیمه جنوبی کشور عراق به عنوان یک کشور با فرهنگ مشترک و سواحل جنوبی خلیج فارس با بازارهای مناسب | 072/0 | 3 | 216/0 |
| 9- تبدیل استان به قطب نخست تأمین آب و برق (اولی با کاربرد استانی و دومی‌با کاربرد در شبکه ملی)، قطب اول صنایع شیمیایی و پتروشیمی‌کشور و جایگاه دوم تا سوم در صنایع فلزات اساسی کشور | 074/0 | 4 | 296/0 |
| ۱۰- احداث فرودگاه‌های بین المللی اهواز و آبادان و فرودگاه‎های داخلی دزفول و آغاجاری | 058/0 | 3 | 174/0 |
| جمع کل | 0746/0 | 34 | 5/2 |
| نقاط ضعف | | | |
| ۱-گرمای زیاد و طولانی، مانعی در فعالیت‌های اقتصادی و عمرانی و افزایش دهنده مصارف انرژی برای سرمازایی | 070/0 | 1 | 070/0 |
| ۲-گسترش اسکان غیررسمی و حاشیه نشینی در حاشیه شهرهای بزرگ استان که محصول فقر امکانات روستایی | 070/0 | 1 | 070/0 |
| ٣- پایین بودن بهره وری منابع آب در بخش کشاورزی به ویژه بالابود سهم بالای ۹۰ درصدی سهم بخش کشاورزی استان | 060/0 | 1 | 120/0 |
| 4- ساختار شبکه هیدروگرافی استان به گونه ای است که رودخانه‌های اصلی مثل رودخانه کارون، دز و کرخه از شمال به سمت جنوب جریان می‌یابند و درنتیجه آلودگی در بالادست می‌تواند تمام مسیر اطراف رودخانه تا مصب آن در دریا را آلوده نماید. | 068/0 | 2 | 136/0 |
| ۵- تمرکز بیش از اندازه جمعیت شهری در اهواز و ایجاد یک نخست شهری شدید در شبکه شهری استان (جمعیت بیش از پنج برابری شهر اهواز نسبت به شهر دوم استان در سال ۱۳۹۵) | 068/0 | 1 | 068/0 |
| ۶- وابستگی شدید و بسیار زیاد به منابع آب‌های سطحی و پایین بودن سهم برداشت آب زیرزمینی به دلیل شوری این منابع | 074/0 | 2 | 148/0 |
| ۷- تفاوت‌های قومی و زبانی در سطح استان است که چنانچه برخورد اندیشیده و مناسبی برای آن وجود نداشته باشد. | 054/0 | 1 | 054/0 |
| ۸- تهدیدات مستمر در زمینه بیابان زایی و گسترش شن‌های روان در اثر عوامل طبیعی و انسانی. | 054/0 | 1 | 054/0 |
| ۹- سرمایه گذاری بسیار پایین بخش خصوصی در بخش صنعت استان | 061/0 | 2 | 122/0 |
| 10- مهاجر فرستی استان | 070/0 | 1 | 070/0 |
| جمع کل | 667/0 | 15 | 03/1 |

تلخيص نتایج تحقیق

4-5-2- فرصت و تهدید عوامل خارجی (فرصت و تهدید)

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| عوامل خارجی EFE | ضریب | رتبه | امتیاز |
| نقاط فرصت | | | |
| 1- برخورداری استان از کوتاه ترین فاصله بین بندرهای جنوب کشور با پایتخت و تمرکز جمعیتی در غرب کشور برای توسعه بازرگانی و حمل واردات و صادرات کشور | 071/0 | 4 | 284/0 |
| ۲- نزدیکی به بازار بزرگ فراملی در سواحل جنوبی خلیج فارس و برخورداری از همجواری و مرز زمینی برای توسعه صادرات کشور و استان و به ویژه تولیدات کشاورزی، صنعتی و ارائه خدمات به کشورهای همسایه جنوبی و دور و نزدیک | 065/0 | 4 | 260/0 |
| 3- شناخته شدن شهرهای مهم اهواز، آبادان، خرمشهر و بندر امام خمینی در سطح جهان به لحاظ کارکردهای بین المللی و فراملی استان در تولید و استخراج و صدور نفت و گاز و تجارت بین المللی | 071/0 | 3 | 213/0 |
| ۴- دسترسی به سواحل و آب‌های بین المللی در تمام سواحل جنوبی استان، همراه با برخورداری از بندرگاه امام خمینی (یکی از دو بندرگاه بزرگ کشور با سطح یک مبادی ورودی و خروجی) و بندرهای باسابقه آبادان و خرمشهر و فرودگاه‌های بین المللی | 067/0 | 4 | 268/0 |
| ۵- تنوع اقلیمی، آب فراوان و دسترسی به سواحل طولانی | 076/0 | 3 | 228/0 |
| ۶- دسترسی به شبکه ریلی سراسری کشور و تقسیم کار ملی سه گانه ای که به آن محول شده سبب تعامل اقتصادی گسترده اقتصادی کشور با تمام نقاط کشور | 063/0 | 3 | 189/0 |
| ۷- خط ترانزیت محور غرب کشور (آذربایجان - خوزستان) | 074/0 | 3 | 222/0 |
| ۸- امکان گسترش جذب توریست خارجی | 082/0 | 4 | 238/0 |
| 9- مشارکت بین المللی برای بازسازی کشور عراق بعد (جنگ داخلی) | 070/0 | 3 | 210/0 |
| ۱۰- تولید انرژی‌های نو به ویژه در مبحث باد و انرژی خورشیدی | 065/0 | 4 | 260/0 |
| جمع کل | 704/0 | 36 | 47/2 |
| نقاط تهدید | | | |
| ۱- سواحل طولانی در آب‌های بین المللی و خطر آلودگی ناشی از استخراج نفت و گاز و فعالیت‌های مرتبط با آن در آب‌های بین المللی | 071/0 | 2 | 071/0 |
| 2- تغییرات اقلیمی، کاهش بارش برف و تبدیل آن به باران و در نتیجه کاهش ماندگاری و احتمال کاهش نزولات جوی | 067/0 | 2 | 134/0 |
| ۳- وابستگی شدید مصرف آب استان به منابع آب‌های سطحی که از استان‏های بالادست سرچشمه می‏گیرد و امکان احداث سدها در سرچشمه‌های کارون در برون استان | 072/0 | 1 | 072/0 |
| ۴- عدم تعیین نقش و جایگاه درخور برای استان خوزستان در سطح ملی براتی پیشرفت در تکنولوژی‌های پیشرفته بایو و نانو فن آوری، انرژی خورشیدی، تکنولوژی ارتباطات و توریسم درمانی، علیرغم برخورداری از زمینه های لازم، که به تدریج موجب عقب ماندگی استان می‌شود. | 072/0 | 2 | 144/0 |
| ۵- افت سهم و جایگاه بندر امام خمینی در سطح کشور و به ویژه در مقایسه با بندر شهید رجایی به علت گسترش نیافتن تأسیسات و تجهیزات تخلیه و بارگیری کانتینری | 065/0 | 1 | 065/0 |
| ۶- قرارگیری استان در پیشانی آلودگی­های زیست محیطی فراتر از مرزهای استان به ویژه آلودگی ناشی از ریز گردها | 058/0 | 1 | 058/0 |
| 7- قرارگیری استان در نواحی مرزی باسابقه خطرپذیری و تنش‌های سیاسی، قومی و مذهبی و وجود برخی زمینه‌های قومی | 077/0 | 1 | 077/0 |
| ۸- امکان تقسیم به دو استان خوزستان شمالی و خوزستان جنوبی | 058/0 | 1 | 058/0 |
| ۹- عدم پیوند با اقتصادی جهانی و تهدید ناشی از تحریم‌های خارجی و اثر آن برافت سرمایه گذاری در استان از محل منابع عمومی و افت فعالیت‌های اقتصادی به ویژه حمل ونقل و اثر آن بر سایر بخش‌ها | 076/0 | 1 | 076/0 |
| ۱۰- رقیب بودن استان‌های نفت و گازی در سطح ملی | 067/0 | 2 | 067/0 |
| جمع کل | 683/0 | 14 | 98/0 |

تلخيص نتایج تحقیق

جدول 4-42- شدت‌های وزنی نهانی

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| عنوان |  | امتیاز |
| شدت وزنی نقاط درونی | قوت | 53/2 |
| ضعف | 03/1 |
| شدت وزنی نقاط بیرونی | فرصت | 47/2 |
| تهدید | 98/0 |

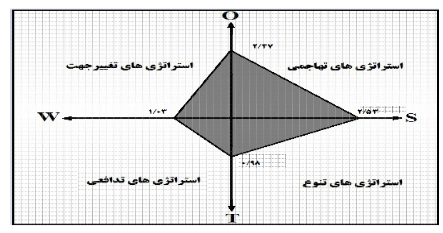
تلخیص نتایج تحقیق

جدول 4-43- تعیین حوزه راهبردی

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| استفاده از نقاط قوت در کنار فرصت‌ها (موقعیت تهاجمی) | بهره‌گیری از فرصت‌ها برای کاهش نقاط ضعف (انطباقی) | **نمره بیش از 5/2** | **نمره نهایی عوامل خارج** |
| بهره‌گیری از نقاط قوت برای کاهش اثر تهدیدها (اقتضایی) | در نظر گرفتن تهدیدها و نقاط ضعف و سعی بر کاهش اثر آنها (موقعیت دفاعی) | **نمره کمتر از 5/2** |
| **نمره بیش از 5/2** | **نمره کمتر ار 5/2** |  | |
| **نمره نهایی عوامل داخلی** | |

تلخیص نتایج تحقیق

بر مبنای جدول 4-42 شدت‌های وزنی نهایی، جدول فوق و نمودار زیر موقعیت‌ تهاجمی مناسب‌ترین حوزه در میان راهبردهای دیگر است.



شکل 4-2- تعیین حوزه راهبردی

4-5-3- راهبردهای پیشنهادی

همانگونه که مطرح شد استراتژی تهاجمی مناسبترین استراتژی از میان سایر استراتژی‌هاست. این راهبردها در ماتریس داخلی و خارجی در کنار سایر راهبردها، ارائه شده‌اند.

جدول 4-44- ماتریس داخلی و خارجی (IE)

|  |  |
| --- | --- |
| 1O- برخورداری استان از کوتاه ترین فاصله بین بندرهای جنوب کشور با پایتخت و تمرکز جمعیتی در غرب کشور برای توسعه بازرگانی و حمل واردات و صادرات کشور | 1T - سواحل طولانی در آب‌های بین المللی و خطر آلودگی ناشی از استخراج نفت و گاز و فعالیت‌های مرتبط با آن در آب‌های بین المللی. |
| 2O - نزدیکی به بازار بزرگ فراملی در سواحل برف جنوبی خلیج فارس و برخورداری از هم جواری و مرز زمینی برای توسعه صادرات کشور و استان و به ویژه تولیدات کشاورزی، صنعتی و ارائه خدمات به کشورهای همسایه جنوبی و دور و نزدیک | 2T - تغییرات اقلیمی، کاهش بارش و تبدیل آن به باران و درنتیجه کاهش ماندگاری و احتمال کاهش نزولات جوی |
| 3O - شناخته شدن شهرهای مهم اهواز، آبادان، خرمشهر و بندر امام خمینی در سطح جهان لحاظ کارکردهای بین المللی و فراملی استان در تولید و استخراج و صدور نفت و گاز و تجارت بین المللی | 3T - وابستگی شدید مصرف آب استان به منابع آب‌های سطحی که از به استان‌های بالادست سرچشمه می‌گیرد و امکان احداث سدها در سرچشمه های کارون در برون استان |
| 4O - دسترسی به سواحل و آب‌های بین المللی در تمام سواحل جنوبی استان، همراه با برخورداری از بندرگاه امام خمینی (یکی از دو بندرگاه بزرگ کشور با سطح یک مبادی ورودی و خروجی) و بندرهای باسابقه آبادان و خرمشهر و فرودگاه‌های بین المللی | 4T - عدم تعیین نقش و جایگاه درخور برای استان خوزستان در سطح ملی برای پیشرفت در تکنولوژی‌های پیشرفته بایو و نانو فن آوری، انرژی خورشیدی، فناوری ارتباطات و توریسم درمانی، علیرغم برخورداری از زمینه های لازم، که به تدریج موجب عقب ماندگی استان می‌شود. |
| 5O - تنوع اقلیمی، آب فراوان و دسترسی به سواحل طولانی. | 5T - افت سهم و جایگاه بندر امام خمینی در سطح کشور و به ویژه در مقایسه با بندر شهید رجایی به علت گسترش نیافتن تأسیسات و تجهیزات تخلیه و بارگیری کانتینری |
| 6O - دسترسی به شبکه ریلی سراسری کشور و تقسیم کار ملی سه گانه‌ای که به آن محول شده سبب تعامل اقتصادی گسترده اقتصادی کشور با تمام نقاط کشور. | 6T - قرار گیری استان در پیشانی آلودگی‌های زیست محیطی فراتر از مرزهای استان به‌ویژه آلودگی ناشی از ریزگردها. |
| 7O - ایجاد خط ترانزیت محور غرب کشور (آذربایجان - خوزستان) | 7T - قرارگیری استان در نواحی مرزی باسابقه خطرپذیری و تنش‌های سیاسی، قومی و مذهبی و وجود برخی زمینه‌های قومی. |
| 8O - امکان گسترش جذب توریست خارجی | 8T - امکان تقسیم به دو استان خوزستان شمالی و خوزستان جنوبی. |
| 9O - مشارکت بین المللی برای بازسازی کشور عراق بعد (جنگ داخلی) | 9T - عدم پیوند با اقتصادی جهانی و تهدید ناشی از تحریم‌های خارجی و اثر آن برافت سرمایه گذاری در استان از محل منابع عمومی و افت فعالیت‌های اقتصادی به ویژه حمل ونقل و اثر آن بر سایر بخش‌ها. |
| 10O -تولید انرژی‌های نو به ویژه در مبحث باد و انرژی خورشیدی. | 10T - رقیب بودن استان‌های نفت و گازی در سطح ملی |

| قوت‌ها: | استراتژی حداکثر - حداکثر (MM): | استراتژی حداکثر - حداقل (Mm): |
| --- | --- | --- |
| 1S - آب و خاک کافی برای کشاورزی پربازده آبی، اقلیم برای تولید کشاورزی غیر فصلی، جلگه هموار با وسعت بیش از ۶۰ درصد استان برای هرگونه فعالیت. | 1O1S - با توجه به پشتوانه تولید داخلی برای صادرات، ضرورت دارد با هدایت توسعه استان و تعامل سازنده با کشورهای همسایه، سازمان‌های صنعت، معدن و تجارت، سازمان کشاورزی و سازمان بنادر استان راهکارهای توسعه صادرات محصولات کشاورزی، صنعتی و معدنی استان با کشورهای همسایه از طریق بندرهای خرمشهر و آبادان را بررسی و اجرایی نمایند. | 1T1S - کاهش بخشی از اثرات تهدید افت سرمایه گذاری خارجی و محدودیت انتقال تکنولوژی از طریق سرمایه گذاری در ارتقای تکنولوژی داخلی در بخش استخراج و تولید و تبدیل فرآورده های قابل صدور |
| 2S - وجود بندر صادراتی و وارداتی امام خمینی نزدیک ترین بندر تجاری بزرگ به پایتخت کشور سهم مهمی‌در صدور و ورود کالاها صادراتی و وارداتی در کشور. | 2O2S - استفاده هرچه بیشتر از نقاط قوت دانش تخصصی داخلی برای توسعه صادرات همکاری‌های فنی با کشورهای همسایه. | 2T2S - راهکارهای تعامل با کشورهای دارای تجربه در توسعه بنادر، به عنوان مثال سنگاپور، برای سرمایه‌گذاری در بندرهای خرمشهر و آبادان را از طریق مقامات ملی تعقیب نماید. |
| 3S - وجود رودخانه‌های بزرگ و پرآب و دائمی، هورها و تالاب های متعدد و وسیع در سطح استان | 3O3S - استفاده هرچه بیشتر از نقاط قوت دسترسی به منابع آب، نفت و گاز و دانش تخصصی برای توسعه صنایع شیمیایی و پتروشیمی و استفاده از دسترسی به بازارهای برون مرزی برای توسعه تولید استان و توسعه صادرات. | 3T3S - حمایت از سازمان محیط زیست استان برای اعمال وظایف قانونی در حفاظت از محیط زیست چه در مرحله صدور مجوز احداث واحدهای صنعتی چه در نظارت مستمر بر عملکرد صنایع. |
| 4S - دسترسی به آب‌های آزاد و بریدگی‌های مناسب ساحلی برای ایجاد بنادر بازرگانی و صیادی مناسب | 4O4S - توسعه شبکه های آبرسانی با توجه به نقطه قوت سازمان‌های کشاورزی و صنعتی استان برای افزایش تولیدات این رشته‌ها و بهره گرفتن از امکانات صادرات. | 4T4S - کاهش اثرات تهدید کاهش منابع آب از طریق تخصیص سرمایه گذاری بیشتر از محل اعتبارات ملی و استانی در تفکیک و گسترش شبکه های آبرسانی و بهینه سازی مصرف آب، ضمن خدمت به حفاظت همه بخش‌ها، با توسعه فرصت‌های صادراتی می‌تواند بخشی از هزینه های بهبود تکنولوژی مصرف منابع آب را جبران نماید. |
| 5S - منابع نفت و گاز عظیم با ذخایر قطعی فراوان | 5O5S - استفاده از توان تخصصی و تجربی سازمان کشاورزی در بخش ترویج، برای اشاعه گونه های پربازده و کم مصرف آب برای افزایش درآمد کشاورزان و توسعه تولید و توسعه صادرات. | 5T5S - مدیریت توسعه استان با استفاده از توان تخصصی و علمی‌دانشگاه‌ها و سازمان‌های مسئول (به خصوص کشاورزی و محیط زیست) برای تعیین، انتخاب و ترویج گونه های محصولات کشاورزی که آسیب کمتری از ریز گردها ببینند اقدام نمایند. |
| 6S - انسجام فرهنگی و مذهبی (شیعه) و دوری از مناقشات دینی. | 6O6S - ترویج بهره برداری مؤثر از انرژی خورشیدی در واحدهای مسکونی و کارگاه‌ها، صنایع و کشاورزی. |  |
| 7S - تولید و استخراج و صدور نفت و گاز به خارج برای دستیابی به ارزهای خارجی و تولید فرآورده های نفتی و گازی برای مصرف داخلی |  |  |
| 8S - همجواری استان خوزستان با نیمه جنوبی کشور عراق به عنوان یک کشور با فرهنگ مشترک و سواحل جنوبی خلیج فارس با بازارهای مناسب. |  |  |
| 9S - تبدیل استان به قطب نخست تأمین آب و برق (اولی با کاربرد استانی و دومی‌با کاربرد در شبکه ملی)، قطب اول صنایع شیمیایی و پتروشیمی‌کشور و جایگاه دوم تا سوم در صنایع فلزات اساسی کشور. |  |  |
| 10S - احداث فرودگاه‌های بین المللی اهواز و آبادان و فرودگاه‌های داخلی دزفول و آغاجاری |  |  |

| ضعف‌ها: | استراتژی حداقل حداکثر (mM): | استراتژی حداقل - حداقل (mm): |
| --- | --- | --- |
| 1W - گرمای زیاد و طولانی، مانعی در فعالیت‌های اقتصادی و عمرانی و افزایش دهنده مصارف انرژی برای سرمازایی. | 1O1W - کاستن از ضعف کمبود تخصیص اعتبارات ملی، از طریق ترغیب مقامات ملی به تخصیص بیشتر اعتبارات ملی در تولید فرآورده های نفت و گاز به استان با طرح نقاط قوت استان و مزیت اقتصادی توسعه این فعالیت در استان خوزستان و فرصت‌های صادراتی محصولات این صنایع و جایگزینی واردات فرآورده. | 1T1W - کاستن از تهدید کاهش سرمایه گذاری خارجی با استفاده از فرصت‌های مشابهت فرهنگی... و امکان توافقنامه‌های همکاری منطقه ای...، با پیگیری در سطح ملی که به افزایش سرمایه گذاری خارجی منجر شود. |
| 2W - گسترش اسکان غیررسمی و حاشیه نشینی در حاشیه شهرهای بزرگ استان که محصول فقر روستایی. | 2O2W - باز کردن فضای فعالیت بخش خصوصی برای کاستن از ضعف سرمایه گذاری درون استانی، به ویژه در صنایع پایین دست | 2T2W - سرمایه گذاری هرچه بیشتر در حفاظت محیط زیست و افزایش راندمان مصرف آب برای کاهش اثرات تهدید کاهش منابع آب و آلودگی محیط زیست |
| 3W - پایین بودن بهره وری منابع آب در بخش کشاورزی و به ویژه بالابود سهم بالای ۹۰ درصدی سهم بخش کشاورزی استان. | 3O3W - اعمال مؤثرتر روش های مدیریت مصرف انرژی در سطح ملی برای کاستن از مصرف انرژی داخلی و باز کردن سهم صادرات نفت و فرآورده. | 3T3W - سرمایه گذاری هرچه بیشتر در حفاظت محیط زیست برای پایش آلودگی در تهدید منابع آب، خاک و هوا. |
| 4W - ساختار شبکه هیدروگرافی استان به گونه ای است که رودخانه‌های اصلی مثل رودخانه کارون، دز و کرخه از شمال به سمت جنوب جریان می‌یابند و درنتیجه آلودگی در بالادست می‌تواند تمام مسیر اطراف رودخانه تا مصب آن در دریا را آلوده نماید. | 4O4W - تبلیغ فرصت‌های صادراتی محصولات این صنایع، برای افزایش انگیزه بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در استان را بهبود بخشید. | 4T4W - سرمایه گذاری ملی برای احداث صنایع جایگزین صنعت نفت. |
| 5W - تمرکز بیش از اندازه جمعیت شهری در اهواز و ایجاد یک نخست شهری شدید در شبکه شهری استان (جمعیت بیش از پنج برابری شهر اهواز نسبت به شهر دوم استان در سال ۱۳۹۵). | 5O5W - برای توسعه تجارت با کشورهای همسایه ضرورت دارد با استفاده از توانمندی دستگاه‌های ذیربط در دو مورد (1) بررسی و رفع تنگناهای ظرفیت بندرهای خرمشهر و آبادان و (۲) بررسی و رفع موانع توسعه تجارت خارجی با کشورهای همسایه از طریق بندرهای خرمشهر و آبادان اقدام شود. | 5T5W - سرمایه گذاری در افزایش راندمان مصرف آب در همه بخش‌ها برای مقابله با تهدید محدودیت و کاهش احتمالی منابع آب. |
| 6W - وابستگی شدید و بسیار زیاد به منابع آب‌های سطحی و پایین بودن سهم برداشت آب زیرزمینی به دلیل شوری این منابع. | 6O6W - توسعه زیرساخت‌های حمل ونقل در ارتباط با مرزهای کشورهای همسایه برای بهره گیری بیشتر از بازار صادراتی. | 6T6W - توجه به توسعه  تأسیسات حمل کانتینری در بنادر استان هرمزگان و نقطه ضعف محرومیت استان خوزستان از این تأسیسات و با توجه به اینکه روند حمل بار در تجارت خارجی به سمت حمل کانتینری رفته و می‌رود، ضرورت دارد در مورد مزیت اقتصادی حمل کالا به داخل کشور با توجه به نزدیکی آن به مرکز جمعیتی و سابقه بندری استان، تخصیص سهم بیشتری از منابع ملی برای توسعه و تجهیز بندر امام خمینی به تجهیزات تخلیه و بارگیری کانتینری را خواستار شوند. |
| 7W - تفاوت‌های قومی و زبانی در سطح استان است که چنانچه برخورد اندیشیده و مناسبی برای آن وجود نداشته باشد. | 7O7W - توسعه شبکه جاده‌ای و ریلی جنوب - شمال فعلی استان و ساخت و توسعه محور دوم جنوب - شمال از ضروریات اجرایی شدن توسعه بندر امام است، زیرا از هم اکنون تراکم ترافیک در کریدور جنوب - شمال فعلی ظاهر شده است. | 7T7W - توسعه شبکه های آبرسانی و آبیاری برای کاهش نقطه ضعف پایین بودن راندمان مصرف آب در جهت مقابله با تهدید کاهش احتمالی منابع آب و انتقال آب به سایر استان‌ها. |
| 8W - تهدیدات مستمر در زمینه بیابان زایی و گسترش شن‌های روان در اثر عوامل طبیعی و انسانی... | 8O8W - توسعه شبکه های آبرسانی و آبیاری برای امکان پذیر ساختن توسعه فعالیت‌های مولد کاهش نقطه ضعف پایین بودن ارزش افزوده، درآمد و سطح اشتغال. | 8T8W - توسعه و استفاده از توان انرژی‌های غیر فسیلی، بارزترین نمونه در این زمینه ضرر و زیان استانی و ملی در به کار نگرفتن انرژی خورشیدی و از جمله در استان خوزستان است. |
| 9W - سرمایه گذاری بسیار پایین بخش خصوصی در بخش صنعت استان. |  |  |
| 10W - مهاجر فرستی استان. |  |  |

تلخيص نتایج تحقیق

* آزمون فرضیات

جدول 4-45- محاسبه فرضیات تحقیق

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
|  | فرضیه | نتیجه |
| فرضیه فرعی اول | بین نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد عدالت اجتماعی استان خوزستان مرابطه وجود دارد | تایید گردید |
| فرضیه فرعی دوم | بین نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد سرمایه اجتماعی استان خوزستان رابطه وجود دارد. | تایید گردید |
| فرضیه فرعی سوم | بین نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد رفاه اجتماعی استان خوزستان رابطه وجود دارد. | تایید گردید |
| فرضیه فرعی چهارم | بین نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد فرصت های شغلی استان خوزستان رابطه وجود دارد. | تایید گردید |
| فرضیه فرعی پنجم | بین نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد افزایش درآمد و قدرت خرید استان خوزستان رابطه وجود دارد | تایید گردید |
| فرضیه فرعی ششم | بین نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد تورم استان خوزستان رابطه وجود دارد. | تایید گردید |
| فرضیه هفتم | بین نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد تورم استان خوزستان رابطه وجود دارد | تایید گردید |
| فرضیه هشتم | بین نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد تولید ناخالص استان خوزستان رابطه وجود دارد. | تایید گردید |
| فرضیه نهم | بین نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد بهره وری استان خوزستان رابطه وجود دارد | تایید گردید |
| فرضیه دهم | بین نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد آموزش استان خوزستان رابطه وجود دارد | تایید گردید |
| فرضیه یازدهم | بین نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی در بعد عدالت اجتماعی استان خوزستان مرابطه وجود دارد | تایید گردید |

در این پژوهش در بخش محاسبه فرضیات تحقیق ،و مقدار معناداري محاسبه شده، با توجه به اینکه مقدار معناداری تمام فرضیات کمتر از 05/0 بدست آمده است، لذا فرض صفر رد شده و فرض مقابل با اطمينان 95 درصد مورد تایید قرار گرفته

4-5-4- جمع بندی راهبردهای داخلی و خارجی

مسیر توسعه استان خوزستان مانند هر منطقه دیگر در بهره برداری صحیح از نقاط قوت و فرصت‌های در جهت کاهش اثرات ضعف‌ها و مقابله با تهدیدها می‌گذرد. خوشبختانه بسیاری از نقاط قوت و فرصت‌های استان، دارای جنبه ساختاری هستند که از ویژگی دیرپایی برخوردار می‌باشند. به عنوان مثال نقاط قوت و فرصت‌های توسعه استان مانند نزدیکی به مراکز جمعیتی میانه و غرب کشور، دسترسی به منابع آب وخاک مناسب، اقليم غير فصلی، دسترسی به آب‌های بین المللی که به صورت ساختاری زمینه های توسعه اقتصادی و اجتماعی را در استان فراهم می نمایند، دارای ویژگی ثبات و دیرپایی هستند. در مقابل بسیاری از نقاط ضعف (و نه تمام آنها) و تا حدودی حتی بعضی از تهدیدهای فراروی استان، عارضه های ناشی از فعالیتهای انسانی هستند که با اصلاح مسیر می‌توانند به نقطه قوت و فرصت تبدیل شوند؛ مانند آلودگی‌های زیست محیطی ناشی از فعالیت‌های انسان در دورهای بلندمدت تر با اتخاذ تصمیمات صحیح قابل اصلاح هستند. حتی بعضی از تهدیدهای بیرونی مانند کاهش احتمالی منابع آب نیز با اعمال روشهای صرفه جویی در مصرف، همراه با افزایش راندمان می‌توانند به فرصت‌های مناسب تبدیل شوند.

نقاط قوت و فرصت‌های توسعه استان چنانکه گفته شد بیشتر جنبه ساختاری دارند. نقاط قوت فرصت‌های استان را می‌توان به دو دسته اصلی – فرعی / یا علت - معلول تقسیم کرد. اصلی ترین نقاط قوت و فرصت‌های استان که بیشتر جنبه ساختاری دارند و از ویژگی پابرجایی برخوردار هستند، تعامل با یکدیگر، به نوعی در شکل گیری فرصت‌های توسعه و سایر نقاط قوت استان دخالت داشته و آنها را نهادینه کرده‌اند:

نقاط قوت و فرصت‌های فرا روی توسعه استان بسیار زیاد و متنوع اند. هرچند در بعضی موارد مانند برخورداری از تخصص صنعتی و نیروی متخصص و کارآمد، استانهای دیگری همپای استان خوزستان وجود دارند، اما مجموعه مهم‌ترین نقاط قوت و فرصت‌های استان، شامل موقعیت ممتاز استان، برخورداری از بندر امام خمینی در تجارت خارجی کشور، منابع طبیعی سرشار نفت و گاز و آب وخاک، جایگاه ممتاز صنایع نفت و گاز، شیمیایی، پتروشیمی و فلزی، جایگاه علمی - تخصصی استان در زمینه مهندسی و پزشکی و امکان بالقوه توسعه تبادل کالا و خدمات مهندسی - پزشکی با بازار کشورهای همسایه، مجموعه بی بدیلی را در سطح کشور تشکیل می‌دهد که تقریبا همگی از ویژگی پابرجایی برخوردار هستند، به این معنی که در بعضی موارد امکان ندارد و در بعضی موارد دیگر انتظار نمی‌رود استان دیگری در کشور از این موقعیت و منابع و از این جایگاه بهره مند شود.

از سوی دیگر ملاحظه می‌شود با وجود این مجموعه امکانات و نقاط قوت و فرصت‌های بی نظیر توسعه استان، نقاط ضعف قابل توجهی نیز به صورت دیرپا فراروی توسعه استان وجود دارد که مهم ترین آنها را می‌توان در بهینه نبودن سطح اشتغال عوامل تولید و فعالیت ها، عدم تعادل‌های منطقه ای و محیط زیستی خلاصه کرد. به علاوه تهدیدهای بیرونی چندی وجود دارد که باید در قبال آنها چاره جویی کرد. عوامل طبیعی، در طول چند هزار سال تمدن این منطقه، پایه اصلی رشد و توسعه بخش های سنتی استان بوده است و در یکصد سال اخیر با اکتشاف نفت و سرمایه گذاری در صنایع و زیربناها، زمینه ساز توسعه صنعتی استان در چند بخش کلیدی و پهنه مهمی از استان و به ویژه در مناطق جنوبی استان شده است، اما مناطق شرقی و به خصوص مناطق شمال شرق و همچنین بخشی از منطقه غرب استان (نوار مرزی) و بخشی از شهرستان‌های میانه شرق استان هم از منابع طبیعی کمتر برخوردار هستند و هم از دستاوردهای توسعه صنعتی شامل سرمایه گذاری، تولید و اشتغال، کمتر بهره مند شده‎اند. همچنین مشاهده شد که عدم تعادل در برخورداریهای یادشده با عدم تعادل در توانمندی حفظ جمعیت همبستگی بالایی دارد و نتیجه منطقی آنکه اگر حفظ توازن جمعیتی مورد نظر است، عدم تعادلها باید کاهش یابد.

**جمع بندی:**

بر اساس یافته‌های فصل چهارم می‌توان گفت که استان خوزستان دارای یک منبع درآمدی نفتی است که علاوه بر توسعه ملی بر توسعه منطقه ای و ناحیه‌ای کشور نقش بسیار مهمی‌دارد؛ اما با توجه به یافته بدست آمده نشان می‌دهد که سطح توسعه اجتماعی و اقتصادی خود استان در سطح مناسبی قرار ندارد بدون درآمدها در سطح بسیار پایینی قرار دارد که خود این عامل زمینه ساز مشکلات ساختاری زیادی برای استان خوزستان شده است. از سوی به دلیل اینکه نگرش توسعه به استان بیشتر نگرش توسعه صنعتی است، باعث شده است که دیگر بخش های توسعه در سطح استان نادیده گرفته شود و خود همین نگرش زمینه را برای توسعه نامتوازن در سطح شهرستان‌های استان و استفاده از توزیع نا متعادل درآمدهای نفتی را به وجود آورده است. الگوی توسعه استان بر اساس یافته‌های به دست آمده بیشتر یک الگوی کشاورزی و خدماتی است و نیازمند است که سرمایه و درآمدهای نفتی بیشتر در بخش کشاورزی و خدماتی استان هزینه شود. زیرا نگرش صرف توسعه صنعتی و تزریق درآمدهای نفتی به بخش صنعت و شرکت نفت باعث مغفول ماندن و نادیدن گرفتن دیگر بخش های توسعه استان شده است تا جایی که بسیاری از مشکلات اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی در استان به حد بحران رسیده است.

# 

فصل پنجم

نتیجه گیری و پیشنهادات

**5-1-** مقدمه

مقدمه در هر پژوهش علمی محقق با گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها به روشی صحیح و علمی‌به دنبال پاسخ به سؤالاتی است که اساس شکل گیری و هدف پژوهش را تشکیل می‌دهند تا با دست یابی به آنها بتواند راهکارهای متناسب با سطح تحقیق و نتایج به دست آمده جهت پیشگیری و یا کاهش معضلات به وجود آمده ارائه دهد؛ بنابراین در این بخش از پژوهش پس از جمع بندی کلی از روند تحقیق با توجه به تفسیر و تبیین‌های صورت گرفته بر روی داده‌ها به دست آمده که در فصل چهارم سعی شد به سؤالات پژوهش پاسخ داده شود و از روی نتایج به دست آمده راهکارهایی برای استفاده اثربخش از درآمدهای نفتی بر ساختار اجتماعی و اقتصادی استان خوزستان استفاده شود.

در جهت انجام پژوهش در آغاز مطالعات مقدماتی با استفاده از مقالات، کتب و پایان نامه های صورت گرفته در این زمینه جهت آشنایی با تأثیر درآمدهای نفتی در ساختار اجتماعی و اقتصادی مطالعه و استفاده شده است. سپس سعی شده در ادبیات پژوهش با اتخاذ رویکردهای نظری و رهیافت توسعه گرایانه به درآمدهای نفتی و منابع طبیعی توجه شود. بر همین اساس به بررسی دیدگاههای مسلط توسعه پرداخته شود. از این رو با استفاده از سالنامه های آماری، اطلاعات آماری و مصاحبه‌ها ی نیمه ساختار یافته بعد از مطالعات اکتشافی به سؤالات پاسخ داد شد. در بخش آماری با توجه به تحلیل های آماری و شاخص سازی به تحلیل نقش درآمدهای نفتی در بخش های اقتصادی و اجتماعی پرداخته شد و نیز در مصاحبه‌ها ی صورت گرفته سؤالاتی در همین زمینه از متخصصین و کارشناسان حوزه مورد مطالعه پرسیده شد. سپس پس از جمع آوری داده ها (اعداد، متن) به صورت روش های شاخص سازی و مقایسه ای و مصاحبه‌ها به صورت فراترکیب مورد تحلیل قرار گرفت، درنهایت پی از جمع بندی یافته به تجزیه یافته‌ها بر اساس مدل الگوی SWOT برای استفاده بهترین استراتژی از درآمدهای نفتی در جهت ساختار اجتماعی و اقتصادی استان خوزستان به کار رفته شد.

5-2- بحث ونتیجه گیری

با توجه به یافته های تحقیق می‌توان گفت که درآمدهای نفتی با احتساب حدود 4/14 درصد در سال 1385 به 9/12 درصد در سال 1395 رسیده است؛ و جایگاه استان خوزستان در بین استان‌های کشور از نظر تولید ناخالص داخلی بعد از استان تهران در جایگاه دوم قرار داده است؛ و با احتساب بدون درآمدهای نفتی در توسعه استان خوزستان، استان خوزستان در سال 1385 با ۷ درصد و در سال 1395 به 8/5 درصد رسیده است بر این اساس می‌توان گفت که نقش درآمدهای نفتی تأثیر بسیار زیادی بر بخش های اقتصادی اجتماعی استان خوزستان دارد. طبق گفته لوئیس (۱۹۵۵) و روستو (۱۹۶۰) بر این باورند که عمده ترین عامل محدود کننده رشد اقتصادی کمبود سرمایه است و درآمدهای حاصل از منابع طبیعی میتواند این کمبودها را به خوبی جبران کند. همچنین بر اساس یافته های تحقیق استان خوزستان در سال 95 حدود ۵۳ درصد از درآمدهای نفتی کشور را تأمین می‌کند که بر این اساس نقش تعیین کننده در تأمین منابع مالی کشور دارد. بر اساس دیدگاه روزن اشاین (۱۹۶۱) و مورفی (۱۹۸۹) که کشورهای فقیر به منظور خارج شدن از چرخ‌های فقیری که دایره آن گرفتار شده‎اند نیازمند تکانه بزرگی هستند که این چرخه را بشکند، درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز و معادن می‌تواند برای استان خوزستان ارز خارجی و سرمایه لازم را در اختیار مسئولین استان قرار دهد و این تکانه لازم را فراهم آورد در واقعه از دیدگاه این اقتصاددانان در آمدهای فراوان حاصل از منابع طبیعی به طور قطع به خلق ثروت رشد اقتصادی و کاهش فقر می انجامد (مهر آرا و کیخا، ۱۳۸۷: ۳)؛ زیرا که استان خوزستان نقش بسیار مهم و حیاتی در اقتصاد کشور به واسطه درآمدهای نفتی ایفا می‌کند و به عبارت دیگر حیات اقتصادی کشور با توجه به اقتصاد تک محصولی موجب اتکا کشور به درآمدهای نفتی و وجود اقتصاد نفت محور متکی به درآمدهای نفتی است. طبق یافته های محمد الشهاب (۲۰۱۵) معتقد است که سی سال پیش امارات متحده عربی یکی از کشورهای توسعه نیافته در سطح منطقه بوده است ولی امروزه با رشدی که کرد با استفاده از درآمدهای نفتی توانسته به توسعه متوازنی برسد. با توجه به موقعیت جغرافیایی و داشتن منابع نفت و گاز فراوان می‌توان مناطق تبدیل به الگوی‌های توسعه اقتصادی شود که برای توسعه و گسترش زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی از درآمدهای نفتی بالا استفاده کرد. با این وجود نمی‌توان به توسعه دست یافت مگر اینکه دارای چارچوبهای نهادی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کارآمدی در سطح مدیریت کشور باشد و نقش عامل انسانی نقش بسیار مهمی‌دارد.

جایگاه استان خوزستان در بخش های اقتصادی و اجتماعی بدون محاسبه درآمدهای نفتی چندان جایگاه مناسبی از سطح توسعه یافتگی قرار ندارد، زیرا میزان زیادی از تولید ناخالص داخلی استان با محاسبات تولید نقت محاسبه می‌شود. شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی استان با احتساب نفت و بدون احتساب درآمدهای نفتی نشان از تفاوت‌های موجود بین سطح توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی استان است. به طوری که در بخش های اقتصادی فعالیت‌های کشاورزی 2/6 درصد، ماهیگیری 3/12 درصد، فعالیت معدن 8/47 درصد، نفت و گاز 2/50 درصد، صنعت 9/9 درصد، فعالیت‌های غذایی ۶ درصد، فراورده های نفتی 9/17 درصد، مواد شیمیایی ۳۰ درصد، فلزات اساسی ۱۲ درصد، تأمین آب برق و گاز طبیعی 1/11 درصد، ساختمان 3/4 درصد، خدمات اقتصادی 4/5 درصد، حمل ونقل 3/6 درصد، اداره امور عمومی و شهری 4/5 درصد، سایر خدمات عمومی ۴۰ درصد، خدمات امور اجتماعی (آموزش) ۵/5 درصد، بهداشت و مددکاری 9/5 درصد را تشکیل می‌دهند؛ که در مجموع با احتساب نفت و گاز ۱۳ درصد و بدون احتساب درآمدهای نفتی 8/9 درصد از فعالیت‌های کل کشور در استان خوزستان قرار دارد. به اعتقاد مورفی (۱۹۸۹) نقش منابع طبیعی در رشد اقتصادی و بعد از آن در تمام نهادهای اجتماعی مانند آموزش، بهداشت، امنیت، اقتصاد نقش بسیار زیادی دارد، یافته های صفاریان ندا (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که درآمدهای نفتی می‌تواند زمینه ساز و بسترسازی رشد و توسعه در بخش‌های مختلف اقتصادی شود.

درآمدهای نفتی ابزار و وسیله برای توسعه است؛ و هرچقدر درآمدهای نفتی زیادتر شود، شتابان توسعه هم بیشتر می‌شود. بر این اساس با استفاده از درآمدهای نفتی واردات امکانات از خارج عامل اساسی توسعه است، به همین دلیل هزینه های گزافی برای ایجاد شبکه های زیربنایی اقتصادی که واردات را آسان می‌سازد صرف می‌شود. در بهترین شرایط اجرای این دیدگاه به توسعه واردات و شبکه توزیع کالا، مصرف، برون زا و صنایع وابسته به خارج می انجامد و صدور نفت خام برای به دست آوردن درآمدهای ارزی یک نیاز درونی می‌شود و همراه با رشد مصرف کالاهای وارداتی صدور هرچه بیشتر نفت هدفی راهبردی به حساب می آید، فرهنگی سازگار با چنین توسعه ای در همه ای زمینه ها از جمله مدیریت ها پدید می آید (رزاقی، ۱۳۹۲: ۶۷۵).

هم چنین بر اساس یافته ها میتوان بیان کرد که نقش درآمدهای نفتی در توسعه استان خوزستان با احتساب درآمدهای نفتی در کشاورزی 9/3 درصد، نفت و گاز ۶۰ درصد در صنایع و معادن ۱۴ درصد در خدمات اجتماعی ۲۱ درصد است که بر این اساس سهم درآمدهای نفتی نسبت به تمام بخش های اجتماعی و اقتصادی برتری دارد اما اگر با توجه به جدول ۴-۴۷ توجه کنیم نشان از آن دارد که بدون احتساب درآمدهای نفتی استان خوزستان در بخش کشاورزی 9/9 درصد در بخش صنایع و معادن 8/36 درصد و در بخش خدمات اجتماعی حدود ۵۳ درصد رشد داشته است؛ که با توجه بدون اعمال درآمدهای نفتی سهم کشاورزی و صنایع و معادن استان خوزستان کاهش پیدا کرده است زیرا با رشد خدمات اجتماعی بخش کشاورزی استان کاهش پیدا کرده است که بر اساس دیدگاه لوئیس می‌توان گفت توسعه کشاورزی را در چارچوب تکنولوژی نوین و در مقیاس بزرگ مسیر می‌شود. نکته مهمی‌که باید به آن توجه داشت این است که با مهاجرت از مناطق روستایی و عشایری به سمت شهرهای استان ما شاهد تنزیل بخش‌های مختلف کشاورزی در سطح استان هستیم. به اعتقاد لوئیس (۱۹۵۵) نوسازی بخش کشاورزی بیشتر و اساسا ناشی از تمایل به آزاد شدن نیروی کار دهقانی از روستاها به منظور فراهم شدن شرایط توسعه صنعتی در شهرهاست؛ هم چنین حدود ۸ درصد به بخش خدمات اجتماعی افزوده شده است که ناشی از نیازمندهای شهری و خواست عمومی مطالبات در زندگی شهری است که نیاز به خدمات اجتماعی، بهداشت، آموزش را نیازمند ساخته است. درآمدهای نفتی با توجه به اینکه نقش مهمی‌در ساختار اقتصادی استان داشته اند، اما با رشد ناموزونی را در صنعت اقتصادی استان خوزستان به وجود آورده است. طبق یافته تری لین کارل (۲۰۰۸) در مناطقی که با توجه به درآمدهای نفتی در جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی استفاده می‌کنند یک توسعه ناموزون و نابرابری در بخش های مختلف ایجاد می‌کند؛ و به میرانی که در آمد یک کالا بر دیگر کالاها سلطه پیدا کند زمینه نابرابری اجتماعی و اقتصادی بیشتر می‌شود. بر این اساس اقتصاد استان خوزستان یک اقتصادی که بیشتر به درآمدهای نفتی وابسته است و با هر تغییری در بخش صنعت نفت بر شکل ساختاری اجتماعی و اقتصادی استان بسیار تأثیرگذار می‌گذارد. همچنین یافته های ساراف و جوانجی[[60]](#footnote-60) (۲۰۰۱) نشان داد که نابرابری حاصل از درآمدهای نفتی می‌تواند توسعه ناموزونی ایجاد کند به همین دلیل پیشنهاد می‌دهد که درآمدهای نفتی ابتدا باید به کنترل دربیاید و سپس به ضرورت مساوی در بخش های مختلف هزینه شود؛ زیرا برداشت یک محصول به صورت رایگان و راحت و بدون نیاز به هزینه زمینه نابرابری در سطح منطقه فراهم می‌کند.

با توجه به این استدلال می‌توان گفت شهرهای استان خوزستان از لحاظ پخش امکانات و خدمات اجتماعی و اقتصادی در سطح نامتعادلی قرار دارند. مایکل تو دارو معتقد است که توسعه را باید جریانی چندبعدی دانست و مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی طرز تلقی مردم و نهادهای ملی و نیز تشریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته های افراد و گروهای اجتماعی در داخل نظام از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است سوق یابد (تو دارو، ۱۳۶۶: ۱۳۶). به اعتقاد هیرشمن در توسعه باید بیش از هر چیزی به «توسعه ترکیبی» توجه شود.

درادامه می‌توان اشاره کرد که وضعیت شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی استان خوزستان با استان هم جوار در شاخص‌های هم چون کشاورزی، سایر معادن، ساختمان، هتل رستوران، واسطه گری مالی، مستغلات، اداره امور عمومی و شهری، آموزش، بهداشت و مددکاری، سایر خدمات عمومی‌در سطح پایین تری برخوردار است و وضعیت استان بدون درآمدهای نفتی در سطح مناسبی قرار ندارد.

اما با احتساب نقش در درآمدهای نفتی در سطح توسعه اجتماعی و اقتصادی استان خوزستان می‌توان گفت که سطح توسعه اجتماعی و اقتصادی استان خوزستان به نسبت استان‎های همجوار خود در سطح بالایی قرار دارد؛ که لازم به ذکر است که، با احتساب درآمدهای نفتی در سطح مناسبی قرار دارد به طوری که در بخش نفت و گاز، ساختمان، آموزش و بهداشت و مددکاری نسبت به استان های همجوار در سطح پایین‌تری قرار دارد ولی در دیگر بخش‌های اجتماعی و اقتصادی در سطح نسبتا خوبی برخوردار است.

بر اساس نتایج نقش استان خوزستان در اقتصاد منطقه به شدت غالب است. در تعدادی از بخش‌ها استان خوزستان بیش از ۹۰ درصد و در تعدادی دیگر بین ۸۰ تا ۹۰ درصد ارزش افزوده این منطقه را تولید می‌نماید در بخش کشاورزی، ماهیگیری، ساختمان، واسطه گری مالی، مستغلات و خدمات عمومی و اجتماعی سهم استان خوزستان بین ۸۰ تا ۹۰ درصد است بخش صنعت، تسهیلات عمومی، عمده و خرده فروشی، هتل و رستوران و حمل ونقل و ارتباطات سهم استان خوزستان بیش از ۹۰ درصد ارزش افزوده این منطقه را تشکیل می‌دهد. می‌توان این طوری نتیجه گرفت که استان خوزستان به توجه به شرایط و امکانات موجودی که دارد به شدت وابسته به درآمدهای نفتی است و به میزانی که سطح درآمدهای مصرفی و هزینه ای نفت کاهش یافت به همان اندازه در بهبود و کیفیت وضعیت شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی استان تأثیرگذار است. از نظر پیتر دورتر توسعه اقتصادی یعنی بسط امکانات و پرورش قابلیت بشری که برای جلوگیری از فقر ضروری است که نیازمند توجه به دامنه فقر عمومی و دامنه بیکاری در سطح مناطق است. همچنین برویمک لوپ معتقد است که توسعه اقتصادی عبارت از کار منابع تولیدی به نحوی که موجب رشد بالقوه مداوم درآمد سرانه در یک جامعه شود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۹: ۴۵-۴۴).

در ادامه می‌توان اشاره کرد که، اولویت‌های توسعه استان خوزستان در بخش های اقتصادی و اجتماعی قابل تفکیک از هم دیگر نیستند اما با توجه به یافته های تحلیلی مصاحبه شوندگان و نتایج دادههای آماری می‌توان اولویتهای توسعه استان خوزستان به صورت زیر مطرح می‌شود:

در بخش اقتصادی می‌توان گفت مهم ترین اولویتی که برای توسعه استان وجود دار عبارت از ۱- مسئله منابع مالی ۲- امکانات زیرساختی؛ اما به دلیل نامناسب بودن وضعیت اقتصادی استان و به دلیل بی تدبیری و بی برنامگی در سطح استانی که به تنهایی نیمی از درآمدهای نفتی کشور را تأمین می‌کند به لحاظ سرمایه مالی و امکانات و خدمات زیر بنایی اقتصادی از جمله ناموزونی بخشهای مختلف استان، محدود بودن سرمایه گذاری خارجی، تسلط درآمدهای نفتی بر سایر درآمدهای در بخش های مختلف هم چون ضعف صنعت گردشگری، کشاورزی باعث هدر رفتن بسیاری از سرمایه از استان خوزستان شده است و در بخش زیربنایی و امکانات ضعیف و قدیمی‌بودن تکنولوژی، فراموشی طرح‌های کشاورزی، بیکاری و اشتغال، مشکلات سرمایه گذاری در مناطق آزاد از جمله مهم ترین مشکلات اقتصادی استان است که تعیین اولویت آن می‌تواند به سرمایه گذاری خارجی و فراهم کردن تسهیلات خدمات اقتصادی در بخشهای مختلف برای استان فراهم کرد. طبق نظر کلارک معتقد است که برای کشورهایی که نخستین مراحل توسعه اقتصادی را می‌گذرانند، با ارزش ترین سرمایه گذاری ها، سرمایه گذاری در بخش زیربنای است.

هم چنین باید توجه کردن به سایر بخش های اقتصادی استان به جای تمرکز صرف به سرمایه گذاری نفتی و گازی در سطح استان حائز اهمیت است. استان خوزستان با توجه به هم مرز بودن با کشور عراق و مرز دریایی با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس می‌تواند از فرصت هم مرزی با کشور عراق سود جست. طبق یافته های به دست آمده کشور عراق از لحاظ واردات و صادرات در سال ۱۳۹۴ در واردات رتبه ۴ و در صادرات رتبه سوم از لحاظ مبادلات اقتصادی با کشور ایران تجارت می‌کند که این فرصت می‌تواند زمینه و بستر سرمایه گذاری و تجارت با کشورهای همسایه شود. یافته های فردریک (۲۰۱۰) نشان داد که درآمدهای نفتی زمانی می‌تواند در توسعه نقشی داشت باشند که همراه با سرمایه گذاری همراه باشد. نقش سرمایه گذاری خارجی در کنار سرمایه گذار داخلی بسیار کارآمد است. در دسترسی بودن به منابع طبیعی (نفت) توانایی برای جذب سرمایه گذاری خارجی و توسعه اقتصادی و اجتماعی را تضمین نمی‌کند بلکه با ایجاد نهادهای مناسب، مکانیسم‌ها و سیاست‌های بهینه از درآمد نفتی برای رشد و توسعه پایدار اطمینان حاصل می‌شود. دولت نیازمند است در تصمیم گیری‌ها و سیاست گذاری خود به بخش مدیریت و نهادها و سازمان‌های تضمین کننده توسعه یافته استفاده کند. طبق نظر بائر معتقد است که قابلیت و ابتکار اقتصادی، تجارت و گسترش بازارها نیروهای محرک توسعه است. بائر حرکت از بازارهای معیشتی کوچک به بازارهای بزرگتر را جز اولویتهای مهم می‌داند. مطالعه استیونز (۲۰۰۳)، گیلفيسون وژور گا (۲۰۰۳) و اوتی (۲۰۰۱) معتقد هستند که دورافتادگی صنایع معدنی، صنایع مربوط به نفت و گاز و سایر معادن معمولا ماهیت دورافتادگی از سایر صنایع و بخش های اقتصادی دارند چراکه این نوع صنایع دارای ارتباط پیشینی و پسینی ضعیفی با سایر بخش‌های اقتصادی دارد لذا در خلال تولید در چنین صنایعی تنها تعداد کمی از نیروهای متخصص و نسبتا ماهر به کار رفته شده و سایر نهادهای تولیدی نیز از خارج اقتصاد وارد می‌شود. لذا دور از انتظار نیست که درآمدهای حاصل از این صنایع تنها میان عده ای قلیل توزیع گشته و منجر به نابرابری درآمدها در جامعه گردد (مرادی، ۱۳۸۹: ۹).

در بخش حمل و نقلی، سیستم حمل و نقل ریلی استان از توانمندی کافی برخوردار نیست. شبکه ریلی به طور عمده در جهت پاسخگویی به نیاز سراسری کشور طراحی شده و از پوشش درون استانی گسترده برخوردار نیست خطوط در دست مطالعه برای گسترش راه آهن استان نیز شامل مطالعه خط راه آهن خرمشهر - بندر امام خمینی - بوشهر و همچنین خط آهن اهواز – اصفهان و اهواز - شیراز در صورت اجرایی شدن به گسترش این شبکه و به خصوص توسعه ارتباط مرکز استان با نواحی شمال شرقی آن کمک قابل توجهی خواهد کرد. طبق نظریه کلارک معتقد است که برای مناطقی که نخستین مراحل توسعه اقتصادی را می‌گذرانند، با ارزش‌ترین سرمایه گذاری ها، سرمایه گذاری در بخش زیربنای است. به ویژه برای حمل ونقل، که بدون آن فقط یک کشاورزی در سطح محلی و مصرفی امکان پذیر است و برای تأمین آب که بدون آن مهار بیماری‌های فراگیر عملی نخواهد شد به عقیده او احداث جاده ها و تأمین آب هر دو باید از طریق سرمایه گذاری عمومی و توسط دولت صورت پذیرد. عملکرد سیستم حمل ونقل ریلی استان در جابجایی بار در حال حاضر بسیار ضعیف است. در حالی که شرایط لازم از نظر تقاضای جابجایی کالا بین بندر امام خمینی تا مرکز کشور و استان‌های شمال خوزستان فراهم است، این شبکه تنها ۶ درصد از حمل ونقل بار در گردش استان را به عهده دارد.

به علاوه اصولا از شبکه راه آهن برای حمل بار و به خصوص بارهای فله‌ای در مسیرهای طولانی استفاده می‌شود (در مقایسه با حمل جاده‌ای) اما در عملکرد شبکه راه آهن استان مشاهده می‌شود متوسط فاصله حمل بار توسط شبکه راه آهن استان تنها در حول و حوش سیصد کیلومتر می‌باشد. یان تین برگن (۱۹۶۲) معتقد است که بخش دولتی فعال را لازمه توسعه می‌داند. نمی‌توان پذیرفت که در صورتی که دولت زیربناها را آماده کند (حمل ونقل، ارتباطات و ...) به سرعت روبناها و فعالیتهای اقتصادی توسط بخش خصوصی بنا می‌شود. اگر برای تسریع توسعه اقتصادی کشور، بنگاههای دولتی به عنوان ابزار توسعه به کار گرفته شوند، ملاحظات مربوط به کارایی نباید مانعی در این راه به وجود آورد، زیرا ابتکار فردی قادر نیست که سرمایه لازم را تدارک ببیند. در مقابل هم چنین «گرایش به سرمایه انسانی به جای سرمایه مادی»، «دوری از پروژه های بزرگ و اجرای پروژه‌های کوچک‌تر» و «ایجاد اشتغال در روستاها به جای شهرها» از الزامات توسعه اقتصادی برای استان خوزستان به شمار می‌آید.

مسئله نهادی و حکم روایی مدیریتی در استان جز اولویت‌های توسعه استان به شمار می‌رود زیرا با توجه به ضعف مدیریتی و ناتوانی در یک مدیریت اجرای نامناسب با توجه به امکانات و منابعی که در سطح استان وجود دارد نتیجه آن شده است که یک توسعه نامتوازن بین بخش های مختلف شکل بگیرد اما در بررسی‌های دقیق تری که مورد اثرات درآمدهای زیرزمینی در مورد مناطق مختلف صورت گرفته است نشان می‌دهد که وجود منابع زیرزمینی نقشی مثبتی را در رشد و توسعه نمی‌تواند داشته باشد زیرا اگر نیروی مدیریتی و ناکارآمدی نتوانند از منابع خود به خوبی استفاده کنند و مدیریت مناسبی در هزینه کردن این منابع سرشار نداشته باشند نعمت‌های نفتی تبدیل به منابع شری خواهند شد که گریبان آنها را خواهد گرفت و حتی مانع رشد و پیشرفت خواهد شد (مهر آرا و کیخا، ۱۳۸۷: ۴).

بخش مدیریت سیستم نهادی استان خوزستان از ضعف های هم چون عدم نظارت، نگرش غالبا توسعه صنعتی، ضعف نهادی غیردولتی در زمینه‌ی موضوعات مختلف و زیست محیطی می‌توان اشاره کرد. طبق گفته آمارتیاسن استفاده بهتر از منابع در جهت توسعه و پیشرفت مستلزم تقویت قابلیت‌های انسانی، مشارکت مردم و آزادی مباحثه عمومی می‌باشد (سن، ۱۳۸۳: ۷۰).

در جایی که کیفیت نهادی آنها ضعیف باشد، ساختار نهادی رانتی است ذخایر منابع طبیعی می‌تواند به مانعی برای ساختار اقتصادی و اجتماعی تبدیل شود. منظور از نهاد هرگونه ترتیبات رسمی و غیررسمی است که بر رفتار بخشی از جامعه در یک زمینه خاص نظارت و تسلط دارد یا آن را شکل می‌دهد. بدین ترتیب وجود منابع طبیعی غنی در جایی که فاقد استحکام نهادی و دارای ساختار رانتی است یک توزیع کننده رانت حاصل از منابع طبیعی تبدیل می‌شود. در این صورت دولت به منبعی از منافع تبدیل می‌شود که گروه هایی اجتماعی و شهروندان در رقابت برای تصاحب سهم بیشتری از منافع می‌کوشند تا به مقامات دولتی نزدیک شوند و همین زمینه‌های فساد مقامات و آلودگی نظام اداری دولت را فراهم می‌کند و نهایتا نظام اداری آلوده به فساد زمینه ساز بی اعتمادی شهروندان به دولت را فراهم می‌کند و این نیز به کاهش سطح اعتماد عمومی و کاهش سرمایه اجتماعی می انجامد.

مسئله اجتماعی: توسعه و تغییرات اجتماعی استان و آسیب های اجتماعی اشاره دارد، زیرا که استان خوزستان با توجه با منابع و امکانات مالی و منابع طبیعی که دارد جز استانهای مهاجرت فرصت کشور به حساب می آید همچنین در کنار مهاجرت برون استانی مهاجرت از نواحی روستایی و عشایر نشین به شدت در استان رو به افزایش و باعث می‌شود که بسیاری از این مهاجرت در حاشیه شهرها ساکن شده‎اند و پدیده های هم چون حاشیه نشینی، فقر و آموزش محرومیت، بهداشتی درمانی، نیاز به ساخت شهرکهای می‌شود. به طوری که شهرهای استان در سال ۱۳۵۵ از ۱۱ شهرستان به در سال ۱۳۹۵ به ۲۷ شهرستان و ۲۴ شهر نشین در اطراف شهرهای بزرگ استان منجر شده است؛ بنابراین استان خوزستان نیازمند تغییر اجتماعی است تغییراتی که عبارت از تغییر قابل رؤیت در طول زمان به صورتی که موقتی و یا کم دوام نباشد بلکه تغییرات ساخت یا وظایف سازمان اجتماعی که بر روی یک جامعه اثر بگذارد و جریان تاریخی آن را دگرگون نماید (از کیا و غفاری، ۱۳۸۹: ۲۸).

دونگ کیم توسعه اجتماعی درجه ای از ساختار اجتماعی است که به اکثریت محروم جامعه نه تنها اجازه تقاضا برای برخورداری از سهم خود از منافع ملی را می‌دهد بلکه در رسیدن به آن هدف آنها را یاری می‌کند. از نظر او اگر تغییر ساختاری جامعه در مسیری باشد که فرصت‌های لازم برای دست یابی توده محروم به سهم خود از منافع ملی در اختیار آنها قرار دهد. این مسیر در اصل همان فرایند توسعه است (کلانتری، ۱۳۸۷: ۲۰۹).

مسئله وضعیت زیست محیطی، اهمیت مسئله محیط زیست جزء برنامه های با اولویت‌های استان خوزستان محسوب می‌شود که بسیاری از سیاستهای اقتصادی و اجتماعی با آن پیوند خورده است و در هیچ یک از برنامه های استان نمی‌توان به بخش زیست محیطی استان توجه نشود، از جمله مسئله ریز گردها، آلودگی هوا، شوری آب رودخانه، سدسازی‌های کشاورزی بسیار مهم است که می‌توان گفت آن چنان که باید درآمدهای حاصل از درآمدهای نفت در بخش های زیست محیطی توسعه استان آن طور که بایستی مورداستفاده قرار نگرفته که بر این اساس امروزه بسیاری از مشکلات زیست محیطی گریبان گیری بخش های اقتصادی و اجتماعی استان شده است.

5-3- محدودیت ها

* مشارکت به دلیل بروز بیماری کوید 19 و شدت پتندمی بسیار ضعیف بود
* مطالب حاصل شده تنها از پالایشگاه خوزستان حاصل شده و تنها 300 نفر در آن مشارکت داشتند کهع به دلیل پاندمی نمی شد نظارت بر آنها داشت و لذا تمامی مراحل از ارسال تا تحویل به صورت آنلاین حاصل شده است
* در بخش کیفی مصاحبه ها به سختی حاصل شدند و مدت زمان آن کم بود و امکان برقراری ارتباط مجدد و... موجود نبود
* در بخش کیفی از گرندد تئوری استفاده شده و اگر با سنتز پژوهی یا تحلیل تم همراه میشد شاید نتایج منطقی تری حاصل می شد
* در مبحث پرسشنامه مشارکت افراد در بخش بسته پاسخ بیشتر بوده به نسبت پاسخ گویی به پرسشنامه باز پاسخ
* در مبحث نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی با توجه به زمانبندی حاصل شده به مباحثی پرداخته شده که به آن توجه نشده و عدم حضور مباحث بیشتر در این راستا شاید از جمله محدودیت های آن به حساب آید

5-4- پیشنهادات

برای بیان پیشنهادات پژوهش با توجه به یافته و داده های آماری، مصاحبه‌ها در فصل چهارم پژوهش از مدل راهبردی SWTO استفاده شده است زیرا که استفاده کردن از یک مدل راهبردی در پژوهش می‌تواند محقق را در ارائه و تعیین پیشنهادات و راهبردها یاری کند. در بخش تجزیه و تحلیل مدل SWTO به این نتیجه رسیده‌ایم که راهبردهای که می‌توان برای ساختار اجتماعی و اقتصادی استان خوزستان با استفاده از درآمدهای نفتی به کاربرد آید راهبردی از نوع نقاط قوت و فرصت برای توسعه استان خوزستان است. در راهبرد قوت و فرصت با توجه به امکانات و پتانسیلی که استان دارد و می‌توان به نحو کارآمد استفاده کرد؛ زیرا که در کنار امکانات و ظرفیت‌های که استان دارد اگر بتوان درآمدهای نفتی را مدیریت کرد در بخش‌ها اجتماعی و اقتصادی استان بهبود خواهند یافت. بر اساس مدل SWTO پیشنهادات زیر برای توسعه اجتماعی و اقتصادی استان با استفاده از درآمدهای نفتی پیشنهاد می‌شود:

* استفاده از درآمدهای نفتی در بخش جذب سرمایه گذاری خارجی به واسطه فراهم کردن زیرساخت‌های تجاری، اقتصادی در سطح استان
* استفاده از درآمدهای نفتی برای ترمیم و بهبود زیرساخت‌های حمل ونقل دریایی با کشورهای همجوار حوزه خلیج فارس
* استفاده از درآمدهای نفتی در ترمیم بهبود زیرساختهای کشاورزی از جمله مساله آلودگی رودخانه کارون و زهکشی و لایروبی بسیاری از زمین‌های کشاورزی در مسیر رودخانه کارون
* استفاده از درآمدهای نفتی برای بهبود و تقویت ناوگانهای حمل ونقلی هوایی، ریلی در استان به جایی حمل نقل جاده‌ای و باری
* استفاده از درآمدها نفتی در بخش سرمایه گذاری برون استانی با سایر استان‌های همجوار در بخش آب، صنایع، معدن، برق
* استفاده از درآمدهای نفتی در جهت رفع مشکلات مسائل آب شهرهای جنوب و مساله فاضلاب شهری
* استفاده از درآمدهای نفتی برای تقویت پایه و زیرساختی گردشگری استان با توجه به زمینه ها و پیشینه های تاریخی که در سطح شهرستان‌های استان وجود دارد. سرمایه گذاری و استفاده از درآمدهای نفتی برای جذب انرژی‌های پاک و نو مانند انرژی بادی، آبی، خورشیدی
* استفاده از درآمدهای نفتی در جهت احداث شهرها و شهرها در اطراف شهرهای بزرگ با توجه به مهاجرت‌های درونی استانی
* استفاده از درآمدهای نفتی جهت زیرساخت‌های بهداشتی، درمانی و آموزشی برای نواحی روستایی و درو افتاده از مرکز استان به خصوص مناطق شمال شرقی و شرق استان
* توجه ویژه به بخش اقتصاد خدماتی و کشاورزی به جایی اقتصاد صنعتی استان زیرا که بیشتر درآمدهای استان در بخش صنعت هزینه می‌شود در حالي الگوی توسعه استان کشاورزی و خدماتی است.
* نگرش توسعه همه جانبه به جایی توسعه صرف صنعتی به استان.
* استفاده از ظرفیت‌های بنادری و مرزی با کشورهای عربی که می‌توان با جذب تکنولوژی و جذب سرمایه بسیاری از مسائل بیکار استان کاهش داد.
* اولویت دادن به مساله ریز گردها که به عنوان مهم ترین مشکل زیست محیطی استان خوزستان بسیار حائز اهمیت، زیرا که زمینه بسیاری از مهاجرت‌های از استان منجر شده است.
* توجه به منابع آبی درون استانی و جلوگیری از ساخت سدسازی‌های بی‌رویه بر وی سرچشمه‌ای رودخانه کارون.

5-4- پیشنهادات پژوهشی

پیشنهادهای پژوهشی که برای سایر محققین این حوزه مطالعاتی

1. بررسی نقش درآمدهای نفتی بر ساختار فرهنگی و سیاسی استان.
2. بررسی نقش درآمدهای نفتی با وضعیت معیشت زندگی روزمره مردم استان
3. بررسی نقش شرکت‌ها و قطب های صنعتی استان بر توسعه استان
4. بررسی سایر درآمدهای که از سایر منابع طبیعی استان به دست می‌آید در بخش های اقتصادی و اجتماعی استان
5. مقایسه کردن شاخص‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی استان خوزستان با سایر استان‌های کشور
6. بررسی وضعیت آبادیها و شهرهای استان از نظر ساختار فضایی و توسعه اجتماعی
7. بررسی نقش هویت قومی‌با توسعه بومی استان
8. بررسی نقش درآمدهای نفتی استان بر مناطق آزاد استان

ضمائم

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **خیلی کم** | **کم** | **متوسط** | **زیاد** | **خیلی زیاد** | **پرسشنامه نقش نفت در ساختار اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان** |  |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان برروی عدالت اقتصادی استان خوزستان تاثیردارد | 1 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان برروی عدالت اجتماعی استان خوزستان تاثیردارد | 2 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان برروی تقویت سرمایه های اجتماعی استان خوزستان تاثیردارد | 3 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان برروی رفاه اجتماعی استان خوزستان تاثیردارد | 4 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان برروی قدرت خرید مردم استان خوزستان تاثیردارد | 5 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان برروی وضعیت تورم مردم استان خوزستان تاثیردارد | 6 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان برروی بهبود وضعیت خدمات بهداشتی مردم استان خوزستان تاثیردارد | 7 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان برروی بهبود وضعیت آموزشی (مدارس و آموزش عالی ) مردم استان خوزستان تاثیردارد | 8 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان برروی بهبود خدمات اجتماعی مردم استان خوزستان تاثیردارد | 9 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان در بی‌ثباتی اقتصاد استان خوزستان تاثیردارد | 10 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان در شاخص بیکاری استان خوزستان تاثیردارد | 11 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان در شاخص اشتغال استان خوزستان تاثیردارد | 12 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان برروی تغییر میزان بهره وری مردم استان خوزستان تاثیردارد | 13 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان برروی بهبود زیر ساخت های درون شهری استان خوزستان تاثیردارد | 14 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان برروی زیر ساخت های ارتباطی و حمل ونقل های جاده ای استان خوزستان تاثیردارد | 15 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان برروی تقویت سلامت اجتماعی و روانی استان خوزستان تاثیردارد | 16 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان برسلامت محیطی – اجتماعی استان خوزستان تاثیردارد | 17 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان برتقویت خدمات صنعتی استان خوزستان تاثیردارد | 18 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان بر جلوگیری از خصوصی سازی در استان خوزستان تاثیردارد | 19 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان بر ایجاد احساس امنیت مردم استان خوزستان تاثیردارد | 20 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان بر رشد سرمایه گذاری دولتی در استان خوزستان تاثیردارد | 21 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان بر میزان خروج سرمایه ها از استان خوزستان تاثیردارد | 22 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان بر توسعه گسترش پالایشگاه‌ها و شلوغ شدن استان خوزستان تاثیردارد | 23 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان برفراموشی طرح‌های کشاورزی استان خوزستان تاثیردارد | 24 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان برضعف در جذب توریسم و گردشگری استان خوزستان تاثیردارد | 25 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان برحاشیه نشینی در اطراف استان خوزستان تاثیردارد | 26 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان برفقر و محرومیت در نواحی روستایی استان خوزستان تاثیردارد | 27 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان بر تغییرزیر ساخت های فرهنگی- مذهبی استان خوزستان تاثیردارد | 28 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان برسبک زندگی مردم استان خوزستان تاثیردارد | 29 |
|  |  |  |  |  | نفت تا چه میزان بر تکاپو برای سرمایه گذاری ملی برای احداث صنایع جایگزین صنعت نفت استان خوزستان تاثیردارد | 30 |

منابع فارسی

1. امیری، فاطمه؛ یحیی آبادی، ابوا فضل؛ صمدی، سعید (۱۳۹۲) تحلیل توسعه یافتگی ایران با استفاده از شاخص HDI، همایش الکترونیکی و چشم انداز اقتصادی ایران.
2. بنیانیان، حسن (۱۳۸۶) فرهنگ و توسعه، تهران، امیرکبیر.
3. بابک همتی (۱۳۸۶) پژوهشی تحت عنوان راهکارهای مدیریتی در آمدهای نفتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکدهای اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی
4. ببی، ارل (۱۳۸۶) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی ترجمه رضا فاضل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
5. بلیکی، نورمن (۱۳۸۶) طراحی پژوهش‌های اجتماعی، تهران: نشر نی.
6. بانک جهانی (۲۰۰۳) ناظر اقتصادی ایران، بهبود نفت محور، گروه مطالعات جهانی اقتصاد کلان و مدیریت مالی، خاورمیانه و شمال آفریقا.
7. پناهی نژاد، هدی؛ شفیعی، سعیده (۱۳۹۳) مطالعه تطبیقی عملکرد صندوق‌های مدیریت درآمدهای حاصل از منابع طبعی در کشورهای مختلف، فصلنامه صندوق توسعه ملی. شماره ۶.
8. پاتنام، رابرت (۲۰۰۰)، دموکراسی و سنتهای مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر سلام.
9. تودارو، مایکل (۱۳۷۱) توسعه اقتصادی جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، جلد اول و دوم، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
10. ترزال، بیکر (۱۳۸۶) روش تحقیق نظری در علوم اجتماعی (رشته علوم اجتماعی)، هوشنگ نایبی (مترجم)، محمدجواد زاهدی (ویراستار)، تهران: دانشگاه پیام نور.
11. تودارو، مایکل (۱۳۶۶) توسعه اقتصادی در جهان سوم. ترجمه غلامعلی فرجادی، نشر کوهسار.
12. توحيد لو، سمیه (۱۳۸۵)، بررسی اثر و پیامدهای توسعه صنعتی بر توسعه اجتماعی در منطقه احمد آباد مستوفی با تأکید بر دانش آموزان دوره دبیرستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
13. جمعه پور، محمود صادقی امینی، محسن (۱۳۹۳) معرفی شاخص توسعه ی انسانی HDI، فصلنامه علوم اجتماعی، ص ۸۳-۸۵.
14. جمعه پور، محمود (۱۳۹۱) مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه‌ی روستایی: دیدگاه‌ها و روش‌ها، تهران: انتشارات سمت.
15. جرجرزاده، علی رضا و اقبالی، علی رضا (۱۳۸۴) بررسی اثرهای درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد در ایران، فصلنامه علمی‌پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۴، ص ۱۹-۱.
16. جیروند، عبد الله (۱۳۷۴) توسعه اقتصادی، تهران: انتشارات مولوی.
17. حقیقی، ایمان (۱۳۹۰) فراز و نشیب‌ها در نظریات اقتصاد توسعه، فصلنامه راهبردی توسعه، سال دوم، شماره پنجم، ۸۷-۱۱۴.
18. خلعتبری، فیروزه (۱۳۷۳) مبانی اقتصاد نفت، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
19. خلعتبری فیروزه (۱۳۸۷) پیچیدگی روش‌های بررسی بیماری هلندی و ضرورت اجتناب از تصمیمات غیر کارشناسی، بولتن دفتر مطالعات برنامه ریزی بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
20. خلعتبری، فیروزه (۱۳۷۹) بهره برداری بهینه از منابع نفتی در راستای توسعه پایدار، فصلنامه، تأمین اجتماعی، شماره دوم، ص ۷۹۱-۸۱۸.
21. خیرخواه، جعفر (۱۳۸۲) رونقی، افزونه و نقش نهادی (بررسی موردی ایران و نروژ) رساله دکتری، دانشکده ای اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی.
22. خانیکی، هادی (۱۳۸۷) ارتباطات توسعه، کاوشی در تعاریف مسئله بنیاد، فصلنامه رسانه، سال شانزدهم، شماره ۴.
23. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶) جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی ۳۰. دواس، دی. اس (۱۳۸۵)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: نشر نی.
24. دولتشاهی، طهماسب (۱۳۷۵) مبانی اقتصاد خرد، تهران، انتشارات پیشبرد، ص ۳۵۴ تا ۳۵۷.
25. دلاور، على (۱۳۸۳) مبانی نظری و عملی پژوهش، تهران، رشد.
26. ذوقی، ایرج (۱۳۸۰) گزارشی از رفتار سیاسی آمریکا در قبال نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی انتشارات وزارت امور خارجه.
27. رزاقی، ابراهیم (۱۳۹۲) اقتصاد ایران زمین، تهران: نشر نی.
28. رحمانی، تیمور و گلستانی، ماندانا (۱۳۸۸) تحلیلی از نفرین منابع نفتی و رانت جویی بر توزیع در آمد در کشورهای منتخب نفت خیز، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۹، ص ۸۶-۵۷.
29. رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۷) تکنیک های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
30. رجب زاده، احمد (۱۳۷۸) جامعه شناسی توسعه، تهران: نشر سلمان.
31. رضوانی، محمدرضا (۱۳۷۹). ارزیابی اهداف، سیاست‌ها و برنامه های عمران روستایی در برنامه پنج ساله دوم توسعه کشور (۷۸-۱۳۷۳) با تأکید بر سازماندهی فضاها و مراکز روستایی. پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۳۸۰.
32. روستو، والت ویتمن (۱۳۷۴) نظریه پردازان رشد اقتصادی، ترجمه مرتضی قره باغیان، انتشارات: دانشگاه شهید بهشتی.
33. روشه، گی (۱۳۷۲) تغییرات اجتماعی و توسعه، ترجمه منصور وثوقی تهران: نشر نی.
34. زاهدی، محمدجواد (۱۳۸۲) توسعه و نابرابری، تهران: انتشارات مازیار.
35. زیاری، کرام اله (۱۳۸۳) اصول و روش‌های برنامه ریزی منطقه‌ای، یزد: دانشگاه یزد.
36. ساروخانی، باقر (۱۳۷۸) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
37. سعیدی، خلیل (۱۳۸۶) نظریه ها و قانونمندی‌های توسعه، تهران: شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر.
38. سید نورانی، سام؛ خسروشاهی، م (۱۳۹۲) منبع طبیعی نفت و پیشرفت اقتصادی ایران: چالش ها و راهکارهای مجله اقتصادی شماره ۱۱، ص ۵-۳۰.
39. سن، آمارتیا (۱۳۸۳) توسعه به مثابه آزادی. ترجمه وحید محمودی، انتشارات دستان.
40. سرواس، جان (۱۳۸۴) دگرگونی در نظریه های ارتباطات و توسعه و پیامدهای آن در سیاست گذاری و برنامه ریزی ارتباطی، ترجمه علیرضا حسینی پاک دهی، فصلنامه رسانه، سال شانزدهم، شماره ۴0.
41. سو، آلوین (۱۳۷۸) تغییر اجتماعی و توسعه، برگردان: محمود حبیبی مظاهری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
42. سازمان برنامه ریزی بودجه (۱۳۹۴) برنامه پنج توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی استان خوزستان (۱۳۹۴۱۳۹۰)، تهران: ناشر استانداری خوزستان - معاونت برنامه ریزی بودجه.
43. سازمان برنامه ریزی بودجه (۱۳۹۰) گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان خوزستان برنامه چهارم توسعه کشور ۱۳۸۵-۱۳۸۹، ناشر: جهاد دانشگاهی خوزستان.
44. شیخ زاده، حسین (۱۳۹۱) نفت ایران، عامل یا مانع توسعه، تهران: شرکت سهامی انتشار.
45. شمیرانی، مجتبی؛ کاشانی جو، خشایار (۱۳۸۸) سیر تحول نظریه‌های مرتبط با حمل ونقل درون شهری، نشریه هویت شهر، سال سوم، شماره ۴، ص ۳-۱۴.
46. صامتی، مرتضی (۱۳۸۶) اثر منابع طبیعی بر اقتصاد کشورهای اوپک و چند کشور منتخب، فصلنامه علمی‌پژوهشی جستارهای اقتصادی شماره هفتم.
47. صفاریان ندا، حمیدرضا (۱۳۹۰) کانال‌های اثرگذاری درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی ایران از دیدگاه بلای منابع طبیعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
48. طبیبی، جمال الدین و ملکی، محمدرضا (۱۳۸۴). برنامه ریزی استرتژیک. تهران: نشر ترمه.
49. عظیمی آرانی، حسین (۱۳۸۳) مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران. نشر نی.
50. علم، محمدرضا؛ بابادی، عصمت .(1394). تأثیر اقدامات رشکت نفت ایران و انگلیس در ساختار

اقتصادی، عمرانی، و فرهنگی اهواز، فصلنامۀ گنجینۀ اسناد: سال بیستم و پنجم، دفرت اول،صص 28-50

1. علیزاده، عبدالرحمن (۱۳۸۴)، ارتباطات و توسعه پایدار، فصلنامه رسانه، سال شانزدهم، شماره ۴.
2. علی زاده، سیده دانا (۱۳۹۰) نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محلی مطالعه موردی: سکونتگاه‌های شهری و روستایی منطقه عسلویه، فصلنامه هویت شهری، شماره نوزدهم، سال هشتم، ۷۷-۸۷.
3. فرانک، آندره گوندر (۱۳۵۹) جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی جامعه شناسی، منوچهر سناجیان، تهران انتشارات علمی‌دانشگاه صنعتی شریف.
4. فدائی، مهدی؛ ابوالحسنی، اصغر و شایگانی، بیتا (۱۳۹۴) بررسی نظریه‌ی لیندر تحت نظام‌های مختلف نرخ ارز در کشورهای عضو BRICS در قالب مدل جاذبه (رویکرد سیستمی‌در داده‌های تابلویی)، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، شماره ۱، ۱۶۶-۱۳۱.
5. قالیباف، محمدباقر ؛ پورموسوی، سیدموسی ؛ امیدی آوج، مریم .(1390). درآمد‌های نفتی و توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران، فصلنامه بین المللی ژئوپولیتیک. دوره 7، شماره 22
6. قره باغیان، مرتضی (۱۳۷۰) اقتصاد رشد و توسعه، تهران، نشر نی.
7. کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۷) نه مقاله در جامعه شناسی تاریخی ایران، نفت و توسعه اقتصادی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر مرکز.
8. کلانتری، عبدالحسین و حسین حسنی (۱۳۸۷) رسانه‌های نوین و زندگی روزمره، تأثير تلفن همراه بر هویت و سبک زندگی جوانان، رسانه، شماره ۴، ص ۱۱۹-۱۳۵.
9. کلانتری، خلیل (۱۳۹۲) مدل معادلات ساختاری در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی، تهران: انتشارات مهندسین مشاور طرح و منظر.
10. کرسول، جان و ویکی پلانو کلارک (۲۰۰۳) روش‌های تحقیق تلفیقی، ترجمه محسن نیازی و عباس زارعی (۱۳۸۷)، تهران: ثامن الحجج.
11. کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۲) اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران. نشر مرکز.
12. کلارک، ویکی پلانو؛ کرسول جان دبیلو (۱۳۹۴) روش‌های پژوهش ترکیبی، تهران: ناشر آییژ ۶۸. کارل، تری لین (۱۹۹۷) پارادکس وفور: رونق نفتی و حکومت‌های نفتی؛ نشر نی.
13. کارل، تریلین (۱۳۸۸)، معمای فراوانی؛ رونق‌های نفتی و دولت‌های نفتی ترجمه جعفر خیرخواهان، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
14. گریفتن، کیت (۱۳۷۵) راهبردهای توسعه اقتصادی، ترجمه راغفر، تهران: نشر نی.
15. لطیفی، غلام رضا (۱۳۸۸) دیدگاه هایی از توسعه، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، ص ۷۴-۸۵.
16. لطیفی، غلام رضا (۱۳۸۸) توسعه شهری پایدار و توسعه فرهنگی، فصلنامه علوم اجتماعی، ص ۱۳۱- ۱۵۳.
17. لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۸۳) جامعه شناسی توسعه، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
18. لكات، سرینوس آر؛ و لزلی استیوز (۱۳۵۵) ارتباطات و توسعه، ترجمه: شعبان علی بهرام پور، تهران، پژوهشکده فرهنگی و اجتماعی.
19. لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۸۳) جامعه شناسی توسعه، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ سوم الفتویچ، آدریان (۱۳۷۸) دموکراسی و توسعه. ترجمه احمد علیقلیان، افشین خاکباز انتشارت طرح نو.
20. میر دال، گونار (۱۳۶۶) درام آسیایی، منوچهر امیری، تهران، امیرکبیر.
21. میردال، گونار (۱۳۴۴) تئوری اقتصادی و کشورهای کمرشد، غلامرضا سعیدی، تهران، بینا، ص ۱۹-۲۰.
22. مایر، جراید (۱۳۶۸) پیشگامان توسعه، ترجمه علی اصغر هدایتی و علی یاسری، تهران، انتشارات سمت.
23. میرزایی ساناز (۱۳۹۲) بررسی نقش نفت در توسعه سیاسی، مطالعه تطبیقی کشورهای ایران، ترکیه عربستان و مالزی، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
24. مایر و سیرز (۱۳۶۸)، پیشگامان توسعه، ترجمه غلامرضا آزاد، تهران: سمت.
25. محمد پور، احمد (۱۳۹۲) روش تحقیق کیفی ضد روش، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
26. میر ترابی، سعید (۱۳۸۷) مسائل نفت ایران، تهران، نشر قومس.
27. مولانا، حمید (۱۳۷۱) گذر از نوگرایی، ترجمه یونس شکر خواه تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
28. مرادی، محمدعلی (۱۳۸۹) تأثیر نفت بر نماگری‌های اقتصاد کلان ایران با تأکید بر مکانیزه‌های انتقال و آثار، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره دوم، ص ۱۱۵-۱۴۰.
29. مزینی، امیرحسین؛ قربانی، سعید (۱۳۹۳) بازتعریف نقشه راه مدیریت درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران با تأکید بر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال هفدهم، شماره ۶۵، ص ۵۷- 90.
30. مصلي نژاد، عباس؛ شيخ زاده، حسين.(1392). نقش نفت در توسعه اقتصادي ايران، سياست- مجله دانشكده حقوق و علوم سياسي، دوره 43 , شماره 4 ; صص43 - 60 .
31. موسایی، میثم (۱۳۸۸)، آموزش توسعه ای و توسعه پایدار، راهبرد یاس، شماره ۱۳ .
32. مزارعی، زهرا (۱۳۸۹) مطالعه مقایسه ای بررسی تأثیر شرکت نفت بر بافت اجتماعی شهر گچساران در بین کارمندان شرکت نفت و غیر شرکت نفت، پایان نامه کارشناسی دانشگاه پیام نور گچساران.
33. مهر آرا، محسن و کیخا، عليرضا (۱۳۸۷) نهادها، نفت و رشد اقتصادی در کشورهای متکی به نفت طی دوره ( ۱۹۹۷ - ۲۰۰۵ ): روش پانل هم انباشتگی. فصلنامه اقتصاد مقداری، ص ۷۸-۵۳۰.
34. مهر آرا، محسن؛ مکی نیری، مجید. (۱۳۸۸) بررسی روابط غیرخطی میان درآمدهای نفتی و رشد، اقتصادی با استفاده از روش کیفی، مجله مطالعات اقتصاد انرژی، شماره ۲۲.
35. مالکی، ابوالفضل (۱۳۸۸) تحت عنوان نقش نفت در رشد پایداری اقتصادی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکدهای اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی.
36. مطالعات آمایش استان خوزستان (۱۳۹۱) مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
37. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
38. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵) سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
39. مرکز آمار ایران (۱۳۷۵) سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
40. مرکز آمار ایران (۱۳۹۰) سرشماری عمومی‌کشاورزی
41. مرکز گمرک جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵) سالنامه آماری واردات و صادرات.
42. مرکز برنامه ریزی بودجه استان خوزستان (۱۳۹۰) طرح و برنامه.
43. ناصر فکوهی (۱۳۷۹) از فرهنگ تا توسعه (توسعه ی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ایران)، انتشارات: تهران، فردوس.

منابع انگلیسی

1. Auty, R. M. (2007). Natural resources, capital accumulation and the resource curse. Ecological economics, 61 (4), 627-634.
2. Auty, R. (1993). Sustaining Development in Mineral Economies: The Resource Curse Thesis. London. Routledge.
3. Albert O. Hirschman, (1970) Exit, Voice, and Loyalty: Responses to Decline in Firms, Organization, and States Cambridge: Harvard University Press.
4. Cohen, L. & Manion, L. (1986), Research Methods in Education. London, Routledge review, No. 28, PP. 237-250.
5. Clark, J. (1997). Pretro-politics in Congo. Journal of Democracy, 8 (3); 62-76.
6. Corden, W. M. Neary, J. P. (1982) Booming Sector and De-industrialisation in a Small Open Economy. The Economic Journal, 92, 829-831.
7. Creswell, J. W; Bergman.N. j (2003) Advanced Mixed Methods Research Design. In A.Tashakkori and C. Teddlie (Eds.), Handbook of Mixed Methods in Social and Behavioral Research (pp. 209–240). Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
8. Clark, C. (1957), “Transport: maker and breaker of cities”, town planning review, No. 28, PP. 237-250.
9. Dincer, O. (2004). Strategy Management and Organization Policy. Istanbul Beta Publication.
10. Frederick (2010) in a research entitled "Oil Stocks in Ghana's Economic Development" with an emphasis on the role of foreign investment and government policies Long Range Planning, 30, 4652.
11. Gylfason, T. (2001)"Natural Resources, Education, and Economic Development", European Economic Review, Vol. 45،No. 46, pp. 847-859.
12. Gbadebo Olusegun (2008) the role of oil revenues in Nigerian economic development. Rue de Lausanne 154, Case postale 48, 1211 Geneve 21. <http://www.ogbus.ru/eng>.
13. Gillham, B. (2000), the Research Interview, London, Rautledge Hill, T. Westbrook, R. (1997). SWOT analysis: It's time for a product recall. Long Range Planning, 30, 46–52.
14. Hotelling, Harold, (1931) the Economics of Exhaustible Resources, Journal of Political Economy 1931, 39, pp. 139-175.
15. Houben, G. Lenie, K. Vanhoof, K. (1999). A knowledge-based SWOTanalysis system as an instrument for strategic planning in small and medium sized enterprises. Decision Support Systems, 26, 125–135.I
16. Johnson, R. B. and A. J. Onwuegbuzie (2004) "Mixed Methods Research: A Research Paradigm Whose Time Has Come", Educational Researcher, Vol. 33, No. 7, pp. 14–26.
17. Kotler, P. (1988). Marketing Management: Analysis, planning, implementation and control. New Jersy: Prentice-Hall.
18. Kangas, J. Kurtila, M. Kajanus, M. Kangas, A. (2003). Evaluating the management strategies of a forestland estate-the S-O-S approach. Journal of Environmental Management, 69, 349–358.
19. Lewis, A. (1955). The Theory of Economic Growth. Londo.
20. Murphy, K. A. Shleifer, and R. Vishny (1989) “Industrialization and the big push” Journal of Political Economy 97, 1003-1026.
21. Moradi, M. A. (1973) "Oil Resource Abundance, Economic Growth and Income Distribution in Iran" (November 26, 1977), the Economist, pp. 82-83.
22. Maxwell, J. A. and D. M. Loomis (2003). Mixed Methods Design: An Alternative Approach. In Research (pp. 241–272). Thousand Oaks, CA Sage
23. Mohammad al-Shahab (2015) in a research entitled Economic and Social Development in the United Arab Emirates. New York: The Twentieth Century.Fund.
24. Onwuegbuzie, A. J. and C. Teddlie (2003). A Framework for Analyzing Data in Mixed Handbook of Mixed Methods in Social (.Eds) Methods Research. In A. Tashakkori & C. Teddlie and Behavioral Research (pp. 351–383). Thousand Oaks, CA: Sage.

**Abstract**

The present study intends to investigate the role of oil in the economic and social structure of Khuzestan province. The method of the present study is descriptive of quantitative-qualitative type. It allows the researcher to be able to use and analyze the resulting facts such as social, economic indicators and the like, which can be referred to as second-class information. Therefore, part of the method of collecting information in the research can be referred to the books and works of other researchers who have used research in this field that was conducted for the province. In addition, the interviewed data were asked by experts and officials in the province regarding how to use the role of oil in the social and economic structure. These data and reports are typed in text and the interview codes are selected by analyzing the interview codes. In addition to qualitative data, there is a lot of quantitative data on the analysis of economic and social structure through indexing, for this purpose, various statistics, tables and graphs of that part of the economic and social characteristics that can be quantitatively presented. We also use. In other words, it can be said that part of the qualitative analysis of this research is based on quantitative data and some quantitative analysis is based on qualitative data. Also, in the continuation of the research, swot technique has been used to identify strengths, weaknesses, capabilities and threats of the province. The findings showed that oil can play an actual and potential role in the economic and social structure of Khuzestan province.

**Keywords: oil, economic structure, social structure, Khuzestan province**



**Islamic Azad University, Khorramshahr Branch - Persian Gulf**

**Faculty of Humanities**

**Department of Political Science**

**Thesis for a PhD in Political Science Orientation: Iranian Issues**

**Title:**

**The role of oil in the economic and social structure of Khuzestan province**

Supervisor (s)

**Dr. Fereydoon Akbarzadeh**

**Dr. Hossein Karimifard**

Advisor (s)

**Dr. Lena Abdulkhani**

By

**Aziz heidarikia**

October and 2020

1. Schneider [↑](#footnote-ref-1)
2. Terry Lane Carl [↑](#footnote-ref-2)
3. Saraf & Juanji [↑](#footnote-ref-3)
4. Oti [↑](#footnote-ref-4)
5. Fields [↑](#footnote-ref-5)
6. Saraf and Juanji [↑](#footnote-ref-6)
7. Buclato [↑](#footnote-ref-7)
8. Martin & Sabramanian [↑](#footnote-ref-8)
9. . Strauss [↑](#footnote-ref-9)
10. . Glaser [↑](#footnote-ref-10)
11. . Open Coding [↑](#footnote-ref-11)
12. . Axial Coding [↑](#footnote-ref-12)
13. . Selective Coding [↑](#footnote-ref-13)
14. . Michael Patton [↑](#footnote-ref-14)
15. . Gall [↑](#footnote-ref-15)
16. . strength & weaknesses & opportunity & threats [↑](#footnote-ref-16)
17. . Hill and Westbrook [↑](#footnote-ref-17)
18. . Cutler [↑](#footnote-ref-18)
19. . Kangas [↑](#footnote-ref-19)
20. . Deinser [↑](#footnote-ref-20)
21. . Strengths [↑](#footnote-ref-21)
22. . Weaknesses [↑](#footnote-ref-22)
23. . Opportunities [↑](#footnote-ref-23)
24. . threats [↑](#footnote-ref-24)
25. . Passons [↑](#footnote-ref-25)
26. . Simmel and Radcliffe Brown [↑](#footnote-ref-26)
27. . Althusser and Habermas [↑](#footnote-ref-27)
28. . Giddens [↑](#footnote-ref-28)
29. . Lewis [↑](#footnote-ref-29)
30. . Joshi [↑](#footnote-ref-30)
31. . Thirlwall [↑](#footnote-ref-31)
32. . Galbraith [↑](#footnote-ref-32)
33. . Dutch disease [↑](#footnote-ref-33)
34. . Organization of Economic Co-operation and Development. [↑](#footnote-ref-34)
35. . nternational Energy Agency (IEA). [↑](#footnote-ref-35)
36. . Geopolitics of Energy [↑](#footnote-ref-36)
37. . Strain theory. [↑](#footnote-ref-37)
38. . Merton. [↑](#footnote-ref-38)
39. . tradable [↑](#footnote-ref-39)
40. . non-tradable [↑](#footnote-ref-40)
41. . Carneiro [↑](#footnote-ref-41)
42. . Colier and Goderis [↑](#footnote-ref-42)
43. . taxation effects [↑](#footnote-ref-43)
44. . Meyer and Rosenboum [↑](#footnote-ref-44)
45. . spending effect [↑](#footnote-ref-45)
46. . Hesham and Wang [↑](#footnote-ref-46)
47. . modernization effect [↑](#footnote-ref-47)
48. . revenue volatility [↑](#footnote-ref-48)
49. . Alesina and Rodrik [↑](#footnote-ref-49)
50. . Sala-i-Martin and Subramanian [↑](#footnote-ref-50)
51. . quality effect [↑](#footnote-ref-51)
52. . Ramey and Ramey [↑](#footnote-ref-52)
53. . Aizenman and Marion [↑](#footnote-ref-53)
54. . Devlin and Lewin [↑](#footnote-ref-54)
55. اين روش براي محاسبه هماهنگي دروني ابزار اندازه‌گيري از جمله پرسشنامه‌ها يا آزمودن‌هايي كه ويژگيهاي مختلف را اندازه‌گيري مي‌كنند بكار مي‌رود. در اينگونه ابزار، پاسخ هر سوال مي‌تواند مقادير عددي مختلف را اختيار كند. سرمد و همكاران (1387) معتقدندكه؛ براي محاسبه ضريب آلفاي كرونباخ ابتدا بايد واريانس نمره‌هاي هر زيرمجموعه سوالات پرسشنامه يا زيرآزمون و واريانس كل را محاسبه نمود. سپس با استفاده از فرمول مربوطه مقدار ضريب آلفا را بدست آورد(سرمد و همكاران، 1387) [↑](#footnote-ref-55)
56. Data Analysis – Coding [↑](#footnote-ref-56)
57. Qualitative research [↑](#footnote-ref-57)
58. Underlying theory [↑](#footnote-ref-58)
59. Encoded of opening [↑](#footnote-ref-59)
60. . Sarraf & Jiwanji [↑](#footnote-ref-60)